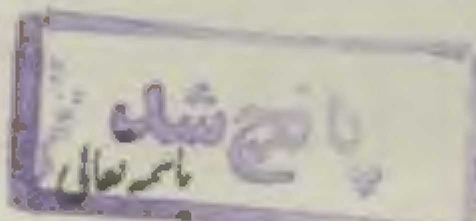




کتاب تحیة الزائر وبلغة المجاور

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد واله الطیبین الطاهرین

وبعد چون بهترین زاد برای سفر هولناك معاد ومحکم ترین وسیله بجهة سلامتی ونجات از ورطه عظیمه ومنزل مخوف مرصاد پس از تکمیل معارف وادای فرائض الهیه وترك محرمات خیر مستمر وصدقۀ جاریه است که پیوسته مثوبات ان بصاحبش خواهد رسید وعاصی تباه کار را از شدائد سکرات وعقوبات برزخ وهولهای عقبات قیامت خواهد رهانید واز اینجهة ائمۀ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ترغیب وتحریص بسیار وبتحصیل ان فرمودند بلکه جابر بن یزید جعفی میکوید شنیدم از حضرت امام محمد باقر علیه السلم که میفرمودند چکونه قوم رغبت نمیکنند در انکه عمل خیر کنند وحال انکه علی علیه السلم

۴۵

چنان بود با اینکه بندهٔ خداوند بود که بهشت برایش واجب کرده بود عقار
و مستغلاتی را برای خداوند تبارك و تعالی معین نمود پس از اصدقه مستمرّه
قرار داد که جاری شود بعد از او برای فقرا و عرضکرد بارخدایا من اینرا
چنین قرار دادم که برگردانی اتش را از روی من و برگردانی روی مرا
از اتش و حضرت صادق علیه السلام فرمود مرد را پس از مردن اجری و ثوابی
از پی نرسد جز سه خصلت یعنی از این سه راه صدقهٔ جاریه که انرا در ایام
حیوتش جاری کرده بنحویکه پس از مردنش برقرار و جاری است و فرزند
صالحی که برایش دعا کند و سنّت حسنه که انرا مقرّر کرده و بان عمل
میشود پس از مردنش و از این رقم اخبار بسیار است و بر هر هوشمند بصیری
پوشیده نیست که بزرگی و زیادی اجر و ثواب این قسم صدقات برحسب
بزرگی و کثرت و تفاوت درجات منافع صدقات جاریه است مثلا کسی
درختی در کنار راه مسلمانان در بیابان که از بلدی ببلدی میروندمی
کارد برای انکه عابرین در وقت مرور از انجا هنگام شدّت گرما در زیر
سایهٔ ان ساعتی اسوده و مستریح شوند و بی کلفت بلوازم زندگی خود
از خوردن و اشامیدن و خوابیدن برسند و بروند دیگری کاروانسرائی
در منازل از راه میسازد خصوص منزلیکه سایه و عمارتی ندارد و باین
صدقه مستمرّه در هر هفته و ماه هزارها جان و مال و عرض مسلمانانرا

حفظ وحراست میکند دیگری مدرسه ومسجدی درچنان محلّ بنا میکند

وازان بنا وصدقه جاریه هزارها نفع دینی از علم وعمل بلکه دنیوی نیز هر

روزه به اخوان مؤمنین میرساند وهکذا وتفاوت درجات منافع این صدقات

بحسب بزرگی اجر وثواب واضح است چنانچه مخفی نیست که انچه از انها

دارای نفع دینی عمومی است مقامش شریفتر ودرجه اش رفیعتر وثوابش

بیشتر است پس مؤمن زیرك درکارهای دینیه باقدرت برچنگزدن به

دامان این رقم از اعمال خیریه هرگز دست از او نخواهد کشید ولهذا

عالیشان عزّت وسعادت نشان زائر ائمّه انام علیهم السّلم خیر الحاج محمّد

علی سمسار تبریزی خلف الصدق مشهدی اقا بن مشهدی محمّد در این مقام

برامد که از ان رقم زاد وتوشه واز این خرمن جعفریّه خوشه بردارد پس

از این احقر خدّام اثار اهل بیت علیهم السّلم حسین بن محمّد تقی نوری طبرسی

حشرهما الله تعالی مع موالیه خواهش نمود رساله که دران نفع دینی باشد

برای کافه مجاوران وزایران بقاع مطهره ائمه عراق صلوات الله علیهم

وعالم وعامی ومرد وزن ووضیع وشریف همه ازان بهره مند شوند ودر

اناء لیل ونهار بفیوضات غیرمتناهیه ان برسند تالیف نموده تا انرا به

زیور طبع دراورده ودران قباب عالیه عموم اخوان مؤمنین را به بهترین

موائد پیوسته ضیافت نموده واز انچه باین جماعت رسد از اجر وثواب

بیحساب در حیاة و ممات حظّی وافر و سهمی متکاثر برده باشد و چون بندۀ
موصی الیه خالص و حاجتش از جهاتی راجح و در رضای ان امید صادق و
رجاء واثق بود در شرکت در ان مثوبات جلیله لهذا اجابت نموده و
این مجموعۀ لطیفه و رسالۀ شریفه را تالیف کرده و نام انرا تحیّة الزّائر
و بلغة المجاور کذاشتم و مقصود اصلی در این رساله ذکر زیارات مخصوصه
حضرت سیّد الشهدا ابی عبدالله الحسین علیه السّلام است با بیان
اعتبار و ماثور بودن انها از ائمه طاهرین علیهم السّلم زیرا که علامۀ مجلسی
رحمه الله انها را در کتاب تحفة الزّائر نقل نکرده بلکه فرموده مظنون
انستکه از تالیف علما باشد و در جائی فرموده چون علما انها را نسبت
بروایت نداده‌اند لهذا ذکر نکردم و در موضع دیکر کفته از برای این ایّام
زیارت منقوله نیافتم و از این جهة این زیارت را اعتبار و اعتماد ساقط
نموده‌اند و غالبا اهل علم در ان ایام مخصوصا اهتمامی در خواندن ان
زیارات نداده‌اند لهذا بخاطر رسید که اکر از این اعتبار انها ذکر شود
و ان زیارات در عدد زیارات معروفه محسوب کردد خدمتی است شایسته
بکافۀ اهل علم و چون بنا بر ذکر انها شد مناسب دیدم ذکر زیارات مخصوصه
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم چون در انجا نیز بعضی فوائد نافعه است
که کتب علامۀ مذکور از ان خالیست چه رسد بدیکران و بجهة محتاج بودن

دارای این مجموعهٔ شریفه بکتاب یکو بجههٔ هر ماهی از ائمهٔ عراق صلوات
الله علیهم زیارت مطلقه که بنظر اتقن زیارات است ذکر خواهد شد
ونیز اذن دخول عمومی وجامعه و وداعی ملحق خواهد شد باز یارتی
بجههٔ امام زادگان عظیم الشان وفوائد مختصرهٔ نافعه پس تمام انچه در
این اوراق ثبت میشود از این قرار است اذن دخول در همهٔ حرمهای
مشرفه زیارات مخصوصهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام زیارت
غدیر زیارت مولود در هفدهم ربیع الاوّل زیارت مبعث
در بیست و هفتم رجب زیارت مطلقهٔ انحضرت و بعضی متفرقات
زیارات مخصوصهٔ حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام زیارت
اوّل رجب زیارت نیمهٔ رجب زیارت نیمهٔ شعبان زیارت
لیالی قدر زیارت عید فطر و عید اضحی زیارت عرفه زیارت
عاشوراء زیارت اربعین زیارت مطلقهٔ انحضرت زیارت
جناب عباس علیه السلام زیارت کاظمین علیهما السلام و بعضی ملحقات
ان زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت امام عصر صلوات
الله علیه زیارت حکیمه خاتون علیها السلام زیارت نرجس خاتون
علیها السلام زیارت جامعهٔ کبیره زیارت جامعهٔ صغیره دعائیکه
بعد از زیارت در حرمهای منوره خوانند نماز جعفر طیار در حرمها

مطهّره زیارت اولاد ائمّه علیهم السّلم بعضی متفرّقات مهمّهٔ
نافعه وتمام اینها درضمن یکمقدّمه وچهار فصل ویك خاتمه ذکر
میشود مقدّمه درذکر اذن دخول فصل اوّل دربیان زیارات
مخصوصه ومطلقه حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلم فصل دوّم درشرح
زیارات مخصوصه ومطلقه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السّلم
وزیارت ابی الفضل ع فصل سیّم درانچه متعلّق بکاظمین وسرّمن
رای است فصل چهارم درذکر زیارات جامعه ودعا ونماز که
درهمهٔ مشاهد شریفه بایست بجا اورد خاتمه درزیارت انبیا
وامامزادکان وبعضی متفرّقات نافعه مقدّمه درذکر اذن
دخول عالم جلیل شیخ ابرهیم کفعمی ره درکتاب بلدالامین ودرکتاب
جنّة الواقیة که معروفست بمصباح کفعمی این اذن دخولرا برای
همهٔ مشاهد مشرّفه نقل کرده ودرثانی گفته چون خواستی داخل
شوی بر پیغمبر صلّی الله علیه وآله یعنی درمسجد معظّم آنحضرت یادر
یکی ازمشاهد ائمّه علیهم السّلم پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی وَقَفْتُ عَلٰی
بابِ بَیْتٍ مِنْ اَبْوابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ
النّاسَ اَنْ یَدْخُلوا بُیُوتَهُ اِلّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتَ یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلوا
بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلّا اَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنّی اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ هٰذَا

المشهد

الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِی غَیْبَتِهِ کَمَا اَعْتَقِدُهَا فِی حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ
وَخُلَفَاءَكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمْ اَحْیَاءٌ عِنْدَكَ یُرْزَقُونَ یَرَوْنَ مَقَامِی وَ
یَسْمَعُونَ کَلَامِی وَیَرُدُّونَ سَلَامِی وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِی کَلَامَهُمْ
وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِی بِلَذِیذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَاِنِّی اَسْتَاْذِنُكَ یَارَبِّ اَوَّلًا وَ
اَسْتَاْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ ثَانِیًا وَاَسْتَاْذِنُ خَلِیفَتَكَ
الْاِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طَاعَتُهُ فلان بن فلان بجای فلان بن فلان نام
ان امامیکه میخواهد داخل شود درحرمش ونام پدرش ببرد پس
بگوید وَالْمَلَائِکَةَ الْمُوَکَّلِینَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَکَةِ ثَالِثًا ءَاَدْخُلُ یَا
رَسُولَ اللهِ ءَاَدْخُلُ یَاحُجَّةَ اللهِ ءَاَدْخُلُ یَامَلَائِکَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِینَ الْمُقِیمِینَ
فِی هٰذَا الْمَشْهَدِ فَاْذَنْ لِی یَامَوْلَایَ فِی الدُّخُولِ اَفْضَلَ مَا اَذِنْتَ لِاَحَدٍ
مِنْ اَوْلِیَائِكَ فَاِنْ لَمْ اَکُنْ اَهْلًا لِذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلٌ لَهُ پس عتبه راببوس
وداخل شو وبگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِی سَبِیلِ اللهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ
صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِیمُ مؤلفگوید شیخ مفید ومحمد بن مشهدی وسید علی بن طاوس
وشهید رحمهم الله دراینمقام اذن دخولی نقل کردند قریب بانچه نقل
نمودیم ولکن اختلاف بسیاری دارند وچون این نسخه شایع بود محض
نشران دراینجا اختیار نمودیم **فصل اوّل** درزیارات مخصوصه

ومطلقه حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلم ودران سه مقام است
مقام اوّل در مخصوصه وان سه زیارت است اوّل زیارت روز
غدیر بدانکه علامهٔ مجلسیؒ در کتاب بحار وکتاب تحفة الزائر سه زیارت
برای این روز نقل کرده اوّل زیارت امین الله که از زیارات معتبره
جامعه معروفه است ودر زیارات مطلقه حضرت امیرالمؤمنین علیه
السّلم نیز ذکر شده دوّم زیارتی طولانی که دراینجا ذکر میشود انشاء
الله تعالی ودر تحفه چنین فرموده دوّم زیارتیست که شیخ مفید وشیخ
شهید علیهما الرحمة وغیر ایشان روایت کرده اند که حضرت امام حسن
عسکری علیه السّلم در سالیکه معتصم علیه اللعنة انحضرترا طلبیده بود در
روز غدیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام را با این لفظ زیارت کردند
انکاه مختصری از اداب واصل زیارت را نقل نمودند ودر بحار نیز
چنین ذکر کرده جز انکه در اخر زیارت پارهٔ از مشکلاتش را توضیح نموده
وشروع در مطلب دیکر کرده اند وما قبل از ذکر زیارت ناچاریم از ذکر
چند فائده اوّل انکه نسبت این زیارت بحضرت امام حسن عسکری
علیه السّلام در کتاب تحفه از سهو قلم است بلکه انجناب این زیارت را
از پدر بزرکوار خود امام علی النقی علیه السّلام روایت کرده که انحضرت
دران روز جدّ بزرکوار خود را بان نحو زیارت کرد چنانکه خود انحضرت

در کتاب بحار روده یگران تماما تصریح نمودند وخواهد امد وعلاوه
معتصم انجناب ابن طلبیده بود بلکه هلاک شد قبل از ولادت باسعادت
انحضرت بسه سال تقریبا دقهٔ انکه مزار شیخ جلیل محمّد بن المشهدی
که از بزرکان علماء است وما در فصل اینده اشاره بعلوّ مقام او
خواهیم کرد انشاء الله در نزد علاّمه مذکور بود وازانکتاب در تحفه
وبحار بسیار نقل میکند بلکه بیشتر زیارات منقوله در بحار ازانکتاب
شریف است وهر جا مزار کبیر میکویند مراد همین است ومحل حیرت شده
که در اینجا چکونه ازان مزار غفلت نمود ودر انجا نظری نکرد وزیارت
معهوده را ازانجا نقل ننمود با انکه در اینمقام نقل ازان اولی بلکه
بملاحظهٔ سیره ایشان لازم ومتحتّم بود زیرا که زیارت مذکوره در مزار
شیخ مفید وشیخ شهید رهٖ سند ندارد وچون سند ندارد بحسب اصطلاح
این خبر ضعیف واعتبار ان بملاحظهٔ نقل ان دو بزرکوار است که خبر
بی پا وانکتاب بی اعتبار نقل نمیکنند والاّ اینخبر بنحو یکه نقل کردند بملاحظه
خودش قوّتی ندارد واما در مزار کبیر پس برای ان سند بسیار معتبری
ذکر نموده که کمتر خبری بقوّت سند او برسد وعبارت او در اینمقام چنین
است زیارة اخری لمولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب مختصّة بیوم الغدیر صلوات الله علیه الغدیر
اخبرنی بهذه الزّیارة الشریف الاجل العالم ابو جعفر محمد المعروف بابن المجد

النحوی رفع الحدیث الی الفقیه العسکری صلوات الله علیه فی شهور سنة احدی
وسبعین وخمسمائة واخبرنی الفقیه الاجل ابو الفضل شاذان بن جبرئیل
القمی رضی الله عنه عن الفقیه العماد محمّد بن ابی القسم الطبری عن ابی علی
عن والده محمّد بن الحسن عن الشیخ المفید محمّد بن محمّد بن النعمان عن ابی
القسم جعفر بن قولویه عن محمّد بن یعقوب الکلینی عن علی بن ابراهیم عن ابیه
عن ابی القسم ابن روح وعثمان بن سعید العمری عن ابی محمّد الحسن بن
علی العسکری عن ابیه صلوات الله علیهما وذکر انه علیه السّلام زار بها
فی یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه المعتصم تقف علیه صلوات الله علیه
وتقول السّلم الخ واین سلسلهٔ شریفه همه از اعیان علماء وشیوخ طائفه
ورؤسا مذهب واجلاء رواتند وابو القاسم بن روح وعثمان بن سعید رضی
الله عنهما هر دو از نوّاب امام عصر علیه السّلم اند وبعد از تأمّل معلوم می
شود در تمام زیارات مأثوره زیادتی باین درجه از صحّت واعتبار وقوّت
سند پیدا نمیشود سیّما انکه صریح کلمات این سه عالم جلیل در این سه
مزار ان است که این زیارت مختصّ است بروز غدیر برای انکه در
این روز سعید در مشهد منوّر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم حاضر می
شوند ولکن در مزار قدیم که اجمالی از حال انرا در خاتمهٔ کتاب مستدرک
ذکر کردم ونسخهٔ کهنه انان بدست امد که ظاهرا در عهد مؤلف که از معاصرین

محمد بن مشهدی است نوشته شده و مظنون انستکه از قطب راوندی
باشد این زیارت مذکور است باهمان سند ولکن در دو جا اختلاف
دارد اول انکه در انجا بدر علی بن ابراهیم در سند نیست و باین قسم
وارد علی بن ابراهیم عن الشیخ ابی القسم بن روح الخ دوم انکه در انجا
چنین است عن الشیخ ابی القسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید
و بملاحظه طبقات رواة این سند اقرب است بصواب بهر حال در این
مزار شریف بعد از ذکر سند چنین فرموده عن الشیخ الجلیل عثمان بن
سعید العمری قدس الله ارواحهم عن مولانا ابی محمد الحسن بن علی العسکری
عن مولانا ابیه علی بن محمد الهادی صلوات الله علیهم و ذکر انه زار بها
مولانا امیر المؤمنین علیه السلام یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه فیها
المعتصم فقف علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات
الله علیه و آله و کلما حضرت مشهده الشریف واین حللت من البلاد فزر
بهذه الزیارة وخصوصا یوم الغدیر عثمان بن سعید از امام حسن عسکری
روایت کرده که انحضرت فرمودند بزرگوارش باین زیارت امیر المؤمنین
علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرد در انسالیکه معتصم انجناب را
طلبیده بود. پس میابستی بر سر قبر حضرت امیر المؤمنین ع و هر وقت که
حاضر شدی در ان مشهد شریف و در هر بلد که باشی پس انحضرت را زیارت

لکن باین زیارت خصوص در روز غدیر واین عبارت صریح است در
انکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور میشود خواند واین فایده
جلیله ایست که البته راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه
ولایت انرا غنیمت خواهند شمرد و ما زیارت را از مزار مفید که در بحار
نقل کرده ذکر میکنیم چون اطمینان بصحت کلمات ان بیشتر است پس
میگوئیم شیخ مفید قدس سره در مزار خود فرموده که چون اراده زیارة
نمائی یعنی در روز غدیر پس بایست بر در قبهٔ منوره و رخصت طلب نما
پس پای راست را بر پای چپ مقدم دار و داخل شو و برو نزدیک ضریح
مقدس و رو باو بایست و قبله را در میان دو کتف خود قرار ده و بگو
اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلينَ وَصَفْوَةِ
رَبِّ الْعالَمينَ اَمينِ اللّٰهِ عَلیٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ
لِمَا اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَ
تَحِيّاتُهُ وَالسَّلامُ عَلیٰ اَنْبِياءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَمَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَعِبادِهِ
الصّالِحينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيّينَ وَوارِثَ
عِلْمِ النَّبِيّينَ وَوَلِيَّ رَبِّ الْعالَمينَ وَمَوْلايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ يا اَمينَ اللّٰهِ فی اَرْضِهِ
وَسَفيرَهُ فی خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبالِغَةَ عَلیٰ عِبادِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا دينَ اللّٰهِ

الْقَوِيمِ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَيُّهَا النَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ
مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْئَلُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اٰمَنْتَ بِاللهِ وَهُمْ
مُشْرِكُونَ وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ وَهُمْ
مُحْجِمُونَ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ
اَلَا لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظَّالِمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْ
مِنِينَ وَاِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ
اَخُو رَسُولِ اللهِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَاَمِينُهُ عَلٰى شَرْعِهِ وَخَلِيفَتُهُ
فِي اُمَّتِهِ وَاَوَّلُ مَنْ اٰمَنَ بِاللهِ وَصَدَّقَ بِمَا اُنْزِلَ عَلٰى نَبِيِّهِ وَاَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ
بَلَّغَ عَنِ اللهِ مَا اَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِاَمْرِهِ وَاَوْجَبَ عَلٰى اُمَّتِهِ فَرْضَ طَاعَتِكَ
وَوِلَايَتِكَ وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ وَجَعَلَكَ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ
كَمَا جَعَلَهُ اللهُ كَذٰلِكَ ثُمَّ اَشْهَدَ اللهَ تَعَالٰى عَلَيْهِمْ فَقَالَ اَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا
اَللّٰهُمَّ بَلٰى فَقَالَ اَللّٰهُمَّ اشْهَدْ وَكَفٰى بِكَ شَهِيدًا وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ فَلَعَنَ اللهُ
جَاحِدَ وِلَايَتِكَ بَعْدَ الْاِقْرَارِ وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللهِ تَعَالٰى وَاَنَّ اللهَ تَعَالٰى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا
عَاهَدَ عَلَيْهُ اللهَ فَسَيُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ
الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ وَاَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْاُمَّةِ بِذٰلِكَ الرَّسُولُ
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَعَمَّكَ وَاَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللهَ بِنُفُوسِكُمْ فَاَنْزَلَ اللهُ فِيكُمْ

إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ
اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ وَ
مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِيْ بَايَعْتُمْ بِهٖ وَذٰلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ التَّائِبُوْنَ الْعَابِدُوْنَ الْحَامِدُوْنَ السَّائِحُوْنَ الرَّاكِعُوْنَ السَّاجِدُوْنَ
الْاٰمِرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ النَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُوْنَ لِحُدُوْدِ اللّٰهِ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِيْنَ اَشْهَدُ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنَّ الشَّاكَّ فِيْكَ مَا اٰمَنَ بِالرَّسُوْلِ الْاَمِيْنِ
وَاَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ عَنِ الدِّيْنِ الْقَوِيْمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَا
لَمِيْنَ وَاَكْمَلَهٗ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيْرِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ
وَاَنَّ هٰذَا صِرَاطِيْ مُسْتَقِيْمًا فَاتَّبِعُوْهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيْلِهٖ
ضَلَّ وَاللّٰهِ وَاَضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا
لِاَمْرِكَ وَاَطَعْنَا وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيْمَ فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا اِلٰى طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِيْنَ لِاَنْعُمِكَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوٰى مُخَالِفًا وَلِلتُّقٰى مُحَالِفًا وَعَلٰى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَعَنِ
النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا وَاِذَا عُصِيَ اللّٰهُ سَاخِطًا وَاِذَا اُطِيْعَ اللّٰهُ رَاضِيًا وَبِمَا
عَهِدَ اِلَيْكَ عَامِلًا رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ حَافِظًا مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ مُنْتَظِرًا
مَا وُعِدْتَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا وَلَا اَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ
جَازِعًا وَلَا اَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ عَاصِيْكَ نَاكِلًا وَلَا اَظْهَرْتَ الرِّضَا

عَادِلٌ

لِمَا اسْتُوْدِعْتَ

بِخِلَافِ

بخلاف ما یرضی اللّٰه مداهنا ولا وهنت لما اصابک فی سبیل اللّٰه ولا
ضعفت ولا استکنت عن طلب حقک مراقبا معاذ اللّٰه ان تکون کذلک مراغما
بل اذ ظلمت احتسبت ربک وفوضت الیه امرک وذکرتهم فما ادکروا و
وعظتهم فما اتعظوا وخوفتهم اللّٰه فما تخوفوا واشهد انک یا امیر المؤمنین
جاهدت فی اللّٰه حق جهاده حتی دعاک اللّٰه الی جواره وقبضک الیه
باختیاره والزم اعداءک الحجة بقتلهم ایاک لتکون الحجة لک علیهم مع
ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه السلام علیک یا امیر المؤمنین عبدت
اللّٰه مخلصا وجاهدت فی اللّٰه صابرا وجدت بنفسک محتسبا وعملت
بکتابه واتبعت سنة نبیه واقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر ما استطعت مبتغیا ما عند اللّٰه راغبا فیما وعد اللّٰه
لا تحفل بالنوائب ولا تهن عند الشدائد ولا تحجم عن محارب افک من
نسب غیر ذلک الیک وافتری باطلا علیک واولی لمن عند عنک لقد
جاهدت فی اللّٰه حق الجهاد وصبرت علی الاذی صبر احتساب وانت
اول من آمن باللّٰه وصلی له وجاهد وابدی صفحته فی دار الشرک و
الارض مشحونة ضلالة والشیطان یعبد جهرة وانت القائل لا تزیدنی
کثرة الناس حولی عزة ولا تفرقهم عنی وحشة ولو اسلمنی الناس جمیعا
لم اکن متضرعا اعتصمت باللّٰه فعززت وآثرت الاخرة علی الاولی فزهدت وابتدا

وَاَيَّدَكَ اللّٰهُ وَهَدَاكَ وَاَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ فَمَا تَنَاقَضَتْ اَفْعَالُكَ وَلَا
اخْتَلَفَتْ اَقْوَالُكَ وَلَا تَقَلَّبَتْ اَحْوَالُكَ وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللّٰهِ
كَذِبًا وَلَا شَرِهْتَ اِلَى الْحُطَامِ وَلَا دَنَّسَكَ الْاٰثَامُ وَلَمْ تَزَلْ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ
رَبِّكَ وَيَقِيْنٍ مِنْ اَمْرِكَ تَهْدِيْ اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ اَشْهَدُ
شَهَادَةَ حَقٍّ وَاُقْسِمُ بِاللّٰهِ قَسَمَ صِدْقٍ اَنَّ مُحَمَّدًا وَاٰلَهُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ
سَادَاتُ الْخَلْقِ وَاَنَّكَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَنَّكَ عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيُّهُ
وَاَخُو الرَّسُوْلِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ وَاَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ وَالَّذِيْ بَعَثَنِيْ بِالْحَقِّ
مَا اٰمَنَ بِيْ مَنْ كَفَرَ بِكَ وَلَا اَقَرَّ بِاللّٰهِ مَنْ جَحَدَكَ وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ
وَلَمْ يَهْتَدِ اِلَى اللّٰهِ وَلَا اِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِيْ بِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّيْ عَزَّ وَجَلَّ
وَاِنِّيْ لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدٰى اِلٰى وِلَايَتِكَ مَوْلَايَ
فَضْلُكَ لَا يَخْفٰى وَنُوْرُكَ لَا يُطْفَأُ وَاَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظَّلُوْمُ الْاَشْقٰى مَوْلَايَ
اَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَالْهَادِيْ اِلَى الرَّشَادِ وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ مَوْلَايَ لَقَدْ
رَفَعَ اللّٰهُ فِي الْاُوْلٰى مَنْزِلَتَكَ وَاَعْلٰى فِي الْاٰخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَبَصَّرَكَ مَا
عَمِيَ عَلٰى مَنْ خَالَفَكَ وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللّٰهِ لَكَ فَلَعَنَ اللّٰهُ مُسْتَحِلِّي
الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّهُمُ الْاَخْسَرُوْنَ الَّذِيْنَ تَلْفَحُ
وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيْهَا كَالِحُوْنَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مَا اَقْدَمْتَ وَلَا اَحْجَمْتَ
وَلَا نَطَقْتَ وَلَا اَمْسَكْتَ اِلَّا بِاَمْرٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ قُلْتَ وَالَّذِيْ نَفْسِيْ

١٢٢٨

بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدُماً فَقَالَ يَا عَلِيُّ اَنْتَ مِنِّى بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسٰى اِلَّا اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِى وَاُعْلِمُكَ اَنَّ مَوْتَكَ وَحَيٰوتَكَ مَعِى وَعَلٰى سُنَّتِى فَوَاللّٰهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلَّ بِى وَلَا نَسِيتُ مَا عَهِدَ اِلَىَّ رَبِّى وَاِنِّى لَعَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّى بَيَّنَهَا لِلنَّبِيِّ وَبَيَّنَهَا النَّبِيُّ لِى وَاِنِّى لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ اَلْفِظُهُ لَفْظًا صَدَقْتَ وَاللّٰهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ وَاللّٰهُ جَلَّ اِسْمُهُ يَقُولُ هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وِلَايَتَكَ وَاَنْتَ وَلِيُّ اللّٰهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِى نَطَقَ الْقُرْاٰنُ بِتَفْضِيلِهِ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجَاهَدَ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِى سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيمٌ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللّٰهِ الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللّٰهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدٰى بَدَلًا وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ

١٨ ل قُدَّامَهُ بِالسَّيْفِ

اَحَدًا

أحداً وأنّ الله تعالى استجاب لنبيّه صلّى الله عليه وآله فيك دعوته
ثمّ أمره بإظهار ما أولاك لأمّته إعلاءً لشأنك وإعلاناً لبرهانك و
دحضاً للأباطيل وقطعاً للمعاذير فلمّا أشفق من فتنة الفاسقين و
اتّقى فيك المنافقين أوحى إليه ربّ العالمين يا أيّها الرّسول بلّغ ما أنزل
إليك من ربّك وإن لم تفعل فما بلّغت رسالته والله يعصمك من النّاس
فوضع على نفسه أوزار المسير ونهض في رمضاء الهجير فخطب وأسمع
ونادى فأبلغ ثمّ سألهم أجمع فقال هل بلّغت فقالوا اللّهمّ بلى فقال
اللّهمّ اشهد ثمّ قال ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم فقالوا بلى فأخذ بيدك
وقال من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه اللّهمّ وال من والاه وعاد من
عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله فما آمن بما أنزل الله فيك
على بيّنة إلّا قليل ولا زاد أكثرهم غير تخسير ولقد أنزل الله تعالى
فيك من قبل وهم كارهون يا أيّها الّذين آمنوا من يرتدّ منكم عن دينه
فسوف يأتي الله بقوم يحبّهم ويحبّونه أذلّة على المؤمنين أعزّة على الكافرين
يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه
من يشاء والله واسع عليم إنّما وليّكم الله ورسوله والّذين آمنوا الّذين يقيمون
الصّلوة ويؤتون الزّكوة وهم راكعون ومن يتولّ الله ورسوله والّذين آمنوا
فإنّ حزب الله هم الغالبون ربّنا آمنّا بما أنزلت واتّبعنا الرّسول فاكتبنا

مع

مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنْ
مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهٖ وَكَفَرَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَاَوَّلَ الْعَابِدِينَ
وَاَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ اَنْتَ مُطْعِمُ
الطَّعَامِ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاَسِيرًا لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَآءً وَلَا
شُكُورًا وَفِيكَ اَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَيُؤْثِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَاَنْتَ الْكَاظِمُ لِلْغَيْظِ وَالْعَافِي
عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَاَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِينَ
الْبَاْسِ وَاَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللّٰهِ
مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَاللّٰهُ تَعَالٰى اَخْبَرَ عَمَّا اَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهٖ بِقَوْلِهٖ اَفَمَنْ كَانَ
مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ اَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ
جَنَّاتُ الْمَاْوٰى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَاَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ
التَّاْوِيلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ
الْاَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْاَحْزَابِ اِذْ زَاغَتِ الْاَبْصَارُ وَبَلَغَتِ
الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللّٰهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا
زِلْزَالًا شَدِيدًا وَاِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا

الله ورسوله الا غرورا واذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم
فارجعوا ويستاذن فريق منهم النبي يقولون ان بيوتنا عورة وما هي
بعورة ان يريدون الا فرارا وقال الله تعالى ولما راى المؤمنون الاحزاب
قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا
ايمانا وتسليما فقتلت عمرهم وهزمت جمعهم ورد الله الذين كفروا بغيظهم
لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا ويوم احد
اذ يصعدون ولا يلوون على احد والرسول يدعوهم في اخراهم وانت تذود
بهم المشركين عن النبي ذات اليمين وذات الشمال حتى ردهم الله تعالى عنكما
خائفين ونصرت الخاذلين ويوم حنين على ما نطق به التنزيل اذ اعجبتكم
كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم
مدبرين ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين والمؤمنون انت
ومن يليك وعمك العباس ينادي المنهزمين يا اصحاب سورة البقرة يا
اهل بيعة الشجرة حتى استجاب له قوم قد كفيتهم المؤنة وتكفلت دونهم
المعونة فعادوا ايسين من المثوبة راجين وعد الله تعالى بالتوبة وذلك
قول الله جل ذكره ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء وانت حائز
درجة الصبر فائز بعظيم الاجر ويوم خيبر اذ اظهر الله جور المنافقين
وقطع دابر الكافرين والحمد لله رب العالمين ولقد كانوا عاهدوا الله

مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْاَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللهِ مَسْئُولًا مَوْلَايَ اَنْتَ الْحُجَّةُ
الْبَالِغَةُ وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ فَهَنِيئًا
لَكَ بِمَا آتَاكَ اللهُ مِنْ فَضْلٍ وَتَبًّا لِشَانِئِكَ ذِي الْجَهْلِ شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ تَحْمِلُ الرَّايَةَ اَمَامَهُ وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ
قُدَّامَهُ ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْاُمُورِ اَمَّرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ
عَلَيْكَ اَمِيرٌ وَكَمْ مِنْ اَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ اِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التُّقَى وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ
فِي مِثْلِهِ الْهَوَى فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ اَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا اِلَيْهِ انْتَهَى ضَلَّ وَاللهِ الظَّانُّ
لِذَلِكَ وَمَا اهْتَدَى وَلَقَدْ اَوْضَحْتَ مَا اَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَامْتَرَى
بِقَوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ وَدُونَهَا حَاجِزٌ
مِنْ تَقْوَى اللهِ فَيَدَعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ حَرِيجَةٌ
صَدَقْتَ وَاللهِ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ وَاِذْ مَاكَرَكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ
فَقُلْتَ لَهُمَا لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ فَاَخَذْتَ الْبَيْعَةَ
عَلَيْهِمَا وَجَدَّدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدَّا فِي النِّفَاقِ فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا اَغْفَلَا وَ
عَادَا وَمَا انْتَفَعَا وَكَانَ عَاقِبَةُ اَمْرِهِمَا خُسْرًا ثُمَّ تَلَاهُمَا اَهْلُ الشَّامِ فَسِرْتَ
اِلَيْهِمْ بَعْدَ الْاِعْذَارِ وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ هَمَجٌ رَعَاعٌ
ضَالُّونَ وَبِالَّذِي اُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ وَلِاَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ
نَاصِرُونَ وَقَدْ اَمَرَ اللهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ اِلَى نَصْرِكَ وَقَالَ عَزَّ

وَجَلَّ

وَقِيلَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ
الْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ وَأَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمْسِ فَلَكَ سَابِقَةُ
الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ وَعَدُوُّكَ
عَدُوُّ اللّٰهِ جَاحِدٌ لِرَسُولِ اللّٰهِ يَدْعُو بَاطِلًا وَيَحْكُمُ جَائِرًا وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ
يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ الرَّوَاحَ إِلَى الْجَنَّةِ
وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسُقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضَيَاحٌ مِنْ لَبَنٍ وَتَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ فَاعْتَرَضَهُ أَبُو
الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ
أَجْمَعِينَ وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَسَلَلْتَ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَلَمْ يَكْرَهْهُ
وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ
أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَجَحَدَ حَقَّكَ أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ
جَعَلَكَ اللّٰهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ وَصَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ
الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَقْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ غَصْبُ الصِّدِّيقَةِ
الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكًا وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدَيْنِ
سُلَالَتِكَ وَعِتْرَةِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ وَقَدْ أَعْلَى اللّٰهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ

الرَّوَاح

ص ضیاح بالفتح اللبن الخاثر الرقیق الممزوج یصب فیه الماء ثم یخلط ١٢

ع الغمط بالغین المعجمة والطاء المهملة الاستهانة والاحتقار

دَرَجَتَكُمْ وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ وَاَبَانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِيْنَ فَاَذْهَبَ عَنْكُمُ
الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيْرًا قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوْعًا اِذَا
مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوْعًا وَاِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوْعًا اِلَّا الْمُصَلِّيْنَ فَاسْتَثْنَى اللّٰهُ تَعَالٰى
نَبِيَّهُ الْمُصْطَفٰى وَاَنْتَ يَا سَيِّدَ الْاَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيْعِ الْخَلْقِ فَمَا اَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ
عَنِ الْحَقِّ ثُمَّ اَفْرَضُوْكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبٰى مَكْرًا وَاَحَادُوْهُ عَنْ اَهْلِهِ جَوْرًا فَلَمَّا
فرضوک ای اعطوک
اٰلَ الْاَمْرُ اِلَيْكَ اَجْرَيْتَهُمْ عَلٰى مَا اَجْرَيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللّٰهِ لَكَ فَاَشْبَهَتْ
مِحْنَتُكَ بِهِمَا مِحَنَ الْاَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْاَنْصَارِ وَ
اَشْبَهْتَ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيْحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِذْ اَجَبْتَ كَمَا اَجَابَ وَ
اَطَعْتَ كَمَا اَطَاعَ اِسْمٰعِيْلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا اِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ اِنِّيْ اَرٰى فِي الْمَنَامِ
اَنِّيْ اَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرٰى قَالَ يَا اَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِيْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ
مِنَ الصَّابِرِيْنَ وَكَذٰلِكَ اَنْتَ لَمَّا اَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَمَرَكَ
اَنْ تَضْجَعَ فِيْ مَرْقَدِهِ وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ اَسْرَعْتَ اِلٰى اِجَابَتِهِ مُطِيْعًا وَلِنَفْسِكَ
عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّنًا فَشَكَرَ اللّٰهُ تَعَالٰى طَاعَتَكَ وَاَبَانَ عَنْ جَمِيْلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ
ذِكْرُهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِيْ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّيْنَ
وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيْلَةً وَمَكْرًا فَاَعْرَضَ الشَّكُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ وَاتُّبِعَ الظَّنُّ
اَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هٰرُوْنَ اِذْ اَمَّرَهُ مُوْسٰى عَلٰى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوْا عَنْهُ وَهٰرُوْنُ
يُنَادِيْ بِهِمْ وَيَقُوْلُ يَا قَوْمِ اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَاِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُوْنِيْ وَاَطِيْعُوْا
امری

أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا
رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا
عَلَيْكَ وَاسْتَدْعَوْا نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ
وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ
عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ وَأَلْزَمُوكَ عَلَى سَفَهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ
وَأَحَبُّوهُ وَحَظَرْتَهُ وَأَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ وَأَنْتَ عَلَى نَهْجٍ بَصِيرَةٍ
وَهُدًى وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمًى فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ وَ
فِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ
عَانَدَكَ فَشَقِيَ وَهَوَى وَأَحْيَى بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدِيَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ
غَادِيَةً وَرَائِحَةً وَعَاكِفَةً وَذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصْفَكَ وَلَا يُحْبِطُ
الطَّاعِنُ فَضْلَكَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَأَذَبُّهُمْ عَنِ
الدِّينِ أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ وَفَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ تُخْمِدُ
لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنَانِكَ وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَيَانِكَ وَتَكْشِفُ لَبْسَ
الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى
لَكَ غِنًى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَتَقْرِيظِ الْوَاصِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ
مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ

ل ٥
عب
تعريط

والمارقين

وَالْمارِقينَ وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعْدَهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ قُلْتَ أَما آنَ أَنْ تُخْضَبَ هٰذِهِ مِنْ هٰذِهِ أَمْ مَتىٰ يُبْعَثُ أَشْقاها واثِقاً بِأَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَبَصيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ قادِمٌ عَلَى اللهِ مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذي بايَعْتَهُ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ اللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِيائِكَ وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ بِجَميعِ لَعَناتِكَ وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ وَالْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيَّكَ حَقَّهُ وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقينِ وَالْإِقْرارِ بِالْوِلايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدّينَ اللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْياعَهُمْ وَأَنْصارَهُمْ اللّٰهُمَّ الْعَنْ ظالِمِي الْحُسَيْنِ وَقاتِليهِ وَالْمُتابِعينَ عَدُوَّهُ وَناصِريهِ وَالرّاضينَ بِقَتْلِهِ وَخاذِليهِ لَعْناً وَبيلاً اللّٰهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانِعيهِمْ حُقُوقَهُمْ اللّٰهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلَّ مُسْتَنٍّ بِما سَنَّ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَعَلىٰ عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَاجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكينَ وَبِوِلايَتِهِمْ مِنَ الْفائِزينَ الْآمِنينَ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ

دوم زیارت مشهوره ولادت که روز هفدهم ربیع الاول است بنابر اصح چنانچه در رساله میزان السما انرا واضح نموده‌ایم جماعت بسیاری از علمای اعلام مثل شیخ مفید و محمد بن المشهدی و رضی الدین علی بن طاوس و شیخ شهید این زیارت را روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و سید در اقبال و شهید ذکر کرده‌اند

که آنحضرت

زیارت روز مولود

کہ انحضرت حضرت امیر المؤمنین علیہ السلم را در روز هفدهم ربیع الاول
چنین زیارت کردند وانرا بر ثقه عظیم الشان محمّد بن مسلم ثقفی تعلیم نمودند و
باو فرمودند که چون امدی بمشهد امیر المؤمنین ع پس غسل زیارت بکن وبپوش
پاکیزه ترین جامهای خود را وببوی خوشی خود را معطر نما وبرو وبر تو باد بارام
ووقار پس چون برسی بباب السّلام وظاهر امراد دحرم مطهر باشد پس روی
کن بقبله وسی مرتبه بگو اللّٰهُ اَکْبَرُ وبگو اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَمُ عَلٰی خِیَرَةِ
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْبَشِیرِ النَّذِیرِ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَمُ عَلٰی
اَنْبِیَآءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلِینَ وَعِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ اَلسَّلَامُ عَلَی الْمَلآئِکَةِ الْحَافِّینَ
بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّرِیحِ اللَّائِذِینَ بِهِ پس نزدیك شو بقبر وبگو اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ یَا وَصِیَّ الْاَوْصِیَآءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عِمَادَ الْاَتْقِیَآءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا
وَلِیَّ الْاَوْلِیَآءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَیِّدَ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اٰیَةَ اللّٰهِ الْعُظْمٰی
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خَامِسَ اَهْلِ الْعَبَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ الْاَتْقِیَاءِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عِصْمَةَ الْاَوْلِیَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا زَیْنَ الْمُوَحِّدِینَ النُّجَبَاءِ اَلسَّلَمُ
عَلَیْكَ یَا خَالِصَ الْاَخِلَّاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْاُمَنَاءِ اَلسَّلَمُ عَلَیْكَ
یَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ اَلسَّلَمُ عَلَیْكَ یَا قَاسِمَ الْجَنَّةِ وَلَظٰی اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ یَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّةُ وَمِنٰی اَلسَّلَمُ عَلَیْكَ یَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَکَنَفَ الْفُقَرَاءِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَنْ وُلِدَ فِی الْکَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِی السَّمَاءِ بِسَیِّدَةِ النِّسَاءِ وَکَانَ

ع ل
الحافظین لهذا الحرم

ع ل
اللظی

ع ل
کهف

شهود به

شُهُودُهَا الْمَلآئِكَةُ الاَصْفِيَاءُ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ اَلسَّلاَمُ ۲۸
عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلٰى فِرَاشِ
خَاتَمِ الاَنْبِيَاءِ وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الاَعْدَاءِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ خیبر
لَهُ الشَّمْسُ فَسَامٰى شَمْعُونَ الصَّفَا اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اَنْجَى اللهُ سَفِينَةَ نُوحٍ
بِاسْمِهِ وَاسْمِ اَخِيهِ حَيْثُ الْتَطَمَ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَطَمٰى اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ
اللهُ بِهِ وَبِاَخِيهِ عَلٰى آدَمَ اِذْ غَوٰى اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النَّجَاةِ الَّذِي مَنْ
رَكِبَهُ نَجٰى وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوٰى اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَذِئْبَ
الْفَلاَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللهِ عَلٰى مَنْ كَفَرَ وَاَنَابَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ ذَوِي الاَلْبَابِ اَلسَّلاَمُ
عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخِطَابِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
الْكِتَابِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ
النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ اَلسَّلاَمُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ يَوْمَ الاَحْزَابِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
خَلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَاَنَابَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْبَابِ اَلسَّلاَمُ بالوحدانیة
عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الاَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلٰى فِرَاشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَاَجَابَ
اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبٰى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ
يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يا من

يا من نزلت في فضله سورة العاديات السلام عليك يا من كتب اسمه في السما
على السرادقات السلام عليك يا مظهر العجائب والآيات السلام عليك
يا امير الغزوات السلام عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك
يا مخاطب ذئب الفلوات السلم عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلم
عليك يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السموات السلام عليك يا من
ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا والد الا
ئمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا تالي المبعوث
السلام عليك يا وارث علم خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا سيد الوصيين السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث
المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر
البراهين السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين
السلام عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك
يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين
الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته اجمعين السلم
عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الاولين والآخرين وصاحب
لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب
الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته

صدقات

السلام

السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضي وجنبه القوي وصراطه
السوي السلام على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري
السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة
الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى ومنار الهدى وذوي النهى
وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته
السلام على نور الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة
والنار المخبر عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين
من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار
المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية
المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم والد الائمة
الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام على نور
الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جا
هدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله
عليه واله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت احكامه
واقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم

الاجر حتی اتیک الیقین فلعن الله من دفعک عن حقک وازالک عن
مقامک ولعن الله من بلغه ذلک فرضی به اشهد الله وملائکته وانبیائه
ورسله انی ولی لمن والاک وعاد لمن عاداک السلام علیک ورحمة
الله وبرکاته پس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس وبگو اشهد انک تسمع
کلامی وتشهد مقامی واشهد لک یا ولی الله بالبلاغ والاداء یا مولای
یا حجة الله یا امین الله یا ولی الله ان بینی وبین الله عز وجل ذنوبا قد
اثقلت ظهری ومنعتنی من الرقاد وذکرها یقلقل احشائی وقد هربت
منها الی الله عز وجل والیک فبحق من ائتمنک علی سره واسترعاک امر
خلقه وقرن طاعتک بطاعته وموالاتک بموالاته کن لی الی الله شفیعا
ومن النار مجیرا وعلی الدهر ظهیرا پس باز خود را بقبر بچسبان و انرا ببوس
وبگو یا ولی الله یا حجة الله یا باب حطة الله ولیک وزائرک واللائذ
بقبرک والنازل بفنائک والمنیخ رحله فی جوارک یسئلک ان تشفع
له الی الله فی قضاء حاجته ونجح طلبته فی الدنیا والاخرة فان لک
عند الله الجاه العظیم والشفاعة المقبولة فاجعلنی یا مولای من همک
وادخلنی فی حزبک والسلام علیک وعلی ضجیعیک ادم ونوح والسلام
علیک وعلی ولدیک الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من
ذریتک ورحمة الله وبرکاته انگاه شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای

حضرت امیر المؤمنین ع و دو رکعت نماز زیارت برای جناب آدم ع و
دو رکعت نماز زیارت برای جناب نوح علیه السّلم و بسیار بخوان خدای
تعالی را که باجابت خواهد رسید انشاء الله تعالی مؤلّف گوید علامهٔ
مجلسی ره در مزار بحار این زیارترا برای اینروز از شیخ مفید و شیخ شهید
و کتاب اقبال ابن طاوس نقل نموده و بعد از ذکر زیارت فرموده که این
زیارت را مؤلف مزار کبیر روایت کرده از محمّد بن مسلم و انرا مخصوص نکرد
باین روز و ظاهر میشود از او که اینزیارت از زیارات مطلقه است و در تحفه
فرموده این زیارت بهترین زیاراتست و بسندهای معتبر در کتب معتبره
مذکور است و ظاهر بعض روایات ان است که خصوصیّت باین روز
ندارد و در هر وقت که این زیارترا بعمل اورد خوب است و چون علماء
در خصوص اینروز ذکر کرده اند ما نیز در اینجا ذکر کردیم انتهی از ان
سه عالم روایت را نقل کرد و ظاهراً مراد ایشان از بعض روایات روایت
مزار کبیر باشد که در بحار تصریح نموده و این فرمودهٔ ایشان از مطالب
عجیبه است چه دلالت عبارت مزار کبیر بر اختصاص اینزیارت باین
روز شریف بیشتر از عبارات دیگران است زیرا که عبارت مزار کبیر این
است زیارة اخری لامیر المؤمنین صلوات الله علیه فی سابع عشر ربیع
الأوّل عند طلوع الشمس و زار بها الصّادق علیه السّلم و علّمها لمحمّد بن مسلم

مراد از سه عالم شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس است عفی عنه

القمّی

لثقفی قال اذا ابح واز کلام دیگران ظاهر میشود که چون حضرت صادق علیه
السلم انجناب را در انروز زیارت کردند از وظائف انروز شمرده میشود
نظیر زیارت غدیر سابقه که چون حضرت امام علی نقی ع در انروز
چنان زیارت کردند پس از مختصات محسوب میشود ولکن مفید کردن
انزیارت را در انروز بوقت طلوع افتاب واینکه در انوقت اینزیارترا
باید خواند چنانچه صریح در این مطلب زیرا که ان از اداب زیارت
نیست که احتمال رود انرا از سایر اخبار وارده استنباط کرده باشد
بلکه در اخر زیارت بعد از ذکر شش رکعت نماز گفته وادع الله کثیرا
وتمجد وابتهل الی الله جلت عظمته والح فی دعائك تجب انشاء الله
تعالی ودیگران این هم نقل نکردند واین نیز کاشف است بر مغایرت
روایت مزار کبیر از روایات انجماعت بهر حال محلی برای استظهار
انموهوم نیست بلی در مزار قدیم انرا از محمد بن مسلم روایت کرده باجزئی
اختلاف بدون نسبت بحضرت صادق ع وبدون اشعار اختصاص
باین روز وچون بعد از او مخصوصه مبعث را ذکر کرده محتمل است که ان
قلم سقط شده باشد چنانچه از قلم علامه مجلسی در تحفه فقره شش رکعت
نماز زیارت بنحویکه گذشت ودعا وابتهال بعد از ان سقط شده وکافه
زائرین گمان میکنند که بجهة این زیارت مخصوصه نماز زیارت مخصوصا

عبارت مزار کبیر است کاشف است از وقوف بعضی بر صحتش ۱۲

وارد نشده با انکه در تمام کتب مذکوره مسطوراست سیم زیارت
شب و روز مبعث که بیست وهفتم ماه رجب است علامهٔ مجلسی ره
در تحفه فرموده بعض علماء ذکر کرده اند که زیارت انحضرت در
اینروز سنّت است و زیارت مخصوصی نقل کرده اند و چون سند
هیچ یك بنظر نرسیده بود ترك کردیم انتهی ومراد انمرحوم از سند
مجرّد نسبت دادن ان زیارتست بامام علیه السّلم تا معلوم شود که
از تالیف علما نیست نه ذکر راویان ان زیارت هرچند انرا نسبت
دهند بامام زیراکه در تحفه مکرّر از این قسم زیارترا نقل کرده و
بمجرّد نسبت دادن زیارت بامامی در بعض کتب معتبره اکتفا نموده
وببعضی از ان اشاره خواهد شد انشاء الله تعالی چون اینراد انستی پس میگوئیم
نسبت دادن بامام گاهی در صریح کلام است مثل انکه عالم ناقل
میگوید روایت شده از فلان امام که چنین بگو ونظیر این از کلمات
واضحه و گاهی از قرائن وشواهد مکشوف میشود که ان زیارت مأثور
است یا نشود که از تالیف ان عالم یا غیر ان باشد وبان قرائن در
طیّ کلمات ما در این فصل وفصل اینده اشاره میشود و معلوم
خواهد شد که زیارت مذکوره مأثوراست از امام واز تالیف
علما نیست بهرحال حقیر برای این شب وروز سه زیارت مخصوص

ص مزار مفید مزار کبیر مزار قدیم اقبال ابن طاوس مزار شهید منه

بیلا

پیدا کردم بحمد الله تعالی اوّل در مزار قدیم فرموده زیارة اخری لمولانا امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب صلوات الله علیه المختصّة بلیلة سبعة وعشرین من رجب تقف علی ضریحه ؑ وتقول زیارتی دیگر برای آقای ما امیر المؤمنین علیه السّلم است که مختصّ است بشب بیست وهفتم ماه رجب می ایستی مقابل قبر شریف آنحضرت ومیگوئی

اَلسَّلاٰمُ عَلٰی اَبِی الْاَئِمَّةِ وَمَعْدِنِ النُّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصِ بِالْاُخُوَّةِ اَلسَّلمُ عَلٰی یَعْسُوبِ الْاِیمٰانِ وَکَلِمَةِ الرَّحْمٰنِ وَکَهْفِ الْاِسْلاٰمِ اَلسَّلمُ عَلٰی مِیزٰانِ الْاَعْمٰالِ وَسَیْفِ ذِی الْجَلاٰلِ اَلسَّلاٰمُ عَلٰی صٰالِحِ الْمُؤْمِنِینَ وَوٰارِثِ عِلْمِ النَّبِیّینَ وَالْحٰاکِمِ فِی یَوْمِ الدِّینِ اَلسَّلمُ عَلٰی شَجَرَةِ التَّقْوٰی وَسٰامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوٰی وَمُنْزِلِ الْمَنِّ وَالسَّلْوٰی اَلسَّلمُ عَلٰی حُجَّةِ اللهِ الْبٰالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السّٰابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ الدّٰامِغَةِ اَلسَّلمُ عَلٰی اِسْرٰائِیلِ الْاُمَّةِ وَبٰابِ الرَّحْمَةِ وَاَبِی الْاَئِمَّةِ اَلسَّلمُ عَلٰی صِرٰاطِ اللهِ الْوٰاضِحِ وَالنَّجْمِ اللاّٰئِحِ وَالْاِمٰامِ النّٰاصِحِ اَلسَّلمُ عَلٰی وَجْهِ اللهِ الَّذِی مَنْ آمَنَ بِهِ نَجٰی وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوٰی اَلسَّلاٰمُ عَلٰی نَفْسِهِ الْقٰائِمَةِ فِیهِ بِالسُّنَنِ وَعَیْنِهِ الَّتِی مَنْ وَعَتْهُ اِطْمَاَنَّ اَلسَّلمُ عَلٰی اُذُنِ اللهِ الْوٰاعِیَةِ فِی الْاُمَمِ وَیَدِهِ الْبٰاسِطَةِ بِالنِّعَمِ وَجَنْبِهِ الَّذِی مَنْ فَرَّطَ فِیهِ نَدِمَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مُجٰازِی الْخَلْقِ وَمٰالِکُ الرِّقِّ وَالْحٰاکِمُ بِالْحَقِّ بَعَثَکَ اللهُ عَلَماً لِعِبٰادِهِ فَوَفَیْتَ بِمُرٰادِهِ وَجٰاهَدْتَ فِیهِ حَقَّ جِهٰادِهِ صَلَّی اللهُ

بابك وجعل افئدة من الناس تهوي اليك الخير منك وفي يديك
عبدك الزائر لحرمك اللائذ بكرمك الشاكر لنعمك قد هرب اليك
من ذنوبه ورجاك لكشف كروبه فانت كاشف كروبه وانت ساتر
عيوبه فكن لي الى الله وسيلا ومن النار مقيلا ولما أمل فيك كفيلا
نجني نجاة من وصل حبله بحبلك وسلك الى الله بسبيلك وانت
سامع الدعاء وولي الجزاء عليك منك التسليم وانت السيد الكريم
وانت بنا رحيم منك النوال وعليك بعد الله التكلان والسلام عليك
ورحمة الله وبركاته مؤلف گوید این زیارت همان زیارتی است که معروف
است بزیارت هفتم چون در کتاب تحفة الزائر انرا هفتم زیارات مطلقه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم قرار داده وگفته زیارت هفتم زیارتی
است که در بعضی کتب قدیمه معتبره یافته‌ام که بروایت صفوان جمال
منسوب کردانیده اند واین زیارتست السلم الخ ودر بحار فرموده
ق واین رمز است برای کتاب عتیق غروی که باعتقاد ان مرحوم از
مؤلفات شیخ جلیل هرون بن موسی تلعکبری است زیارة صفوان
الجمال لأمير المؤمنين عليه السلام الخ وظاهر این عبارت این است که
صفوان انحضرت راچنین زیارت کرده نظیر زیارت جابر انصاری
حضرت ابی عبدالله علیه السلم راد رروز اربعین ودر این کلام هیچ

وجه

وجه اشاره نیست باینکه این زیارت مأثوراست از امامی ثم [illegible]
المرحوم اینرا از زیارات مأثوره مرویه از ائمه ع شمرده وانرا در تحفه
درج نموده وسبب ان حدث صائب است که نشود مثل صفوان چنین
زیارت بلیغه که متضمن مطالب عالیه است از امام علیه السّلم نشنیده
باشد وخود اختراع کند واین اساس مقتضی است که زیارات مخصوصه
ومطلقه موجوده در مزار شیخ مفید وشیخ شهید وامثال ایشان نیز
مأثوره باشد بلکه از جهاتی اولی است چنانچه خواهی دانست انشاء الله تع
ومخفی نماند که در فقرات زیارت هفتم که موجود است در بحار وتحفه
وفقرات انچه ما نقل کردیم فی الجمله اختلافی است از زیادتی ونقصان
وتغییر کلمه ولکن نه بان حد که احتمال تعدّد دران برود والله العالم
د ق ره ایضا دران مزار شریف بعد از ذکر زیارت سابقه فرموده
ثم تقول الحمد لله الذی اشهدنا الخ ودر مزار کبیر محمّد بن المشهدی بعد
از ذکر بعضی از اعمال مبعث ونماز جناب سلمان در ماه رجب فرموده
ومما یستحبّ ان یزار به امیر المؤمنین ع فی لیلة المبعث هذه الزیارة
وکل امام حضرت عنده فی رجب ایضا از انچه مستحبّ است که بان
امیر المؤمنین ع را زیارت کرد در شب مبعث این زیارت است ودر
نزد هر امامیکه حاضر شدی در ماه رجب نیز این زیارت مستحبّ است

وصح

وصریح این کلام وظاهر مزار قدیم انستکه زیارت رجبیّه معروفه از زیارات
مخصوصه شب مبعث است ومنافاة ندارد که از زیارات جامعه عامّه
نیز باشد نظیر زیارت امین الله وزیارت عاشورا وزیارت غدیر گذشته
وان زیارت اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَشْهَدَنا مَشْهَدَ اَوْلِیائِهِ فی رَجَبٍ
وَاَوْجَبَ عَلَیْنا مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَ
عَلی اَوْصِیائِهِ الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَکَما اَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ
وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ غَیْرَ مُحَلَّئینَ عَنْ وِرْدٍ فی دارِ الْمُقامَةِ وَالْخُلْدِ
وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ اِنّی قَصَدْتُکُمْ وَاعْتَمَدْتُکُمْ بِمَسْئَلَتی وَحاجَتی وَهِیَ
فَکاکُ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَکُمْ فی دارِ الْقَرارِ مَعَ شیعَتِکُمُ الْاَبْرارِ
وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ اَنَا سائِلُکُمْ وَآمِلُکُمْ فیما اِلَیْکُمُ
التَّفْویضُ وَعَلَیْکُمُ التَّعْویضُ فَبِکُمْ یُجْبَرُ الْمَهیضُ وَیُشْفَی الْمَریضُ وَعِنْدَکُمْ
ما تَزْدادُ الْاَرْحامُ وَما تَغیضُ اِنّی لِسِرِّکُمْ مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِکُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَی اللهِ
بِکُمْ مُقْسِمٌ فی رَجْعی بِحَوائِجی وَقَضائِها وَاِمْضائِها وَاِنْجاحِها وَاِبْراحِها
وَبِشُؤُونی لَدَیْکُمْ وَصَلاحِها وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ وَلَکُمْ
حَوائِجَهُ مُودِعٌ یَسْئَلُ اللهَ اِلَیْکُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْیُهُ اِلَیْکُمْ غَیْرُ مُنْقَطِعٍ وَاَنْ
یَرْجِعَنی مِنْ حَضْرَتِکُمْ خَیْرَ مَرْجِعٍ اِلی جَنابٍ مُمْرِعٍ وَخَفْضٍ عَیْشٍ مُوَسَّعٍ
وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ اِلی حینِ الْاَجَلِ وَخَیْرِ مَصیرٍ وَمَحَلٍّ فِی النَّعیمِ الْاَزَلِ

٣٩

وَالْعَيْشِ الْمُقْبِلِ وَدَوَامِ الْأُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَ
نَهَلٍ لَاسَامَ مِنْهُ وَلَامَلَلًا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ
فِي حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ انگاه دو رکعت نماز
زیارت بجا آور و آنچه را خواهی دعا کن سیّم زیارت مخصوصه
معروفه است که در شب مبعث و روز آن باید خواند چنانچه شیخ مفید
در مزار و ابن طاوس در مصباح الزائر و شهید اوّل در مزار نقل
نموده اند باین طریق که چون خواستی در این شب یا روز زیارت کنی
پس بایست بر در قبهٔ شریفه مقابل قبر آنحضرت و بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَاشَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُ اللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ وَأَنَّ
الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ پس داخل شو و بایست
نزدیك قبر آنحضرت بنحوی که روی خود را بجانب قبر کرده باشی و قبله را
در پشت خود قرار دهی انگاه صد نوبت تکبیر بگو و بگو السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ
اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
مُوسَى كَلِيمِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

مثل إلى

یا وارث محمد سید رسل الله السلام علیک یا امیر المؤمنین السلام
علیک یا امام المتقین السلام علیک یا سید الوصیین السلام علیک
یا وصی رسول رب العالمین السلام علیک یا وارث علم الاولین
والاخرین السلام علیک ایها النبأ العظیم السلام علیک ایها الصراط
المستقیم السلام علیک ایها المهذب الکریم السلام علیک ایها الوصی
التقی السلام علیک ایها الرضی الزکی السلام علیک ایها البدر المضیٔ
السلام علیک ایها الصدیق الاکبر السلام علیک ایها الفاروق
الاعظم السلام علیک ایها السراج المنیر السلام علیک یا امام الهدی
السلام علیک یا علم التقی السلام علیک یا حجة الله الکبری السلام
علیک یا خاصة الله وخالصته وامین الله وصفوته وباب الله و
حجته ومعدن حکم الله وسره وعیبة علم الله وخازنه وسفیر الله حکمته
فی خلقه اشهد انک اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف من
ونهیت عن المنکر واتبعت الرسول وتلوت الکتاب حق تلاوته و
بلغت عن الله ووفیت بعهد الله وتمت بک کلمات الله وجاهدت
فی الله حق جهاده ونصحت لله ولرسوله صلی الله علیه وآله وجدت
بنفسک صابرا محتسبا مجاهدا عن دین الله موقیا لرسول الله طالبا
ما عند الله راغبا فیما وعد الله ومضیت للذی کنت علیه شهیدا و شاهدا

شَاهِدًا وَمَشْهُودًا فَجَزَاكَ اللّٰهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ مِنْ
صِدِّيقٍ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلَامًا وَاَخْلَصَهُمْ
اِيمَانًا وَاَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَاَخْوَفَهُمْ لِلّٰهِ وَاَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَاَحْوَطَهُمْ عَلٰى رَسُولِ
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ وَاَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ وَاَرْفَعَهُمْ
دَرَجَةً وَاَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ قَوِيتَ حِينَ وَهَنُوا وَلَزِمْتَ
مِنْهَاجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا
لَمْ تُنَازَعْ بِرَغْمِ الْمُنَافِقِينَ وَغَيْظِ الْكَافِرِينَ وَضِغْنِ الْفَاسِقِينَ وَقُمْتَ
بِالْاَمْرِ حِينَ فَشِلُوا وَنَطَقْتَ حِينَ تَتَعْتَعُوا وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللّٰهِ اِذْ وَقَفُوا
عـ ل هدى — فَمَنِ اتَّبَعَكَ فَقَدِ اهْتَدٰى كُنْتَ اَوَّلَهُمْ كَلَامًا وَاَشَدَّهُمْ خِصَامًا وَاَصْوَبَهُمْ
مـ ل أقلهم — مَنْطِقًا وَاَسَدَّهُمْ رَاْيًا وَاَشْجَعَهُمْ قَلْبًا وَاَكْثَرَهُمْ يَقِينًا وَاَحْسَنَهُمْ عَمَلًا
وَاَعْرَفَهُمْ بِالْاُمُورِ كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ اَبًا رَحِيمًا اِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا
فَحَمَلْتَ اَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا وَحَفِظْتَ مَا اَضَاعُوا وَرَعَيْتَ مَا اَهْمَلُوا
وَشَمَّرْتَ اِذْ جَبُنُوا وَعَلَوْتَ اِذْ هَلِعُوا وَصَبَرْتَ اِذْ جَزِعُوا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ
عَذَابًا صَبًّا وَغِلْظَةً وَغَيْظًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثًا وَخِصْبًا وَعِلْمًا لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ
وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُكَ وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ كُنْتَ كَالْجَبَلِ
لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ وَلَا تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ قَوِيًّا فِي بَدَنِكَ مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ عَظِيمًا عِنْدَ

اللہِ کبیرًا فی الارضِ جلیلًا فی السّماءِ لم یکن لِاحدٍ فیک مَہمزٌ وَلا
لِقائِلٍ فیک مَغمزٌ وَلا لِلخلقِ فیک مَطمعٌ وَلا لِاحدٍ عِندک ہَوادۃٌ
یُوجدُ الضّعیفُ الذّلیلُ عِندک قویًّا عزیزًا حتّی تاخذَ لہُ بِحقِّہ وَ
القویُّ العزیزُ عِندک ضعیفًا حتّی تاخذَ مِنہُ الحقَّ القریبُ وَالبعیدُ
عِندک فی ذٰلک سواءٌ شانُک الحقُّ وَالصِّدقُ وَالرِّفقُ وَقولُک
حُکمٌ وَحتمٌ وَامرُک حِلمٌ وَعزمٌ وَرایُک عِلمٌ وَجزمٌ اِعتدلَ بِک الدّینُ
وَسہلَ بِک العسیرُ وَاُطفئت بِک النّیرانُ وَقوِیَ بِک الایمانُ وَ
ثبتَ بِک الاسلامُ وَہدّت مُصیبتُک الانامَ فاِنّا لِلّٰہِ وَاِنّا اِلیہِ راجعونَ
لعنَ اللّٰہُ مَن قتلک وَلعنَ اللّٰہُ مَن خالفک وَلعنَ اللّٰہُ مَنِ افتریٰ علیک وَ
لعنَ اللّٰہُ مَن ظلمک وَغصبک حقّک وَلعنَ اللّٰہُ مَن بلغہُ ذٰلک فرضِیَ
بہ اِنّا اِلَی اللّٰہِ مِنہم بُراءٌ لعنَ اللّٰہُ اُمّۃً خالفتک وَجحدت وِلایتک وَ
تظاہرت علیک وَقتلتک وَحادت عنک وَخذلتک الحمدُ لِلّٰہِ الّذی
جعلَ النّارَ مثویٰہم وَبِئسَ الوِردُ المَورودُ اَشہدُ لک یا ولیَّ اللّٰہِ وَولیَّ
رسولِہ صلّی اللّٰہُ علیہِ وَالہ بِالبلاغِ وَالاداءِ وَالنّصیحۃِ وَاَشہدُ
اَنّک جنبُ اللّٰہِ وَبابُہ وَاَنّک حبیبُ اللّٰہِ وَوجہُہ الّذی مِنہُ یُؤتیٰ
وَاَنّک سبیلُ اللّٰہِ وَاَنّک عبدُ اللّٰہِ وَاَخو رسولِہ صلّی اللّٰہُ علیہِ وَ
الہِ اَتیتُک زائرًا لِعظیمِ حالِک وَمنزلتِک عِندَ اللّٰہِ وَعِندَ رسولِہ

متقرّباً الى الله بزيارتك راغباً اليك فى الشفاعة ابتغى بشفاعتك
خلاص نفسى متعوّذاً بك من النار هارباً من ذنوبى التى احتطبتها
على ظهرى فزعاً اليك رجاء رحمة ربّى اتيتك استشفع بك يا مولاى
الى الله واتقرّب بك اليه ليقضى بك حوائجى فاشفع لى يا امير
المؤمنين الى الله فانّى عبد الله ومولاك وزائرك ولك عند الله
المقام المعلوم والجاه العظيم والشأن الكبير والشفاعة المقبولة اللهم
صلّ على محمّد وآل محمّد وصلّ على عبدك وامينك الاوفى و
عروتك الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى وحجّتك على الورى
وصدّيقك الاكبر سيّد الاوصياء وركن الاولياء وعماد الا
صفياء امير المؤمنين ويعسوب المتّقين وقدوة الصدّيقين و
امام الصالحين المعصوم من الزلل والمفطوم من الخلل والمهذّب
من العيب والمطهّر من الرّيب اخى نبيّك ووصىّ رسولك والبائت
على فراشه والمواسى له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه
الذى جعلته سيفاً لنبوّته ومعجزاً لرسالته ودلالة واضحة
لحجّته وحاملاً لرايته ووقاية لمهجته وهادياً لامّته ويداً
لبأسه وتاجاً لرأسه وباباً لنصره ومفتاحاً لظفره حتّى هزم
جنود الشرك بايدك وابادعساكر الكفر بامرك وبذل نفسه فى

مَرضَاتِكَ وَمَرضَاةِ رَسُولِكَ وَجَعَلَهَا وَقفاً عَلیٰ طَاعَتِهِ وَمَجناداً دُونَ

نَكبَتِهِ حَتّیٰ فَاضَت نَفسُهُ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ فِی كَفِّهِ وَاستَلَبَ بَردَهَا

وَمَسَحَهُ عَلیٰ وَجهِهِ وَاَعَانَتهُ مَلائِكَتُكَ عَلیٰ غُسلِهِ وَتَجهِیزِهِ وَصَلّیٰ

عَلَیهِ وَوَارٰی شَخصَهُ وَقَضیٰ دَینَهُ وَاَنجَزَ وَعدَهُ وَلَزِمَ عَهدَهُ

وَاحتَذیٰ مِثَالَهُ وَحَفِظَ وَصِیَّتَهُ وَحِینَ وَجَدَ اَنصَاراً نَهَضَ مُستَقِلّاً ‏ الانصار ل ح

بِاَعبَاءِ الخِلافَةِ مُضطَلِعاً بِاَثقَالِ الاِمَامَةِ فَنَصَبَ رَایَةَ الهُدیٰ فِی

عِبَادِكَ وَنَشَرَ ثَوبَ الاَمنِ فِی بِلادِكَ وَبَسَطَ العَدلَ فِی بَرِیَّتِكَ وَ

حَكَمَ بِكِتَابِكَ فِی خَلِیقَتِكَ وَاَقَامَ الحُدُودَ وَقَمَعَ الجُحُودَ وَقَوَّمَ الزَّیغَ وَ

سَكَّنَ الغَمرَةَ وَاَبَادَ الفَترَةَ وَسَدَّ الفُرجَةَ وَقَتَلَ النَّاكِثَةَ وَالقَاسِطَةَ

وَالمَارِقَةَ وَلَم یَزَل عَلیٰ مِنهَاجِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَوَتِیرَتِهِ ‏ وسیرتہ ل ح

وَلُطفِ شَاكِلَتِهِ وَجَمَالِ سِیرَتِهِ مُقتَدِیاً بِسُنَّتِهِ مُتَعَلِّقاً بِهِمَّتِهِ مُبَاشِراً

لِطَرِیقَتِهِ وَاَمثِلَتُهُ نَصبُ عَینَیهِ یَحمِلُ عِبَادَكَ عَلَیهَا وَیَدعُوهُم اِلَیهَا

اِلیٰ اَن خُضِبَت شَیبَتُهُ مِن دَمِ رَاسِهِ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا لَم یُؤثِر فِی طَاعَتِكَ

شَكّاً عَلیٰ یَقِینٍ وَلَم یُشرِك بِكَ طَرفَةَ عَینٍ صَلِّ عَلَیهِ صَلٰوةً زَاكِیَةً

نَامِیَةً یَلحَقُ بِهَا دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فِی جَنَّتِكَ وَبَلِّغهُ مِنَّا تَحِیَّةً وَسَلاماً وَ

اٰتِنَا مِن لَدُنكَ فِی مُوَالاتِهِ فَضلاً وَاِحسَاناً وَمَغفِرَةً وَرِضوَاناً اِنَّكَ

ذُو الفَضلِ الجَسِیمِ بِرَحمَتِكَ یَا اَرحَمَ الرَّاحِمِینَ ‏ بعد از آن قبر را ببوس ‏ ودوی

وروی راست خود را بر قبر بگذار بعد از آن روی چپ را وروی
بقبله کن و نماز زیارت بجای آر و آنچه خواهی بعد از نماز دعا
کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام اللهم
انک بشرتنی علی لسان نبیک رسولک محمد صلواتک علیه واله
فقلت وبشر الذین امنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم اللهم انی
مؤمن بجمیع انبیائک ورسلک صلواتک علیهم فلا تقفنی بعد معرفتهم
تفضحنی فیه علی رؤس الاشهاد بل قفنی معهم وتوفنی علی التصدیق
بهم وانت خصصتهم بکراماتک وامرتنی باتباعهم اللهم وانی عبدک
وزائرک متقربا الیک بزیارة اخی رسولک وعلی کل ماتی ومزور
حق لمن اتاه وزاره وانت خیر ماتی واکرم مزور فاسئلک یا الله
یا رحمن یا رحیم یا جواد یا ماجد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد ولم یتخذ صاحبة ولا ولدا ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تجعل تحفتک ایای من زیارتی اخا رسولک فکاک
رقبتی من النار وان تجعلنی ممن یسارع فی الخیرات ویدعوک رهبا
ورغبا وتجعلنی لک من الخاشعین اللهم انک مننت علی بزیارة
مولای علی بن ابیطالب وولایته ومعرفته فاجعلنی ممن ینصره
وینتصر به ومن علی بنصرک لدینک اللهم واجعلنی من شیعته

اللهم

وتوفنی

وَتُوَفِّقَنِی عَلٰی دِینِهِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لِی مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ
وَالْاِحْسَانِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّیِّبِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس هرگاه خواستی وداع کنی
آنحضرت را پس بایست نزد قبر و بگو السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ
السَّلٰمُ عَلَیْكَ یَا تَاجَ الْاَوْصِیَاءِ السَّلٰمُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیَاءِ
السَّلٰمُ عَلَیْكَ یَا رَاسَ الصِّدِّیقِینَ السَّلٰمُ عَلَیْكَ یَا بَابَ الْاَحْکَامِ السَّلَامُ
عَلَیْكَ یَا رُکْنَ الْمَقَامِ اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاَسْتَرْعِیكَ وَاَقْرَاُ عَلَیْكَ
السَّلَامَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ وَدَعَا اِلَیْهِ وَدَلَّ عَلَیْهِ
اَللّٰهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِینَ اَللّٰهُمَّ فَلَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی م‌ع‌ل / لا
اِیَّاهُ وَلَا تَحْرِمْنِی ثَوَابَ مَنْ زَارَهُ وَاسْتَعْمِلْنِی بِالَّذِی اَفْتَرَضْتَ لَهُ عَلَیَّ
وَارْزُقْنِی الْعَوْدَ اِلَیْهِ فَاِنْ تَوَفَّیْتَنِی قَبْلَ ذٰلِكَ فَاِنِّی اَشْهَدُ اَنَّهُمْ اَعْلَامُ
الْهُدٰی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰی وَالْکَلِمَةُ الْعُلْیَا وَالْحُجَّةُ الْعُظْمٰی وَالنُّجُومُ
الْعُلٰی وَالْعُذْرُ الْبَالِغُ بَیْنَكَ وَبَیْنَ خَلْقِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مَنْ رَدَّ ذٰلِكَ
فِی اَسْفَلِ دَرْكِ الْجَحِیمِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِهِ الْمُبَارَکِینَ وَزُوَّارِهِ
الْمُخْلِصِینَ وَشِیعَتِهِ الصَّادِقِینَ وَمَوَالِیهِ الْمَیَامِینَ وَاَنْصَارِهِ الْمُکَرَّمِینَ
وَاَصْحَابِهِ الْمُؤَیَّدِینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی اَکْرَمَ وَافِدٍ وَاَفْضَلَ وَارِدٍ وَاَنْبَلَ قَاصِدٍ
قَصَدَكَ اِلٰی هٰذَا الْحَرَمِ الْکَرِیمِ وَالْمَقَامِ الْعَظِیمِ وَالْمَنْهَلِ الْجَلِیلِ الَّذِی

اوجبت فیه غفرانک ورحمتک اللهم انی اشهدک واشهد من حضر
من ملائکتک ان الذی سکن هذا الرمس وحل هذا الضریح طهر
مقدس منتجب رضی مرضی طوبی لک من تربة ضمنت کنزا من الخیر
وشهابا من النور وینبوع الحکمة وعینا من الرحمة ومبلغ الحجة انا
ابرء الی الله من قاتلیک والمناصبین والمعینین علیک والمحاربین
لک اللهم ذلل قلوبنا لهم بالطاعة والمناصحة والموالاة وحسن
الموازرة والتسلیم حتی نستکمل بذلک طاعتک ونبلغ به مرضاتک
ونستوجب به ثوابک ورحمتک اللهم وفقنا لکل مقام محمود واقلبنا
من هذا الحرم بکل خیر موجود یا ذا الجلال والاکرام اودعک یا مولای
یا امیر المؤمنین وداع محزون علی فراقک لاجعله الله اخر عهدی
منک ولا زیارتی لک انه قریب مجیب والسلام علیک ورحمة الله
وبرکاته پس رو کن بسمت قبله و پهن کن دستهای خود را و بگو
اللهم صل علی محمد وال محمد وابلغ عنا الوصی الخلیفة والداعی
الیک والی دارک دار السلام صدیقک الاکبر فی الاسلام و
فاروقک بین الحق والباطل ونورک الزاهر ولسانک الناطق
بامرک بالحق المبین وعروتک الوثقی وکلمتک العلیا ووصی رسولک
المرتضی علم الدین ومنار المسلمین وخاتم الوصیین وسید المؤمنین

ودل وصیّ

المعینین

علی

عَلِیَّ بْنَ اَبِیطَالِبٍ اَمیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِینَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ صَلٰوةً
تَرْفَعُ بِهَا ذِکْرَهُ وَتُحْیِی بِهَا اَمْرَهُ وَتُظْهِرُ بِهَا دَعْوَتَهُ وَتَنْصُرُ بِهَا ذُرِّیَّتَهُ
وَتُفْلِجُ بِهَا حُجَّتَهُ وَتُعْلِیهِ بِبَصِیرَتِكَ بِهَا نُصْرَتَهُ اَللّٰهُمَّ وَاجْزِهِ عَنَّا خَیْرَ بصیرته ر
جَزَاءِ الْمُکْرَمِینَ وَاَعْطِهِ سُؤْلَهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ فَاِنَّا نَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ نَصَحَ
لِرَسُولِكَ وَهَدٰی اِلٰی سَبِیلِكَ وَقَامَ بِحَقِّكَ وَصَدَعَ بِاَمْرِكَ وَلَمْ
یَجُرْ فِی حُکْمِكَ وَلَمْ یَدْخُلْ فِی ظُلْمٍ وَلَمْ یُسْرِعْ فِی اِثْمٍ وَاَنَّهُ اَخُو رَسُولِكَ وَ
اَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَاتَّبَعَهُ وَنَصَرَهُ وَاَنَّهُ وَصِیُّهُ وَوَارِثُ
عِلْمِهِ وَمَوْضِعُ سِرِّهِ وَاَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَیْهِ فَاَبْلِغْهُ عَنَّا السَّلَامَ وَرُدَّ عَلَیْنَا
مِنْهُ السَّلَامَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ مؤلف گوید مجلسی ره بعد از ذکر این زیارت
در بحار فرموده من مطلع نشدم نه بر سند این زیارت و نه بر استحباب
زیارت آنحضرت در خصوص این روز لکن از مشهورات میان شیعه
است و بجا آوردن اعمال حسنه در روزهای شریف سبب است
برای زیادتی ثواب پس زیارت آنحضرت صلوات الله علیه در تمام ایام
شریف افضل است و کلام ایشان در تحفه گذشت و این فرموده از
ایشان با آن انس و ممارست بکتب اخبار و مؤلفات قدما خالی از غرابت
نیست زیرا که عنوان مطلب مذکور در کتاب مزار شیخ مفید و سید بن
طاوس و شیخ شهید و غیر ایشان رضوان الله علیهم با اختلاف جزئی

در عبارت چنین است باب یا فضل در زیارت حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلم که در همهٔ روزها و ماهها میتوان خواند بعد از ذکر انها گویند
باب یا فضل در زیارت انحضرت که مخصوص است بماهها و روزها
وابتداء میکنند بروز غدیر انگاه مولود و مبعث را ذکر کنند و انچه
در مزار شهید است همانست که در مصباح الزّائر ابن طاوس است
وانچه در مصباح الزائر است موجود است در مزار شیخ مفید و در
این کلمات از این اعلام هر دو مطلب استفاده میشود بنحو اطمینان
اوّل استحباب زیارت انحضرت در خصوص ان روز و ورود روایت
در این باب دوّم اختصاص ان زیارت معهوده بخواندن در ان روز
واستفادهٔ این دو مطلب واستکشاف دو روایت از کلمات این
اعلام ظاهرتر و محکمتر است از استفادهٔ روایت از مجرّد خواندن صفوان
جمال زیارتی برای انحضرت چنانچه گذشت زیرا که بعدی ندارد مثل
صفوان که سالها ملازم رکاب حضرت صادق ع بوده و ازان بحر
موّاج بقدر استعداد کمالاتی تحصیل نمود خود زیارتی انشاء کرده
وامام خود را بان زیارت کرده باشد مثل جابر بن عبد الله در کربلای
معلّی در روز اربعین اما نشود احتمال داد که عالمی مثل شیخ مفید ره
کتابی برای کافهٔ زوّار امامیه تالیف کند و در انجا زیارتی را تقسیم کند

بعضی مطلقه که هر وقت میتوان خواند و بعضی مخصّصه بایّامی انکاه
هریك ازان زیارت را از روز معیّن ذکر کند و با اینحال نیز ان زیارت
مأثور باشد و نیز از روز را بجهة زیارت ان امام خصوصیّتی اینرا به
اصاغر طلبه نتوان نسبت داد چه رسد بان جلیل و تایید کند این
سخن را خصوصیّاتی که در ان زیارت ذکر شده که چنین طلب اذن کن و
باین نحو بایست و بعد از زیارت با قبر منوّر چنین کن و بعد از نماز و تسبیح
حضرت زهرا علیها السّلم این دعا را بخوان چه اکر این خصوصیّات وارد
نشده باشد البتّه از اقسام واضحه بدعت محرّمه خواهد بود و نیز تایید
کند مروی بودن انرا عمل تاج الفقهاء شهید اوّل رحمه الله در مزار
که بهمان رشته رفتار نموده و نسبت باحدی نداده و اکر مأثور نبود
البتّه نقل نمیکرد و اکر نقل میکرد لابدّ نسبت میداد بشیخ مفید یا
ابن طاوس رحمهما الله که ایشان چنین کفتند و امّا انچه ان مرحوم و غیره را
بتوهّم انداخته انست که این بزرکان زیارت مذکوره و امثال انرا
نسبت بامام ندادند و ظاهر کلمات ایشان انست که از خود انشاء کردند
زیرا که در اوّل کلام میکویند هر کاه ارادهٔ زیارت کردی چنین کن
و چنین بکو تا اخر و اکر خبر بود البتّه میکفتند امام علیه السّلم فرموده
چنین بکو و چنین بکن مثل سایر اخباریکه نقل کنند در موارد حاجت

ودفع این توهّم محتاج بذکر مقدّمه ایست وان انست که کتبی که در باب
زیارات تالیف شده بردو قسم است مثل کتبی که در حجّ نوشته شده
اوّل انکه غرض محدث عالم مؤلف جمیع روایات وارده متعلّقه بمطالب
حجّ است از جهة وجوب وفضیلت وشروط واقسام وکیفیّت واداب
ان بتفصیل واین قسم کتاب غالبًا بکار علماء میخورد نوع عوام چندان
حظّی ازان ندارند زیراکه دران اخبار متعارضه ومتخالفه ومتشابهه
ومعتبره وغیر معتبره بسیار یافت میشود وغیر از عالم ما هرکسی نتواند
ازعهدهٔ علاج انها براید وتکلیف فعلی مکلّفین معیّن نماید وبهمین قسم
هم کتاب در زیارات تالیف شده که غرض صاحبش جمع کردن انچه
از معصومین علیهم السّلم باو رسیده دوّم انکه غرض دستور العمل دادن
بمکلّفین است که چون خواهند بزیارت بیت الله بروند چگونه بروند و
چه کنند وچه بگویند ودراین قسم رسم این بود که بعد از تنقیح اخبار
واسقاط مکرّرات تمام متون اخبار معتبره رادررشته دراورده و
چنان تالیف نماید که ناظر در توهّم افتد که از خود سخن گوید زیراکه در
اوّل کلام گوید که چون ارادهٔ حجّ کنی مثلا چنین کن وچون بمیقات رسی
باین قسم محرم شو تا اخر اعمال حجّ وکردنی ونکردنی وگفتنی واین قسم
کتاب رامناسك حجّ گویند وبهمین رقم در زیارات نیز تالیف کنند

وان مناسک زیارات است ودر انجا دستور العمل بزایر دهند بی
ذکر اخبار فضایل یا بسیار کم و گویند چون ارادهٔ زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم مثلا کردی چنین کن وچون بفلان موضع
رسیدی چنین بگو تا اخر عمل و هم چنین در سایر زیارات واین
کتاب فی الحقیقة مهذب وخلاصهٔ ان کتاب است بی افزودن
چیزی وچنانچه در مناسک حج توهم نمیرود که انچه ذکر کنند از
ادعیه در مواضع مخصوصه مثل بعد از نماز احرام ودر حالات
طواف ودر صفا مسعی ومروه ومنی وعرفات ومشعر وغیرها کلمه
ازان صاحب کتاب باشد در مناسک زیارت نیز نباید چنین توهم
کرد واحتمال داد که مثل شیخ مفید ره وامثال او از رؤسا مذهب
در قدیم از خود زیارتی انشا کنند وترتیبی دهند وباز یارات
مأثوره بی امتیاز ذکر نمایند وبخلق گویند چنین زیارت کنید
وفی الحقیقة بملاحظه ان زیارات وارده دکانی در مقابل قوانین
احمدیه باز کرده باشند حاشا ازاین نسبت باین جماعت با علو مقام
واطلاع تام ووجود اسباب وحاجت نداشتن بتالیف زیارت با
وجود انهمه زیارات وارده ومزار شیخ مفید ره ازاین رقم است
وشاهد بر این چند چیز است اول انکه در ان اخبار فضایل نیست

دوّم انکه دران اخبار متفرقه و مختلفه و مکرره یافت نمیشود سیّم
انکه در مقام ذکر زیارت فرقی نگذاشته بین زیارات مأثوره
و بین این رقم زیارات که توهم کرده اند که مأثور نیست هر دو قسم را
باین نحو شرح داده که چون ارادهٔ زیارت کردی چنین کن تا اخر چهارم
انکه شیخ طوسی ره انرا در کتاب تهذیب مناسك زیارات نام نهاده
و در کتاب مزار فرموده و قد ذکر الشیخ رحمه الله فی کتابه فی مناسك
الزّیارات ترتیبا لزیارة الحسین علیه السّلم احببت ایراده علی وجهه
ذکره رحمه الله اذا انتهیت الی باب المشهد فقف علیه و کبّر تا اخر زیارت
انحضرت و علی بن الحسین و شهدا و ابی الفضل علیهم السّلم و وداع
ایشان بتفصیل که قریب بیك جزو میشود و مزار شهید اوّل ره نیز
بهمین رقم است و اگر بصیر منصفی بتدبیر در ان کتب مطالعه کند
بی تامّل تصدیق خواهد کرد انچه را گفتیم علاوه بر انکه در هیچ کتابی
دیده نشده تاکنون که شیخ مفید ره خود زیارتی انشاء کرده باشد
و احدی از تلامذه عظام ان عالم جلیل این نسبت را باو نداده اند
با انکه حالات و کمالات و مؤلّفات ایشان را ضبط کرده اند حتّی رسالهٔ
دو سه ورقی را و اگر از انشاء ایشان نشد نتوان بغیر امام نسبت
داد چه مقام ان بزرگوار اجلّ از ان است که در تلو زیارت مأثوره

از امام علیه السلم زیارت مؤلفه از بعضی از اهل علم را نقل کند
بلکه نسق و نسبت ندهد با نشخص و ناظر را بتوهّم اندازد که این
هم مثل ان مأثور ومروی است وانچه کفتیم در بارهٔ زیاراتی است
که در مزار شیخ مفید وابن طاوس و شهید قدّس الله روحهم باشد
مثل زیارت مبعث مذکور واکر در مزار شیخ محمّد بن مشهدی دیده
یافت شود پس محتاج باین استظهارات نیست زیراکه خواهد امد
انشاء الله که دراوّل مزار خود تصریح کرده که انچه ذکر کرده از ادعیه
وزیارات تمام مأثور ومروی از ائمّه علیهم السّلم است بتوسّط روات
ثقات پس برای شبهه جائی نیست مقام دوّم در زیارت مطلقه
انحضرت که در هروقت میتوان خواند مستور نماند که در مواضع
متعدّده واوقات متکثّرة ادعیه واوراد واذکاری وارد شده
که وقت واکنجایش برامدن از عهدهٔ فرمان برداری انها در ان
اوقات نیست واکر کنجایش دارد همتها ازان کوتاه تراست که
درصدد امتثال ان فرامین براید واکر همّت موجود باشد غالبا
کارهای اهمّ متعلّقه بنظم امور معاش ومعاد در پیش است که
باابتلای بانها عقلا وشرعًا نتوان اوقات را درغیرانها صرف
نمود مثل ادعیه وارده برای تعقیب بیشتر نمازهای واجبی وادعیه

کدریا مداد

کردر بامداد و پسین باید خواند و ادعیهٔ روز عرفه و اعمال شبهای
قدر و ادعیه و اداب وقت خواب و زیارات حضرت امیرالمؤمنین ع
و زیارات حضرت سیّدالشهدا علیه السلام پس مؤمن فطن متقی را چاره
نیست ازاینکه اختیار کند دران مواضع ازان اعمال و اوراد
وارده درانها انرا که اهمّ و اولی است بتقدیم پس بقدر گنجایش
وقت انرا بجواند و بکند که نفعش بیش و خیرش زیادتر است و برای
تحصیل و پیدا نمودن ان دعا یا عمل یا زیارت در بین همهٔ انها از
مطاوی کلمات علما و اشارات اخبار چند راه بدست می اید اوّل
انچه از علاّمهٔ مجلسی ره ظاهر میشود در کتاب مقباس که دراینمقا
مات بایست ملاحظهٔ اسانید از روایات را کرد پس انچه سندش صحیح
است باصطلاح متاخّرین علما باینکه راویان انخبر همه عادل امامی
مذهب باشند انرا اوّلاً اختیار باید نمود و هکذا در مراتب دیگر
خبر که در ذکران ثمری نیست دوّیم انچه از بعضی کلمات سیّد جلیل
علیّ بن طاوس ره ظاهر میشود که دران مواضع انچه در دلش افتاد
که انرا بجواند یا بکند انرا بکیرد و عمل کند و اینراه مختصّ بامثال خود
ان جلیل است که نفس خویش را از هوای و هوس پاک و راه عبور
شیاطین را بالمرّه از قلب خود مسدود نموده پس انچه در قلب القا

شود البته از ملائکه خواهد بود که موکلند بالهام امور خیر بر دلهای
ان رقم از مؤمنین و مسافت میان امثال ما و اینراه بیشتر است از
مسافت بین زمین و اسمان سیّم انچه ظاهر میشود از خبر شریفیکه شیخ
طبرسی ره از حضرت صادق ع روایت کرده و خلاصه ان انکه دوست
ندارم کسی از دنیا بیرون رود و ادبی از اداب رسولخدا ص مانده که او
نکرده باشد یعنی انچه را فرموده که باید کرد باید کرد و میشود بجای
اورد لامحاله در طول عمر یکمرتبه انرا بجای باید اورد و مقتضای اینخبر
انستکه ان اعمال و اوراد و اذکار را بایست تقسیم نمود و در اینمواضع
بقدر میسور و در هر وقت سهمی از انرا بجای اورد تا در تمام عمر
بفیض تمام انها رسیده باشد و اینراه نیز سخت بلکه برای حاجّ و
زائر که در عمر یکدفعه یا دو دفعه بیش نتواند حجّ یا زیارت کند غیرمیسّر
است چهارم انکه بحسب اختلاف حاجات و مقاصد اختیار کند انرا
که برای قضای انحاجت معیّن نمودند پس انکه از کثرت گناهان هراسان
است بگیرد انرا که در کردن ان وعده مغفرت دادند و انکه مدیون
و پریشان است بکند انرا که در جزایش ابواب وسعت برویش گشایند
و انکه طالب بزرگی مقام و رفعت شان است بجای اورد انرا که در
مقام دادن مزد درهای فیوضات را برایش باز نمایند و انکه از عدوی

قهاری مضطرب و ترسان است متحصن شود ازان اعمال بانچه او را ٥٧
بهتر از هزار حصن محکم و قلعهٔ متین از شر و کید دشمن نکاه دارد و
هکذا و اینراه نیز خالی از صعوبت نیست برای عموم مکلفین علاوه در
بسیاری ازان اعمالی شرحی از جزاء و خواص نشده که بتوان انچه موافق
مقصود است اختیار نمود پنجم انچه بنظر حقیر اتقن و میتوان ان را نسبت
داد بکافهٔ علماء بجهة موافقت ان با طریقه و سیرت ایشان در عمل بر
احادیث اهل عصمت علیهم السلم و توضیح ان انکه احادیث مرویهٔ ما معاشر
امامیه اکرچه بی شمار و کتب مؤلفه در این فن بسیار و لکن کتاب شریف
کافی ثقة الاسلام کلینی قدس سره و کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ
صدوق و کتاب تهذیب شیخ طوسی رحمهم الله تعالی را امتیاز یست
تام از جهات عدیده در بین همه ان کتب و لهذا ملاذ و مرجع کافهٔ علماء
متقدمین و متاخرین با اختلاف مشارب در تمام احکام دینیه و مسائل
فرعیه و غیرها جز انها نبوده مکر قلیلی در بعضی از مواضع ملی در عهد
مرحوم مجلسی ره و شیخ حر کتب دیکر از مؤلفات قدماء در فن حدیث رواج
کرفت و فی الجمله مرجع و ماخذ امور دینیه شدند و لکن حق تقدم ان
کتب بجای خود باقی و در مقام تعارض در نزد همه مقدم مکر در پارهٔ
مواضع نادره بملاحظه امور خارجیه و تقدم این سه کتاب خصوص کافی

و در عداد این کتب کتاب استبصار شیخ طوسی است ولکن از آن به تهذیب منتهی شده و بعضی از آن معنی و اجزاء چون تهذیب نیست لهذا ذکر نشد بهمین جهت منه

ومن

ومن لا یحضره الفقیه لاسیما کافی اوّلا از جهة بزرگی مقام مؤلفین انها واتقان
وضبط ایشان است وثانیاً بجهة اعتناء قاطبهٔ علماء از فقهاء ومحدثین
واعتماد ایشان است برانها وثالثاً بجهة شهادة ثقة الاسلام کلینی
ره وشیخ صدوق ره بر صحت تمام انچه در کافی ومن لا یحضر نقل کردند
واینکه غرض از تالیف مجرد جمع اخبار نبود مثل سایر کتب بلکه جمع اخبار
صحیحهٔ معتمده که ظاهراً بایست بانها رجوع نمود وعملکرد چنانچه مشروحاً
در رسالهٔ کتاب مستدرك ذکر کردم ورابعاً اتقان کافی خاصه که
در ظرف بیست سال تالیف شده در بغداد در محضر نایبهای صحاح
امام عصر صلوات الله علیه ودرهمان اوقات شیخ کلینی ره مؤلف
ان مرجع امور دینیه شیعه بود زیرا که نوّاب امام علیه السلام بظاهر
مداخله در فتوی واحکام نداشتند وبحسب عادت نشود که ان کتاب
بنظر نوّاب نرسیده باشد واگر رسیده البته پسندیده وامضاء
نموده اند وامضای ایشان امضای امام است وغرض از این سخن
نه خبر دادن است باینکه کتاب کافی بنظر امام عصر صلوات الله علیه
رسیده وانحضرت انرا امضاء نموده اند چنانچه بعضی توهم کرده اند زیرا
که تاکنون برای ان ماخذی پیدا نشد بلکه غرض حدس است که ان شیخ
معظم قدس سره باان جلالت قدر وعلو مقام ومرجعیت تام حتی انکه

علمای اهل سنّت او را مجدّد مذهب امامیّه شمردند در مائهٔ رابعه
و با ان تعب شدید در جمع ان کتاب و راه داشتن در نهایت سهولت
برای احکام این اساس و اتقان این جامع شریف باینکه انزا بران نوّاب
والا مقام عرضه دارد اگرد راین مقام بر نیاید بغایت از حذاقت دور
و از حزم انمعظم بعید است و باین مطلب سیّد جلیل علی بن طاوس قدّه
در کتاب کشف المحجّة اشاره فرموده و خامسًا در دست بودن و دست
رسی داشتن بنسخ صحیحهٔ معتمده از این سه کتاب شریف زیرا که قریب
بهزار سال است که این سه کتاب مرجع درس و تدریس و خواندن
و شنیدن و مقابله و تصحیح کردن و حاشیه و شرح نوشتن بیشتر علمای
اعلام و فقهای کرام و محدّثین عظام تا قریب بعصر ما بوده و خطوط
شریفه و شهادت بر صحّت و مقابله و اجازه و اذن در نقل و روایت
از ان در بسیاری از نسخ یافت میشود و عالم محتاج بنقل و عمل بان
در نهایت اطمینان خبری از انها بیرون اورد و عمل نماید چه هر دو
شرط که یکی معلوم بودن کتابیست از تالیف انکس که باو انرا نسبت
میدهند و دیگری سلامتی کتاب از غلط و سقط و تحریف در این
سه کتاب موجود بخلاف سایر کتب احادیث که غالبًا محلّ نظر و تصحیح و
مقابله نبوده و لهذا نسخ صحیحهٔ انها بسیار کم و اختلاف نسخ یک کتاب

هم بسیار از این جهت اطمینان تام بتمام متون غالب آنها نیست ومقام را
بیش از این گنجایش سخن نیست پس مکشوف شد که در مقام دوران
میان بجا آوردن عملی که در یکی از ان سه کتاب یا دو یا در همه ان
موجود باشد و کردن عملی که در غیر آنها باشد موافق طریقه فقهاء و
مذاق محدثین و سلوك اعاظم رواة بایدا ولرا اختیار نمود و اگر ان
عمل در همه موجود باشد البته متعین خواهد بود عمل دیگر را قابلیت
مقابله ومزاحمت وطرف بودن نیست واین قانون محکم متین منحصر
باین مقام نیست بلکه در جمیع امور دینیه از معارف واخلاق واحکام
شرعیه وآداب حمدیه جاریست پس اگر شخصی حاجتی دارد از قضای
دین یا خلاصی از ظالم یا وسعت در روزق یا شفای از مرض یا غلبه بر دشمن
دینی یا مغفرت پروردکار یا پاك شدن نفس از رزائل خبیثه یا نورانی
شدن دل بنور صفات جمیله و رسیدن بمقامات عالیه ملجاء و پناه
خود را تا توانند انسه کتاب خصوص کتاب شریف کافی قرار دهد که بحمد الله
تعالی خوان نعمت سنیه الهیه است که برای این امت کسترده شده و
دستور العمل رسیدن بتمام الحوائج دران موجود و باصطلاح عوام
غالب آنها بتجربه بزرکان دین رسیده و تا توانند انها دست نکشد
که تمام خیرات دران و همه برکات در مطاوی وی نهان است و از

اینجاست که مفید طاب ثراه دراوّل شرح عقاید صدوق در مدح کافی
فرموده وهو اجل کتب الشیعة ولکن هزار افسوس که شیطان این در
رحمت وباب برکت را از غالب انام وجلّ عوام مسدود نموده نان کندم
سفید پاکیزهٔ حلال پخته که حضرت منّان در خوان کرم خود برایشان
مهیّا ودر محضر تمام بنرحمت طلب کسترده از دست ایشان کرفته و
بعوض در مقام کرسنکی بکدائی درخانهٔ اغیار وخصماء ائمّهٔ اطهار
علیهم السّلام وغیر ایشان فرستاده که بعد از تذلّل ورنج بسیار لقمه
نان ارزن کهنه نپخته بچنك ارند که نه جوع را سدّ ونه دردی را دوا
کند واکر اتّفاقا حاجتی روا شود از هزارها فیوضات محروم مانده
ایا نمی بینی بسیاری از دور افتادکان از درخانه امامان وپیشوایان
خود که در رحمت الهی ست چون در شدّتی افتند وببلائی کرفتار
شوند وبرای انجاح مهمّی متحیّر مانند ابدًا اعتنائی بجملهٔ اثار اهل
البیت علیهم السّلام نداوند که از ایشان جویا شوند که از برای کشف
ان کربت وانجام انحاجت بطریق معتبر از خانوادهٔ عصمت چه وسیله
وحال انکه برای تمام انها دستور العملی داده اند وکتاب شریف کافی تنها
در این مقام شافی ووافی ودر ان جمع شده انچه بان حاجت افتد با
اینحال در کوشه وکنار بجستجو افتد واز دور افتادکان از درخانه قریب

الهی جویا شود وختمی برای قضای حاجت خود طلبد که ابن بونی وابن
عربی وامثال ایشان چه رسیده و در پشت فلان کتاب از مرحوم شیخ
بهائی طاب ثراه چه نقل شده و فیل علی شاه برای این حاجت چه
ختم مقرّر نموده وچه دستور العمل داده رشتهٔ این کلام طولانی
و با وضع رساله منافی کار خرابی وغربت دین ومهجور شدن اثار
ائمّه طاهرین علیهم السّلام بانجا رسیده که در حرمهای مطهّره غالب
عوام وخدّام والا مقام بعد از فراغ از زیارت چون خواهند دعا
کنند از تمام ادعیه مأثوره از ائمّه علیهم السّلم که اگر جمع شود چندین
مجلّد بزرك خواهد شد با ان مضامین عالیه وکلمات بلیغه وفقرات
جانسوز خصوص ادعیه صحیفهٔ کاملهٔ سجّادیّه صلوات الله علی مصدرها
ومنشیها دست کشند ودعائیکه از بافتهٔ بعضی از صوفیّه اهل سنّت
است انرا خوانند وبهمان قناعت کنند واوّل ان دعا این است الهی
باخصّ صفاتك تا اخر دعا که مضامینش خود شهادت دهد که از
شیعهٔ امامی نیست چه رسد باما مان ایشان ودر هیچ کتابی دیده
نشده نه کسی پیدا میشود که پندی کند ونه کوشی که پند راشنود
بلکه برای سخن کفتن وموعظه کردن جرئتی نمانده وغیر این از خرابیها
که از حدّ ودعلاج کذشته پس از تمهید این مقدّمه ناقصه میکوئیم چون

زائر از مکان بعید یا مجاور قبر شریف خواهد حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم را زیارت میکند و ناچار باید در میان همهٔ آن زیارات که قریب بر بیست میشود زیارتے اختیار کند البتّه انرا بخواند که امشایخ عظام دران سه کتاب نقل کرده‌اند خصوص اگر هر سه نقل کرده باشند و ما در اینجا دو زیارت نقل کنیم زیارت اوّل زیارتی است مروی از حضرت امام علی نقی ع که هر سه بزرگوار روایت کرده‌اند در کامل الزیارة جعفر بن محمّد بن قولویه ره و کتاب جامع محمّد بن الحسن بن الولید ره نیز موجود است و در کافی دو زیارت نقل کرده و این اوّل انهاست و در فقیه فرموده چون رسیدی بغریّ یعنی بنجف اشرف پس غسل کن و بارامی و وقار برو تا برسی نزد امیر المؤمنین ع پس روی خود را بطرف انحضرت کن و بگو اَلسَّلٰمُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ وَاَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ لَقِيْتَ اللهَ وَاَنْتَ شَهِيْدٌ عَذَّبَ اللهُ قَاتِلَكَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جِئْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَاْنِكَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ اَلْقٰى عَلٰى ذٰلِكَ رَبِّيْ اِنْشَاءَ اللهُ يَا وَلِيَّ اللهِ اِنَّ لِيْ ذُنُوْبًا كَثِيْرَةً فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ رَبِّكَ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامًا مَعْلُوْمًا وَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ

الله تعالی و لا یشفعون الا لمن ارتضی زیارت دوم زیارتی است
مروی در کافی و تهذیب السلام علیک یا ولی الله السلام علیک
یا حجة الله السلام علیک یا خلیفة الله السلام علیک یا عمود الدین
السلام علیک یا وارث النبیین السلام علیک یا قسیم النار و صاحب
العصا و المیسم السلام علیک یا امیر المؤمنین اشهد انک
کلمة التقوی و باب الهدی و العروة الوثقی و الحبل المتین
و الصراط المستقیم و اشهد انک حجة الله علی خلقه و شاهده
علی عباده و امینه علی علمه و خازن سره و موضع حکمته و اخو رسوله
صلی الله علیه و آله و اشهد ان دعوتک حق و کل داع منصوب
دونک باطل مدحوض انت اول مظلوم و اول مغصوب حقه
صبرت و احتسبت لعن الله من ظلمک و تقدم علیک و صد عنک
لعنا کثیرا یلعنهم به کل ملک مقرب و کل نبی مرسل و کل عبد
ممتحن صلی الله علیک یا امیر المؤمنین و صلی الله علی روحک
و بدنک اشهد انک عبد الله و امینه بلغت ناصحا و ادیت امینا
و قتلت صدیقا و مضیت علی یقین لم تؤثر عمی علی هدی و لم
تمل من الحق الی الباطل و اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت
الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اتبعت الرسول

زیارت دوم

و نصحت

وَنَصَحْتَ لِلْأُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ
جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ اِلٰى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتّٰى
اَتَاكَ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِ عَلٰى
بَصِيرَةٍ وَبَلَّغْتَ مَا اُمِرْتَ بِهِ وَقُمْتَ بِحَقِّ اللّٰهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ صَلٰوةً مُتَّبِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا
لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا اَمَدَ وَلَا اَجَلَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
وَجَزَاكَ اللّٰهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِهِ اَشْهَدُ اَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ
وَاَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَاِلَيْكَ وَاَنْتَ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ
فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وَعَذَّبَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ
اَتَيْتُكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَاْنِكَ مُعَادِيًا
لِاَعْدَائِكَ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي اَتَيْتُكَ عَائِذًا بِكَ مِنْ نَارٍ
اِسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلٰى نَفْسِي اَتَيْتُكَ زَائِرًا اَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ فِكَاكَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَتَيْتُكَ هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلٰى ظَهْرِي
اَتَيْتُكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ
فَاِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً وَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَجَاهًا عَظِيمًا
وَشَاْنًا كَبِيرًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَقَدْ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَشْفَعُونَ
اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْبَابِ صَرِيخَ الْاَحْبَابِ اِنِّي عُذْتُ بِاَخِي

مع ل الاخيار
رسولك

رَسُولِكَ فَفُكَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمَا اُنْزِلَ اِلَیْکُمْ وَاَتَوَلّٰی
اٰخِرَکُمْ بِمَا تَوَلَّیْتُ بِهِ اَوَّلَکُمْ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ
وَالْعُزّٰی مؤلف گوید مجلسی مرحوم این زیارترا نزد در بحار نقل
کرده و نزد در تحفه بلی در بحار زیارتی طولانی از مصباح الزائر ابن
طاوس ره نقل کرده که این زیارت دران مندرج است با اختلاف
جزئی و بعد از نقل ان اشاره کرده که این مقدار را کلینی ره در کافی
نقل کرده والحق جای تعجب است که مثل ثقة الاسلام و شیخ طوسی
رحمهما الله زیارتی نقل کنند باستقلال و در عداد زیارات شمرده
نشود و حال انکه باید بر اغلب انچه نقل شده مقدم باشد چنانچه بر
اهل علم مخفی نیست مقام سیم در چند عمل مخصوص دیگر که در حرم
مطهر علوی بلکه در نجف اشرف بایست بجای اورد وان چهار
چیز است اول زیارت سید الشهداء علیه السلم دوم زیارت حضرت
ادم و نوح علیهما السلام سیم دعای شریفی که در عقب نماز زیارة
انحضرت و هر نماز واجب یا مستحب که در حرم یا در بیرون حرم از
صحن و خانه و غیرها کرده میشود مادامیکه در نجف اشرف است
بایست خوانده شود چهارم رفتن بمسجد عظیم الشان مجهول القدر
حنانه که غالب زائرین بلکه مجاورین از فیض ان محروم‌اند و اداب

وعمل انمکان شریف امّا زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین صلوات
الله علیه پس بدان اوّلاً که در تمام کتب مزار دیده نشده که در این هفت
حرم مطهّر مرقد منوّر نبوی ص وحرم شریف بقیع وبقعهٔ عالیهٔ علوی ع
وقبّه سامیه حسینی ع وحرم معظم کاظمی ع وبیت رفیع عسکری ع واستان
مبارکه رضوی ع علی مشرّفها الاف التحیّة والسّلم زیارت غیر صاحبان
بقعه منوّره چه یکی باشند یا متعدّد مستحبّ باشد وزیارتی والفاظ
مخصوصه وارد شده باشد مثل زیارت حضرت رسول صلّی الله
علیه واله در حرم امیر المؤمنین ع وزیارت هرد وبزرگوار در حرم ابی
عبد الله علیه السّلم وهکذا در سایر حرمها بالنّسبة بسائران بزرگواران
جز زیارت حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلم در حرم امیر المؤمنین ع
که در اخبار عدیده امر بان فرمودند واین نیز از جهت فضایل زیارت
انحضرت است که احصا نتوان کرد چه ان فضایل بهر درجه برسد
باز بفضل زیارت پدر بزرگوارش نرسد وبا اینحال زیارت انحضرت
در حرم کربلا وسایر حرمها مخصوصًا مستحبّ نیست وابدًا در اخبار
اشاره بان نفرمودند وهکذا زیارت رسول خدا ص در سایر حرمها
بلکه زیارت خود ابی عبد الله علیه السّلم در سایر حرمها غیر این حرم
شریف پس معلوم شد که این مطلب بجهة ملاحظهٔ امر دیگر نیست غیر

از بزرگی فضیلت زیارت آنحضرت وان امر رعایت قبر سر مبارک
آنحضرت است که حسب اخبار عدیده در بالای سر پدر بزرگوارش
دفن شده و در قدیم الایام اثر قبر نیز ظاهر بود و از این جهة است
که در اخبار عدیده محل زیارت آنحضرترا در این حرم شریف در بالای
سر مقرر فرموده اند حتی زیارت عاشورای معروفه وغیر معروفه که
خواهد آمد انشاء الله و از مواضع مخصوصهٔ این زیارت خواندن
در این حرم است در آن محل پس هر کس زیارت کند حضرت سید
الشهداء ع را در اینجا خواه در پایین پا یا در پشت سر یا در طرف بالای
سر که در خط پشت سر واقع میشود زیارت وارده آنحضرت را در
اینجا نکرده و قصد ورود نتواند کرد بلکه از انجا که زیارت آنحضرت
در هر محل و مکان چه دور و چه نزدیک و در هر زمان مستحب و
مرغوب است البته باجر و ثواب ان خواهد رسید ولکن باداب
مخصوص وارده در این حرم مطهر عمل نشده و شیخ فقهاء ره در جواهر
بعد از ذکر بعضی از اخبار اینده و جمع بین این اخبار که دلالت می
کند براینکه سر مبارک در اینجا دفن شد و بین انچه از علماء نقل
شده که سر مبارک با جسد شریف است باینکه مدتی طولانی در
اینجا مدفون بوده انگاه نقل شد بکربلا فرموده ولا باس بالصلوة

وزیارته بمکان وضعه ودر این کلام نیز اشاره است بانچه کفتیم شیخ
کلینی ره در کافی روایت کرده از یزید بن عمرو که کفت وقتیکه حضرت
صادق ع در حیره بود بمن فرمود ایا میخواهی بعمل اورم انچه تو را
وعده داده بودم کفتم اری یعنی رفتن بسر قبر امیر المؤمنین علیه السلام
کفت پس حضرت سوار شد واسمعیل سوار شد ومن با ایشان سوار
شدم تا انکه از ثویه که تل کوچکی است کذشت ومیان حیره ونجف
نزد تلهای سفید فرود امد واسمعیل فرود امد ومن هم با ایشان
فرود امدم پس حضرت نماز کرد واسمعیل نماز کرد ومن هم نماز کردم
پس باسمعیل فرمود برخیز وسلام کن بر جدت حسین ع پس کفتم فدایت
شوم مکر حسین ع در کربلا نیست فرمود اری ولکن چون سر مبارک
انحضرترا بشام بردند یکی از موالیان ما ان سررا دزدید پس انرا دفن
کرد در جنب امیر المؤمنین ع ونیز از ابان بن تغلب روایت کرده که
کفت با حضرت صادق ع بودم که کذشت بر پشت کوفه پس فرود امد
ودو رکعت نماز کرد پس اندکی راه رفتند فرود امدند ودو رکعت
نماز کردند انکاه اندکی سیر کردند وفرود امدند ودو رکعت نماز
کردند انکاه فرمود این موضع قبر امیر المؤمنین ع واین دو موضع
که در انها نماز کردم موضع سر مبارک حسین ع است وموضع منزل

اسمعیل فرزند انحضرت است

قائم علیه السّلام و در کامل الزّیارة وفرحة الغری این خبر را نقل کرده
و در ان د و بجای منزل منبر دارد و این اصحّ است ولکن نسخ کافی چنان
است که نقل کردیم و در کامل الزّیارة مرویست که حضرت صادق ع
براوی فرمود چون بنجف برسی دو قبری بینی قبری بزرك و قبری کوچك
امّا بزرك پس قبر امیر المؤمنین ع است وامّا کوچك پس سر حسین بن علیّ است علیهما السّلم
و نیز در انجا از یونس بن ظبیان روایت کرده که او با حضرت صادق ع
سواره بنجف رفتند و حضرت در دو موضع نماز کذاردند و فرمود ندکه
ای یونس بکن انچه من کردم پس چون فارغ شدم فرمود ای یونس میشناسی
این مکانرا کفتم نه فرمود موضعیکه اوّل دران نماز کردم موضع قبر امیر
المؤمنین ع بود وان بلندی دیکر موضع سر حضرت امام حسین ع ۳۴
بدرستیکه عبید الله بن زیاد چون سر حضرت امام حسین ع را بشام
فرستاد اورد ند بکوفه پس کفت بیرون برید این سر را از کوفه که باعث
فتنهٔ اهلش نشود پس حقتعالی چنین کرد که نزد امیر المؤمنین ع مدفون
شد و مجلسی ره در تحفه فرموده وامّا مدفون شدن سر حضرت امام
حسین ع در بالای سر حضرت امیر المؤمنین ع پس استحباب زیارت انحضرت
در انمکان بغیر انچه سابقا ذکر کردیم بسیار است وسیّد عبد الکریم بن
طاوس ره در فرحة الغری روایت کرده از ابی الفرج سندی که کفت من

من با حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام بودم انزمان که
وارد حیره شدند پس شبی فرمود استر را زین کنید پس سوار شد
و من در خدمتش بودم تا رسیدیم بر پشت کوفه پس فرود امد و دو
رکعت نماز کرد انگاه کناره کرد و دو رکعت نماز بجای اورد انگاه
کناره کرد و دو رکعت نماز گذارد پس گفتم فدایت شوم دیدم در سه موضع
نماز گذاردی فرمود امّا اوّل پس موضع قبر امیر المؤمنین ع و دوّم موضع
سر امام حسین ع است و سیّم موضع منبر قائم ع و نیز بسند معتبر از
مبارك خبّاز قریب بهمین را روایت کرده و نیز بسند معتبر از عبد
الله بن طلحه روایت کرده که او نیز با انحضرت بانجا رفتند پس بر پسرش
اسمعیل فرمود برخیز و نماز کن نزد سر پدرت حسین ع گفتم ایا انسر
مبارك را بشام نبردند فرمود اری ولکن فلان که از دوستان ما بود
انرا دزدید و اورد و درا ینجا دفن کرد و در مزار شیخ مفید و مصباح
ابن طاوس و مزار شهید رضوان الله علیهم زیارتی طولانی روایت
کرده اند از صفوان از حضرت صادق ع و معروفست بزیارت دوره و
در اینجا بعد از زیارت در پیش رو چنین وارد است انگاه ضریحرا ببوس
و در جانب سر بایست و بگو یا مولای الیك وفودی الخ انگاه ضریح
یعنی قبر را ببوس و رو کن بقبر حسین بن علی علیهما السّلم و قبله را میان

دو کتف خود قرار داده و بگو السّلام علیك یا اباعبدالله الخ و در کامل
الزّیاره و مصباح متهجّد شیخ طوسی قدّس سرّه مرویست از محمّد بن
خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت ما با صفوان بن مهران جمال
و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بنجف اشرف بعد از آنکه حضرت صادقؑ
بیرون رفته بود از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت
امیر المؤمنینؑ فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر
امام حسینؑ و گفت زیارت کنید حضرت امام حسینؑ را از این مکان
از بالای سر امیر المؤمنینؑ که حضرت امام جعفر صادقؑ چنین کرد
در وقتی که من در خدمت آنحضرت باین مکان شریف آمدیم الخ و دور
نیست که مراد از قبر در این دو خبر شریف همان قبر کوچك سر مبارك
حضرت باشد که در اخبار سابقه گذشت و در آنزمان ظاهر و ممتاز
بود و در مزار قدیم در خبر زیارت عاشوراء غیر معروفه که خواهد
آمد انشاء الله مذکور است که حضرت صادقؑ فرمود زیارت
باید کرد باین زیارت حسین بن علی علیهما السّلم را در نزد سر حضرت
امیر المؤمنینؑ پس واضح و روشن شد هر دو مطلب که یکی استحباب
زیارت آنحضرتست در این حرم مخصوصاً بملاحظه سر مبارك و دیگر
معیّن بودن مکان بالا سر از سمت پیش رو برای ادای این عمل شریف

واما الفاظ زیارت پس ان چند زیارت است اوّل زیارت عاشوراء
معروفه دوّم زیارت عاشوراء غیر معروفه که طولی ندارد بجهة نبودن
فقره صد مرتبه لعن وسلام سیّم زیارتی که خواهد امد در اعمال شعبان
حتّا نه بنا بر فرموده علامهٔ مجلسی ره در تحفه بعد از ذکر ان که اگر همین
زیارت در بالای سر حضرت امیر المؤمنین ع برای زیارت سر مبارك
امام حسین ع بخواند مناسب چهارم زیارت معروفه متداوله که شیخ
مفید وسید وشهید وغیرهم از صفوان روایت کردند که حضرت
صادق ع باو فرمودند که در انجا انحضرت را چنین زیارت کن
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِاللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یَابْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ وَسَیِّدَةِ
نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبَا الْاَئِمَّةِ الْهادینَ الْمَهْدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صَریعَ
الدَّمْعَةِ السّاكِبَةِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صاحِبَ الْمُصیبَةِ الرّاتِبَةِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِكَ وَبَنیكَ اَشْهَدُ لَقَدْ طَیَّبَ اللّٰهُ بِكَ
التُّرابَ وَاَوْضَحَ بِكَ الْكِتابَ وَجَعَلَكَ وَاَباكَ وَجَدَّكَ وَاَخاكَ وَاُمَّكَ
وَبَنیكَ عِبْرَةً لِاُولِی الْاَلْبابِ یَابْنَ الْمَیامینَ الْاَطْیابِ التّالینَ الْكِتابَ
وَجَّهْتُ سَلامی اِلَیْكَ صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَیْكَ وَجَعَلَ اَفْئِدَةً
مِنَ النّاسِ تَهْوی اِلَیْكَ ماخابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَاَ اِلَیْكَ وَ اَمّا

زیارت حضرت آدم ونوح علیهما السلام پس بدان اولا که تعظیم وتوقیر هریک
از پیغمبران واوصیا صلوات الله علیهم برهمه مکلفین لازم است عقلا
وشرعا چه از امت ایشان باشند یا نباشند واحترام واکرام ایشان در
حیات وممات فرق نکند پس اگر در زمان حضور یکی از ایشان کسی در
محضر شریفش حاضر شود وسلام نکند وتحیت نگوید البته اهانت کرده
وحقیر شمرده آن رسول معظم پروردگار جل ثنائه را همچنین بعد از
وفات اگر در نزد مرقد شریفش حاضر شد البته باید چنان کند که گویا
زنده وحاضر وناظر است وچون مرقد آن دو رسول معظم بحسب
اخبار کثیره در همان مرقد طیب وطاهر حضرت امیر المؤمنین ع است
لهذا نبایست بی سلام کردن بر ایشان از آن حرم شریف بیرون رود
والا ادای حق تعظیم لازم ایشان نشده ودر اخبار نیز اشاره باین فرموده‌اند
در کامل الزیارة بسند معتبر مروی است از مفضل بن عمر که گفت مشرف
شدم خدمت حضرت صادق ع وعرض کردم که من مشتاق شده‌ام
بسوی غری یعنی نجف الاشرف فرمود چه ترا شایق کرده بسوی او
گفت دوست دارم زیارت کنم حضرت امیر المؤمنین ع را فرمود آیا می
دانی فضل زیارت آنحضرت را گفتم نه یابن رسول الله از آن نشانم دهید
فرمود چون اراده کنی زیارت امیر المؤمنین ع را پس زیارت کننده عظام

آدم

ادم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب ع را پس سبب دفن شدن حضرت
ادم ع را در انجا بیان فرموده انگاه فرمود پس چون قصد کردی زیارت
کنی عظام ادم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب علیهم السلم را پس بدستیکه
زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته و محمد خاتم پیغمبران را و علی ع
بهترین اوصیا را صلوات الله علیهم و ثانیا محل زیارت این دو پیغمبر عظیم
الشان در بالای سر است در همانجا که زیارت حضرت سید الشهداء ع را
باید کرد پشت بقبله و رو بایشان چنانچه در اداب زیارت معصوم ذکر
کرده اند و در مزار شیخ مفید و مصباح سید و مزار شهید در زیارت دوم
که از جناب صادق ع مرویست بعد از ذکر زیارت سید الشهداء علیه
السلام در بالای سر چنانچه گذشت چنین دارد ثم تحول عند الرجلین
وقل السلم علی ابی الائمة الخ ثم الی عند الراس لزیارة ادم و نوح علیهما
السلم وقل فی زیارة ادم ع الخ انگاه برگرد و بیا نزد پایهای قبر و بگو الخ بعد
از ان باز گرد و بیا نزدیک سر انحضرت بجهة زیارت ادم و نوح علیهما السلم
الخ و این کلام صریح است در انچه گفتیم که بایست در محل زیارت ابی عبد
الله ع ایشان را زیارت کرد و در تمام اخبار شرحی از زیارت ایشان نشده
جز در این خبر پس انچه مرسوم شده میان عوام و خدام و بعضی اهل علم که
در پشت سر و بقبله می ایستند و ان دو پیغمبر عظیم الشان را در حکم رعایا

در طرف نجف اشرف را از زیارت می

الی

دو غیر

وغیر معصوم دراورده زیارت میکنند علاوه بر اینکه باداب مقرره ۷۶
وارده عمل نکردند در تعظیم وتبجیل ایشان را ندانسته نهایت تقصیر را
کرده اند واما اصل زیارت پس درکتب مذکوره وغیرها چنین است
زیارت آدم علیه السلام السَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا حَبِیبَ
اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمِینَ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ
یا خَلِیفَةَ اللهِ فی اَرْضِهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبَا الشُّهَداءِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا
اَبَا الْبَشَرِ السَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلی رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَی الطّاهِرِینَ مِنْ
وُلْدِكَ وَذُرِّیَّتِكَ وَصَلَّی اللهُ عَلَیْكَ صَلوةً لا یُحْصِیها اِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَکاتُهُ مؤلف گوید این زیارت را از مزار شهید ره نقل کردیم
ودر مزار شیخ مفید وابن طاوس رضی الله عنهما فقره السلام علیك یا
ابا الشهداء را ندارد ودر اول فقره وصلی الله علیك را ندارد زیارت
نُوح علیه السلام السَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللهِ السَّلامُ
عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا حَبِیبَ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا شَیْخَ
الْمُرْسَلِینَ السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمِینَ اللهِ فی اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ
عَلَیْكَ وَعَلی رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَی الطّاهِرِینَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّیَّتِكَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ مؤلف گوید در این خبر شریف امر فرمودند که
برای هریك دو رکعت نماز زیارت بکنند واز کلمات علما معلوم میشود

زیارت حضرت نوح

که در این حرم مطهّر مطلقا شش رکعت نماز زیارت باید کرد دو رکعت
برای حضرت وچهار رکعت برای آدم ونوح صلوات الله علیهم چه
این زیارت مخصوصه ایشان را بخواند یا نخواند حتّی شش رکعت که
در زیارت ششم مذکور است باید بهمین نحو تقسیم شود شیخ صدوق
علیه الرّحمه در کتاب من لا یحضره در زیارت برای آنحضرت نقلکرده
ودر انها ذکری از آن دو نبیّ مرسل نشده ودر آخر زیارت فرموده
وتصلّی عنده ستّ رکعات وتسلّم فی کلّ رکعتین لأنّ فی قبره عظام
آدم وجسد نوح وامیر المؤمنین علیهم السّلم فمن زار قبره فقد زار آدم
ونوحاً وامیر المؤمنین علیهم السّلم فتصلّی لکلّ زیارة رکعتین در نزد آن
حضرت شش رکعت نماز میکنی در هر دو رکعت سلام میگوئی زیراکه
در قبر آنجناب عظام آدم وجسد نوح وامیر المؤمنین علیهم السّلم است
پس هر که آنقبر را زیارت کرد بتحقیق زیارت کرد آدم ونوح وامیر
المؤمنین ع را پس نماز میکنی برای هر زیارت دو رکعت ودر مزار
شیخ محمّد بن المشهدی در چند زیارت مطلقه ومخصوصه تصریح کرده
که نماز زیارت در این حرم شش رکعت است بهمان تفصیل وابن طاوس
قدّه در مصباح الزّائر بعد از ذکر زیارت ششم معروف که در کتاب او
زیارت پنجم است فرموده ثمّ صلّ صلوة الزّیارة ستّ رکعات له ولآدم

ونوح علیهم السّلم لکلّ واحد منهم رکعتان انکاه شش رکعت نماز بکن دو
رکعت برای انحضرت وبرای جناب ادم ونوح علیهم السّلم هریك دو
رکعت وشیخ طوسی قدّه در کتاب مصباح متهجد بعد از ذکر زیارت
برای حضرت امیر المؤمنین ع که دران اسمی از ان دو پیغمبر علیهما السّلم
برده نشده وبعد از ذکر دو رکعت نماز زیارت باداب فرموده و
تقوم فتصلّی اربع رکعات تقرء فیهما بمثل ما قرات فی
الرّکعتین ویجزیك ان تقرء انّا انزلناه فی لیلة القدر وسورة الاخلاص
ویجزیك اذا عدلت عن ذلك ما تیسّر لك من القران تکمل بالاربع
ستّ رکعات الاولیان منها لزیارة امیر المؤمنین صلوات الله علیه
والاربع لزیارة ادم ونوح علیهما السّلم ثمّ تسبّح بتسبیح الزّهراء علیها السّلم
وتستغفر لذنبك وتدعو بما بدا لك برمیخیزی وچهار رکعت نماز میکنی
ومیخوانی درانجا انچه دران دو رکعت خواندی یعنی سورهٔ الرّحمن
ویس وکفایت میکند ترا که بخوانی سورهٔ انّا انزلناه وسورهٔ قل هو الله واکر
از این عدول کردی کافیست ترا که بخوانی انچه میسّر شود ترا از قران
وباین چهار رکعت شش رکعت را کامل میکنی یعنی ان شش رکعت
زیارت مقرّره درا بیخرم راد واز انها برای زیارت حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه است وچهار دیکر برای زیارت جناب

ادم

ادم ونوح علیهما السّلم انکاه تسبیح حضرت زهراء صلوات الله علیها میفرستی
وبرای کناهان خود طلب مغفرت میکنی وانچه میخواهی دعا میکنی ومراد
از زیارت ان دو پیغمبر علیهما السّلم در این کلمات که سبب بجا اوردن
نماز است یا مجرّد حضور در سر مرقد مطهّر ایشان است یا باسلام
مخصوص کذشته یا انچه بزبان زایر جاری کردد ومسلّم داشتن این از
زائر مؤمن که نشود در حضور دو پیغمبر عظیم الشّان حاضر شود وسلام
نکند وثنائی نکوید ولکن واحسرتاه که با این همه اهتمام وتاکید از سنن متروکه
است که کمتر زائری ومجاوری بکردن ان موفّق بشود وبالله المستعان
وامّا عمل ستیم که خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب
نماز زیارت وسایر نمازها از واجب ومستحب مادامیکه در نجف اشرف
مشرّف اند پس بدانکه شیخ طوسی قدّه در تهذیب روایت کرده از شیخ
قمیّین محمّد بن احمد بن داود صاحب مزار کبیر معروف که او بسند خود
روایت کرده از یونس بن ظبیان کفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع
زمانیکه در حیره تشریف داشتند پس مرا با خود برد بمکانی ودر انجا
ایستاد ودستها را بلند کرد ودعائی اهسته خواند که انرا نفهمیدم
پس دو رکعت نماز کرد ودر انها هر سورهٔ کوچك خواند ومن کردم
چنانچه ایشان کردند پس دعائی خواند که مرا فهمانند وانرا بمن اموختند

تا اخر خبر و سیّد عبدالکریم بن طاوس طاب ثراه در فرحة الغری این
خبر را بسند دیگر نیز نقل کرده و شیخ مفید ره در مزار و ابن طاوس
قدّه در مصباح الزّائر بعد از ذکر زیارت دوره بروایت صفوان
فرمودند وکلّما صلّیت صلوة فرضا کانت او نفلا مدّة مقامك
بمشهد امیر المؤمنین ع فادع بهذا الدّعاء هر وقت نماز کردی یا هرچه
نماز کنی چه نماز واجب باشد چه مستحب مدّتیکه در مشهد امیر المؤمنین
علیه السّلام اقامه داری پس این دعا را بخوان و دور نیست که این
از تتمّهٔ کلام حضرت صادق ع باشد در روایت صفوان نه از کلام
شیخ و سیّد و چون نسخ کتب معتبره در بعضی کلمات این دعا اختلاف
داشت ما انرا از نسخهٔ صحیحهٔ تهذیب شیخ طوسی نقل کردیم الدّعاء
اَللّٰهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ اَمْرِكَ وَلَا بُدَّ مِنْ قَدَرِكَ وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَاۤئِكَ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ فَمَا قَضَیْتَ عَلَیْنَا مِنْ قَضَاۤءٍ اَوْ قَدَّرْتَ
عَلَیْنَا مِنْ قَدَرٍ فَاَعْطِنَا مَعَهُ صَبْرًا یَقْهَرُهُ وَیَدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنَا
صَاعِدًا فِی رِضْوَانِكَ یَنْمِی فِی حَسَنَاتِنَا وَتَفْضِیلِنَا وَسُؤْدَدِنَا وَمَجْدِنَا
وَنَعْمَاۤئِنَا وَكَرَامَتِنَا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَلَا تَنْقُصْ مِنْ حَسَنَاتِنَا اَللّٰهُمَّ
وَمَا اَعْطَیْتَنَا مِنْ عَطَاۤءٍ اَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِیلَةٍ اَوْ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ
كَرَامَةٍ فَاَعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا یَقْهَرُهُ وَیَدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا

ولا مقتاً

في رضوانك وحسناتنا وسوددنا وشرفنا ونعمائك وكرامتك
في الدنيا والآخرة ولا تجعله لنا أشراً ولا بطراً ولا فتنة ولا مقتاً
ولا خزياً في الدنيا ولا في الآخرة اللهم إنا نعوذ بك من عثرات اللسان
وسوء المقام وخفة الميزان اللهم لقنا حسناتنا في الممات ولا ترنا
أعمالنا علينا حسرات ولا تخزنا عند قضائك ولا تفضحنا بسيئاتنا
يوم نلقاك واجعل قلوبنا تذكرك ولا تنساك وتخشاك كأنها تراك
حين نلقاك وبدل سيئاتنا حسنات واجعل حسناتنا درجات
واجعل درجاتنا غرفات واجعل غرفاتنا عاليات اللهم وأوسع
لفقيرنا من سعتك ما قضيت على نفسك والهدى ما أبقيتنا و
الكرامة ما أحييتنا والكرامة إذا توفيتنا والحفظ فيما بقي من
عمرنا والبركة فيما رزقتنا والعون على ما حملتنا والثبات على ما
طوقتنا ولا تؤاخذنا بظلمنا ولا تعاقبنا بجهلنا ولا تستدرجنا
بخطيئاتنا واجعل أحسن ما نقول ثابتاً في قلوبنا واجعلنا عظماء
عندك أذلة في أنفسنا وانفعنا بما علمتنا وزدنا علماً نافعاً اللهم
إنا نعوذ بك من قلب لا يخشع وعين لا تدمع وصلوة لا ترفع وأجرنا
من سوء الفتن يا ولي الدنيا والآخرة مؤلف گوید این دعای شریف
با این مضامین عالیه واشتمال بر مهام امور دنیا وآخرت واهتمام در

حسبی ... انی اعوذ

خواند

خواندن ان در این ارض مقدسه باین کثرت چنان مهجور و متروك
شده که در این طول مجاورت گاهی در حرم مطهر بگوشم نرسیده از
زائری یا مجاوری یا مزوری فقرات این دعا و هزارها دعای ان
عارف سنی را با ان فقرات موحشه شنیده و خواهیم شنید نیست
این مگر از ضعف اسلام و رفتن غیرت از اهل ایمان و غلبه جنود
شیطان و رسیدن بدرجه خذلان و انتهاء عاقبت بسوء و خذلان

واما عمل چهارم که رفتن بمسجد حنانه باشد پس بدان که نزدیك
ارض مقدسه بنجف اشرف از طرف شرق بفاصله سه هزار ذراع
تقریبا مکانی است که در ان در قدیم بنائی داشت گویا شبیه بمیل
که انرا قائم میگفتند و علم هم مینامیدند و وجه نامیده شدن ان بنا
باین اسم معلوم نشده و محتمل است که نشانه فرسخ بوده چه از انجا تا
شهر کوفه همین مقدار مسافت دارد و چون جنازه حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم را در شب حرکت دادند که در تربت پاك نجف دفن شود
عبور بان بنا افتاد و بجهة تعظیم و احترام حضرت چون رکوع کنند کان
کج شد پس انرا حنانه نامیدند و گاهی قائم مائل میگویند و این یکجهة
شرافت این محل است وجهة دیگر انکه چون سر مبارك حضرت سید
الشهدا علیه السلم را از کربلا بکوفه می بردند شب در این موضع گذاشتند

واز اینجهت

واز اینجهة در انجا نماز وبدعا وزیارت مقرّر شده وعامّهٔ زوّار از
فیض این محل محروم بجهة نادانی وتنبیه نکردن دانایان ایشانرا وبجهة
قلّت تردّد ونداشتن بزرکی ومقام این محلّ شریف مهجور ومتروک و
خراب مانده وحال انکه منزل اوّل سر مطهر حضرت ابی عبد الله ع است
که از بدن مبارک جدا شد وغریب وتنها در انجا شبرا بسر برده بلکه شیخ
فقهاء در کتاب حج جواهر الکلام بعد از ذکر نماز در این مقام احتمال
داده که اینجا مدفن سر مبارک باشد یعنی بعضی از اجزای شریفهٔ آن و
اشاره بمصیبت عظیمه کرده که قلم حقیر را جرئت بر نوشتن ان نیست و
مؤیّد این احتمال است انچه محمد بن المشهدی در مزار خود کفته زیارة
اخری له صلوات الله علیه یزار بها فی کلّ یوم وفی کلّ شهر ویزار بها
ایضاً عند القائم الغری فقد جاء فی الاثر انّ راس الحسین علیه السلام
هناک زیارة دیکری برای انحضرت که در هر روز ودر هر ماه بان زیا
رت کرده میشود ونیز انحضرترا بان زیارت کنند در قائم که در نجف
است پس بتحقیق که در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین ع انجا است
وظاهر این خبر دفن در انجا است اکرچه در بحار احتمال داده که در اصل
نسخه وضع هناک بوده چنانچه کذشت که در انجا کذاشتند بهر حال این
تلّ با این شرافت اکر در هر بلاد بعیده بود دوستان وموالیان که از شوق

ومحبّت هر ساله الاف والوف در راه انحضرت صرف میکنند بقدر
مقدور در تعظیم وتبجیل این محلّ میکوشیدند ودر بناء وعمارت و
زینت ان وعبادت دران مجهود خود را صرف می نمودند خانه موسوم
در پشت مسجد کوفه که انرا نسبت میدهند بحضرت امیرالمؤمنین ع
وتاحال در هیچ کتابی دیده نشده وعالمی نگفته وسندی هرچند
بسیار ضعیف باشد برای این نسبت ذکر نشده باا ینحال بازارش
رواج وجزو مناسك زوّار وهرچندی بیجزدان در کیفیّت صرف
وجوه بریه مبلغی دران صرف کنند واین محلّ عظیم القدر نه مطاف
زوّار ونه مورد صرف وجوه برّ ونه معبد طالبین خیر وقبور بسیاری
از جبابره در قرب همین مسجد شریف با بناهای عالیه وقباب فیعه
وشموع معلّقه واین مسجد چنین خراب وویران وبی خادم وکو یا
روشنائی چراغ تاکنون در شب درخود ندیده تا روز جزا در نزد
مالك یوم الدّین چه شکایتها کند واز مصدر حضرت جبّار منتقم
چه حکم در اید واما اداب وارده برای این مسجد شریف پس چند
چیزاست اوّل دو رکعت نماز شیخ مفید در مزار وسیّد جلیل
در مصباح وشهید اوّل در مزار روایت کردند از مفضّل عمر گفت
گذشت حضرت امام جعفر صادق ع بقائم مائل در راه غری بعد ان

ان علم که کج شده بود بجهة جنازه حضرت ع پس دو رکعت نماز کرد
پس با نحضرت عرض کردند این چه نماز نیست فرمود این موضع سر
جانم حسین بن علی علیهما السّلم است که انرا در اینجا گذاشتند چون
لشکر بلا امدند انگاه انرا بنزد عبید الله بن زیاد بردند دوّم خواندن
این دعا چنانچه در کتب مزبوره از صفوان جمّال روایت کرده‌اند که
حضرت صادق علیه السّلم باو فرمودند چون بعلم یعنی حنانه رسیدی
پس بگو اللّهُمَّ اِنَّکَ تَرىٰ مَکانی وَ تَسْمَعُ کَلامی وَلا یَخْفىٰ عَلَیْکَ شَیْءٌ
مِنْ اَمْری وَ کَیْفَ یَخْفىٰ عَلَیْکَ ما اَنْتَ مُکَوِّنُهُ وَ بارِئُهُ وَ قَدْ جِئْتُکَ
مُسْتَشْفِعاً بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَ مُتَوَسِّلاً بِوَصِیِّ رَسُولِکَ فَاَسْئَلُکَ
بِهِما ثَباتَ الْقَدَمِ وَالْهُدىٰ وَالْمَغْفِرَةَ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ سیّم شیخ
محمّد بن المشهدی قدّه در مزار خود روایت کرده که حضرت صادق ع
در مسجد حنانه حضرت امام حسین ع را چنین زیارت کرد و چهار
رکعت نماز گذارد و زیارت این است اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ
اللهِ اَلسَّلمُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الصِّدّیقَةِ
الطّاهِرَةِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا اَبا
عَبْدِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَ
اٰتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تَلَوْتَ الْکِتابَ

حقَّ

حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذى فِي
جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خالَفُوكَ وَ
حارَبُوكَ وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلى
لِسانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرى لَعَنَ اللهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَلِيمَ أَتَيْتُكَ
يا مَوْلايَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ عارِفاً بِحَقِّكَ مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ مُعادِياً
لِأَعْدائِكَ مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ عارِفاً بِضَلالَةِ
مَنْ خالَفَكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ مؤلفگويد نزديك مسجد حنانه
از طرف مشرق تلّ كوچكى است كه انرا ثوير ميگويند ودر قديم
محلّ معروفى بوده وابى داشت ودر انجا جمعى از بزرگان اصحاب
حضرت امير المؤمنين ع مدفونند كه يكى از انها كميل است كه قبرش
ظاهر واز ما بقى اثرى نيست وكميل نام رشيد هجرى كه جلالت قدرش
از كميل خيلى بالاتر است در انجا باشد واحنف ابن قيس معروف كه
در حلم باو مثل زنند نيز در انجا است بلكه جبّار عنيد زياد پدر عبيد الله عه
ومغيره عه نيز در انجايند پس زائر چون بانجا رسيد اوّلا دو ركعت نماز
كند چنانچه صفوان از حضرت امام جعفر صادق ع روايت كرده كه باو
فرمودند چنين كند وثانيا اين دعا را بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى مَا اخْتَصَّنِي

عه
مراد از مغيره مغيرة بن شعبه است
نه مغيرة بن سعيد كذّاب وضّاع
توسّل كه اخبار بسيار در ذم
بقيه در حاشيه صفحه جب
۳

به من طیب المولد واستخلصنی اکراما به من موالاة الابرار السفرة
الاطهار والخیرة الاعلام اللهم فتقبل سعیی الیک وتضرعی بین
یدیک واغفر لی الذنوب التی لا تخفی علیک انک الملک الغفار
چنانچه در همان روایت مذکور است و ثالثا سلام کند بر همه اصحاب
حضرت که در آنجا مدفونند و آنچه تواند بخواند از سور و آیات قرآن
که مقرر است خواندن آن برای اهل قبور مثل سورهٔ یس و حمد و
یازده مرتبه قل هو الله و هفت مرتبه انا انزلناه و آیة الکرسی همه را
شریک کند و از فیض همه بهره مند شود و بتوسل ارواح مقدسه
ایشان متقرب شود بمولای ایشان و مولای هر مؤمن و مؤمنه امیر
المؤمنین ع و رابعا مناسب است که از آن جبار ظالم عبید زیاد یاد
کند و از آنچه بشیعیان خاص آنحضرت کرد از انواع ظلم و اذیت و
قتل و دار کشیدن و میل آهنی که اخته در چشمشان کشیدن بلکه
سب کردن حضرت و جمع کردن مردم در مسجد برای این عمل منکر
که در همان روز بمقصود نرسیده و بطاعون مبتلا و دنیا را از لوث
وجود خود پاک نمود و غیر اینها بخاطر آرد و تا تواند دهانرا بلعن او
پاک و پاکیزه و خوشبو و معطر کند تمام شد آنچه مقصود بود از ذکر
مختصر از مناسک زائر در نجف اشرف و اما اعمال مسجد کوفه و سهله

پس برسالۀ سلامة المرصاد مختصر رجوع کنند که وافی وکافی است

فصل ششم در ذکر شرح زیارات مخصوصه و مطلقۀ حضرت ابی عبد

الله الحسین ع وغیرها ودران چند مقامست مقام اوّل در ذکر اعتبار

زیارات مخصوصۀ انحضرت وان هشت است اوّل رجب ونیمۀ ان

ونیمۀ شعبان ولیالی قدر وعیدین وعرفه وعاشوراء واربعین

امّا زیارات مخصوصۀ روز عاشوراء وروز اربعین پس دران سخنی

نیست زیراکه علمای اعلام در کتب معتمده باسانید معتبره انرا روایت

کرده اند وامّا شش زیارت دیگر پس فی الجمله محلّ تامّل وشبهه شده

برای بعضی از اهل علم بجهة نسبت ندادن انهارا علما بامام علیه السّلم

در کتب مزار چنانچه سابقا از مجلسی ره نقل نمودیم واینکه در کتاب

تحفه نقل نکرده بهمین جهة جز زیارت قدر را با ذکر شبهه دران ومادر

سابق وجهی اجمالی برای اعتبار تمام انها وصحّت نسبت انها بامام ذکر

نمودیم وحال نیز دو وجه دیگر برای اعتبار تمام بالجمله از انها ذکر میکنیم

باقرائن خاصّه وبرای هریك از انها که انشاء الله تعالی بعد از تامّل درانها

شبهه نماند وباطمینان توان نسبت داد انهارا بامام علیه السّلم پس میگوئیم

وجه اوّل انکه شیخ جلیل محمّد بن المشهدی ره در اوّل مزار خود فرموده

وبعد فانّی جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات فی المشاهد وما

ورد فى الترغيب فى المساجد المباركات والادعية المختارات وما يدعى
به عقيب الصلوة وما يناجى به القديم تعالى من لذيذ الدعوات فى الخلوات
وما يلجاء اليه من الادعية عند المهمات مما اتصلت به من ثقاة الرواة
الى السادات من در اين كتاب جمع نمودم از فنون زيارات وانچه رسيده
در ترغيب در مساجد مباركه ودعاهاى بركزيده وانچه در عقب
نمازها خوانده ميشود ودعاهاى لذيذه كه بان باحضرت باريتعالى
مناجاة بايد كرد ودعاهائيكه بان پناه بايد برد در نزد امور مهمه از
روايات واخباريكه بتوسط راويان عادل بما رسيده تا ائمه انام
عليهم السّلام يعنى انكه براى من انها را نقل كرد اما مى عادل بود وانكه
براى او نقل كرد نيز چنين بود وهكذا تا برسد بامام ع پس انچه ذكر شود
در اين كتاب از زيارات ودعوات تمام انها مرويست از معصوم ع
بسند صحيح حتى باصطلاح متاخرين ولا اقل بسند معتبر خواهد بود
واز اين عبارت حال ادعيه معروفه مقامات شريفه مسجد كوفه معلوم
ميشود كه تمام انها بسند معتبر مرويست زيراكه تمام انها را در اين مزار
نقل فرموده پس هر زيارة مخصوصه كه از ابن مزار نقل كنيم مروى
ومعتبر خواهد بود وحجه دقّ بما انكه عالم جليل شيخ ابرهيم كفعمى ره
در كتاب بلد الامين در اعمال شهر ربيع الاول بعد از ذكر بعضى

اخبار وارده در ثواب زیارت کردن حضرت ابی عبدالله ع در هر ماه فرموده قلت فلهذین الحدیثین اورد نا فی کتابنا هذا الحسین علیه السلام فی اول کل شهر زیارة مفردة الا ان یکون فی الشهر زیارة موظفة فنکتفی بذکرها انتهی یعنی بجهة این دو حدیث که در استحباب زیارة انحضرت در هر ماه وارد شده من در اول هر ماه زیارت مفرده در این کتاب نقل کردم یعنی از زیارات ماثوره مطلقه مگر انکه در ان ماه زیارت موظفه داشته باشد که من اکتفا میکنم بذکر ان ودر ماه رجب وشعبان ورمضان وشوال وذی الحجة همان زیارات مخصوصه معهوده را نقلکرده وموظف شدن علی برای وقتی جز بدستور العمل شرع و رسیدن از ائمة ع نشود ودر نزد ان مرحوم بعضی کتب مزار معتبره قدیمه بود که حال از انها نشانی نیست واتا وخبر نیستیم واما قرائن وشواهد خاصه پس از این قرار است اول رجب سید جلیل علی بن طاوس قده در کتاب مصباح الزائر بعد از ذکر ثواب زیارة در ان فرموده شرح زیارته فی ذلك الیوم ویزاد بها لیلة نصف من شعبان ایضا اذا اردت ذلك الخ انکاه در فصل فضل زیارت انحضرت در نیمه شعبان فرموده واما الزیارة فی هذه اللیلة فقد روی ان یزار فیها بالزیارة التی قدمنا ها فی اول رجب فتؤخذ من هناك حاصل

فرموده در فصل زیارة مخصوصهٔ اوّل رجب انکه باین زیارت در شب
نیمهٔ شعبان نیز زیارت کنند انحضرترا و در فصل زیارت نیمهٔ
شعبان فرموده و امّا زیارت در این شب یعنی مخصوصه بان پس
بتحقیق که روایت شده که انحضرترا زیارت کنند در انشب بان زیا
رتیکه در اوّل رجب ذکر کردیم پس از انجا بگیرند و زیارت کنند و
این کلام صریح است در انکه الفاظ این زیارت و اختصاص ان بان
دو وقت هر دو مرویست و نیز در کتاب اقبال در اعمال نیمهٔ شعبان
فرموده فصل فیما نذکره من لفظ زیارة الحسین ع فی نصف شعبان
قول انّ هٰذه الزّیارة ممّا یزار بها الحسین ع اوّل رجب ایضًا و انّما اخرنا
ذکرها فی هٰذه اللّیلة لأنّها اعظم فذکرناها فی الاشرف من المکان
این زیارتیکه ذکر میشود ان زیارتیست که حضرترا در اوّل رجب
نیز بان زیارت کرده میشود و ما این زیارترا در اوّل رجب ذکر نکردیم
و در اینجا ذکر کردیم بجهة بزرگی قدر و منزلت شب نیمهٔ شعبان پس
انرا در محلّ اشرف ذکر نمودیم و اینکلام در صراحت مثل کلام سابق
است و نیز در مصباح بعد از ذکر زیارت انحضرت در اوّل رجب و
زیارة شهداء که اسامی ایشان در ان مذکور است فرموده قد تقدّم
عدد الشّهداء فی زیارة عاشوراء بروایة تخالف ما سطرناه فی هٰذا

المکان

المكان ويختلف فی اسمائهم ایضاً فی الزّیادة والنقصان وینبغی ان تعرف
ایدك الله جلّ جلاله بتقواه انّا تبعنا فی ذلك ما رأیناه او رویناه
ونقلنا فی کلّ موضع کما وجدناه کذشت عدد شهداء در زیارة عاشو
راء یعنی زیارت ناحیهٔ مقدّسه که متضمّن است اسامی شهدا را بر
رواتیکه مخالف است در عدد با انچه در اینجا ذکر کردیم ودر اسامی
ایشان نیز باهم مخالفت دارند وبدانکه ما در نقل متابعت نمودیم
انچه راکه روایت کردیم یا بما اذن دادند که انرا روایت کنیم یا انچه راکه
در کتابی دیدیم وسندی بصاحبان کتاب نداریم در هر موضع انچه
یافتیم نقل نمودیم وواضح است که اکر این زیارت مروی باشد سندش
معتبر نبود جای معارضه انداختن ان با زیارت ناحیه مقدّسه وعدد
خواستن نداشت ونیز در مصباح بعد از ذکر فضل زیارت انحضرت
در نیمه رجب فرموده فامّا کیفیّة زیارته فی هذا الوقت فینبغی
ان یزار بالزّیارة الجامعة فی اوّل رجب او بما تقدّم من الزیارات المتقدمة
فانّی لم اقف علی زیارة مختصّة بهذا الوقت المذکور در نیمهٔ رجب سزا
وار است که انحضرت را زیارت کنند بزیارت جامعه رجبیه یا ببعضی از
زیارات منقوله که کذشت زیراکه من واقف نشدم بر زیارتیکه اختصاص
داشته باشد باین وقت واین کلام صریح است در اینکه انچه ذکر کرده

از زیارات مخصوصه در غیر نیمهٔ رجب تمام مروی و مقدّمست بر زیارات
مطلقه در آن اوقات اگر زائر یافت آنها را و اگر دستش با نها نرسید پس
آنگاه یکی از آن زیارات مطلقه را بخواند و ظاهراً مزار شیخ مفید ره در نزد
سیّد نبود و الّا نمیفرمود نیافتم نیمهٔ رجب این زیارت را شیخ مفید
و شهید اوّل رحمهما الله نقل کرده اند و عبارت مزار شیخ مفید چنین
است من الزّیارات المخصوصة زیارة النّصف من رجب تسمّی بالغفیلة
فاذا اردت ذلک الخ و شهید فرموده از زیارات مخصوصه زیارت
غفیله است و آن در نصف ماه رجب است پس هرگاه خواهی که در آن وقت
زیارت کنی الخ و غفیله اگر اسم این الفاظ زیارت باشد نشود که غیر مروی
باشد چه نشود زیارت تالیف شده دیگران را علماء اسم گذارند آنگاه مثلا
این دو عالم جلیل در مقام فضل آنرا باین اسم یاد کنند آنرا برای این وقت
معیّن نمایند و لکن محتمل است که اسم اصل این زیارت مخصوصه باشد یعنی
زیارت در نیمهٔ رجب هر زیارتیکه باشد آنرا غفیله گویند بهر حال این زیارت
بعینها همان زیارت جابر بن عبد الله است در روز اربعین با اختلاف
جزئی در زیاده و نقصان و غیر آن که میشود از اختلاف نسخ باشد و
اختصاص دادن دو بزرگوار آنرا باین وقت نشود مگر از روی نص
صریح و شاهد صحیح چنانچه بر متامّل منصف پوشیده نیست نیمهٔ شعبان

گذشت

گذشت تصریح سید اجل ابن طاوس که زیارت مخصوصه در آن مروی است
و اینکه آن زیارت نیست که در اول رجب باید خواند علاوه بر آنکه شیخ مفید
و شیخ شهید ره نیز هر دو وارد آن زیارت شریک کرده اند و عبارت شیخ
ره این است زیارة اول یوم من رجب و لیلته و لیلة النصف من شعبان
فاذا اردت ذلك الخ و شهید ره در مزار نیمه رجب را نیز بآن دو ملحق
نموده و این گونه کلمات با مروی نبودن زیارت از پست ترین اهل علم
شایسته نیست چه رسد باکابر دین و روی شاملت لیالی قدر در مصباح
الزائر فرموده شرح الزیارة و هی مختصة بهذه اللیلة و یزار بها فی العیدین
اذا اردت ذلك الخ این زیارت مختص است بهمین شب و در شب عید
فطر و اضحی نیز بآن زیارت حضرت را زیارت کنند و محمد بن المشهدی
در مزار فرموده زیارة الحسین بن علی علیهما السلام ایضا مختصرة یزار بها
فی لیلة القدر و فی العیدین و بالاسناد عن ابی عبدالله الصادق جعفر
بن محمد علیهما السلم اذا اردت زیارة الحسین بن یحیی الخ زیارة مخصوصه
برای آنحضرت که بآن در شب قدر و عیدین زیارة کرده میشود و این
کلام صریح است در اینکه در مصباح این خبر که از حضرت صادق علیه السلم
مسندا نقل کرده یا در اخوان یا در خبر دیگر تصریح باختصاص شده و
الا چگونه میشود عالمی زیارت مرویه مطلقه را نقل کند و از خود اختصاصا

در ساير ازمان معيّن و نيز شيخ مفيد و شهيد اوّل ره اين زيارت را براى اين وقت
معيّن كرده اند و علاّمه مجلسى در بحار و تحفه فرموده از خبريكه محمّد
بن المشهدى ره نقلكرده ظاهر ميشود كه اين زيارت مطلقه است
و اختصاصى باين زمانها ندارد و با بحجود بالتصريحات اين اعلام
از مثل ايشان بعيد است عيد فطر و عيد اضحى سيّد جليل على بن
طاوس قدّه در كتاب اقبال در ضمن اعمال شب فطر فرموده و منها
زيارة الحسين عليه السّلم فى ليلة عيد الفطر و قد ذكرنا فى الجزء
الثّانى من كتاب مصباح الزّائر و جناح المسافر بعض فضلها و ما
اخترنا من الرّوايات الفاظ الزّيارة المختصّة فان لم يكن كتابنا عنده
موجودا فى مثل هذا الميقات فليزر الحسين عليه افضل الصّلوات
بغير تلك الزّيارة من الزّيارات المرويات فان لم يجد زيارة من
المنقولات فليزره عليه السّلم بما يفتح الله جلّ جلاله عليه من التّسليم
عليه والتّعظيم له والثّناء عليه والاعتراف له عليه السّلم بامامته والبرائة
من اهل عداوته والتوسّل الى الله جلّ جلاله بشريف مقاماته فى
قضاء ما يعرض من حاجاته از اعمال شب فطر زيارت حسين ع است
و ما در جزء دوّم كتاب مصباح الزّائر بعضى از فضايل و الفاظ زيارت
مختصّه آنرا كه از روايات اختيار كرديم ذكر نموديم پس اگر در اين وقت

مصباح در نزد او نباشد انحضرترا بیکی از زیارات مرویه زیارت کند
واکر از زیارات منقوله چیزی نیافت پس زیارت کند انحضرترا بانچه
خدا بتعالی بر زبانش جاری کند از اسلام وتعظیم وثنا برجنابش و
اعتراف بامامتش وبیزاری از دشمنانش ومتوسل شود بمقامات
شریفه اش بجهة براورده شدن حاجاتی که دارد و در اینکلمات
بالصراحة خبرداد ندکه زیارت مخصوصه عید بن مرویست وباوجود
ان زیارت خواندنش مقدمست برخواندن زیارات مطلقه مرویه
واین نشود مکر بالغایت اطمینان ووثوق بورود ان از اهل عصمت
ونیز در اقبال در اعمال روز عید قربان فرموده واما لفظ ما
نذکره فی هذا الیوم فی زیارته علیه السلم فقد ذکرنا فی کتاب مصباح
الزائر وجناح المسافر زیارتین تختصان بهذا المیقات ولیس هذا
الکتاب مما نقصد به الزیارات فان وجد تلك الزیارتین والا فزر
الحسین علیه السلم لیلة الاضحی ویوم الاضحی بما ذکرناه فی هذا
الکتاب من الزیارة لیوم عرفة واما الفاظ مخصوصه که انحضرترا در
این روز بان بایست زیارت کرد پس دو زیارتست که مختص است
باین روز ودر مصباح الزائر نقل کردیم وچون این کتاب برای ذکر
زیارت نبود از ذکر نکردیم پس اکر ان دو زیارت مخصوصه را یافت

پس بان زیارت کند حضرت را در شب و روز قربان و الآن زیارت کند
بزیارتیکه در اعمال روز عرفه گذشت و این کلام نیز در افادهٔ هر دو
مطلب مثل کلام سابق است روز عرفه ایضاً سید جلیل مقدس
در اقبال در اعمال روز عرفه فرموده فصل فیما نذکره من الفاظ
الزیارة المختصة بالحسین علیه السلم یوم عرفة اعلم انه سیاتی فی
بعض ما نذکره من الدعوات یوم عرفة زیارة النبی صلعم والائمة
علیهم افضل الصلوات وانما نذکر فی هذا الفصل زیارة تختص بهذا
الیوم غیر داخلة فی دعوات در این فصل ذکر میکنیم زیارتیکه مختص
بانحضرت است در روز عرفه خواهد امد در ضمن دعاهائیکه برای
روز عرفه ذکر میکنیم زیارتی برای پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم
اجمعین ولکن در اینجا ذکر میکنیم زیارتی که مختص است باین روز
و داخل نیست در ان دعاها و دلالت این کلام نیز بر ماثور بودن
ان از ائمه انام ع بر هیچ متاملی مخفی نیست و شیخ مفید و شهید ره
نیز تصریح فرموده اند که این زیارت مختص است باین روز و در مزار
محمد بن المشهدی ره مذکور است زیارة ابی عبد الله علیه السلم
فی یوم عرفة و من لم یمکنه حضور الموقف للحج وقدر علی اتیان قبر
الحسین علیه السلم یوم عرفة فلیحضر انگاه زیارت را نقل کرده و گذشت

کرانچه درین کتاب ذکر کرده تمام مروی وبطریق ثقات باو رسیده
و هر اید متتبع پیش از این شواهد بدست آورد مقام دویم در ذکر
الفاظ زیارات مخصوصه بان اوقات شریفه است اوّل رجب شیخ
مفید و علی بن طاوس قدّه تصریح نمودند که این زیارت برای روز اوّل
رجب و شب نیمهٔ شعبانست ولکن شهید اول در مزار فرموده ذکر
زیارتهای مخصوصه بابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزها و
ماهها وانچه متعلق است بان زیارتها از گفتن و کردن ازجملهٔ زیارتها
زیارت روز اوّل ماه رجب است و شب ان روز و شب نصف ماه
رجب که شب عفیله گویند و روز انشب و شب نصف شعبان و
روز ان پس هرگاه خواهی الخ بفرمودهٔ ایشان این زیارت برای شش
وقت است و مخفی نماند که در اصل زیارت حضرت متفقند ولکن
شیخ مفید ره زیارت علی بن الحسین و شهدا را ذکر نموده مخالف
انچه ابن طاوس ره در مصباح و اقبال نقل کرده و شهید رحمهم
الله در مزار هر دو را جمع کرده و ما نیز چنین کنیم بسم الله الرحمن الرحیم
هرگاه خواهی زیارت کنی اباعبدالله الحسین علیه السلام را دران اوقا
تیکه گفته شد غسل کن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بایست
بر در قبهٔ انحضرت رو بقبله و سلام بفرست بر اقای ما رسول خدا

صلی الله علیه وآله وبر امیر المؤمنین علی علیه السّلم وبر فاطمه ع وبر امام
حسن وبر امام حسین علیهم السّلم وبر باقی ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
وبعد از آن داخل شو وبایست نزد قبر آنحضرت وصد بار بگو اَللهُ اَکبَرُ
وبگو اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ سَیِّدِ المُرسَلینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ سَیِّدِ الوَصِیّینَ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حُسَینَ بنَ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ
عَلَیکَ یَابنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللهِ
وَابنَ وَلِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صَفِیَّ اللهِ وَابنَ صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حُجَّةَ
اللهِ وَابنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبیبَ اللهِ وَابنَ حَبیبِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا سَفیرَ اللهِ وَابنَ سَفیرِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خازِنَ الکِتابِ المَسطُورِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ التَّوراةِ وَالاِنجیلِ وَالزَّبُورِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا اَمینَ الرَّحمنِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا شَریکَ القُرآنِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا
عَمُودَ الدّینِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بابَ حِکمَةِ رَبِّ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا بابَ حِطَّةِ الَّذی مَن دَخَلَهُ کانَ مِنَ الآمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا
عَیبَةَ عِلمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَوضِعَ سِرِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ
اللهِ وَابنَ ثارِهِ وَالوِترَ المَوتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ وَعَلَی الاَرواحِ الَّتی
حَلَّت بِفِنائِکَ وَاَناخَت بِرَحلِکَ بِاَبی اَنتَ وَاُمّی وَنَفسی یا اَبا

عبد الله لقد عظمت المصيبة وجلت الرزية بك علينا وعلى جميع
اهل الاسلام فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور عليكم اهل
البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم
التي رتبكم الله فيها بابي انت وامي ونفسي يا ابا عبد الله اشهد
لقد اقشعرت لدمائكم اظلة العرش مع اظلة الخلائق وبكتكم السماء
والارض وسكان الجنان والبر والبحر صلى الله عليك عدد ما في
علم الله لبيك داعي الله ان كان لم يجبك بدني عند استغاثتك
ولساني عند استنصارك فقد اجابك قلبي وسمعي وبصري سبحان
ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا اشهد انك طهر طاهر مطهر
طهرت وطهرت بك البلاد وطهرت ارض انت بها وطهر حرمك
اشهد انك قد امرت بالقسط والعدل ودعوت اليهما وانك صادق
صديق صدقت فيما دعوت اليه وانك ثار الله في الارض و
اشهد انك قد بلغت عن الله وعن جدك رسول الله وعن ابيك
امير المؤمنين وعن اخيك الحسن ونصحت وجاهدت في سبيل الله
وعبدته مخلصا حتى اتيك اليقين فجزاك الله خير جزاء السابقين
وصلى الله عليك وسلم تسليما اللهم صل على محمد وال محمد وصل
على الحسين المظلوم الشهيد الرشيد قتيل العبرات واسير الكربات صلوة

صلوة نامیة زاکیة مبارکة یصعد اوّلها ولا ینفد اخرها افضل ما صلّیت علی احد من اولاد انبیائک المرسلین یا اله العالمین انگاه قبر را ببوس وروی راست خود را بر قبر گذار بعد از ان روی چپ را انگاه دور قبر بگرد وطواف کن وچهار جانب قبر را ببوس شیخ مفید طاب ثراه فرموده انگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام وبایست نزد قبر انجناب وبگو السّلام علیک ایّها الصّدّیق الطّیّب الزّکیّ الحبیب المقرّب وابن ریحانة رسول الله السّلام علیک من شهید محتسب ورحمة الله وبرکاته ما اکرم مقامک واشرف منقلبک اشهد لقد شکر الله سعیک واجزل ثوابک والحقک بالذّروة العالیة حیث الشّرف کلّ الشّرف وفی الغرف السّامیة کما منّ علیک من قبل وجعلک من اهل البیت الّذین اذهب الله عنهم الرّجس وطهّرهم تطهیرا صلوات الله علیک ورحمة الله وبرکاته ورضوانه فاشفع ایّها السّیّد الطّاهر الی ربّک فی حطّ الاثقال عن ظهری وتخفیفها عنّی وارحم ذلّی وخضوعی لله وللسّیّد ابیک صلّی الله علیکما بعد از ان بیفت بر قبر وبگو زاد الله فی شرفکم فی الاخرة کما شرّفکم فی الدّنیا واسعدکم کما اسعد بکم واشهد انّکم اعلام الدّین ونجوم العالمین والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته بعد از ان رو کن بسوی شهداء

وبگو

وبگو اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اللهِ وَاَنْصارَ رَسُولِهِ وَاَنْصارَ عَلِیِّ بْنِ
اَبیطالِبٍ وَاَنْصارَ فاطِمَةَ وَاَنْصارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَاَنْصارَ الْاِسْلامِ
اَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَجاهَدْتُمْ فی سَبیلِهِ فَجَزاکُمُ اللهُ عَنِ الْاِسْلامِ (من ـ ل اَنَّکُمْ)
وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ الْجَزاءِ فُزْتُمْ وَاللهِ فَوْزاً عَظیماً یا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوزَ
فَوْزاً عَظیماً اَشْهَدُ اَنَّکُمْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّکُمُ الشُّهَداءُ
وَالسُّعَداءُ وَاَنَّکُمُ الْفائِزُونَ فِی الدَّرَجاتِ الْعُلی وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَکاتُهُ بعد از آن باز گرد و بیا نزدیک سر مبارک آنحضرت و بنماز
زیارت بکن و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن
و سید جلیل علی بن طاوس در کتاب اقبال و مصباح بعد از ذکر زیارت
حضرت و گذاردن روی راست و چپ بر قبر و بوسیدن چهار طرف
فرموده و برو و بایست بر سر قبر علی بن الحسین علیهما السلام رو بقبله و بگو
اَلسَّلامُ مِنَ اللهِ وَالسَّلامُ مِنْ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ وَاَنْبِیائِهِ الْمُرْسَلینَ
وَعِبادِهِ الصّالِحینَ وَجَمیعِ اَهْلِ طاعَتِهِ مِنْ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَالْاَ
رَضینَ عَلی اَبی عَبْدِاللهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَوَّلَ قَتیلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ سَلیلٍ مِنْ سُلالَةِ اِبْرٰهیمَ الْخَلیلِ (ع ل ـ عَلی اَوَّلِ)
صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ وَعَلی اَبیکَ اِذْ قالَ فیکَ قَتَلَ اللهُ قَوْماً قَتَلُوکَ یا بُنَیَّ
ما اَجْرَأَهُمْ عَلَی الرَّحْمٰنِ وَعَلَی انْتِهاکِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَی الدُّنْیا بَعْدَکَ الْعَفا (اَشْهَدُ)

١٠٣ اَشْهَدُ اَنَّكَ ابْنُ حُجَّةِ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِيْنِهِ حَكَمَ اللّٰهُ لَكَ عَلٰى قَاتِلِيْكَ وَاَصْلَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاۤئَتْ مَصِيْرًا وَجَعَلَنَا اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ مُلَاقِيْكَ وَمُرَافِقِيْكَ وَمُرَافِقِيْ جَدِّكَ وَاَبِيْكَ وَعَمِّكَ وَاَخِيْكَ وَاُمِّكَ الْمَظْلُوْمَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ وَاَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَمِمَّنْ قَاتَلَكَ وَمِمَّنْ نَصَبَ لَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَاَسْاَلُ اللّٰهَ مُرَافَقَتَكُمْ فِيْ دَارِ الْخُلُوْدِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ

اَلسَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى عُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَبِيْ بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى عُثْمَانَ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى عُثْمَانَ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبِيْ طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَقِيْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ اَبِيْ سَعِيْدِ بْنِ عَقِيْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبِيْ طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيْلٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ الْمُصْطَفٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اللّٰهِ وَرِجَالَهٗ مِنْ اَهْلِ الْحَقِّ وَالْبَلْوٰى وَالْمُجَاهِدِيْنَ عَلٰى بَصِيْرَةٍ فِيْ سَبِيْلِهٖ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ كَمَا قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَاَيِّنْ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهٗ رِبِّيُّوْنَ كَثِيْرٌ فَمَا وَهَنُوْا لِمَا اَصَابَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ

اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطِّفْلِ الرَّضِيْعِ لَعَنَ اللّٰهُ رَامِيَهٗ حَرْمَلَةَ بْنَ كَاهِلٍ الْاَسَدِيَّ وَذَوِيْهِ

مں لك

مں عبيد

مں شي

اللّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكانُوا وَاللّهُ يُحِبُّ الصّابِرِينَ فَما ضَعُفْتُمْ وَما
اسْتَكَنْتُمْ حَتّى لَقيتُمُ اللّهَ عَلى سَبيلِ الْحَقِّ وَنُصْرَةِ كَلِمَةِ اللّهِ التّامَّةِ صَلَّى
اللّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلى اَرْواحِكُمْ وَاَبْدانِكُمْ وَسَلَّمَ تَسْليماً فُزْتُمْ وَاللّهِ وَلَوَدِدْتُ اَنّي
كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ فَوْزاً عَظيماً اَبْشِرُوا بِمَواعِدِ اللّهِ الَّذي لا خُلْفَ لَهُ اِنَّهُ
لا يُخْلِفُ الْميعادَ اَشْهَدُ اَنَّكُمُ النُّجَباءُ وَسادَةُ الشُّهَداءِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ
وَاَشْهَدُ اَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ في سَبيلِ اللّهِ وَقُتِلْتُمْ عَلى مِنْهاجِ رَسُولِ اللّهِ وَاَنْتُمُ
السّابِقُونَ وَالْمُجاهِدُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَنْصارُ اللّهِ وَاَنْصارُ رَسُولِهِ
اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَاَرٰيكُمْ ما تُحِبُّونَ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ
اللّهِ وَبَرَكاتُهُ بعد از ان متوجه شو و سلام کن بر شهداء و بگو اَلسَّلامُ
عَلى سَعيدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ الْحَنَفِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُرِّ بْنِ يَزيدَ الرِّياحِيِّ اَلسَّلامُ عَلى
زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ اَلسَّلامُ عَلى حَبيبِ بْنِ مُظاهِرٍ اَلسَّلامُ عَلى مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ
اَلسَّلامُ عَلى عُقْبَةَ بْنِ سَمْعانَ اَلسَّلامُ عَلى بُرَيْرِ بْنِ خُضَيْرٍ اَلسَّلامُ عَلى
عَبْدِ اللّهِ بْنِ عُمَيْرٍ اَلسَّلامُ عَلى نافِعِ بْنِ هِلالٍ اَلسَّلامُ عَلى مُنْذِرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ
الْجُعْفِيِّ اَلسَّلامُ عَلى عَمْرِو بْنِ قُراحَةَ الْاَنْصارِيِّ اَلسَّلامُ عَلى اَبي ثُمامَةَ
الصّائِدِيِّ اَلسَّلامُ عَلى جَوْنٍ مَوْلى اَبي ذَرٍّ الْغِفارِيِّ اَلسَّلامُ عَلى عَبْدِ
الرَّحْمنِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ الْاَزْدِيِّ اَلسَّلامُ عَلى عَبْدِ اللّهِ وَعَبْدِ الرَّحْمنِ ابْنَيْ
عُرْوَةَ اَلسَّلامُ عَلى سَيْفِ بْنِ الْحارِثِ اَلسَّلامُ عَلى مالِكِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ

الحائری السلام علی حنظلة بن اسعد الشامی السلام علی قاسم بن الحارث
(بشر / ابی شبیب) الکاهلی السلام علی بشیر بن عمرو الحضرمی السلام علی عابس بن شبیب
الشاکری السلام علی حجاج بن مسروق الجعفی السلام علی عمرو بن خلف
(حسان) وسعید مولاه السلام علی حیان بن الحارث السلام علی مجمع بن عبد الله
العائذی السلام علی نعیم بن عجلان السلام علی عبد الرحمن بن یزید السلام
علی عمرو بن ابی کعب السلام علی سلیمان بن عون الحضرمی السلام علی
(عمروه) قیس بن مسهر الصیداوی السلام علی عثمان بن فروة الغفاری السلام
علی غیلان بن عبد الرحمن السلام علی قیس بن عبد الله الهمدانی السلام
(عمرو) علی عمیر بن کناد السلام علی جبلة بن عبد الله السلام علی مسلم بن کناد السلام
علی سلیمان بن سلیمان الازدی السلام علی حماد بن حماد الخزاعی
المرادی السلام علی عامر بن مسلم ومولاه مسلم السلام علی بدر
بن رقیط وابنیه عبد الله وعبید الله السلام علی رمیث بن عمرو السلام
علی سفیان بن مالک السلام علی زهیر بن سیار السلام علی قاسط و
کرش ابنی زهیر السلام علی کنانة بن عتیق السلام علی عامر بن مالک السلام
علی منیع بن زیاد السلام علی نعمان بن عمرو السلام علی جلاس بن عمرو
السلام علی عامر بن خلیدة السلام علی زائدة بن مهاجر السلام
علی شبیب بن عبد الله النهشلی السلام علی حجاج بن یزید السلام

علی

عَلَى جُوَيْنِ بْنِ مَالِكٍ اَلسَّلَامُ عَلَى ضُبَيْعَةَ بْنِ عَمْرٍو اَلسَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ ١٠٤
بَشِيرٍ اَلسَّلَامُ عَلَى مَسْعُودِ بْنِ الْحَجَّاجِ اَلسَّلَامُ عَلَى عَمَّارِ بْنِ حَسَّانٍ اَلسَّلَامُ عَلَى
جُنْدَبِ بْنِ حُجَيْرٍ اَلسَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ كَثِيرٍ اَلسَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمَانَ سلمان
اَلسَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ بْنِ حَبِيبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى اَنَسِ بْنِ الْكَاهِلِ الْاَسَدِيِّ اَلسَّلَامُ
عَلَى الْحُرِّ بْنِ يَزِيدَ الرِّيَاحِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى ضِرْغَامَةَ بْنِ مَالِكٍ اَلسَّلَامُ عَلَى زَاهِرٍ
مَوْلَى عَمْرِو بْنِ الْحَمِقِ اَلسَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ يَقْطُرَ رَضِيعِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اَلسَّلَامُ عَلَى مُنْجِحٍ مَوْلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَلسَّلَامُ عَلَى سُوَيْدٍ مَوْلَى شَاكِرٍ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ اَنْتُمْ خِيَرَةٌ اِخْتَارَكُمُ اللهُ لِاَبِي عَبْدِ اللهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاَنْتُمْ خَاصَّةٌ اِخْتَصَّكُمُ اللهُ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى الدُّعَاءِ
اِلَى الْحَقِّ وَنَصَرْتُمْ وَوَفَيْتُمْ وَبَذَلْتُمْ مُهَجَكُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَنْتُمُ السُّعَدَاءُ سُعِدْتُمْ وَفُزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلٰى فَجَزَاكُمُ
اللهُ مِنْ اَعْوَانٍ وَاِخْوَانٍ خَيْرَ مَا جَازٰى مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ هَنِيئًا لَكُمْ مَا اُعْطِيتُمْ وَهَنِيئًا لَكُمْ مَا بِهِ حُبِيتُمْ طَافَتْ عَلَيْكُمْ
مِنَ اللهِ الرَّحْمَةُ وَبَلَغْتُمْ بِهَا شَرَفَ الْاٰخِرَةِ انگاه برگرد نزد سر مبارك
امام حسين عليه السلام و نماز زيارت بكن و انچه خواهى نماز كذا رو براى
خود و والدين خود و برادران بسيار دعا كن كه مستجاب خواهد شد
انتهى نصف رجب دران روز زيارت ما ثوراست اول زيارت گذشته

گذشته چنانچه تاج الفقهاء شهید اوّل تصریح فرموده در مزار که در
شب و روز نیمهٔ رجب انرا بخواند و عبارت مزار گذشت دوّم زیارتی
است که شیخ مفید و شهید رهما در مزار نقل کرده که از زیارات
مخصوصه نصف رجب است که انرا غفیله می گویند چون قصد کردی
زیارت انحضرت را در این وقت و امدی در صحن شریف پس داخل
شو یعنی در حرم مطهر و سه نوبت بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ و بایست در نزد قبر
منور و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا آلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا صَفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکُمْ یَا سَادَةَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا لُیُوثَ الْغَابَاتِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا سُفُنَ النَّجَاةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنُ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیَاءِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِسْمٰعِیلَ ذَبِیحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسٰی
کَلِیمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسٰی رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ
مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ
عَلِیٍّ الْمُرْتَضٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ خَدِیجَةَ
الْکُبْرٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا شَهِیدُ بْنَ الشَّهِیدِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا قَتِیلُ
بْنَ الْقَتِیلِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ
اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلٰی خَلْقِهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَیْتَ

ل٤ نسخه

الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَرَرْتَ بِوالِدَيْكَ وَ
جاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلامَ وَتَرُدُّ الْجَوابَ وَاَنَّكَ
حَبيبُ اللهِ وَخَليلُهُ وَنَجيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ يا مَوْلايَ زُرْتُكَ
مُشْتاقاً فَكُنْ لي اِلَى اللهِ شَفيعاً يا سَيِّدي وَاَسْتَشْفِعُ اِلَى اللهِ بِجَدِّكَ
سَيِّدِ النَّبِيّينَ وَبِاَبيكَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَبِاُمِّكَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ
الْعالَمينَ اَلا لَعَنَ اللهُ قاتِليكَ وَلَعَنَ اللهُ ظالِميكَ وَلَعَنَ اللهُ سالِبيكَ وَ
مُبْغِضيكَ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ انگاه قبر مطهر را ببوس ومتوجه شو بسوی علی
بن الحسين عليه السلم وانجناب را زيارت كن وبگو السَّلامُ عَلَيْكَ
يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ لَعَنَ اللهُ قاتِليكَ وَلَعَنَ اللهُ ظالِميكَ اِنّي اَتَقَرَّبُ
اِلَى اللهِ بِزِيارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا
مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ بعد ازان برو تا بيائى بقبور شهداء پس
بايست وبگو السَّلامُ عَلَى الْاَرْواحِ الْمُنيخَةِ بِقَبْرِ اَبي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلامُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا طاهِرينَ مِنَ الدَّنَسِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَهْدِيّونَ
اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَبْرارَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافّينَ
بِقُبُورِكُمْ اَجْمَعينَ جَمَعَنَا اللهُ وَاِيّاكُمْ في مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ
اِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ بعد ازان

بَرَرْتَ ظاهراً چنانچه در زيارت جابر در اربعين است

برو

برو بحرم عباس بن امیرالمؤمنین ع چون آمدی بانجا پس بایست بر
در قبهٔ آنجناب و بگو سلام الله تا آخر زیارت معروفه که خواهد
آمد انشاءالله تم نصف شعبان در آن نیز دو زیارت مأثور
و مروی است اوّل زیارت اول رجب که گذشت و شیخ مفید و
غیره صریحاً فرموده‌اند که از آن در شب نیمهٔ شعبان نیز بخوانند و ابن
طاوس قده در این خصوص روایت نقل کرده چنانچه گذشت و شهید
اول ره فرموده در روز نیمه نیز بخوانند دوّم زیارتیست که شیخ کفعمی
ره در کتاب بلد الامین روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم که فرمود میایستی نزد قبر آن حضرت و میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ اُودِعُكَ
شَهَادَةً مِنِّي لَكَ يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ
وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَيٰوتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شِيعَتِكَ وَبِضِيَاءِ نُورِكَ
اهْتَدَى الطَّالِبُونَ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ نُورُ اللّٰهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَؤْ وَلَا
يُطْفَؤُ اَبَداً وَاَنَّكَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يُهْلَكُ اَبَداً وَاَشْهَدُ
اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ
بَدَنِكَ لَا ذَلِيلَ وَاللّٰهِ مُعِزُّكَ وَلَا مَغْلُوبَ وَاللّٰهِ نَاصِرُكَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ
لِي عِنْدَكَ اِلٰى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي بِحَضْرَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ

اللهِ وَبَرَكَاتُهُ مجلسی رہ در بحار فرموده ظاهر این است که این زیارت
مطلقه است یعنی مختصّ به نیمه نیست ولکن کفعمی انرا برای نیمهٔ شعبان
نقل کرده مؤلّف کوید باان تصریح کفعمی که برای چند ماه زیارت موظّفه
است چنانچه سابقا نقلکردیم وزیارت مذکوره را از وظیفهٔ این ماه
وعمل نیمهٔ ان شمرده لابد در خبر مذکور یا در خبر دیکر تصریح باختصاص
شده زیراکه هرکز عالمی عمل مطلق را بمیل خود بوقتی معیّن نکند وانرا
از وظائف ان وقت نشمرد پس برای ظهور مذکور محلّی نباشد لیالی
قدر شیخ مفید ومحمّد بن المشهدی وابن طاوس وشهید اوّل رحمهم
الله این زیارت راکه محمّد بن المشهدی باسناد معتبر خود روایت کرده
از ابی عبدالله الصّادق جعفر بن محمّد علیهما السّلم فرمودند مخصوص است
بشبهای قدر وروز فطر وروز قربان حضرت فرمود پس هرکاه
خواهی که زیارت کنی ابی عبدالله الحسین علیه السّلم را داخل شو در
روضهٔ مبارکه انحضرت بعد از انکه غسل کردی وپاکیزه ترین جامهای
خود را پوشیدی پس چون ایستادی نزد قبر انحضرت رو کن بجانب او
وقبله را میان دو کتف خود بکذار وبکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدِّيقَةِ
الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ يَا اَبَا

عَبدَاللهِ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُه اَشهَدُ اَنَّكَ قَد اَقَمتَ الصَّلوٰةَ وَاٰتَيتَ الزَّكوٰةَ 111
وَاَمَرتَ بِالمَعرُوفِ وَنَهَيتَ عَنِ المُنكَرِ وَتَلَوتَ الكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرتَ عَلَى الاَذىٰ فِي جَنبِهِ مُحتَسِباً حَتّىٰ
اَتاكَ اليَقينُ اَشهَدُ اَنَّ الَّذينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ وَالَّذينَ خَذَلُوكَ
وَالَّذينَ قَتَلُوكَ مَلعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الاُمِّيِّ وَقَد خابَ مَنِ افتَرىٰ
لَعَنَ اللهُ الظّالِمينَ لَكُم مِنَ الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ وَضاعَفَ عَلَيهِمُ العَذابَ
الاَليمَ اَتَيتُكَ يا مَولايَ يَا بنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُوالِياً
لِاَولِيائِكَ مُعادِياً لِاَعدائِكَ مُستَبصِراً بِالهُدَى الَّذي اَنتَ عَلَيهِ
عارِفاً بِضَلالَةِ مَن خالَفَكَ فَاشفَع لي عِندَ رَبِّكَ پس بچسبان خود را بر قبر
وروی خود را بران گذار پس برخیز و برو بجانب سر مقدس و بگو
السَّلامُ عَلَيكَ يا حُجَّةَ اللهِ في اَرضِهِ وَسَمائِهِ صَلَّى اللهُ عَلىٰ رُوحِكَ
الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطّاهِرِ وَعَلَيكَ السَّلامُ يا مَولايَ وَرَحمَةُ اللهِ
وَبَرَكاتُهُ پس بچسبان بر قبر و ببوس آنرا و بگذار صورت خود را بران پس
بگرد بجانب سر و دو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت
آنچه میسر شود ترا پس از آن بگرد بسمت پا و زیارت کن علی بن الحسین
صلوات الله علیه را و بگو السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ وَابنَ مَولايَ وَ
رَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ لَعَنَ اللهُ مَن ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَكَ وَضاعَفَ

عليهم

عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ و دعا کن بانچه میخواهی پس زیارت کن شهدا را
در حالتیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبله پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا
الصِّدِّيقُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذٰى فِي جَنْبِ اللّٰهِ وَنَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ
حَتّٰى اَتَاكُمُ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ فَجَزَاكُمُ اللّٰهُ
عَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ اللّٰهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ پس برو بزیارتگاه عبّاس بن امیرالمؤمنین علیه السّلم
پس همینکه نزدیک شدی بانجناب پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ اَشْهَدُ
اَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللّٰهُ
الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاَلْحَقَهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ عید
فطر و عید اضحی و در ان دو زیارت است اوّل زیارت سابقه
بجهة شبهای قدر و ان مخصوص بروز عید فطر و عید قربانست
چنانچه شیخ مفید و ابن طاوس و شهید رحمهم الله تصریح کرده‌اند و
محمّد بن المشهدی ره گفته انرا در عیدین نیز بخوانند و ظاهر ان نیز دوفق
است دوّم زیارتیست که شیخ مفید و رضی الدّین علی بن طاوس و
شهید اوّل و محمّد بن المشهدی رضوان الله علیهم روایت کرده‌اند چن

اعمال عید فطر و اضحی

انکه

انکه ان سه جلیل این زیارت را از زیارات مخصوصه شب عید فطر
و شب عید قربان شمرده اند از اذن دخول شروع کرده اند و محمد
بن المشهدی اوّلا از اد رعلاد مطلقات شمرده ولکن کفته که در عیدین
نیز باین زیارت زیارت کرده میشود و ظاهر از در خبر اختصاص اذن
در خواندن در غیر این وقت هم داده اند و ثانیا این زیارت را برای عیدین
کفته و ظاهر این روز است و ثالثا برای این زیارت قبل از اذن دخول
مقدماتی ذکر کرده لهذا ما این زیارت را از کتاب مزار ایشان که شهادت
داده که تمام ان بتوسّط رواة ثقات باو رسیده نقل میکنیم چون
اراده کنی زیارت انحضرت را پس سه روز روزه بدار و روز سیّم غسل
کن و اهل و عیال خود را بسوی خود جمع کن و بکو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُكَ
اَلْیَوْمَ نَفْسی وَاَهْلی وَوَلَدی وَمالی وَكُلَّ مَنْ كانَ بِسَبیلٍ مِنّی اَلشّاهِدَ
مِنْهُمْ وَالْغائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنا بِحِفْظِكَ بِحِفْظِ الْاِیمانِ وَاحْفَظْ عَلَیْنا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا فی حِرْزِكَ وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ وَلا تُغَیِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ وَ
عافِیَةٍ وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ اِنّا اِلَیْكَ راغِبُونَ انکاه از منزل خود بیرون
برو و بسیار بکو لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ و ثنای خداوند
و صلوات بر پیغمبر و ال او صلوات الله علیهم و راه بیفت با ارامی و
وقار و وارد شده که خدا یتعالی خلق میکند از زوّار قبر حسین علیه السّلام

ازهر عرقی هفتاد هزار ملك تسبيح ميكنند خدايتعالى را واستغفار
ميكنند براى او وبراى زوار حسين عليه السلم تا انكه روز قيامت
برپا شود پس چون نمايان شد قبهٔ سامیه پس بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ
عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفٰى آللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسَلَامٌ عَلٰى آلِ يٰسٓ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
وَالسَّلَامُ عَلَى الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ الْقَائِمِينَ بِاَمْرِ
اللّٰهِ وَحُجَجِهِ الدَّاعِينَ اِلٰى سَبِيلِ اللّٰهِ الْمُجَاهِدِينَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ
النَّاصِحِينَ لِجَمِيعِ عِبَادِهِ الْمُسْتَخْلَفِينَ فِي بِلَادِهِ الْمُرْشِدِينَ اِلٰى هِدَايَتِهِ
وَاِرْشَادِهِ پس چون مشرف شوى بر قنطرهٔ علقمى پس بگو اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ
قَصَدَ الْقَاصِدُونَ وَفِي فَضْلِكَ طَمِعَ الرَّاغِبُونَ وَبِكَ اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ وَقَدْ قَصَدْتُكَ وَافِدًا وَفِي رَحْمَتِكَ طَامِعًا
وَلِعِزَّتِكَ خَاضِعًا وَلِوُلَاةِ اَمْرِكَ طَائِعًا وَلِاَمْرِهِمْ مُتَابِعًا اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي
عَلٰى مَحَبَّةِ اَوْلِيَائِكَ وَلَا تَقْطَعْ اَثَرِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ
وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ پس چون بفرات برسى صد مرتبه بگو اَللّٰهُ
اكبر وصد مرتبه بگو لا اله الا الله وصد مرتبه صلوات بفرست
بر پيغمبر صلى الله عليه وآله انگاه بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَيْهِ
الرِّجَالُ وَشُدَّتْ اِلَيْهِ الرِّحَالُ وَاَنْتَ سَيِّدِي اَكْرَمُ مَزُورٍ وَاَكْرَمُ

دعای وقت رسیدن بفرات

مقصود

مقصودٍ وقد جعلتَ لِکلِّ زائرٍ کرامةً ولِکلِّ وافدٍ تحفةً فأسالكَ
أن تجعلَ تحفتكَ ایّای فکاكَ رقبتی مِنَ النّارِ واشکُر سعیی وارحَمْ
سیری الیكَ مِن اهلی بغیرِ مَنٍّ منّی علیكَ بل لكَ المنُّ علیَّ اذ جعلتَ
لی السّبیلَ الی زیارةِ ابنِ نبیّكَ وعرّفتنی فضلَهُ وحفظتنی باللّیلِ
والنّهارِ حتّی بلّغتنی هذا المکانَ وقد رجوتُ فلا تقطع رجائی وقد
أمّلتكَ فلا تخیّب أمَلی واجعل مسیری هذا کفّارةً لِذنوبی یا ربَّ
العالمینَ وبرود واب فرات غسل کن ودروقت غسلکردن بکو بسم
اللّهِ وباللّهِ ولا حولَ ولا قوّةَ الّا باللّهِ وعلی ملّةِ رسولِ اللّهِ والصّا
دقینَ عن اللّهِ جلّ وعزّ اللّهمّ طهّر قلبی واشرح بهِ صدری ونوّر بهِ
قلبی ویسّر بهِ أمری اللّهمّ اجعلهُ لی نوراً وطهوراً وشفاءً من کلّ
داءٍ وآفةٍ وعاهةٍ وسوءٍ ما أخافُ وأحذرُ اللّهمّ اجعل لی شاهداً
یومَ حاجتی وفقری وفاقتی الیكَ یا ربَّ العالمینَ انّكَ علی کلّ شیءٍ
قدیرٌ وچون از غسل فارغ شوی پس دو جامهٔ طاهر بپوش ودو رکعت
نماز بکن در بیرون مشرعه که ان همان مکان است که خداوند عزّ وجلّ
درشان او فرموده وَفِی الأرضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَجَنّاتٌ مِن أعنابٍ
وَزَرعٌ وَنَخیلٌ صِنوانٌ وَغَیرُ صِنوانٍ یُسقی بِماءٍ واحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعضَها
علی بَعضٍ فِی الأُکُلِ ومیخوانی در این دو رکعت نماز در رکعت اوّل

سورهٔ حمد و قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سورهٔ حمد و
قل هو الله احد پس چون سلام نماز کفتی تسبیح کن پس بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِی الْاُمُورِ کُلِّهَا الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا
وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَیٰنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا
بِالْحَقِّ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا کَثِیرًا اَبَدًا لَا یَنْقَطِعُ وَلَا یَفْنیٰ حَمْدًا یَصْعَدُ
اَوَّلُهُ وَلَا یَنْفَدُ اٰخِرُهُ حَمْدًا یَزِیدُ وَلَا یَبِیدُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ الْبَشِیرِ
النَّذِیرِ وَعَلیٰ اٰلِهِ الْاَخْیَارِ الْاَبْرَارِ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا کَثِیرًا پس چون متوجه
حایر شریف شوی بکو اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَلِبَابِکَ قَرَعْتُ وَ
بِفِنَاءِکَ نَزَلْتُ وَبِحَبْلِکَ اعْتَصَمْتُ وَلِرَحْمَتِکَ تَعَرَّضْتُ وَبِوَلِیِّکَ
تَوَسَّلْتُ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْ زِیَارَتِی مَبْرُورَةً وَدُعَائِی
مَقْبُولًا پس برو و کوتاه بردار کامهای خود را و بوده باش بر حال
تانّی و وقار و دل خاشع و تکبیر و تهلیل و تحمید و تمجید و ثنای
خدا بکو و صلوات بفرست بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیزاری جو
از کسانیکه اوّل اساس جور و ظلم بر اهل بیت کذاشتند و بر طرف
کردند مقام و مراتب انهارا و مهیّا کردند از برای ایشان جنک و انکار
کردند حق انهارا پس چون اذن دخول خواهی بایست بر در روضه و
نظر بیفکن بجانب قبر و بکو یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ

عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الذَّليلُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْمُصَغِّرُ فى عُلُوِّ قَدْرِكَ وَالْمُعْتَرِفُ
بِحَقِّكَ جاءَكَ مُسْتَجيراً بِكَ قاصِداً اِلى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهاً اِلى مَقامِكَ مُتَوَسِّلاً
اِلَى اللّهِ تَعالى بِكَ ءَادْخُلُ يا مَوْلاىَ ءَادْخُلُ يا وَلِىَّ اللّهِ ءَادْخُلُ يا
مَلائِكَةَ اللّهِ الْمُحْدِقينَ بِهذَا الْحَرَمِ الْمُقيمينَ فى هذَا الْمَشْهَدِ پس داخل
شو ومقدم دار پاى راست را بر پاى چپ وبگو بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفى سَبيلِ
اللّهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ اَللّهُمَّ اَنْزِلْنى مُنْزَلاً مُبارَكاً وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ
پس بگو اَللّهُ اَكْبَرُ كَبيراً وَالْحَمْدُ لِلّهِ كَثيراً وَسُبْحانَ اللّهِ بُكْرَةً وَاَصيلاً وَ
الْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّانِ
الَّذى مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لى زِيارَةَ مَوْلاىَ بِاِحْسانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنى عَنْ زِيارَتِهِ
مَمْنُوعاً وَلا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ پس داخل شو وچون
بميان روضه رسيدى بايست محاذى قبر باحال خشوع وگريه وزارى
وبگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
نُوحٍ اَمينِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرهيمَ خَليلِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى كَليمِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى رُوحِ
اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
عَلِىٍّ وَلِىِّ اللّهِ وَحُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا
الْوَصِىُّ الْبَرُّ التَّقِىُّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ

اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ وَنَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهٖ حَتّٰى اسْتُبِيْحَ حُرْمَتُكَ وَقُتِلْتَ
مَظْلُوْمًا پس بایست در نزد سر مبارك با دل خاشع وچشم گریان
پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطَلَ الْمُسْلِمِيْنَ يَا مَوْلَايَ اَشْهَدُ
اَنَّكَ كُنْتَ نُوْرًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ
تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مُدْلَهِمَّاتُ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّيْنِ وَاَرْكَانِ الْمُسْلِمِيْنَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ
الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى وَ
الْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا پس میاندازی خود را بر قبر ومیگوئی اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا
اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ يَا مَوْلَايَ اَنَا مُوَالٍ لِوَلِيِّكُمْ وَمُعَادٍ لِعَدُوِّكُمْ وَاَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ
وَبِاِيَابِكُمْ مُوْقِنٌ بِشَرَايِعِ دِيْنِيْ وَخَوَاتِيْمِ عَمَلِيْ وَقَلْبِيْ لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِيْ
لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ يَا مَوْلَايَ اَتَيْتُكَ خَائِفًا فَاٰمِنِّيْ وَاَتَيْتُكَ مُسْتَجِيْرًا فَاَجِرْنِيْ
وَاَتَيْتُكَ فَقِيْرًا فَاَغْنِنِيْ سَيِّدِيْ وَمَوْلَايَ اَنْتَ مَوْلَايَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَى
الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ اٰمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَبِظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ وَاَوَّلِكُمْ

وَاٰخِرِكُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ التَّالِى لِكِتَابِ اللّٰهِ وَاَمِينُ اللّٰهِ الدَّاعِى اِلَى اللّٰهِ
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَاُمَّةً قَتَلَتْكَ
وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهٖ پس چهار ركعت نماز كن در
جانب سر آنحضرت وچون سلام نماز گفتى بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّى لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ
رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِاَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلٰوةُ
وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ اِلَّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّى اَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ وَارْدُدْ
عَلَىَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّى اِلٰى سَيِّدِى
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّى وَ
اَجِرْنِى عَلَيْهِمَا اَفْضَلَ اَمَلِى وَرَجَائِى فِيكَ وَفِى وَلِيِّكَ يَا وَلِىَّ الْمُؤْمِنِينَ
پس بنيداز خود را بر قبر وببوس انرا وبگو اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِىٍّ
الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْعَبَرَاتِ وَاَسِيرِ الْكُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَشْهَدُ اَنَّهُ
وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَا
دَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ
الْوِلَادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْاَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنَ
الْاَوْصِيَاءِ فَاَعْذَرَ فِى الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصِيحَةَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ حَتّٰى
اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ

(حاشیه: اِنَّكَ — وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ — غَرَّتْهُ)

غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ مِنَ الْاٰخِرَةِ بِالْاَدْنٰى وَتَرَدّٰى فِى هَوَاهُ وَ
اَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَاَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اُولِى الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ
وَحَمَلَةَ الْاَوْزَارِ وَالْمُسْتَوْجِبِيْنَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا
مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا تَاْخُذُهُ فِى اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ حَتّٰى سُفِكَ فِى طَاعَتِكَ
دَمُهُ وَاسْتُبِيْحَ حَرِيْمُهُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا
پس میل کن بجانب علی بن الحسین علیهما السلم که در طرف پای مبارک
حضرت حسین ؑ است و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُوْمُ الشَّهِيْدُ بِاَبِىْ اَنْتَ وَاُمِّىْ عِشْتَ سَعِيْدًا وَقُتِلْتَ مَظْلُوْمًا
شَهِيْدًا پس رو کن بسوی قبور شهدا رضوان الله علیهم و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
اَيُّهَا الذَّابُّوْنَ عَنْ تَوْحِيْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
بِاَبِىْ اَنْتُمْ وَاُمِّىْ فُزْتُمْ پس از ابن محمد بن المشهدی در باب زیارت عباس
بن علی علیه السلم گفته بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَلِيُّ الصَّالِحُ وَالصِّدِّيْقُ
الْمُوَاسِىْ اَشْهَدُ اَنَّكَ اٰمَنْتَ بِاللّٰهِ وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَدَعَوْتَ اِلٰى
سَبِيْلِ اللّٰهِ وَوَاسَيْتَ بِنَفْسِكَ وَبَذَلْتَ مُهْجَتَكَ فَعَلَيْكَ مِنَ اللّٰهِ اَفْضَلُ
التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ پس بیندازی خود را بر قبر و میگوئی بِاَبِىْ اَنْتَ وَاُمِّىْ

یا ناصر دین الله السلم علیک یا ناصر الحسین الصدیق السلام علیک یا
ناصر الحسین الشهید علیک منی السلم ما بقیت وبقی اللیل والنهار پس
نماز میکنی در نزد سر انحضرت دو رکعت ومیکوئی بعد از ان انچه میکفتی
در نزد سر حضرت حسین ع که مراد دعاء اللهم انی لک صلیت تا اخراست
پس بر میکردی بسوی مشهد حسین ع ومیمانی نزد او انچه خواهی مکر
انکه مستحب است که قرار ندهی انجا را مکان بیتوته خود یعنی خوابکاه
وچون خواهی وداع کنی انحضرت را پس بایست نزد سر مقدس وکریه
کن وبکو السلام علیک یا مولای سلام مودع لا قال ولا سئم فان
انصرف فلا عن ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین
یا مولای لا جعله الله اخر العهد منی لزیارتک ورزقنی العود الیک و
المقام فی حرمک والکون فی مشهدک امین یا رب العالمین پس ببوس
ضریح او وجمیع روی وبدن خود ابر ان بمال بدرستیکه ان باعث امان
وحرز تو است وبیرون بیا از نزد انحضرت در حالتیکه رویت بجانب
قبر باشد وپشت بر قبر نمیکنی ومیکوئی السلام علیک یا باب المقام
السلم علیک یا شریک القران السلام علیک یا حجة الخصام السلم
علیک یا سفینة النجاة السلم علیکم یا ملائکة الله رب المقیمین فی هذا
الحرم السلام علیک ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار ومیکوئی انا

لِلّٰهِ وَاِنّٰا اِلَیْهِ راجِعُونَ لاٰحَوْلَ وَلاٰقُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تاانکه قبر
از نظرت غایب شود پس در وقتیکه چنین کردی مثل کسی باشی که زیارت
کرده خدا را در عرش روز عرفه محمد بن المشهدی ره در مزار و سید
علی بن طاوس ره در کتاب اقبال و مصباح الزائر و شهید اول ره در
مزار این زیارت را برای روز عرفه ذکر کرده ند و لکن علامهٔ مجلسی قده
در بحار شب عرفه را نیز ملحق بروز کرده و مستند ان بدست نیامد
چون خواستی انحضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر ترا ممکن شد از
فرات غسل کن و اگر نشد از هر ابی که ترا ممکن باشد و پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و قصد زیارت انحضرت کن در حالتیکه با ارامی و وقار
و تانی باشی پس چون بد رحایر برسی بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ و بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیراً
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیراً وَسُبْحٰانَ اللّٰهِ بُکْرَةً وَاَصِیلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدٰانٰا
لِهٰذٰا وَمٰا کُنّٰا لِنَهْتَدِیَ لَوْلاٰ اَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ لَقَدْ جٰائَتْ رُسُلُ رَبِّنٰا بِالْحَقِّ
اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ
اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ سَیِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِینَ اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْحَسَنِ
وَالْحُسَیْنِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلاٰمُ
عَلیٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ مُوسیٰ اَلسَّلاٰمُ
عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلاٰمُ

عَلَى الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْمُنْتَظَرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
رَسُولِ اللّٰهِ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الْمُوَالِي لِوَلِيِّكَ الْمُعَادِي
لِعَدُوِّكَ اِسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ اِلَى اللّٰهِ بِقَصْدِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
هَدَانَا لِوِلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ پس داخل
روضه شو و بایست محاذی سر و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ
صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ عِيسٰى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرٰى اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ
الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
اَطَعْتَ اللّٰهَ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً
ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا
عَبْدِ اللّٰهِ اُشْهِدُ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَاَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ
وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي اِلٰى رَبِّي فَصَلَوَاتُ

اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلٰى اَرْوَاحِكُمْ وَ عَلٰى اَجْسَادِكُمْ وَ عَلٰى شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ
وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَ
صِيِّيْنَ وَ ابْنَ اِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَ ابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ اِلٰى جَنَّاتِ النَّعِيْمِ
وَ كَيْفَ لَا تَكُوْنُ كَذٰلِكَ وَ اَنْتَ بَابُ الْهُدٰى وَ اِمَامُ التُّقٰى وَ الْعُرْوَةُ
الْوُثْقٰى وَ الْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَ خَامِسُ اَصْحَابِ الْكِسَاءِ غَذَتْكَ
يَدُ الرَّحْمَةِ وَ رُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْاِيْمَانِ وَ رُبِّيْتَ فِيْ حِجْرِ الْاِسْلَامِ فَا
لنَّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ وَ لَا شَاكَّةٍ فِيْ حَيَاتِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
عَلَيْكَ وَ عَلٰى اٰبَائِكَ وَ اَبْنَائِكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيْعَ الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ
وَ قَرِيْنَ الْمُصِيْبَةِ الرَّاتِبَةِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ فَقُتِلْتَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ مَقْهُوْرًا وَ اَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ بِكَ
مَوْتُوْرًا وَ اَصْبَحَ دِيْنُ اللّٰهِ لِفَقْدِكَ مَهْجُوْرًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى جَدِّكَ
وَ اَبِيْكَ وَ اُمِّكَ وَ اَخِيْكَ وَ عَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيْكَ وَ عَلَى الْمُسْتَشْهَدِيْنَ
مَعَكَ وَ عَلَى الْمَلٰئِكَةِ الْحَافِّيْنَ بِقَبْرِكَ وَ الشَّاهِدِيْنَ لِزُوَّارِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ
عَلٰى دُعَاءِ شِيْعَتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهٗ بِاَبِيْ اَنْتَ وَ
اُمِّيْ يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ بِاَبِيْ اَنْتَ وَ اُمِّيْ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ
الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلٰى جَمِيْعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ
فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَ اَلْجَمَتْ وَ تَهَيَّاَتْ لِقِتَالِكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا

عَبدِ اللهِ قَصَدتُ حَرَمَكَ وَاَتَيتُ مَشهَدَكَ اَسئَلُ اللهَ بِالشَّانِ الَّذِي
لَكَ عِندَهُ وَبِالمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيهِ اَن تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن
يَجعَلَنِي مَعَكُم فِي الدُّنيَا وَالآخِرَةِ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ پس ببوس
ضریح را پس از آن در بالای سر دو رکعت نماز کن و در این دو رکعت
هر سوره که خواهی بخوان و چون فارغ شدی پس بگو اللّهمّ لك الخ
صَلَّيتُ وَرَكَعتُ وَسَجَدتُ لَكَ وَحدَكَ لاشَرِيكَ لَكَ لِاَنَّ الصَّلوٰةَ
وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لاتَكُونُ اِلّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَبلِغهُم عَنِّي اَفضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ
وَاردُد عَلَيَّ مِنهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ اَللّٰهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكعَتَانِ هَدِيَّةٌ
مِنِّي اِلَى مَولاىَ وَسَيِّدِي وَاِمَامِي الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ عَلَيهِمَا السَّلامُ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّل ذٰلِكَ مِنِّي وَاْجُرنِي عَلَى ذٰلِكَ
اَفضَلَ عَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ پس برخیز و
بگرد بسوی پای مبارک حسین علیه السّلام و زیارت کن علی بن الحسین
علیه السّلام پس بگو اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ
يَا ابنَ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ اَمِيرِ المُؤمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ
الحُسَينِ الشَّهِيدِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ ابنُ الشَّهِيدِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ
اَيُّهَا المَظلُومُ ابنُ المَظلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتكَ

وَلَعَنَ

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَلسَّلٰمُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ
وَابْنَ وَلِيِّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلٰى جَمِيعِ
الْمُؤْمِنِينَ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ
الْاٰخِرَةِ پس متوجه شو بجانب شهداء و زیارت کن ایشانرا و بگو اَلسَّلٰمُ عَلَيْكُمْ
يَا اَوْلِيَاءَ اللهِ وَاَحِبَّائَهُ اَلسَّلٰمُ عَلَيْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ اللهِ وَاَوِدَّائَهُ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِينِ اللهِ وَاَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَاَنْصَارَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاَنْصَارَ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ا
لْوَلِيِّ النَّاصِحِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْاَرْضُ الَّتِي
فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللهِ فَوْزاً عَظِيماً يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ فِي
الْجِنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِيقاً وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس برگرد بجانب سر امام حسین علیه
السّلم و بسیار دعا کن از برای خود و اهل و عیال خود و برادران
مؤمن خود و شیخ مفید رحمة الله علیه فرموده که چون اراده کردی
بیرون آئی بیند از خود را بر قبر و ببوس انرا و بگو اَلسَّلٰمُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ
اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللهِ سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَئِمٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ

وَاِنْ اُقِمْ فَلاٰ عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمٰا وَعَدَ اللّٰهُ الصّٰابِرِينَ لاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ يٰا مَوْلاٰيَ
اٰخِرَ الْعَهْدِ لِزِيٰارَتِكَ وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ اِلىٰ مَشْهَدِكَ وَالْمَقٰامَ فِي حَرَمِكَ
وَاَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ پس بیرون بیا و پشت بقبر مکن
و بسیار بگو اِنّٰا لِلّٰهِ وَاِنّٰا اِلَيْهِ رٰاجِعُونَ پس برو بسوی مشهد عباس
بن علی علیهما السلام همانکه انجا رسیدی بایست نزد قبر و بگو اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّٰالِحُ الْمُطِيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ عَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ
اُشْهِدُ اللّٰهَ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ مٰا مَضىٰ اَلْبَدْرِيُّونَ الْمُجٰاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللّٰهِ الْمُنٰاصِحُونَ فِي جِهٰادِ اَعْدٰائِهِ الْمُبٰالِغُونَ فِي نُصْرَةِ اَوْلِيٰائِهِ
فَجَزٰاكَ اللّٰهُ اَفْضَلَ الْجَزٰاءِ وَاَوْفَرَ جَزٰاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجٰابَ
لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالشُّهَدٰاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَحَسُنَ
اُولٰئِكَ رَفِيقًا پس دو رکعت نماز کن در نزد سر و بخوان خدا را بعد
از این دو رکعت بهر دعاء که خواهی پس چون اراده بیرون امدن
کنی وداع کن انجناب را و بگو اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاَسْتَرْعِيكَ وَاَقْرَءُ
عَلَيْكَ السَّلاٰمَ اٰمَنّٰا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَبِمٰا جٰاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا
مَعَ الشّٰاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِي قَبْرَ وَلِيِّكَ وَ
اِبْنِ اَخِي نَبِيِّكَ وَارْزُقْنِي زِيٰارَتَهُ مٰا اَبْقَيْتَنِي وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ اٰبٰائِهِ

(margin: مضی ... الاعداء)

فی الجنان و دعا کن از برای خود و از برای پدر و مادر و برادران

مؤمن خود پس برگرد بسوی قبر حضرت حسین علیه السلام بجهة وداع آنحضرت پس

چون خواستی که او را وداع کنی پس بایست نزد قبر چنانچه در اول میهم

ایستادی و بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ

أَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَهٰذَا أَوَانُ انْصِرَافِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا

مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِوَاكَ وَلَا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ

أَسْأَلُ اللهَ تَعَالَى أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رُجُوعِي وَأَسْأَلُ اللهَ

الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَلِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَنْ

يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ وَيَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجِنَانِ مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ

پس سلام کن بر پیغمبر و هریک از امامان علیهم السلم و دعا کن بانچه

میخواهی پس رو کن بسوی قبور شهدا و وداع کن ایشان را و بگو السَّلامُ

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ

وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا أَعْطَيْتَهُمْ عَلَى نَصْرِهِمُ ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتَكَ عَلَى

خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ

حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس بیرون رو و پشت خود را

بقبر مکن تا آنکه از نظرت پنهان شود و بایست بر در رو بسوی قبله و

دعا کن با نچه خواهی و برو بکار خود انشا زیارت روز عاشورا
در این روز پنج زیارت وارد شده اوّل زیارت عاشوراء معروفه که
متضمّن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام است و در کیفیّت خواندن
ان اختلاف عظیمی بین علما شده و برای ان چند وجه گفته اند و بنا
بر بعضی وجوه شاید خواندن ان در سه یا در چهار ساعت طول
کشد و از این جهة بسیاری از فیض ان محروم مانده و ما مختار خود
را که مختار بزرکان علمای گذشته و سهل ترین ان وجو هست در
رسالهٔ سلامة المرصاد ذکر کردیم هر که راغب باشد با نجا رجوع
کند دوّم زیارتی است طولانی که از ناحیه مقدّسه صادر شده
و در ان بسیاری از فضایل و مناقب و مصائب انحضرت مذکور
است با دو رکعت نماز زیارت که در ان سورهٔ انبیاء و سورهٔ حشر
باید خواند با دعائی طولانی و از فیض این زیارت نیز غالب زائرین
محروم هستند سیّم دعا و زیارتیکه شیخ طوسی ره که در مصباح و علی
بن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده اند از عبد الله بن سنان از
حضرت صادق علیه السّلم با اجر عظیم ولکن با اختلافی بسیار بین
ان دو روایت و اشتمال عمل بر هزار مرتبه لعن بر قاتل انحضرت و بعضی
جزئیات دیگر که همّت اغلب زائرین قاصر است از بجا اوردن ان

چهارم زیارتیست که نیز سید در اقبال نقل کرده از کتاب مختصر منتخب
که مؤلف ان معلوم نیست ونسبت نیز نداده بامامی پنجم زیارتی است
که در مزار قدیم که نسخهٔ کهنه ازان بدست امده واز بعضی قرائن
مستفاد میشود که از مؤلفات قطب راوندی یا بعضی از معاصرین او
باشد وانرا نیز مثل زیارت عاشوراء علقمه از حضرت امام محمد باقر
روایت کرده وچون در ثواب باان زیارت معروف شریک وخواندن
ان سهل وبنابر اختصار واسان کردن کار است بر زوار لهذا در
اینجا بهمان اقتصار کرده میگوئیم درانکتاب شریف روایت کرده
از علقمة بن محمد الحضرمی از ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام که فرمود
هرکس اراده کرده زیارت کند حسین بن علی بن ابیطالب علیهما
السلام را در روز عاشورا وانروز دهم شهر از محرم است پس ان
روز را بسر اورد باحالت گریه وتفجع واندوه که ملاقات خواهد
نمود خداوند عز وجل را با ثواب دو هزار حج ودو هزار عمره ودو
هزار جهاد که ثواب هر حج وعمره وجهاد ان مانند ثواب انکه حج کند
وعمره نماید وجهاد کند با رسولخدا وبا ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
علقمة بن محمد حضرمی گفت که گفتم بحضرت ابی جعفر علیه السلام
فدایت شوم پس چه کند انکه از کربلا دور ودر بلاد بعیده است

ومتمکن

ومتمکن نیست از رسانیدن خود بکربلا در ان وقت پس فرمود چون
چنین روزی شد یعنی روز عاشوراء هر کس که دوست دارد زیارت
کند انحضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود بصحراء یا
بام خانه انگاه دو رکعت نماز بکند و بخواند دران سوره قل هو الله احد
چون سلام گفت پس اشاره کند بسوی انحضرت و متوجه شود باین سلام
و اشاره و نیت بان جهتی که دران است ابو عبد الله الحسین ع یعنی رو
کند بکربلای معلا انگاه باخشوع و استکانه بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ
رَسُولِ اللهِ تا اخر انچه بیاید انشاء الله حضرت صادق ع فرمود زیارت کنید
حسین بن علی صلوات الله علیهما را باین زیارت نزد قبر امیر المؤمنین ع
نزد سر مطهر انحضرت علقمة بن محمد الحضرمی روایت کرده از حضرت
ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلم که انحضرت فرمود ای علقمه اگر توانی
هر روز زیارت کنی انحضرت را باین زیارت در خانه خود و در هر جا که
باشی از شهرها در زمین خدا بتعالی پس بجا آور این زیارت را که تمام این
ثوابها برای تو خواهد بود پس سعی و کوشش کن در لعن بر قاتلان و
دشمنان انحضرت و بوده باشد این عمل در اول روز پیش از زوال
ای علقمه پس ندبه کنید و بگریید بر انحضرت و هر اینه امر کنید هر که در
خانه شما است بگریستن بر انحضرت و یکدیگر را در این روز ملاقات

کنید

کنید در خانه‌ها یا هر جا که باشد با کریه و یکدیکر را تعزیت بکویید بمصیبت
حسین علیه السّلم راوی کفت کفتم اصلحك الله چکونه تعزیت بکوییم یك
دیکر را فرمود بکویید اَحْسَنَ اللّٰهُ اُجُوْرَنَا بِمُصَابِنَا بِاَبِي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا مِنَ الطَّالِبِيْنَ بِثَارِهِ مَعَ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ الْحَقِّ
مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ واکر توانستید دران روز از پی کاری نروید
که انروز روز نحسی است که حاجت مؤمن درانروز براورده نمیشود
واکر براورده شد برکت ازان برداشته وخیروشدی دران نخواهد
بود ومبادا ذخیره کند از شما کسی در منزل خود چیزیرا زیرا که برکت برا
او ندارد راوی میکوید حضرت باقر علیه السّلم فرمود که من ضامنم برا
انکه چنین کند در نزد خدای عزّ وجلّ انچه کذشت از ثوابهای عظیم
وخدایش حشر کند در زمرهٔ انانکه شهید شدند با حضرت امام حسین
علیه السّلم راوی کفت خدمت حضرت باقر علیه السّلم عرض کردم که روزه
بکیرم درانروز فرمود روزه بکیر بی انکه در شب نیّت روزه کنی
وافطار کن نه از روی شماتت چنانچه دشمنان میکردند و تامّل کن
تا وقت عصر پس چون هنکام عصر شد افطار کن بیك شربت ابی که
درانوقت جنك برطرف شد ازانحضرت واصحاب او درحالتی که همه
شهید شده بودند صلوات الله علی ارواحهم واجسادهم اجمعین

ولعنة

ولعنة الله وسخطه و عذابه و نکاله و نقمته علی من کان السّبب فی قتلهم
وجدّد علیهم العذاب الألیم آمین ربّ العالمین زیارت روز عاشورا
که در این خبر شریف ذکر شده اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ الْبَشِیرِ النَّذِیرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا خِیَرَةَ اللّٰهِ وَابْنَ
خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْوِتْرُ
الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ الْهَادِی الزَّکِیُّ وَعَلَی اَرْوَاحٍ حَلَّتْ
بِفِنَائِكَ وَاَقَامَتْ فِی جِوَارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِكَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ مِنِّی
مَا بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ فِی الْمُؤْمِنِینَ
وَالْمُسْلِمِینَ وَفِی اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَاَهْلِ الْاَرَضِینَ فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ
صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وَتَحِیَّاتُهُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ وَعَلَی
اٰبَائِكَ الطَّیِّبِینَ الْمُنْتَجَبِینَ وَعَلَی ذُرِّیَّاتِکُمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِیِّینَ لَعَنَ اللّٰهُ
اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَتَرَکَتْ نُصْرَتَكَ وَمَعُونَتَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ
اَسَاسَ الظُّلْمِ لَکُمْ وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَیْکُمْ وَطَرَّقَتْ اِلَی اَذِیَّتِکُمْ وَتَحَیُّفِکُمْ
وَجَارَتْ ذٰلِكَ فِی دِیَارِکُمْ وَاَشْیَاعِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاِلَیْکُمْ یَا
سَادَاتِی وَمَوَالِیَّ وَاَئِمَّتِی مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ
الَّذِی اَکْرَمَ یَا مَوَالِیَّ مَقَامَکُمْ وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَکُمْ وَشَأْنَکُمْ اَنْ یُکْرِمَنِی بِوِلَایَتِکُمْ وَ

مَحَبَّتِكُمْ وَالْائْتِمَامِ بِكُمْ وَالْبَرَائَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَاَسْئَلُ اللهَ الْبَرَّ الرَّحِيْمَ اَنْ
يَرْزُقَنِيْ مَوَدَّتَكُمْ وَاَنْ يُوَفِّقَنِيْ لِلطَّلَبِ بِثَارِكُمْ مَعَ الْاِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْهَادِيْ
مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ ص وَاَنْ يَجْعَلَنِيْ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ يُبَلِّغَنِيَ الْمَقَامَ
الْمَحْمُوْدَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَسْاَلُ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذِيْ جَعَلَ
اللهُ لَكُمْ اَنْ يُعْطِيَنِيْ بِمُصَابِيْ بِكُمْ اَفْضَلَ مَا اَعْطٰى مُصَابًا بِمُصِيْبَةٍ اِنَّا
لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيْبَةٍ مَا اَفْجَعَهَا وَاَنْكَاهَا لِقُلُوْبِ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُسْلِمِيْنَ فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِيْ فِيْ مَقَامِيْ مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ
وَاجْعَلْنِيْ عِنْدَكَ وَجِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ فَاِنِّيْ اَتَقَرَّبُ
اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَسَّلُ
وَاَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ ع وَ
الطَّيِّبِيْنَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ مَحْيَايَ
مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِيْ مَمَاتَهُمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ
سَمِيْعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا يَوْمٌ تَجَدَّدَ فِيْهِ النِّقْمَةُ وَتَنَزَّلَ فِيْهِ اللَّعْنَةُ
عَلَى اللَّعِيْنِ يَزِيْدَ وَعَلٰى اٰلِ يَزِيْدَ وَعَلٰى اٰلِ زِيَادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشِّمْرِ
اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ وَالْعَنْ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ اَوَّلٍ وَاٰخِرٍ لَعْنًا كَثِيْرًا
وَاَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَاَسْكِنْهُمْ جَهَنَّمَ وَسَائَتْ مَصِيْرًا وَاَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَ

عَلا

۲۰۵ على كل من شايعهم وبايعهم وتابعهم وساعدهم ورضي بفعلهم و
افتح لهم وعليهم وعلى كل من رضي بذلك لعناتك التي لعنت بها كل ظالم
وكل غاصب وكل جاحد وكل كافر وكل مشرك وكل شيطان رجيم
وكل جبار عنيد اللهم العن يزيد وآل يزيد وبني مروان جميعا اللهم
وضعف غضبك وسخطك وعذابك ونقمتك على اول ظالم ظلم
اهل بيت نبيك اللهم والعن جميع الظالمين لهم وانتقم منهم انك ذو
نقمة من المجرمين اللهم والعن اول ظالم ظلم آل بيت محمد والعن اروا
حهم وديارهم وقبورهم والعن اللهم العصابة التي نازلت الحسين
بن بنت نبيك وحاربته وقتلت اصحابه وانصاره واعوانه واوليا
ئه وشيعته ومحبيه واهل بيته وذريته والعن اللهم الذين نهبوا
ماله وسلبوا حريمه ولم يسمعوا كلامه ولا مقاله اللهم والعن كل من — ل ع وسبوا
بلغه ذلك فرضي به من الاولين والآخرين والخلائق اجمعين الى
يوم الدين السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين وعلى من ساعدك و
عاونك وواساك بنفسه وبذل مهجته في الذب عنك السلام عليك
يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم
اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام عليك يا مولاي
يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن سيدة

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا بْنَ الشَّهِيدِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي
هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَ
سَلَامًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ
سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ بِالنَّهَارِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ اَلسَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ
يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ
الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ يَا ابْنَةَ رَسُولِ رَبِّ يَا بِنْتَ
الْعَالَمِينَ وَعَلَيْكِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْعَزَاءَ
فِي وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَ
رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي اَخِيكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ
عَلَى اَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِي مَوْلَاهُمُ الْحُسَيْنِ اَللّٰهُمَّ

اللّهمّ اجعلنا من الطالبين بثاره مع امام عدل تعزّ به الاسلام
واهله يا ربّ العالمين پس بسجده برو و بگو اللّهمّ لك الحمد على
جميع ما يأتي من خطب ولك الحمد على كلّ امر واليك المشتكى في
عظيم المهمّات بخيرتك واوليائك وذلك لما اوجبت لهم من الكرامة
والفضل الكثير اللّهمّ فصلّ على محمّد وآل محمّد وارزقني شفاعة الحسين
عليه السّلام يوم الورود والمقام المشهود والحوض المورود واجعل لي قدم
صدق عندك مع الحسين واصحاب الحسين عليه السّلام الّذين
واسوه بانفسهم وبذلوا دونه مهجهم وجاهدوا معه اعداءك
ابتغاء مرضاتك ورجاءك وتصديقاً بوعدك وخوفاً من وعيدك
انّك لطيف لما تشاء يا ارحم الرّاحمين زيارت روز اربعين
شيخ طوسی در تهذيب وغير او بسند هاى معتبره روايت كرده اند از
صفوان بن مهران جمّال كه گفت فرمود بمن مولاى من حضرت صادق
عليه السّلام در زيارت اربعين كه زيارت ميكنى در هنگاميكه روز
بلند شده باشد وميگوئى السّلام على وليّ الله وحبيبه السّلام
على خليل الله ونجيبه السّلام على صفيّ الله وابن صفيّه السّلام على
الحسين المظلوم الشّهيد السّلام على اسير الكربات وقتيل العبرات
اللّهمّ انّي اشهد انّه وليّك وابن وليّك وصفيّك وابن صفيّك

ثواب

زيارت اربعين

الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبيته بطيب
الولادة وجعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من
الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على خلقك من
الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ
عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا
وباع حظه بالارذل الادنى وشرى اخرته بالثمن الاوكس وتغطرس
وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك اهل
الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك
صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم
لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه عشت
سعيدا ومضيت حميدا ومت فقيدا مظلوما شهيدا واشهد ان الله
منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد
انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى اتيك اليقين فلعن
الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت
به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت
وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة

والارحام

والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات
من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤ
منين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي و
اشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن
بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع و
نصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم
صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم
وظاهركم وباطنكم امين رب العالمين پس دو ركعت نماز ميكنى ودعا
ميكنى بانچه ميخواهى وبر ميگردى وسيد ابن طاوس عليه الرحمه گفته
كه يافتم من براى اين زيارت ودعاى كه مخصوص است بان واو چنين است
كه بايستى پيش روى ضريح وبگوئى السلام عليك يا ابن رسول الله السلم
عليك يا ابن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك يا ابن فاطمة
الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا وارث الحسن الزكي السلم
عليك يا حجة الله في ارضه وشاهده على خلقه السلم عليك يا ابا
عبد الله الشهيد والسلام عليك يا مولاي وابن مولاي اشهد انك
قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر

وجاهدت

وَجاهَدْتَ فِی سَبیلِ اللهِ حَتّیٰ اَتیٰکَ الْیَقینُ اَشْهَدُ اَنَّکَ عَلیٰ بَیِّنَةٍ مِنْ
رَبِّکَ اَتَیْتُکَ یا مَوْلایَ زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَکَ بِالذُّنُوبِ هارِباً
اِلَیْکَ مِنَ الْخَطایا لِتَشْفَعَ لی عِنْدَ رَبِّکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ
حَیّاً وَمَیِّتاً فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللهُ
مَنْ ظَلَمَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَکَ وَغَصَبَ حَقَّکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَکَ
وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ یُجِبْکَ وَلَمْ یُعِنْکَ وَ
لَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبیکَ وَاَخیکَ وَ
لَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ لَعْناً کَثیراً یَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً
اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ اَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ
عِبادِکَ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ وَسَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِ وَارْزُقْنیهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَحَییتُ
یا رَبِّ وَاِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنی فی زُمْرَتِهِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ مؤلف کوید
برای روز اربعین زیارت دیکر در کتب مزار موجود است که انرا
جابر خوانده اکر کسی خواست که انرا نیز بخواند همان زیارت نیمهٔ
رجب را بخواند که فرقی ندارند جز چند کلمه که شاید از اختلاف
نسخ باشد مقام ششم در ذکر زیارات مطلقه حضرت ابی عبدالله
الحسین علیه السّلام که قریب بسی زیارت میشود و از مقلّ مه کرد

فصل

فصل اول ذکر شد معلوم شد که مقدم بر تمام آنها زیارتیست که
مشایخ عظام در کافی وفقیه وتهذیب نقل کرده باشند وان
منحصر در یکز یارت شریفه است که از جهات عدیده از تمام ان
زیارات ممتاز است اولا نه چندان مختصر است که از شوق نفس
بزیارت چیزی نکاهد ونه چندان طولانی که در خواندنش زائر را
ملالت کیرد واز حضور قلب بیفتد ونه اداب مشکله دارد که غالباً
خصوص در اوقات ازدحام از عهدهٔ ان نتوان برامد وثانیا هر سه
بزرکواران را نقل کرده اند در تهذیب اول زیارتی است که
ذکر کرده ودر کافی دوم ودر فقیه غیران زیارتی دیکر نقل نکرده
وثالثاً متضمن است مضامین عالیه را که در هیچ زیارتی یافت
نمیشود چنانچه بر ناظر بصیر مخفی نیست ورابعاً شهادت رئیس
المحدثین شیخ صدوق قده در فقیه بر انکه این زیارت اصح زیارا
است علاوه بران شهادتی که دراول کتاب بر صحت تمام اخبار
موجوده دران داده وعبارت فقیه بعد از ذکر این زیارت اینست
وقد اخرجت فی کتاب الزیارات وفی کتاب مقتل الحسین علیه السلا
انواعا من الزیارات واخترت هذه لهذا الکتاب لانها اصح الزیارا
عندی من طریق الروایة وفیها بلاغ وکفایة ومن در کتاب زیارا

و کتاب مقتل حضرت امام حسین علیه السّلم انواعی از زیارات نقل کردم ۱۴۲
و این زیارت را برای این کتاب برگزیدم زیرا که این زیارت صحیح ترین
زیارات است نزد من از جهت سند روایت و در او است آنچه زائر را
بمقصد برساند و از آنچه خواهد کفایت نماید با این مناقب شریفه و
نعوت جمیله مهجور و بسیار کم خوانده میشود اما بر عوام کالانعام را
که نه خود بصیرتی دارند و نه از بصیری پرسش کنند شیطان از فیض
غالب زیارات مأثوره و ثواب الفاظ مرویه محروم کرده زیارت
بافته آخوند بیخبری یا روضه خوان بی سوادی که اسم آنرا زیارت
مجعوله گذاشته بدست ایشان داده بهمان مشغول و مشعوف از
آب زلال گوارا بسرابی قانع و از طلای احمر بخشت سفالی راضی از
آن جعّال بی سواد کسی نپرسیده که در تمام زیارات مأثوره از ائمّه
طاهرین علیهم السّلام هرگز اسمی از خواهران و دختران مکرّمات
آنحضرت برده نشده و مناسبتی هم ندارد سبب این فضولی چه بود
و کسی نپرسیده که این عاتکه یا عاتقه و صفیّه کیانند دختر کی خواهر کی
زن کی در کدام مذکورند بچه مناسبت سلام برایشان کردی و
هکذا والحقّ این زیارت و آن دعای بافته عارف سنّی الهی باخصّ
صفاتک الخ بعد از آن چون جمع شود مقصد شیطان از محروم نمودن

نماز

زوار از فیض این حرم مطهر و قبه سامیه است بدست امده و بر بعضی
عوام چون حقیقت حال منکشف شده عذرا وورده که در این زیارت
بعضی فقرات جانسوز و کلمات اتش افروز است که مناسب حال
زوار و سبب تکسر قلب و گریستن در این بیت الاحزان است که غایت
امال واروزوی ایشان است و این عذر با ان کار تباه در یك قطار
است زیرا که برای چنین اشخاص که راغب تذکر مصائب انحضرت و
گریستن در ان حرم شریفند نیز دستور العمل داد ندو زیارت مشتمله
مبکیه که بهتر از شنیدن روضه خواندن چندین روضه خوان است
مقرر داشتند توضیح این اجمال انکه یکی از زیارات روز عاشوراء
زیارتیست که از ناحیه مقدسه رسیده و مشتمل است بر بسیاری
از مصائب انحضرت که ان اخوند جعال جملهٔ از فقرات زیارت مفجعه
با فته خود والا زان دزدیده و چون بحسب روایت مختص بروز عاشورا
است زوار غالبا از فیض خواندن ان محروم مند و سید جلیل علی بن
طاوس قده در مصباح الزائر در ضمن زیارات مطلقه زیارتی نقل
کرده که مشتمل است بر تمام فقرات ان زیارت ولکن با اذن دخول
مبسوطی که در ان نیز اشاره بجملهٔ از مصائب شده و تقسیم کردن
ان که بعضی در پیش رو و بعضی در پشت سر و پایین پا باید خواند

وسیّد فرموده این زیارتی است که سیّد مرتضی بان زیارت کرده
علّامهٔ مجلسی رَه در بحار این زیارترا از مصباح الزّائر نقلکرده ودر
اخران فرموده مظنون ان است که این زیارت از مؤلّفات سیّد مرتضی
باشد که از فقرات ناحیه مقدّسه ان ترکیب شده وچیزی بران افزوده
وازاین جهة این زیارترا درکتاب تحفه نقل نکرده وغالب عوام را
که جزاداب وسنتی که درکتب امرحوم ببینند بکتاب وکفته دیکران
اعتنائی ندارند از فیض ان زیارت محروم کردند ودر مزار قدیم همین
زیارت را نقل کرده ودراوّل ان فرموده زیارة اخری تختصّ
بالحسین صلوات الله علیه وهی مرویّة باسانید وهی اوّل زیارة
زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه وعلیه السّلام فاذا بلغت
المقتل الخ حاصل ترجمهٔ این زیارت بچند سند روایت شده واین
اوّل زیارتیست که بان زیارت کرد علم الهدی سیّد مرتضی پس معلوم
شد که این زیارت شریفهٔ مرویّه ومعتبره درهر وقت میشود خواند
وظنّ امرحوم بی‌اصل بلکه باطریقهٔ سیّد مرتضی ابدًا مناسبتی ندارد
بهرحال نسخهٔ ان زیارت بسیار هر که راغب تذکّر مصائب وسوختن
دل وکریستن برانحضرت است براستی انرا بخواند وغرض از این کلمات
اتمام حجّت ودفع عذر ودلالت برخیر است که از حقوق لازمهٔ اخوان

مؤمنین است که بایست از عهدهٔ ان در آمدن به بی ثمری و نتیجه نداشتن
ان و دست نکشیدن عوام و جهّال از خواندن ان زیارت مجعوله و
گفتن بعضی اکاذیب در ان محضر عظیم الشان و امّا نوع دانایان غالبًا
از زیارت وارث و زیارت امین الله یا جامعهٔ صغیره نگذرند اگر موفق
بخواندن زیارت عاشوراء نشدند و الحمد لله که ظاهر و مکشوف شد
تقدّم این زیارت بر همهٔ انها و غیر انها و چون در نسخهٔ این زیارت که
در کافی و فقیه و تهذیب و کامل الزیارة مرویست فی الجمله اختلاف
در بعضی از کلمات بود و ذکر ان اختلاف مورث تشتّت حواس بود ما
همان نسخهٔ ثقة الاسلام در کافی قناعت کردیم و در اینجا بسند معتبر
روایت کرده از حسین بن ثویر که گفت من و یونس بن ظبیان و مفضّل
بن عمر و ابو سلمه سرّاج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر
بن محمّد علیهما السّلام و سخن گوی در میان ما یونس بود که سنّش از همهٔ ما
بزرگتر بود پس بحضرت عرض کرد فدایت شوم من حاضر میشوم در مجلس
این قوم یعنی اولاد عبّاس پس چه بگویم فرمود هرگاه حاضر شدی و
ما را بیاد اوردی پس بگو اَللّٰهُمَّ اَرِنَا الرَّخَاءَ وَالسُّرُورَ که انچه میخواهی
یعنی از ثواب یا رجوع در رجعت خواهی رسید گفت گفتم فدایت شوم
من بسیار شود که امام حسین علیه السّلم را یاد کنم پس چه بگویم فرمود

بگو صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ واین را سه مرتبه بگو که سلام میرسد
بانحضرت از نزدیك ودور پس فرمود چون انحضرت شهید شد
گریست بر انحضرت هفت اسمان وانچه در انها است وانچه درمابین
انها است وهرکه در بهشت وجهنم است از خلق پروردگار ما وانچه
دیده میشود وانچه دیده نمیشود گریستند برحضرت ابی عبد الله
علیه السّلم مگر سه چیز که بر انحضرت نگریستند گفتم فدایت شوم ان
سه چیز کدامست فرمود نگریست بر انحضرت بصره و دمشق و ال
عثمان لعنهم الله گفتم فدایت شوم میخواهم بزیارت انحضرت بروم پس چه
بگویم وچه کار کنم فرمود چون بزیارت ابی عبد الله الحسین علیه السّلام
رفتی پس غسل بکن در کنار شطّ فرات پس بپوش جامهای پاك خودرا
وروانه شو با پای برهنه بدرستیکه تو در حرمی هستی از حرمهای
خدا وحرم رسولخدا صلّی الله علیه واله وبسیار کن در وقت رفتن از
ذکر الله اکبر ولا اله الّا الله وسبحان الله وهر ذکر که متضمّن تمجید
وتعظیم حقتعالی است وصلوات بفرست بر محمّد وال محمّد ص تا انکه برسی
بدر حایر پس میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ وَزُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللهِ پس ده گام بردار پس بایست
وسی مرتبه الله اکبر بگو پس برو بسوی قبر از پیش روی پس مقابل کن روی

روی خود را با روی آنحضرت و قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود یعنی پشت بقبله باش پس بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قَتیلَ اللّٰهِ وَابْنَ قَتیلِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وِتْرَ اللّٰهِ الْمَوْتُورَ فِی السَّماواتِ وَالْاَرْضِ اَشْهَدُ اَنَّ دَمَکَ سَکَنَ فِی الْخُلْدِ وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ اَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَ بَکی لَهُ جَمیعُ الْخَلائِقِ وَبَکَتْ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَالْاَرَضُونَ السَّبْعُ وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ وَمَنْ یَتَقَلَّبُ فِی الْجَنَّةِ وَالنّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنا وَما یُری وَما لا یُری اَشْهَدُ اَنَّکَ حُجَّةُ اللّٰهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَتیلُ اللّٰهِ وَابْنُ قَتیلِهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ ثارُ اللّٰهِ وَابْنُ ثارِهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ وِتْرُ اللّٰهِ الْمَوْتُورُ فِی السَّماواتِ وَالْاَرْضِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَیْتَ وَاَوْفَیْتَ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللّٰهِ وَمَضَیْتَ لِلَّذی کُنْتَ عَلَیْهِ شَهیداً وَمُسْتَشْهِداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً اَنَا عَبْدُ اللّٰهِ وَمَوْلاکَ وَفی طاعَتِکَ وَالْوافِدُ اِلَیْکَ اَلْتَمِسُ کَمالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّٰهِ وَثَباتَ الْقَدَمِ فِی الْهِجْرَةِ اِلَیْکَ وَالسَّبیلِ الَّذی لا یَخْتَلِجُ دُونَکَ مِنَ الدُّخُولِ فی کِفالَتِکَ الَّتی اُمِرْتَ بِها مَنْ اَرادَ اللّٰهَ بَدَءَ بِکُمْ مَنْ اَرادَ اللّٰهَ بَدَاَ بِکُمْ مَنْ اَرادَ اللّٰهَ بَدَاَ بِکُمْ بِکُمْ یُبَیِّنُ اللّٰهُ الْکَذِبَ وَبِکُمْ یُباعِدُ اللّٰهُ الزَّمانَ الْکَلِبَ وَبِکُمْ فَتَحَ اللّٰهُ وَبِکُمْ یَخْتِمُ اللّٰهُ وَبِکُمْ یَمْحُو اللّٰهُ ما یَشاءُ

وَبِكُم تُثبِتُ وَبِكُم يَفُكُّ الذُّلَّ مِن رِقابِنا وَبِكُم يُدرِكُ اللهُ تِرَةَ كُلِّ
مُؤمِنٍ يُطلَبُ بِها وَبِكُم تُنبِتُ الارضُ اَشجارَها وَبِكُم تُخرِجُ الاَشجارُ
ثِمارَها وَبِكُم تُنزِلُ السَّماءُ قَطرَها وَرِزقَها وَبِكُم يَكشِفُ اللهُ الكَربَ
وَبِكُم يُنزِلُ اللهُ الغَيثَ وَبِكُم تُسيخُ الارضُ الَّتي تَحمِلُ اَبدانَكُم وَتَستَقِرُّ (تستقلّ)
جِبالُها عَن مَراسيها اِرادَةُ الرَّبِّ في مَقاديرِ اُمُورِهِ تَهبِطُ اِلَيكُم وَ
تَصدُرُ مِن بُيُوتِكُم وَالصّادِرُ عَمّا فُصِّلَ مِن اَحكامِ العِبادِ لُعِنَت اُمَّةٌ
قَتَلَتكُم وَاُمَّةٌ خالَفَتكُم وَاُمَّةٌ جَحَدَت (وامة) وِلايَتَكُم وَاُمَّةٌ ظاهَرَت عَلَيكُم وَاُمَّةٌ
شَهِدَت وَلَم تُستَشهَد اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي جَعَلَ النّارَ مَأواهُم وَبِئسَ وِردُ
الوارِدينَ وَبِئسَ الوِردُ المَورُودُ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ پس سه بار
بگو این صلوات را وَصَلَّى اللهُ عَلَيكَ يا اَبا عَبدِ اللهِ پس سه مرتبه بگو اِنّا
اِلَى اللهِ مِمَّن خالَفَكَ بَريءٌ پس بر میخیزی و میروی بنزد قبر فرزند آنحضرت
علی بن الحسین علیه السلام که در نزد پای آنحضرت است پس میگوئی
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ اَميرِ المُؤمِنينَ اَلسَّلامُ
عَلَيكَ يَا ابنَ الحَسَنِ وَالحُسَينِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا ابنَ خَديجَةَ وَفاطِمَةَ
و میگوئی سه مرتبه صَلَّى اللهُ عَلَيكَ لَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَكَ و سه مرتبه
اَنا اِلَى اللهِ مِنهُم بَريءٌ پس بر میخیزی و اشاره میکنی بدست خود بسوی
شهداء رضه و میگوئی سه مرتبه اَلسَّلامُ عَلَيكُم پس میگوئی فُزتُم وَا (فزتم)

فُزتُم بالله فُزتُم والله فليت انّي معكم فافوز فوزاً عظيماً پس دو ری
زنی تا انکه قرار میدهی قبر حضرت ابی عبدالله علیه السّلم را برابر خود
یعنی میروی پشت قبر پس شش رکعت نماز میکنی وچون چنین کردی
زیارت تمام میشود پس اکر خواهی انجا بمان واکر خواهی برکرد مؤلّف
کوید اکرچه در خبر بیانی نشده ازبرای این شش رکعت ولکن بکمان
حقیر دو رکعت ازان نماز زیارت حضرت باشد که در اخبار عدیده
سورهٔ یس وسورهٔ الرّحمن را برای ان معیّن نموده اند اکر میسّر شد و
دو رکعت برای علیّ بن الحسین علیه السّلم ودو رکعت برای شهدا
رضوان الله علیهم ودر یکی از زیارات مبسوطهٔ حضرت که در کامل
الزّیارة بسند معتبر از ابیحمزهٔ ثمالی مروی است از حضرت صادق
علیه السّلم بعد از ذکر نماز زیارت با سورهٔ یس والرّحمن چنین مذکور
است فاذا فرغت فصلّ ما احببت الّا انّ الرّکعتین رکعتی الزّیارة
لا بدّ منهما عند کلّ قبر وچون فارغ شدی پس نماز کن انچه خواهی جز انکه
ان دو رکعت نماز زیارت چاره نیست از بجا اوردن ان نزد هر قبری
که انرا زیارت کنند وباین عبارت میشود حکم باستحباب نماز زیارت
برای مثل قبور علی بن الحسین وابی الفضل وشهداء وامثال ایشان
کرد اکر نکوئیم برای قبور همهٔ مؤمنین چنانچه ظاهر خبر است وبرای

اختصاص قبر مذکور بقبر امام م شاهدی نیست پس دست از ظاهر
ان برداشتن راهی ندارد مقام چهارم در ذکر بعضی از اعمال این روضه
منوّره و زیارت ابی الفضل امّا اوّل پس عمدهٔ ان دعاست که اجابت
تحت قبه ساسیه یکی از انچیزهائیست که در عوض شهادت حضرت
احدیّت بانجناب لطف فرموده زائر باید انرا غنیمت دانسته در
تضرّع زانا بر و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات
انحضرت پیش از نماز زیارت و بعد از نماز ادعیه بسیاری با مضامین
عالیه وارد شده و چون زائرین غالباً نمی دانند چه بگویند و چه
بخوانند ایشانرا از این هم فارغ و بدبونکی در دعا نیز اجابت اسوده
کردند و چون بنابر اختصار است ما از ان ادعیه دو دعا را اختیار
کردیم امید از خواندن ان تغافل و تکاهل نکنند اوّل دعائیست
که در مزار شیخ مفید و مزار محمّد بن المشهدی قبل از نماز زیارت
نقل کرده اند و فرموده اند دستها را باسمان بلند کن و بگو اَللّٰهُمَّ مَنْ
تَهَیَّاَ وَتَعَبَّاَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهٖ وَ
جَائِزَتِهٖ وَنَوَافِلِهٖ وَفَوَاضِلِهٖ وَعَطَایَاهُ فَاِلَیْکَ یَا رَبِّ کَانَتِ الْیَوْمَ
تَهْیِئَتِیْ وَتَعْبِئَتِیْ وَاِعْدَادِیْ وَاسْتِعْدَادِیْ وَسَفَرِیْ وَاِلٰی قَبْرِ
وَلِیِّکَ وَفَدْتُ وَبِزِیَارَتِهٖ اِلَیْکَ تَقَرَّبْتُ رَجَاءَ رِفْدِکَ وَجَوَائِزِکَ

یعنی دعاهای بانقره دیگران

دعای تحت قبّه

ونوافلک

وَنَوافِلِكَ وَعَطاياكَ وَفَواضِلِكَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ رَجَوْتُ كَرِيمَ عَفْوِكَ ٥١.
وَواسِعَ مَغْفِرَتِكَ فَلا تَرُدَّنِى خائِباً فَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَما عِنْدَكَ
اَرَدْتُ وَقَبْرَ اِمامِى الَّذِى اَوْجَبْتَ عَلَىَّ طاعَتَهُ زُرْتُ فَاجْعَلْنِى بِهِ
عِنْدَكَ وَجِيهاً فِى الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ وَاَعْطِنِى بِهِ جَمِيعَ سُؤْلِى وَاقْضِ لِى بِهِ جَمِيعَ حَوائِجِى وَلا
تَقْطَعْ رَجائِى وَلا تُخَيِّبْ دُعائِى وَارْحَمْ ضَعْفِى وَقِلَّةَ حِيلَتِى وَلا تَكِلْنِى
اِلى نَفْسِى وَلا اِلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ مَوْلاىَ فَقَدْ اَفْحَمَتْنِى ذُنُوبِى وَقَطَعَتْ
حُجَّتِى وَابْتُلِيتُ بِخَطِيئَتِى وَارْتُهِنْتُ بِعَمَلِى وَاَوْبَقْتُ نَفْسِى وَوَقَفْتُها
مَوْقِفَ الْاَذِلّاءِ الْمُذْنِبِينَ الْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ التّارِكِينَ اَمْرَكَ الْمُغْتَرِّينَ
بِكَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِوَعْدِكَ وَقَدْ اَوْبَقَنِى ما كانَ مِنْ قَبِيحِ جُرْمِى وَسُوءِ
نَظَرِى لِنَفْسِى فَارْحَمْ تَضَرُّعِى وَنِدامَتِى وَاَقِلْنِى عَثْرَتِى وَارْحَمْ عَبْرَتِى
وَاقْبَلْ مَعْذِرَتِى وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلِى وَبِاِحْسانِكَ عَلى اِساءَتِى
وَبِعَفْوِكَ عَلى جُرْمِى وَاِلَيْكَ اَشْكُو ضَعْفَ عَمَلِى فَارْحَمْنِى يا اَرْحَمَ ل في
الرّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِى فَاِنِّى مُقِرٌّ بِذَنْبِى مُعْتَرِفٌ بِخَطِيئَتِى وَهٰذِهِ يَدِى ل معـ
وَناصِيَتِى بِالْفَقْرِ مِنِّى يا سَيِّدِى فَاقْبَلْ تَوْبَتِى وَنَفِّسْ كُرْبَتِى وَارْحَمْ بالعود
خُشُوعِى وَخُضُوعِى وَاَسَفِى عَلى ما كانَ مِنِّى وَوُقُوفِى عِنْدَ قَبْرِ وَلِيِّكَ
وَذُلِّى بَيْنَ يَدَيْكَ فَاَنْتَ رَجائِى وَمُعْتَمَدِى وَظَهْرِى وَعُدَّتِى فَلا تَرُدَّنِى

خائبا

خائباً وتقبّل عملی واستر عورتی وآمن روعتی ولا تخیّبنی ولا تقطع رجائی من بین خلقک یا سیدی اللّهمّ وقد قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل صلّی الله علیه وآله ادعونی استجب لکم انّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین یا ربّ و [illegible] الحقّ وانت الّذی لا تخلف المیعاد فاستجب لی یا ربّ فقد سئلک السّائلون وسئلتک وطلب الطّالبون وطلبت منک ورغب الرّاغبون ورغبت الیک وانت اهل ان لا تخیّبنی ولا تقطع رجائی تعرفنی [illegible] الاجابة یا سیّدی واقض لی حوائج الدّنیا والاخرة یا ارحم الرّاحمین

دوم دعائی است که در مزار قدیم ودر مصباح الزّائر نقل کرده قبل از نماز زیارت ودر بعضی نسخ مصباح بعد از نماز ذکر کرده وابتداء بعنوان صلوات وثنا بر آن حضرت ؏ است اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وصلّ علی الحسین المظلوم الشّهید قتیل العبرات واسیر الکربات صلوة نامیة زاکیة مبارکة یصعد اوّلها ولا ینفد اخرها افضل ما صلّیت علی احد من اولاد الانبیاء والمرسلین یا ربّ العالمین اللّهمّ صلّ علی الامام الشّهید المقتول المظلوم المخذول والسّیّد القائد والعابد الزّاهد الوصیّ الخلیفة الامام الصّدّیق الطّهر الطّاهر الطّیّب المبارک الرّضیّ المرضیّ والتّقیّ الهادی المهدیّ الزّاهد

وَسِبطِ الرَّسُولِ وَقُرَّةِ عَينِ البَتُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِي وَمَولَايَ كَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ وَنَهىٰ عَن مَعصِيَتِكَ
وَبَالَغَ فِي رِضوَانِكَ وَقَبِلَ عَلىٰ اِيمَانِكَ غَيرَ قَابِلٍ فِيكَ عُذرًا سِرًّا وَ
عَلَانِيَةً يَدعُو العِبَادَ اِلَيكَ وَيَدُلُّهُم عَلَيكَ وَقَامَ بَينَ يَدَيكَ يَهدِمُ
الجَورَ بِالصَّوَابِ وَيُحيِي السُّنَّةَ بِالكِتَابِ فَعَاشَ فِي رِضوَانِكَ مَكدُودًا
وَمَضىٰ عَلىٰ طَاعَتِكَ وَفِي اَولِيَاءِكَ مَكدُوحًا وَقَضىٰ اِلَيكَ مَفقُودًا
لَم يَعصِكَ فِي لَيلٍ وَلَا نَهَارٍ بَل جَاهَدَ فِيكَ المُنَافِقِينَ وَالكُفَّارَ
اللّٰهُمَّ فَاجزِهِ خَيرَ جَزَاءِ الصَّادِقِينَ الاَبرَارِ وَضَاعِف عَلَيهِمُ العَذَابَ
وَلِقَاتِلِيهِ العِقَابَ فَقَد قَاتَلَ كَرِيمًا وَقُتِلَ مَظلُومًا وَمَضىٰ مَرحُومًا
يَقُولُ اَنَا ابنُ رَسُولِ اللهِ مُحَمَّدٍ وَابنُ مَن زَكّىٰ وَعَبَدَ فَقَتَلُوهُ بِالعَمدِ
المُعتَمَدِ قَتَلُوهُ عَلَى الاِيمَانِ وَاَطَاعُوا فِي قَتلِهِ الشَّيطَانَ وَلَم يُرَاقِبُوا
فِيهِ الرَّحمٰنَ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدِي وَمَولَايَ صَلوٰةً تَرفَعُ بِهَا
ذِكرَهُ وَتُظهِرُ بِهَا اَمرَهُ وَتُعَجِّلُ بِهَا نَصرَهُ وَاخصُصهُ بِاَفضَلِ قِسَمِ الفَضَائِلِ
يَومَ القِيٰمَةِ وَزِدهُ شَرَفًا فِي اَعلىٰ عِلِّيِّينَ وَبَلِّغهُ اَعلىٰ شَرَفِ المُكرَمِينَ
وَارفَعهُ مِن شَرَفِ رَحمَتِكَ فِي شَرَفِ المُقَرَّبِينَ فِي الرَّفِيعِ الاَعلىٰ وَبَلِّغهُ
الوَسِيلَةَ وَالمَنزِلَةَ الجَلِيلَةَ وَالفَضلَ وَالفَضِيلَةَ وَالكَرَامَةَ الجَزِيلَةَ
اللّٰهُمَّ وَاجزِهِ عَنَّا اَفضَلَ مَا جَازَيتَ اِمَامًا عَن رَعِيَّتِهِ وَصَلِّ عَلىٰ

سیدی و مولای کلما ذکر و کلما لم یذکر یا سیدی ادخلنی فی حزبک
واستوهبنی من ربک و ربی فان لک عند الله جاهاً و قدراً و منزلة
رفیعة ان سئلت اعطیت فان شفعت شفعت الله الله فی عبدک
و مولاک لا تخلنی عند الشدائد و الاهوال لسوء عملی و قبیح فعلی
و عظیم جرمی فانک املی و رجائی و ثقتی و معتمدی و وسیلتی الی
الله ربی و ربک لم یتوسل المتوسلون الی الله بوسیلة هی اعظم
حقاً و لا اوجب حرمة و لا اجل قدراً عنده منکم اهل البیت
لا خلفنی الله عنکم بذنوبی و جمعنی و ایاکم فی جنة عدن التی اعدها
لکم و لاولیائکم انه خیر الغافرین و ارحم الراحمین اللهم ابلغ
سیدی و مولای تحیة کثیرة و سلاماً و اردد علینا منه التحیة
و السلام انک جواد کریم و صل علیه کلما ذکر السلام و کلما لم
یذکر یا رب العالمین و از جملهٔ اعمال این روضهٔ منوره دعای مظلوم (دعای مظلوم)
است بر ظالم چنانچه شیخ طوسی ره در مصباح متهجد در اعمال روز
جمعه فرموده مستحب است که دعا کند بدعاء مظلوم در نزد قبر
ابی عبدالله ع و آن اینست اللهم انی اعتز بدینک و اکرم بهدایتک (و نام آن ظالم ببر بجای فلان)
و فلان یذلنی بشره و یهیننی باذیته و یعیبنی بولاء اولیائک
و یبهتنی بدعواه و قد جئت الی موضع الدعاء و ضمانک لا جابة (اللهم)

اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وأعِذنی علیهِ السّاعة السّاعة آنکاه بر
قبر ببفت وبکو مولای امامی مظلومٌ استعدی علی ظالِمِهِ النّصر النّصر
انقدر بکو تا نفس منقطع شود واز جملهٔ اعمال دو رکعت نماز است
در انجمرم مطهر با سورهٔ الرّحمن وسورهٔ تبارک هرکه انرا بخواند خداوند
متان بنویسد برای او بیست وپنج حجّه مقبوله مبروره که با رسول خدا
صلّی الله علیه وآله کرده باشد چنانچه سیّد علی بن طاوس قدّه در
مصباح الزّائر نقلکرده واز جملهٔ اعمال دران قبر سامیه استخاره است
وان چنان است که بایستد در بالای سر حضرت امام حسین ع
وصد مرتبه استخیر الله بکوید پس تحمید وتهلیل وتسبیح وتمجید کند
حقتعالی را وثنا بکوید خدا را بانچه سزاوار اوست وروایت شده
از حضرت صادق ع چنانچه حمیری در قرب الاسناد ذکر کرده که چنین
نمیکند بنده در امری هرکز مکر انکه حقتعالی میاندازد در دل او
انچه را که خیر است از برای او ازدو امر واز جمله دعائیست که ابن
فهد ره در عدّة الدّاعی از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمودند
هرکه از برای او حاجتی باشد بسوی خداوند عزّ وجلّ پس بایستد در
نزد سر حضرت امام حسین علیه السّلم وبکوید یا ابا عبدِ اللهِ اشهدُ
انّکَ تشهدُ مقامی وتسمعُ کلامی وعندَ ربّکَ ترزقُ فاسئَل

رَبِّكَ فِي قَضاءِ حَوائِجِي پس بدرستیکه برآورده میشود حاجت ١٠٦
او انشاء الله تعالی و اما زیارت جناب ابی الفضل عباس بن امیر
المؤمنین علیه السلام پس بنحویکه شیخ مفید و محمد بن المشهدی ره و غیر
ایشان روایت کرده اند چنانست که چون بحرم رسیدی بایست
و بگو سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَاَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَعِبادِهِ الصّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَالزّاكِياتُ وَ
الطَّيِّباتِ فِيما تَغْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَشْهَدُ
لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ وَالْوَفاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ
السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالدَّلِيلِ الْعالِمِ وَالْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ
فَجَزاكَ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
اَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاَعَنْتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ لَعَنَ
اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَ
لَعَنَ اللهُ مَنْ حالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ماءِ الْفُراتِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً
وَاَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ جِئْتُكَ يَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وافِداً اِلَيْكُمْ
وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتابِعٌ وَاَنَا لَكُمْ تابِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى يَحْكُمَ اللهُ
وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّي بِكُمْ وَبِاِيابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَبِمَنْ خالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكافِرِينَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالاَيْدِي وَ

قتل الله بالالسن

الا لسن پس داخل شو و بیفت بر قبر و بگو در حالتیکه رو بقبله باشی
السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ
الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوانُهُ وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ
اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلى ما مَضى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجاهِدُونَ فى سَبيلِ
اللّٰهِ الْمُناصِحُونَ لَهُ فى جِهادِ اَعْدائِهِ الْمُبالِغُونَ فى نُصْرَةِ اَوْلِيائِهِ الذّابُّونَ
عَنْ اَحِبّائِهِ فَجَزاكَ اللّٰهُ اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَكْثَرَ الْجَزاءِ وَاَوْفَرَ جَزاءِ اَحَدٍ
مِمَّنْ وَفى بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَاَطاعَ وُلاةَ اَمْرِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ
قَدْ بالَغْتَ فِى النَّصيحَةِ وَاَعْطَيْتَ غايَةَ الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللّٰهُ فِى الشُّهَداءِ
وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ اَرْواحِ السُّعَداءِ وَاَعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ اَفْسَحَها مَنْزِلاً
وَاَفْضَلَها غُرَفاً وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فى عِلِّيّينَ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّ
يقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولئِكَ رَفيقاً اَشْهَدُ اَنَّكَ لَمْ
تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَاَنَّكَ مَضَيْتَ عَلى بَصيرَةٍ مِنْ اَمْرِكَ مُقْتَدِياً بِالصّالِحينَ
وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيّينَ فَجَمَعَ اللّٰهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَاَوْلِيائِهِ فى
مَنازِلِ الْمُخْبِتينَ فَاِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ پس میل کن بجانب سر پس دو
رکعت نماز کن و آنچه خواستی بعد از این دو رکعت نماز کن و بسیار
بخوان خدا را و بگو در عقب نماز اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا

مص
لِلْحَسَنِ
مص
وَاَشْهَدُ اللّٰهَ

تدع لي في هذا المكان المكرم والمشهد المعظم ذنباً الا غفرته ولا
همّاً الا فرجته ولا مرضاً الا شفيته ولا عيباً الا سترته ولا رزقاً
الا بسطته ولا خوفاً الا امنته ولا شملاً الا جمعته ولا غائباً الا
حفظته ولا ديناً الا اديته ولا حاجة من حوائج الدنيا والاخرة
لك فيها رضى ولي فيها صلاح الا قضيتها يا ارحم الراحمين پس برگرد
بسوى ضريح وبايست در نزد پا وبگو السلام عليك يا ابا الفضل
العباس بن امير المؤمنين السلام عليك يا بن سيد الوصيين السلام عليك
يا بن اول القوم اسلاماً واقدمهم ايماناً واقومهم بدين الله واحوطهم
على الاسلام اشهد لقد نصحت لله ولرسوله ولاخيك فنعم الاخ
المواسي فلعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة
استحلت منك المحارم وانتهكت حرمة الاسلام فنعم الصابر المجاهد
المحامي الناصر والاخ الدافع عن اخيه المجيب الى طاعة ربه الراغب
فيما زهد فيه غيره من الثواب الجزيل والثناء الجميل فالحقك الله
بدرجة آبائك في دار النعيم اللهم اني تعرضت لزيارة اوليائك
رغبة في ثوابك ورجاء لمغفرتك وجزيل احسانك فاسئلك ان
تصلي على محمد وآله الطاهرين وان تجعل رزقي بهم داراً وعيشي
بهم قاراً وزيارتي بهم مقبولة وحياتي بهم طيبة وادرجني ادراج

المکرمین واجعلنی ممن ینقلب من زیارة مشاهد احبائک مفلحا منجحا
قد استوجب غفران الذنوب وستر العیوب وکشف الکروب انک
اهل التقوی واهل المغفرة وچون خواستی وداع کنی انجنابرا جهت بیرون امدن
پس بایست نزد قبر و بگو استودعک الله واسترعیک واقرء علیک
السلام امنا بالله وبرسوله وبکتابه وبما جاء به من عند الله اللهم اکتبنا
مع الشاهدین اللهم لا تجعله اخر العهد من زیارة قبر ابن اخی رسولک
صلی الله علیه واله وارزقنی زیارته ابدا ما ابقیتنی واحشرنی معه
ومع ابائه فی الجنان وعرف بینی وبینه وبین رسولک واولیائک
اللهم صل علی محمد وال محمد وتوفنی علی الایمان بک والتصدیق
برسولک والولایة لعلی بن ابیطالب والائمة علیهم السلام من ولده
والبرائة من عدوهم فانی رضیت بذلک وصلی الله علی محمد وال محمد
پس دعا کن از برای خود و بجهة والدین خود و از برای مردمان مؤمن
وزنهای مؤمنه واختیار کن از دعاها هر دعائی که میخواهی پس برکرد
مؤلف گوید که اینجا لازم است تنبیه برد و امر لازم که محل حاجت و
ابتلاء و سؤال است اول فقره نماز زیارت جناب ابی الفضل دوم
کیفیت ایستادن در حرم انجناب وقت زیارت اما نماز زیارت
پس بدانکه علامه مجلسی ره در بحار در باب زیارت انجناب انزا از

کامل الزیارة نقلکرده وان جزو زیارت طویله ابوحمزه ثمالی است ودر انجا نماز زیارت پایین پارا ندارد وبعد از ان فرموده که گذشت زیارت عباس در زیارت کبیره که از شیخ مفید نقل شده مبسوط تر از این واصحاب در زیارت انجناب نماز زیارترا ذکر کرده اند واخبار خالی است از این واز اینجهة بعضی از معاصرین منع کرده از نماز برای غیر معصوم چون در اخبار تصریح نشده بکردن نماز برای زیارت غیر ایشان ولکن اگر نماز کند نه بقصد ورود ان بخصوص بلکه بجهة اخبار عامه که وارد شده در هدیه فرستادن نماز وصدقه وروزه وسایر افعال خیر برای انبیاء وائمه صلوات الله علیهم اجمعین ومؤمنین ومؤمنات واینکه اینها داخل میشود بر ایشان در قبورشان وبا انها منتفع میشوند باکی بان نیست وکار نیکوئی کرده با انکه مفید وغیر او رحمهم الله انرا در کتب خود ذکر کردند وشاید بایشان خبری رسیده که بما نرسیده وخواهد امد زیارت جابر در اربعین که مشتمل است بر نماز زیارت واین فرمایش از مثل ایشان خالی از تعجب نیست اولاً ان زیارت کبیره که از شیخ مفید ره سابقا نقل کردند ونماز زیارت انجناب در ان مذکور است نص صریح است در این باب واحتمال انکه ان زیارت از تالیفات الشیخ باشد بکران باشد در

ابجا

اینجا نمیباید زیرا که عبارت شیخ مفید ره در مزار چنانچه خود ایمرحوم
ذکر اول ان زیارت نقل کرد ند اینست زیارة اخری له ع بروایة اخری
غیر مقیدة بوقت من الاوقات اذا اوردت آه پس امر بنماز در بالای
سر از امام هم خواهد بود وثانیا همین زیارة را محمد بن المشهدی ره در
مزار خود نقلکرده و در بحار نیز بان نسبت داده و گذشت که ذکر اول
مزار خود تصریح نموده که انچه در این مزار ذکر میشود از زیارات ودعوات
همه انها ماثور است از ائمه علیهم السلم بروایت ثقات وثالثا گذشت
فرموده حضرت صادق علیه السلم بروایت ابوحمزه ثمالی که چاره نیست
از کردن دو رکعت نماز نزد زیارت هر قبری و مثل انجناب وشهداء
که برای ایشان زیارت مخصوص وارد شده البته داخل در این عموم
خواهند بود ورابعا گذشت از مزار محمد بن المشهدی در زیارت
عیدین که در غیر ان نیز میشود خواند صریحا امر بنماز زیارت انجناب
وبرای اثبات فعل مستحبی بیش از این محتاج نیست بدلیل وتمسک
بفعل جابر واما کیفیت ایستادن در وقت زیارت پس علامه
مذکور بعد از کلام سابق فرموده بدانکه ظاهر این روایت یعنی روایت
کامل الزیارة جواز ایستادن نزد قبر انجناب پشت بقبله بهر نحو که باشد
واگر بقعه انجناب در سابق مثل زمان ما بود یعنی در حرم در رو

روبروی بایستد هر اینه ظاهر این خبر مواجهة انجناب ست وقت زیارت
لکن ظاهر کلام اصحاب وعمل ایشان انستکه سزاوار نیست در زیارت
غیر معصوم روبرو شدن بلکه سزاوار رو کردن بقبله است وایستادن
در پشت سر او و ندیدم در پیشتر زیارات منقوله تصریحی باین مطلب
بلی در زیارت مؤمنین مطلقا وارد شده استحباب استقبال قبله
چنانچه بیاید ولکن بعید نیست انکه گفته شود که چنانچه ایشانرا امتیاز
داد ند از سایر مؤمنین باین زیاراتیکه مشتملست بر مخاطبات امتیاز
داده باشند از سایر مؤمنین باینکه روبروی ایشان بایستند چنانچه
متعارف است در مکالمات ومحاورات لکن در بعضی روایات
منقوله امر شده باستقبال قبله در وقت زیارت کردن بعضی از ایشان
مثل علی بن الحسین علیهما السّلام چنانچه وارد شده از ناحیه مقدّسه
و مخیّر بودن زائر در هر جاکه بخصوص نصّی نرسیده اظهر است واین
کلام نیز در غرابت مثل سابق است امّا اولا بجهة انکه شیخ طوسی قدّه
در تهذیب از مزار شیخ مفید ره همان زیارترا که در بحار از مزار ومزار
محمّد بن المشهدی نقل کرده ایشان نیز نقل کرده اند وعبارت مزار
در نسخ تهذیب چنین است بعد از خواندن زیارت در حرم ثمّ ادخل
وانکب علی القبر وقل وانت مستقبل القبلة السّلام علیك ایّها العبد

الصالح

الصّالح الخ پس داخل شو و بر قبر بیفت و بگو در حالتیکه روی بقبله کرده
باشی و این صریح است در انکه باید در پشت سر ایستاد چنانچه در
زیارت علیّ بن الحسین و سایر شهداء علیهم السّلم باید چنین کند چنانچه
در زیارت ناحیهٔ مقدّسه تصریح فرموده اند که اذا اردت زیارة
الشّهداء رضوان الله علیهم فقف عند رجلی الحسین علیه السّلم وهو
قبر علیّ بن الحسین صلوات الله علیهما فاستقبل القبلة بوجهك الخ
چون خواهی زیارت کنی شهدا را پس بایست نزد پاهای امام که انجا
قبر علیّ بن الحسین علیه السّلم است و روی کن بسوی قبله الخ و نیز گذشت
در زیارت اوّل رجب بروایت سیّد در اقبال و مصباح الزّائر که برو
و بایست نزد قبر علیّ بن الحسین ع رو بقبله و بگو و ظاهر از نسخهٔ مزار
ایشان فقره وانت مستقبل القبلة افتاده بود و لکن جای ایراد هست
که با کثرت مراجعه بکافی و تهذیب در اینجلد چرا در این محلّ مراجعه
نفرموده اند که چنین بفرمایند پس مکشوف شد که برای تخییر محلّی نماند
بعد از بیرون رفتن ان دو بزرگوار و سایر شهدا ازان بجههٔ وجود نصّ
صریح و اتّحاد حکم ایشان در اینجهه با سایر مؤمنین خصوص مثل جناب
سلمان فارسی سلام الله علیه که سیّد بن طاوس در مصباح الزّائر
در اوّل زیارت انجناب تصریح نموده که رو بقبله می ایستی و همچنین

فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در قسم چنانچه در بحار از
حضرت رضا ع روایت کرده پس دیگر محلی نیست برای تخییر زیراکه
همه داخل در مؤمنین اند که حکمشان معلوم شده در اخبار بسیار
واما ثانیا پس بر ناظر متتبع مخفی نیست که در بیشتر زیارات مطلقه
ومخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در کیفیت دخول وایستادن
برای خواندن زیارت تصریح فرموده اند که رو بایشان وپشت بقبله
میکنی ودر بسیاری از زیارات حضرت ابی عبد الله علیه السلام مختصره
یا مطوله از زیارات جناب ابی الفضل ذکر شده وابدا در اینها
اشاره نشده ومعلوم است که انرا بوضوح خود واگذاشتند بهمان
دستور العملی که برای زیارت قبور مؤمنین مقرر فرموده اند قناعت
نموده اند واگر امتیازی بود البته بان اشاره میکردند واما ثالثا پس
احتمال امتیازی که داده اند برای این جناب بملاحظه امتیاز ایشان باین
زیارات متضمن مکالمات ومخاطبات بعد از چشم پوشیدن از ضعف
ان بجهت شراکت جناب سلمان وسیده فاطمه در این جهت ونداشتن
این امتیاز با اینحال در نهایت ضعف است بجهة ضمیمه زدن به
امتیازی دیگر که از جهات عدیده اولی است برعایت وحفظ وان
امتیاز معصوم است چه پیغمبر وچه امام صلوات الله علیهم از سایر

[illegible]

مؤمنین بان حکم مخصوص چنانچه از همه انها ممتازند در انکه معصوم را
غسل ندهد غیر معصوم ع و نماز نکند براو غیر معصوم و دفن نکند او را
غیر معصوم ع و مقدار خوابیدن جسد مبارك پیغمبر ما و ائمة صلوات
الله علیهم اجمعین از زمین اشرف است از کعبه معظمه باتفاق جمیع
فقهاء چنانچه شهید ره در قواعد تصریح نموده پس حفظ این امتیاز
واختصاص اولی و احق است بملاحظه ادای حق امامت و ولایت
که بر همه لازم و متحتم است فصل سیم در مختصری از تکلیف زوار در
کاظمین و سر من رای و در ان چهار مقامست مقام اول در انچه متعلق
بکاظمین است و زیارات انحرم انور بعضی مختص است بهر یك از ان
دو بزرگوار و بعضی مشترك میان ان دو امام همام علیهما السلام و بعضی
از هر یك از انها در اینجا ذکر میشود اما مختص بحضرت امام موسی بن
جعفر علیه السلام پس شیخ مفید و محمد بن المشهدی و شهید اول رحمهم الله
در مزارشان فرموده اند چون خواهی زیارت کنی انجناب را در بغداد
پس غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد شریف را و بایست بر در
حرم و اذن دخول بطلب و بهتر انکه همان اذن دخولیکه در مقدمه کتاب
ذکر کردیم بخواند فرموده اند انگاه داخل شود در حالتیکه میگوید بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَالِهِ وَ

السّلم

السَّلامُ علی اَوْلِیائِهِ بعد از ان برو تا مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام شوی پس چون ایستادی نزد قبر انحضرت بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
نُورَ اللّٰهِ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَ اٰتَیْتَ
الزَّکوٰةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَّ
تِلاوَتِهِ وَ جاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ صَبَرْتَ عَلَی الْاَذیٰ فی جَنْبِهِ
مُحْتَسِباً وَ عَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّٰی اَتاکَ الْیَقینُ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَوْلیٰ بِاللّٰهِ وَ
بِرَسُولِهِ وَ اَنَّکَ ابْنُ رَسُولِ اللّٰهِ حَقّاً اَبْرَءُ اِلَی اللّٰهِ مِنْ اَعْدائِکَ وَ اَتَقَرَّبُ
اِلَی اللّٰهِ بِمُوالاتِکَ اَتَیْتُکَ یا مَوْلایَ عارِفاً بِحَقِّکَ مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکَ
مُعادِیاً لِاَعْدائِکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه
کن و گونه‌های خود را بر او بگذار و بگو دا انجا و بیا بجانب سر و بایست
و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ صادِقٌ اَدَّیْتَ صدیق ع ل
ناصِحاً وَ قُلْتَ اَمیناً وَ مَضَیْتَ شَهیداً لَمْ تُؤْثِرْ عَمیً عَلیٰ هُدیً وَ لَمْ تَمِلْ
مِنْ حَقٍّ اِلیٰ باطِلٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ وَ عَلیٰ آبائِکَ وَ اَبْنائِکَ الطّاهِرینَ
پس ببوس قبر مطهر را و دو رکعت نماز زیارت گذار و بعد از این دو
رکعت هر نماز که خواهی بکن پس از ان بسجده برو و بگو اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ
اِعْتَمَدْتُ وَ اِلَیْکَ قَصَدْتُ وَ بِفَضْلِکَ رَجَوْتُ وَ قَبْرَ اِمامِی الَّذی انتجبت

اُوجِبَتْ عَلَیَّ طاعَتُهُ زُرْتُ وَبِهِ اِلَیْکَ تَوَسَّلْتُ فَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ
عَلیٰ نَفْسِکَ اِغْفِرْلی وَلِوالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنینَ یا کَریمُ پس روی راست
خود را بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوائِجی فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاقْضِها پس روی چپ را بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ اَحْصَیْتَ ذُنُوبی فَبِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْها وَتَصَدَّقْ عَلَیَّ بِما اَنْتَ
اَهْلُهُ پس برگرد بسجده و بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس از آن سر از
سجده بردار و دعا کن با نچه خواهی از برای هر که میخواهی و دوست
میداری انرا مؤلف گوید سید جلیل علی بن طاوس قدّه در مصباح
الزائر این صلوات بر انحضرت را که متضمن شمهٔ از فضائل و مناقب
و عبادت و مصائب انجناب است بعد از زیارت نقل کرده البته
زائر از فیض خواندن ان خود را محروم نکند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ وَصَلِّ عَلیٰ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَصِیِّ الْاَبْرارِ وَاِمامِ
الْاَخْیارِ وَعَیْبَةِ الْاَنْوارِ وَوارِثِ السَّکینَةِ وَالْوَقارِ وَالْحِکَمِ وَالْآثارِ
الَّذی کانَ یُحْیِی اللَّیْلَ بِالسَّهَرِ اِلَی السَّحَرِ بِمُواصَلَةِ الْاِسْتِغْفارِ حَلیفِ
السَّجْدَةِ الطَّویلَةِ وَالدُّمُوعِ الْغَزیرَةِ وَالْمُناجاتِ الْکَثیرَةِ وَالضَّراعاتِ
الْمُتَّصِلَةِ الْجَمیلَةِ وَمَقَرِّ النُّهیٰ وَالْعَدْلِ وَالْخَیْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدیٰ وَالْبَذْلِ
وَمَاْلَفِ الْبَلْویٰ وَالصَّبْرِ وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ وَالْمُعَذَّبِ

فی قعر السجون وظلم المطامیر ذی الساق المرضوض بحلق القیود و
الجنازة المنادی علیها بذل الاستخفاف والوارد علی جده المصطفی
وابیه المرتضی وامه سیدة النساء بارث مغصوب وولاء
مسلوب وامر مغلوب ودم مطلوب وسم مشروب اللهم وکما صبر علی
غلیظ المحن وتجرع فیک غصص الکرب واستسلم لرضاک واخلص
الطاعة لک ومحض الخشوع واستشعر الخضوع وعادی البدعة و
اهلها ولم یلحقه فی شیء من اوامرک ونواهیک لومة لائم صل علیه
صلوة نامیة منیفة زاکیة توجب له بها شفاعة امم من خلقک و
قرون من برایاک وبلغه عنا تحیة وسلاما واتنا من لدنک فی
موالاته فضلا واحسانا ومغفرة ورضوانا انک ذو الفضل العمیم
والتجاوز العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین واما زیارت مختص بحضرت
امام محمد تقی علیه السلم پس در همان سر مزار شریف مسطور است که
پس متوجه شو بسوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیهما السلام که
در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر
آنحضرت پس بگو السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا حجة الله السلم
علیک یا نور الله فی ظلمات الارض السلام علیک یا ابن رسول الله السلم
علیک وعلی آبائک السلم علیک وعلی ابنائک السلم علیک وعلی

بعض مشایخ ... سید بن طاوس ... علیهم الرضوان نسبت ...

اولیائك اقمت الصلوة وآتیت الزكوة وامرت بالمعروف ونهیت عن ١٦٩
المنكر وتلوت الكتاب حق تلاوته وجاهدت في الله حق جهاده وصبرت ٢ اشهد انك
على الاذى في جنبه حتى اتاك اليقين اتيتك زائرا عارفا بحقك موالیا
لاولیائك معاديا لاعدائك فاشفع لي عند ربك پس ببوس قبر را
وروی خود را بر قبر بنه پس دو رکعت نماز زیارت گذار و بعد از آن دو
رکعت هر نماز که خواهی بکن پس سر بسجده گذار و بگو ارحم من اساء و
اقترف واستكان واعترف پس روی راست خود را بگذار و بگو
ان كنت بئس العبد فانت نعم الرب پس روی چپ خود را گذار و بگو
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا كريم پس بر گرد بسجده
و بگو صد مرتبه شكرا شكرا پس بر گرد و نیز سید بن طاوس قده در مصباح
الزائر صلوات بر آنحضرت را بعد از زیارت چنین نقل کرده اللهم صل
على محمد واهل بيته وصل على محمد بن علي الزكي التقي والبر الوفي
والمهذب الصفي هادي الامة ووارث الائمة وخازن الرحمة
وينبوع الحكمة وقائد البركة وعديل القرآن في الطاعة وواحد الا
وصياء في الاخلاص والعبادة وحجتك العليا ومثلك الاعلى و
كلمتك الحسنى الداعي اليك والدال عليك الذي نصبته علما لعبادك
ومترجما لكتابك وصادعا بامرك وناصرا لدينك وحجة على خلقك و

نوراً تخرق به الظلم وقدوة تدرك بها الهداية وشفيعاً تنال به الجنة
اللهم وكما اخذ في خشوعه لك حظه واستوفى من خشيتك نصيبه
فصل عليه اضعاف ما صليت على ولي ارتضيت طاعته وقبلت
خدمته وبلغه منا تحية وسلاماً وآتنا في موالاته من لدنك فضلاً
واحساناً ومغفرة ورضواناً انك ذو المن القديم والصفح الجميل

زیارت دیگر که مخصوص بآنحضرت است شیخ صدوق ره در فقیه
روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی آنحضرترا پس غسل کن وخودرا
پاکیزه نما ودو جامه پاک بپوش وبگو اللهم صل على محمد بن علي الامام
التقي النقي الرضي المرتضى حجتك على من فوق الارض ومن تحت
الثرى صلوة كثيرة نامية زاكية متواصلة مترادفة متواترة كافضل
ما صليت على احد من اوليائك والسلام عليك يا ولي الله السلام
عليك يا نور الله في ظلمات الارض اتيتك زائراً عارفاً بحقك معادياً
لاعدائك موالياً لاوليائك فاشفع لي عند ربك انگاه حاجت خودرا
سؤال کن بعد از آن نماز کن در قبه که در آن قبر حضرت امام محمد نقی
علیه السلام است چهار رکعت دو رکعت برای زیارت امام موسی
کاظم علیه السلام ودو رکعت برای امام محمد نقی علیه السلام مؤلف گوید
در سابق قبر مطهر حضرت کاظم علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه

السلام جدا و قبر و در علیحده داشت بعد از زیارت از انجا بیرون ۱۰
می امدند و در قبه حضرت جواد علیه السلام میرفتند که ان هم در و
دیوار و سقیفه علیحده داشت و اما زیارت مشترکه میان ان دو
امام همام علیهما السلام که انرا برای هرکدام علیحده باید خواند پس
شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کامل الزیارة از حضرت ابی الحسن یعنی
امام علی نقی علیه السلم روایت کرده که در زیارت هرکدام از ان دو
امام علیهما السلم چنین بگو السَّلامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ
اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا نُورَ اللهِ فی ظُلُماتِ الاَرْضِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا
مَنْ بَدَءَ اللهُ فی شَانِهِ اَتَیْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُعادِیاً لِاَعْدائِكَ (بدا الله صح)
مُوالِیاً لِاَوْلِیائِكَ اِشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّكَ یا مَوْلایَ و شیخ صدوق
علیه الرحمه همین زیارت را در فقیه نقل کرده و فقرهٔ السَّلامُ عَلَیْكَ
یا مَنْ بَدَءَ اللهُ را نقل نکرده‌اند و ثقة الاسلام نیز انرا مسندا روایت
کرده باسقاط چند فقره ولکن فقرهٔ بدا را ذکر کرده و چون روایت
کامل اکمل بود انرا ذکر نمودیم و نیز در کافی و کامل الزیارة زیارة
جامعهٔ صغیرهٔ معروفه که سندان در غایت اعتبار است برای هر
یك از ان دو امام همام علیهما السلم نقل کرده‌اند با تصریح باینکه خواندن
ان در سایر مشاهد مشرفه نیز مجزیست و ما ان زیارت را چون در

اوّل خاتمہ ذکر خواہیم نمود انشاءَ اللہ اینجا ذکر نکردیم ہر کہ طالب است ۱۲۲
از انجا بخوانند و نیز در کتاب نجم ثاقب و رسالہ جنۃ الماویٰ قصۂ عجیبہ
ناصعۂ عدل ثقہ صالح تقی حاجی علی بغدادی کہ در سنۂ شرف ملاقات
ولیّ عصر صاحب الزّمان صلوات اللہ علیہ روزی او شدہ و مشتمل است
بر معجزات بسیار و فوائد جمیلہ بلاواسطہ از مومی الیہ نقل کردم و در
انجا مذکور است کہ حاجی علی مذکور در خدمت انجناب وارد صحن
کاظمین شدند نزدیک غروب روز پنجشنبہ پس از باب المراد کہ در
پایین پا است داخل رواق شدند بی اذن دخول و در حرم مطہرّ
ایستادند و بحاجی فرمود استیذان کن حاجی چون نمیشناخت و
عامی بود مستدعی شد کہ برای من بخوان پس حضرت روحی لہ الفدا
مشغول شدند بہ سلام باین نحو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکِ یَا فَاطِمَۃَ الزَّہْرَاءِ
و ہمچنین بر ہر یک از امامان باین اختصار تا بوالد بزرگوار امام
حسن عسکری علیہ السّلم سلام کردند و ساکت شدند پس باو
فرمودند چون باینجا میرسے چہ میگوئے عرض کرد میگوئیم السّلم علیک
یا صاحب الزّمان الخ فرمود و علیک السّلم و او ملتفت نشد پس
داخل در حرم شدند و مقابل قبر مطہّر ایستادند و باو فرمودند زیارت

زیارت بخوان عرضکرد نمیدانم شما برای من بخوانید فرمود کدام زیارترا
عرضکرد بهترین زیاراترا پس حضرت فرمود افضل زیارات زیارت
امین الله است انگاه برای او زیارت امین الله را خواندند باین قسم
السَّلاٰمُ عَلَيْكُمٰا يٰا اَمِينَيِ اللهِ تا اخر وهرد وامام علیهما السلام را شریک
نمودند تا اخر حکایت که خواندن ان دلرا نورانی وچشمرا روشن کند
وچون این مقدار از ان مناسب مقام بود بهمان قناعت کردیم وبالله
المستعان مقام دوم در سایر تکالیف زوار ومناسک مؤمنین
در بلده طیبهٔ کاظمین وان سه چیز است اوّل رفتن بمسجد شریف
براثا و نماز کردن دران دوّم رفتن ببغداد بجههٔ زیارت چهار نایب
خاص حضرت صاحب الزّمان صلوات الله علیه سیّم رفتن بمدائن بجهة
زیارت سلمان محمّدی علیه السلام امّا اوّل پس بدان که مسجد براثا از
مساجد شریفهٔ معروفهٔ متبرّکه است وواقع شده در بین بغداد وکاظمین
در راه زوار وغالباً از فیض ان محروم واعتنائی بان ندارند باهمهٔ
فضائل واسباب شرافتی که برای ان ذکر نمودند شیخ جلیل ابو علی
پسر شیخ طوسی در امالی خود مسنداً روایت کرده از حضرت امام
محمّد باقر علیه السلام که فرمود چون حضرت امیر المؤمنین ع از جنگ خوارج
نهروان برگشت بزوراء که محلّ شهر بغداد بوده است پس گفت

نمودم که این زوراء است پس راه بروید و اجتناب کنید از داخل شدن
ان که خسف و فرو رفتن زمین بان نزدیکتر است از فرو رفتن میخ
در میان سبوس و چون بموضع دیگر رسید پرسید که این چه موضع
است گفتند نجرا است فرمود که این زمین شوره است بجانب بالا
این زمین میل کنید پس براهبی رسید که در صومعهٔ خود بود با نراهب
خطاب نمود که در اینجا فرود ایم راهب گفت که با لشکر خود در اینجا
فرود میا فرمود که چرا راهب گفت که در این موضع فرو نمیاید مکر
پیغمبر یا وصی پیغمبر با لشکر خود که جهاد کند در راه خدا چنین خوانده‌ایم
ما در کتابهای خود حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که من انوصی پیغمبرم
پس راهب از صومعهٔ خود فرود امد بسوی انحضرت و عرض کرد که
عرض کن بر من دین اسلام را و بگیر از من پیمان شریعتهای انرا که
من در انجیل وصف ترا خوانده‌ام و خوانده‌ام که فرود خواهی امد
در زمین براثا که خانه حضرت مریم علیها السلم و زمین حضرت عیسی
است پس حضرت فرمود بایست و بما چیزی خبر ده که ما بهتر از تو می
دانیم پس رفت بموضعی از ان صحرا و امر کرد که خاکرا دور کردند پس
سنگی عظیم ظاهر شد پس سر پائی بران سنک زد و از زیران چشمهٔ
بزرگی ظاهر شد پس فرمود که این چشمه‌ایست که از برای مریم علیها

السلم

السلم ظاهر کردید پس هفده زرع ازان چشمه دور شد و فرمود که
بشکافید این مکانرا چون شکافتند سنك سفیدی ظاهر شد فرمود
که حضرت مریم ع حضرت عیسی ع را از دوش خود کرفت و بر این سنك
کذاشت ودر این موضع نماز کرد پس حضرت امیر المؤمنین ع ان سنك را
نصب کرد و بسوی ان نماز کرد و چهار روز در انجا ماند و حرم خود را
در موضعی فرود اورده بود که انقدر دور بود که اکر صدا ازند
توان شنید پس فرمود که این زمین براثا است این خانه مریم است
این موضع مقدسی است که پیغمبران در ان نماز کرده اند حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که ما در کتب یافته ایم که حضرت ابرهیم ع پیش از حضرت
عیسی ع در ان موضع نماز کرده است و شیخ شهید اول در کتاب دروس
فرموده از مساجد شریفه مسجد براثا است که در غربی بغداد است
وان باقیست الی الان و من انرا دیدم و در ان نماز کردم و جماعتی
روایت کرده اند از جابر انصاری که کفت امیر المؤمنین ع با ما نماز کرد
در براثا بعد از برکشتن از جنك خوارج و ما زیاده از صد هزار مرد
بودیم پس نصرانی از صومعه خود فرود امد و پرسید که سرکرده این
لشکر کیست ما اشاره بامیر المؤمنین ع کردیم که این است پس بنزد ان
حضرت امد و سلام کرد و کفت ای سید من تو پیغمبری فرمود نه

پیغمبر رسید و اقای من است کفت پس تو وصی پیغمبری فرمود بلی
کفت من این صومعه را ازبرای اینموضع بنا کرده ام که براثا نام
دارد و در کتب اسمانی خوانده ام که در اینموضع باین جمعیت نماز
نمیکند مکر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس مسلمان شد و حضرت امیر
المؤمنین علیه السلم باو فرمود که که در اینجا نماز کرده است کفت حضرت
عیسی ع و مادرش حضرت فرمود که حضرت ابرهیم خلیل ع نیز در اینجا
نماز کرده است و در روایتست از جابر از انس بن مالك که چون امیر
المؤمنین علیه السلم از جنك خوارج برکشت در براثا فرود امد و در
انجا راهبی در دیر خود بود انراهب چون انلشکر را دید از دیر خود
فرود امد و پرسید که سرکرده لشکر کیست کفتند امیرالمؤمنین است
و از جنك اهل نهروان برکشته است پس بخدمت حضرت شتافت
و با ادب ایستاد و کفت اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ حَقًّا حَقًّا
حضرت فرمود که چه میدانی که من امیرالمؤمنینم بحقیقت و راستی
کفت چنین خبر داده اند ما را رهبانان و دانایان ما حضرت فرمود
که ای حباب راهب کفت نام مرا چه میدانی فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و اله مرا چنین خبر داده حباب کفت دست دراز کن
که من شهادت میدهم بوحدانیت خدا و برسالت محمد صلوات الله

علیه و اله و شهادت میدهم که تو علی بن ابیطالبی و وصی انحضرتی فرمود که در کجا میباشی کفت در این دیر میباشم فرمود که بعد از این اینجا مباش ولیکن در اینجا مسجدی بناکن و باسم بناکننده اش نام کن انزا پس بنا کرد انزا مردی که نامش براثا بود پس مسجد را براثا نام کرد و امیر المؤمنین از راهب پرسید که از کجا اب میخوری کفت از دجله فرمود که چرا در اینجا چشمه یا چاهی نمیکنی کفت یا امیر المؤمنین هرچاهی که کندیم ابش شور بود حضرت جائی را نشان داد فرمود که اینجا چاهی بکن چون کندند سنك بزرکی ظاهر شد که نتوانستند کندن انزا پس انحضرت سنك را کند و از زیرش چشمه ظاهر شد از عسل شیرین تر و از کره لذیذتر پس فرمود که ای حباب زود باشد که در پهلوی مسجد تو شهری بنا شود که جباران در ان بسیار باشند و بلا و فتنه در ان عظیم باشد حتی انکه در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج بحرام جماع کنند و مراد از ان شهر بغداد است

و ابن شهراشوب در مناقب مضامین این اخبار را باسانید متعدده نقلکرده و بعد از ان روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع صیحه زد بان چاه بزبان عبرانی که نزدیك من بیا پس چون عبور کرد بمسجد در اینجا درخت عوسجی بود که خار بسیار داشت پس شمشیر را کشید و

خارهارا ازان درخت دور کرد و فرمود در اینجا قبر پیغمبریست از
پیغمبران خداوند وامر فرمود افتاب را که برگردد پس برگشت و باان
حضرت سیزده کس از اصحابش همراه بودند پس قبله را بخط مستقیم
درست کرد و بسوی ان نماز کرد

مؤلف گوید از مجموع این اخبار چند فضیلت برای اینمسجد معلوم می
شود که هر کدام در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان منازل
طی کند و بفیض نماز و دعای دران مستفیض و متبرک شود اول
مقرر فرمودن خداوند که دران زمین فرود نیاید رئیسی بالشکرش
بجهة جهاد در راه خداوند و نماز نکنند دران جز پیغمبر یا وصی
پیغمبر وانرا در کتب سماویه ثبت نمودن دوم انکه خانهٔ حضرت مریم
بتول است سیم انکه زمین حضرت عیسی ع است چهارم بودن
چشمه که برای مریم ع ظاهر شده بود چنانچه خدا تعالی میفرماید قد
جعل ربك تحتك سریا و انجا پنجم ظاهر کردن حضرت امیرالمؤمنین
انچشمه را که ابش لذیذ و گوارا بود باعجاز برای انجماعت ششم بودن
سنك سفید متبرك که مریم عیسی ع را بران گذاشت در انجا هفتم بیرون
اوردن حضرت انسنگ را از انجا باعجاز و نماز کردن بسوی ان یعنی
انرا بجای دیواری قبلی محراب نماز خود قرار داد و این سنك مبارك

معقدتس

مقدّس هنوز موجود ودر انجا منصوب ولکن مکرّر جهّال بیکا نکان انرا از او برده ودر چاه می اندازند پس از اطّلاع باز بعضی مؤمنین انرا از او برده نصب میکنند وچون بجهة غفلت وبی اعتنائی شیعیان باین مسجد عظیم الشّان معمور واباد نیست لهذا این رشته باقیست تا بکجا بکشد هشتم نماز کردن حضرت امیر المؤمنین وحضرت مجتبی وسیّد الشّهداء علیهم السّلم در انجا نهم توقّف نمودن حضرت در انجا چهار روز بجهت شرافت مکان ومقدّس بودن زمین دهم نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرّحمن علیه السّلم در انجا یازدهم بودن قبر پیغمبری از پیغمبران در انجا دوازدهم برکشتن افتاب برای حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم در انجا وباین شرافت وفضایل وبروز ایات الهیّه ومعاجز حیدریّه دوران معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی انجا برود با انکه مکرّر از پهلوی ان میکذرند وچون بیکا نکان بجهة انتفاع جزئی در مسجد را می بندند که از واردین چند غروش بکیرند اکر اتّفاقا کسی بانجا برود از دادن ان جزئی مضایقه کند وبرکردد و کاه شود برای محض تماشا کردن شهر بغداد وعمارت جبّارین مصرفها کنند چه رسد بمصارف عظیمه قیمت فضول معاش وامتعه نجسه کفّار که کرفتن ان از متمّمات زیارت بسیار از زوّار است ودر اینجا

لازم است تنبیه بر امری وان انست که مشهور در نزد اصحاب مقتضای ۱۸۰
اخبار کثیره برکشتن افتاب برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلم دو
مرتبه اوّل در حیاة حضرت رسول صلّی الله علیه واله در قریب
بمسجد قبا که در انجا مسجدی بنا کرده اند وانرا مسجد ردّ شمس میکویند
و مسجد فضیخ نیز کویند و فضیخ اسم نخلی است که در انجا بود واین
از مساجدی است که مستحبّ مؤکّد است که حاجیها چون بمدینهٔ
طیّبه مشرّف شدند که بانجاها بروند و نماز کنند واین مسجد الان
سقف و دیواری ندارد دوّیم بعد از وفات حضرت رسول صلّی الله
علیه واله بعد از مراجعت از جنك نهروان چون بخرابهٔ شهر بابل
رسیدند فرود امدند و نماز ظهر را با اصحاب کردند پس کلّهٔ
پوسیده در انجا دیدند فرمود ان جمجمه را حاضر کردند وازان پرسید
از اسم و شغل و حالش پس اسم خود را کفت که یکی از عظمای ملوك
جبّارین بود و شرح سلطنت وطغیان و عقوبات بعد از هلاك
شدن خود را در کلامی طولانی عرض کرد پس موکب همایون از
انجا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزات غریبه از انحضرت
بروز کرد که در کتب فضایل مسطور است وچون از فرات
کذشتند و بجهة طول کشیدن سخن جمجمه وقت تنك شد و بزمین شوره

شوره زار رسیدند کر روایتست نبی یا وصی دران نماز کند اصحاب
را امر کرده ند بنماز و خود بسرعت سیر کردند یك نفر یا دو نفر در
خدمت انحضرت بود چون از زمین کذشتند فرود امدند تا
وضو را تجدید کردند افتاب غروب کرد و همه افاق را ابر کرفته بود
غیر ازان افق پس افتاب را امر فرمودند بر کردد اطاعت کرد نماز
عصر را بجای اوردند و از محل نماز ظهر تا محل نماز عصر یکفرسخ
است تقریبا و دران دو محل شریف که یکی محل نماز ظهر و بروز اثر
باهره سخن کفتن جمجمه بود با انحضرت و دومی که مکان نماز
عصر و ظهور معجزه قاهره برکشتن افتاب بود برای انجناب دو
مسجد بنا کردند اولرا مسجد جمجمه میکویند و دوم را مسجد ردّ
شمس و چون در سنه ٤٩٥ شهر حله بنا شد و اتفاقا در جنب مسجد
ردّ شمس واقع شد و امرا و ملوك و علماء و اعیان ان بلد غالبا از
امامیه و مخلصین اهل بیت علیهم السلام بودند این مسجد همیشه
معمور و اباد و اکر کاهی خرابی بهم رساند فورا اصلاح شده چنانچه
در دو سال قبل فی الجمله خرابی بیدا کرده بهمت جناب مستطاب
عمدة العلماء والسادة ومعدن العلم والاحسان والفضل والسعادة
سیدنا الامجد السید محمد خلف الصدق سید الفقهاء و تاج العلما

صاحب المناقب الفاخرة السيد مهدی القزوینی الحلی که فعلاً
ریاست امور شرعیه بلکه انتظام بسیاری از امور عرفیه راجع
بوجود مبارك ایشانست مسجد را در نهایت صفا و اتقان
اصلاح نمودند حتی از حکومت عثمانیه بجهة مصارف ان
اعانت نمودند واما مسجد جمجمه چون در کنار افتاده و از عبور
ومرور شیعیان دور لهذا بمرور ایام متروك ومهجور وخراب
وویران واندك اندك اسمش هم از میان رفت باانکه جماعتی از
بزرگان علما مثل ابن شهراشوب وقطب راوندی وابن حمزه
طوسی وغیرهم این مسجد شریف را در باب معاجز ودر باب
فضایل ومساجد منسوبه بانحضرت ذکر کردند وابن حمزه در
ثاقب المناقب گفته که این مسجد تاحال که سنه است باقیست و
حقیر سابقا شنیده بودم که در بالای حله در کنار فرات قریه
ایست که انرا جمجمه میگویند وملتفت نشدم تاچندی نظرم باین
موضع ازکتب احادیث افتاد احتمال قوی دارم که مسجد در همین
قریه باشد لهذا در سال گذشته بعزم استکشاف این مسجد
شریف رفتم بحله اولا از جناب سید معظم سابق الذکر ایده الله
جویا شدم معلوم شد خود وسایر اعیان حله اصلا از این مسجد خبری

ندارند از قریه جمجمه سؤال کردم گفتند قریه معموره ایست قریب
هزار خانه دارد و همه شیعه اند ولکن ملاکین ان اهل سنت و
بغداد یند و در انجا امامزاده است معروف بعمران پسر جناب امیر ع
و معروفست در ان اطراف میان شیعه و اهل سنت ببزرگی و جلالت
قدر و بروز کرامات و میگویند در جنگ نهروان مجروح شد و در انجا
وفات کرد بازمأیوس نشدم و راه خود را بکربلای معلی بتوسط
کشتی از ان طریق قرار دادیم چون قریب بفرسخی امدیم بانجا رسیدیم
قریه چنان بود که شنیدیم و در شرقی شط واقع شده و از طرف
شمال متصل است بخرابه شهر عظیم بابل که بعضی فرنکیان باذن
دولت علیه عثمانیه چند سال است با استعداد و الات و عمله
زیاد مشغول کشف شهر و در اوردن اشیاء قدیمه اند و قبه
عمران بین قریه و ان خرابها واقع شده پس از بعضی کهن سال
انجا از مسجد پرسیدم گفت جمجمه را میگوئی گفتم بلی و معلوم شد
اسم اصلی ان باقیست گفت در اخر باغات از طرف شرق و دور
است و هوا گرم گفتم شد رحال در این سفر بجهة دیدن او است
پس دلیلی بما داد چون بانجا رسیدیم دیدیم در باغ اخر قریه از
طرف شرق در اخر ان باغ تلی است از خاک بنا مثل جای قبه و

صحن معلوم شد و ورکعت نماز کرده مراجعت کردیم والعجب که
اسم این قریه را بجهة این مسجد جمجمه نامیدند وحال فرع باین معموری
وابادی واصل باین خرابی وویرانی چون بنجف اشرف رسیدیم
جناب سید معظم ایده الله را ازصورت حال اطلاع دادم و
مستدعی کشف مسجد و مقدار مصرف لازمه ان شدم پس با
جماعتی از اعیان واشراف حله با استاد و معمار که زیاده از پنجاه
نفر بودند بانجا رفتند وتلها را برداشته اساس قبه و دیوار صحن
مکشوف ومعلوم شد در نهایت اتقان بوده پیرمردان قریه حاضر
شدند واز پیرمردان سابق نقل کردند که قبه این مسجد را درك
نمودند واز مسلمات اهل ان قریه است که اکر کسی از اجر انجا بجهة بنا
یا چاه که در کنار شط میسازند بجهة کشیدن اب که بزبان حالیه ان را
چرد میکویند برد و ساخت هر دو خراب شده لهذا احدی جرئت
ندارد ازان چیزی بردارد و دویست لیره که قریب هزار تومان می
شود مصرف ان را معین نمودند و بحقیر بعد از اظهار مسرت و تشکر
پیدا شدن مسجد اطلاع دادند وحقیر نیز مشافهة و مکاتبة باهل
خیر و ثروت اطلاع دادم و تحریص کردم وتعظیم این مشعر بزرك
خداوند را که افتخار شیعه است بیان کردم بعضی ساکت وبعضی

وعده داده اند واکنون یکسال تمام است گذشته و دیناری از کسی
رعایت نشده وعمده سبب تعویق نبودن حقیر است محل خوف و
وجای اخری که در این عصر مرسوم شده ملاحظه ان در صرف وجوه
بریه و اقدام در امور خیریه واین چند کلمه را در اینمقام بجهة ان نوشتم
بامید انکه شاید در بعضی از مطالعه کنندگان اثری کند و عرق غیرت
دینی و عصبیت مذهبی او را حرکت دهد تنها یا باعانت وشراکت راغبین در
خیر اقدام نموده این خانه خراب خداوند را اباد و مصلای امیر المؤمنین
علیه السلام را معمور و سخنان محو شده که از پوسیده را زنده و جماعت
شیعه را مفتخر و سرافراز نماید و از زراعت بانضارت الدال علی
الخیر کفاعله خوشه نیز بدست حقیر افتد و چون معلوم شد که افتاب
مطابق اخبار کثیره و مشهور بین امامیه دو مرتبه برای انجناب برگشت
حال میگوئیم مطابق خبر اخر که از ابن شهراشوب نقل نمودیم در مسجد
براثا نیز برگشت و این بنظر غریب نماید زیرا که در مقام بروز معجزه فرقی
میان دو مرتبه و ده و صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی
نیست نهایت انکه دو مرتبه مشهور شد مثل جمله از معاجز و بعضی
نشد بلکه بزرگان اهل فن حدیث پیش از این نقل کردند شیخ جلیل
ابن شهراشوب در مناقب و حسین بن جبر در نخب و غیر ایشان

نقل کردند که افتاب برای علی علیه السّلم زیاده از نوزده مرتبه و در
فصل اطاعت جمادات از انحضرت در ان دو کتاب بعد از نقل از
بسیاری از کتب عامّه و خاصّه مذکور است که برای ابو الحسن
بن شاذان بیان است یعنی کتابیست که نامیده انرا بیان ردّ شمس
برای علی علیه السّلم و ذکر کرده که افتاب برای انحضرت مکرّر
برکشته اوّل قضیّه که انرا سلمان روایت کرده ۲ روز بساط
۳ روز خندق ۴ روز حنین ۵ روز خیبر ۶ روز حرّ ۷ روز
براثا ۸ روز غاضریّه ۹ روز نهروان ۱۰ روز بیعت رضوان
۱۱ روز صفّین ۱۲ در نجف اشرف ۱۳ در بنی مازن در بصره
۱۴ در وادی عقیق ۱۵ روز احد ۱۶ کلینی روایت کرده که بر
کشت برای حضرت در مسجد فضیخ مدینه و امّا معروف پس دو
مرتبه است ۱۷ در حیوة پیغمبر صلّی الله علیه و اله در کراع الغمیم
و بعد از وفات انحضرت در بابل دوّم از تکالیف زوّار در
ایّام توقّف در بلدهٔ طیّبهٔ کاظمین رفتن ببغداد است بقصد
زیارت چهار نایب خاصّ امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر یک
از انها در بلاد بعیده بودند بایست رنج سفر کشید و بفیض
زیارت ایشان رسید زیرا که در میان تمام اصحاب خاصّ

ائمّه علیهم السّلم ببزرگی وجلالت قدر ایشان کسی نمیرسد قریب
هفتاد سال بمنصب سفارت ووساطت میان امام علیه السّلم
ورعیّت فائز شدند وبردست ایشان کرامات بسیار وخوارق
عادات بیشمار جاری شد ونقلکرده‌اند از بعضی علما که قائل بعصمت
ایشان شده وذکر فضایل ومناقب ایشان مناسب این کتاب
نیست ولکن بجهة ملتفت شدن نوع زوّار از عامّ وخاصّ بجلالت
قدر ایشان وشوق کردن بزیارت قبور مقدّسه ایشان اشاره
بدو مطلب میکنیم اوّل انکه چنانچه ان بزرگواران در حیات خود
واسطه بودند میان ولیّ عصر صاحب الزّمان صلوات الله علیه
ورعیّت واز جمله مناصب ایشان رساندن عرایض ورقعهای
حاجت خلق بود بانحضرت حال نیز همان منصب مفتخر وباید رقاع
حاجت که در شدائد وسختیها نوشته میشود بتوسّط ایشان بر
انحضرت برسد چنانچه درباب صورت این عرایض که دستور
العمل دادند مذکور است که میروی بنزد نهر یا غدیری وقصد
میکنی یکی از ان چهار شخص معظّم را ومیگوئی یا فلان بن فلان
سلام علیك اشهد انّ وفاتك فی سبیل الله وانّك حیّ عند الله
مرزوق وقد خاطبتك فی حیوتك التی لك عند الله عزّ وجلّ

وهذه رقعتی وحاجتی الی مولینا علیه السلام فسلّمها الیه فانت الثقة الامین پس از رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر یا بیندازند ـ نداخت ـ یا ـ صل بمعنی انکه ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم ـ وفات تو در راه خداوند بود و بدرستیکه تو زنده در نزد خدای عزّوجل که نورا روزی میدهد و با تو مخاطبه میکنم در این زندگانی که داری نزد خدای عزّوجل و این رقعه حاجت من است بسوی اقای ما علیه السلم پس از را بانجناب برسان که تو ثقه وامینی پس اگر فرض کنیم در یکوقت معین در بلادهای دور از یکدیگر هزارها رقعه حوائج نوشته و در ابی نداز ند و یکنفر از ان چهار را مخاطب کنند باید از عهدهٔ خدمت خود برآید و بر عرض هریك واقف و عریضه اش را بولیّ عصر علیه السلم برساند واین نشود مگر با علم و احاطه و قدرتیکه اندازه از اجر خدای عزّوجل کسی نداند دوّم انکه برای ایشان زیارت مخصوصه ایست که مأثور است از نایب سیم ابی القسم حسین بن روح که البته از حضرت حجّة صلوات الله علیه شنیده و از ان ناحیهٔ مقدسه باو رسیده چنانچه خود ابو القسم در خبری تصریح فرموده که انچه میگویم از انجا است وتا نرسد نمیگویم و از این جهت است که علامه مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد دعای معروف

بافتتح الثناء واکر در هر شب ماه مبارك رمضان باید خواند نسبت
بحضرت صاحب الامر علیه السلم داده وحال انکه در سند مذکور
نیست جز انکه راوی ان ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سکونی میکوید که از ابی
بکر احمد خواهش کردم که بیرون بیاورد برای من ادعیه ماه رمضان را
که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری رضی الله عنه که نایب
دوم است انرا میخواند پس دفتری برای من درآورد که جلدش قرمز
بود و من ازان ادعیه بسیاری نسخه کردم که از جمله اینها بود که میخواند
این دعا را هر شب از ماه رمضان که دعای این ماه را ملئکه می
شنوند وبرای صاحبش استغفار میکنند وان دعا اینست اللهم
انی افتتح الثناء الخ باانکه نسبت بامام نداده از روی انقاعده
نسبت داده ودران کتاب فرموده وبسند معتبر از حضرت
صاحب الامر ع منقولست که بشیعیان نوشتند که در هر شب
ماه مبارك رمضان این دعا را بخوانند الخ ونیز دران کتاب بعدان
ذکر اعمال روز فطر فرموده ودر حدیث معتبر از حضرت صاحب
الامر علیه السلم منقولست که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را
بخوانند اللهم انی توجهت الیك الخ در سند مذکور است جز انچه
وحال انکه در سند ۳ مذکور است واز جمله ان دعاهائی است که

دران

دران دفتر جلد قرمز بوده و ظاهر است که اختصاص دادن امام
علیه السلم این جماعه را بزیارت مخصوصه هم کاشف از جلالت قدر و
علو مقامست و هم ترغیب و تحریص و امر است بزیارت ایشان و این
مقدار برای ترغیب زوار و شوق ایشان بزیارت کردن این بزرگوا
ران کافی است و اول ایشان ابو عمرو عثمان بن سعید ربانیست
که وکالت و نیابت از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری
علیهما السلم نیز داشته در سنه ۲۶۰ بسفارت و نیابت امام عصر علیه
السلم مشرف شد و در حدود سنه ۲۸۰ وفات کرده و قبرش در راه زوار
است اگر از بغداد عبور کنند و چون از کاظمین باینجا روند چون از
کوچه سرای و دار الحکومه بگذرند در کوچه دیگر ببازارچه رسد
در اوایل ان دری دارد داخل شوند حیاط محقری که دران درخت
سدریست و ایوان کوچکی که غالبا دران معلم اطفال می نشیند و
در انجا قبه مختصریست و قبر معظم در انجا در میان صندوقیست و
چنانچه زائر باینجا رفت بان معلم چیزی بدهد که برای تنظیف انمکان
شریف بلکه برای راهنمائی و باز کردن در قبه فواید بسیاری دارد دویم
ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید که در حدود سنه ۲۶۰ تاج نیابت بر سر
گذاشت و قریب به پنجاه سال باین منصب عظیم مفتخر بود و در سنه ... وفات

وفات کرد و قبر شریفش در نزدیك دروازهٔ سلمان در میان قبرستان
وسیعی با قبهٔ عالیه و بنای محکم که در چند سال قبل بهمت شیعیان اینجا
برپا شده و در اینجا معروفست بشیخ خلانی چون در کنار واقع شده
زائر غریب بی دلیل باید بپرسد پس سؤال کند از قبر شیخ خلانی
سیم ابو القاسم حسین بن روح بن بحر نوبختی از طایفهٔ جلیلهٔ نوبختین
که از خانوادهٔ معروفهٔ امامیه اند که اغلب ایشان از علمای متکلمین
و فضلای مؤلفین اند در سنه ۳۰۵ بمنصب نیابت سرافراز و در سنه ۳۲۶
وفات کرد قبر شریفش در آخر کوچه دربسته ایست که از وسط بازار
عطاران بانجا داخل میشود در میان خانه ایست که از قرار مذکور
وقف است ولکن در سال طاعون عظیم ارباب وقف هلاک و وقفنامه
مفقود شد لهذا بدست دیگران افتاد بایست استیذان کرد و داخل
شد ایوان و قبه و صندوقی باقیست و هنوز اهل خیری پیدا نشده
اینخانه را بخرد و صحن مختصر و چند ایوانی و حوضی بسازد که منافع خیریه
آن احصا ندارد علاوه بر تبجیل و تعظیم صاحب آن قبر شریف زیرا که غالب
زوار که شغل خرید و داد و ستد در بغداد دارند یا بزیارت این
بزرگواران مشرف شوند محل استراحت چند ساعتی بجهة خوردن
غذا و اقتضا شدت گرما و تطهیر و نماز لازم دارند و در بغداد

برای

برای شیعه چنین محلی نیست و غالباً خسته و کرسنه و نماز نکرده در آخر وقت خود را بکاظمین میرسانند و اکر این محل ساخته شود هزارها اعانت دینی و دنیوی و عرضی و جانی بهزارها از زوار در هفته و ماه کرده میشود چه مصارفهای عظیمه در وجوه خیریه کرده میشود که جز صورت تعظیم شعایر و نشر اسم بانی فائده ندارد و از این خیرات جاریه و منافع متواتره غافل بجهة غرور و اعتماد بر عقل ناقص خود و اعراض و مشورت نکردن از اهل دانش و بینش و از اینجا است که در چند خبر شریف رسیده که میزان شناختن عقل ادمی دیدن محل مصارف خیریه او است که بکی میدهد و در چه محل صرف میکند چهارم ابو الحسن علی بن محمد سمری که اخر نواب است و در سنه ۳۲۱ بر مسند نیابت نشست و در سنه ۳۲۹ دنیا را وداع کرد و روز وفات خود را معین کرد حسب توقیع مبارك که شش روز پیش رسیده بود و چون در وقت احتضار بزرکان شیعه از نایب بعد از او سؤال کردند خبر داد که رشتهٔ نیابت منقطع و ظلمت غیبت کبری عالم را فرو خواهد کرفت قبر شریفش در نزد یك محراب مسجدی بزرك در میان حجره بسیار تنکی که از ان پنجره در میان بازار هراج باز میشود و از این جهة بعضی بهمان حجره خوانند

خواندن فاتحه از مقابل پنجرهٔ در باز ارقناعت میکنند که اگر
بنای زیارت شد بایست اندر مسجد داخل شد و بانجا رفت
و از قرار مسموع حجره از این وسیعتر بود در وقت بنای مسجد
از ان کاهیده و براین افزوده شد

و اما الفاظ زیارت پس بنحویست که شیخ طوسی رحمه الله در
تهذیب و سیّد جلیل علیّ بن طاوس در مصباح الزّائر نسبت
داده اند انرا بابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه که فرموده
سلام میکنی بر رسولخدا صلّی الله علیه و اله و بعد از او بامیر
المؤمنین علیه السلم و خدیجهٔ کبری و بر فاطمهٔ زهرا سلام الله
علیها و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمّه علیهم السّلم میشمری
تا صاحب الزّمان علیه السلم پس میگوئی السَّلامُ عَلَیْكَ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ
اَشْهَدُ اَنَّكَ بابُ الْوَلِیِّ اَدَّیْتَ عَنْهُ وَاَدَّیْتَ اِلَیْهِ ما خالَفْتَهُ وَلا
خالَفْتَ عَلَیْهِ قُمْتَ خاصّاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً جِئْتُكَ عارِفاً بِالْحَقِّ
الَّذی اَنْتَ عَلَیْهِ وَاَنَّكَ ما ضَنَنْتَ فِی التَّأْدِیَةِ وَالسِّفارَةِ السَّلمُ عَلَیْكَ خُنتَ
مِنْ بابٍ ما اَوْسَعَكَ وَمِنْ سَفیرٍ ما اَمَنَكَ وَمِنْ ثِقَةٍ ما اَمْكَنَكَ
اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتّی عایَنْتَ الشَّخْصَ فَاَدَّیْتَ عَنْهُ
وَاَدَّیْتَ اِلَیْهِ پس بر میگردی و باز سلام میکنی بر رسولخدا ص تا

صاحب

صاحب الزمان صلوات الله علیهم انگاه میگوئی جئتک مخلصاً بتوحید
الله وموالاة اولیائه والبرائة من اعدائهم ومن الذین خالفوک یا
حجة المولی وبک الیهم توجهی الی الله وتوسلی پس دعا میکنی و هرچه
میخواهی از خدا یتعالی میطلبی که اجابت میشود انشاء الله تع سیم
از تکالیف زوار در کاظمین رفتن بمدائن است بجهة زیارت
سلمان علیه السلم که جلالت قدر وعظمت شانش بر همه معلوم و
برای شوق زائرین ورغبت شان بزیارت انجناب کافیست تامل
در اختصاص وامتیازش درمیان تمام صحابه وجمیع امت باینکه حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلم باعجاز وطی الارض از مدینه بمدائن تشریف
آوردند وبدست مبارک او را غسل دادند وازکفنی که باخود آورده بودند
کفن کردند و نماز کردند با صفوفی از ملائکه بر انجناب و در قدیم الایام
از بعضی فضلا شنیدم روایتیکه مضمونش این بود اتمام الزیارة به
زیارت سرمن رای واکمالها بزیارة سلمان در عراق بزیارت ائمه
سرمن رای علیهم السلم زیارت تمام میشود وبزیارت سلمان کامل
میشود وبعد از ان انچه تفحص کردم اثری از ان نیافتم حتی در پشت
کتابی مثل چند خبری بکر که شهرتی دارد در عراق واصلی ندارد
و در هیچ کتابی دیده نشده چنانچه از حضرت رضا علیه السلم نقل

کنند که فرمود هر کس قدرت ندارد بزیارت من بیاید پس زیارت
کند قاسم برادرم که در عذارات که از توابع حله است مدفونست و
اهل نجف را عقیده آنکه حضرت سیّد الشهداء علیه السلام فرمود هر که
نتواند بزیارت من بیاید در ایام زیارات مخصوصه مثل اوّل و نیمهٔ
رجب و نیمهٔ شعبان و لیالی قدر و عیدین و عرفه و عاشورا و اربعین
پس زیارت کند پسر عمّم مسلم ع را در کوفه و لهذا در این ایام ازدحام
عجیبی میشود در مرقد جناب مسلم ع و بسیار شود که در آنروز
حضرت امیر المؤمنین ع را در نجف اشرف اصلا زیارت نکنند
و بجهة اینخبر که تاکنون کسی از اصل آن نشانی نداده از فیض آنروز
شریف خود را محروم نمایند بهر حال علوّ مقام جناب سلمان اجل از
آنستکه برای ترغیب زیارتش متمسّك بامور واهیه شد و کافیست
که شیخ طوسی ره در تهذیب بعد از زیارت ائمه علیهم السلام و شهداء و
نوّاب برای احدی زیارتی نقل نکرده جز برای آنجناب و عالم
جلیل شیخ خضر شلال در مزار خود فرموده سزاوار نیست ترك
زیارت سلمان بانچه ذکر نموده اند از تهذیب از آنچه شکّی نیست
در روایت بودن آن هر چند از راوی روایت نسبت نداده و فرموده

زیارت حضرت سلمان علیه الرحمه

السلام عليك يا ابا عبد الله سلمان السلام عليك يا تابع صفوة الله
الرحمن السلام عليك يا من لم يتميز من اهل بيت الايمان السلام عليك
يا من خالف حزب الشيطان السلام عليك يا من نطق بالحق ولم يخف
صولة السلطان السلام عليك يا من نابذ عبدة الاوثان السلام
عليك يا خير من تبع الوصي زوج سيدة النسوان السلام عليك
يا من جاهد في الله مرتين مع النبي والوصي ابي السبطين السلام
عليك يا من صدق فكذب به اقوام السلام عليك يا من قال له سيد
الخلق من الانس والجان انت منا اهل البيت لا يدانيك انسان
السلام عليك يا من تولى امره عند وفاته ابو الحسنين السلام
عليك جوزيت عنه بكل احسان السلام عليك فلقد كنت
على خير اديان السلام عليك ورحمة الله وبركاته اتيتك يا ابا عبد
الله زائرا قاضيا فيك حق الامام وشاكرا لبلائك في الاسلام
فاسئل الله الذي خصك بصدق الدين ومتابعة الخيرين الفاضلين
ان يحييني حيوتك وان يميتني مماتك ويحشرني محشرك وعلى انكار
ما انكرت ومنابذة من نابذت والرد على من خالفت الا لعنة الله
على الظالمين من الاولين والاخرين فكن يا ابا عبد الله شاهدا
لي بهذه الزيارة عندك امامي وامامك جمع الله بيني وبينك وبينهم

فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ إِنَّهُ وَلِيُّ ذٰلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ إِنْشَاءَ اللّٰهُ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَهُوَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرَتِهِ
مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

مؤلف گوید که سید جلیل علی بن طاوس قدس سره در مصباح الزائر
فرموده ذکر زیارتی که مختص است بابی عبدالله سلمان فارسی
رضوان الله علیه میایستی بر سر قبر او و رو بقبله میکنی و میگوئی
انگاه سه زیارت نقل کرده و این زیارت مذکوره را زیارت چهارم
قرار داده و کرا خوان فرموده انگاه نماز میکنی نماز زیارت وانچه
خواهی بسیار دعا کن برای خود و برای مؤمنین و چون خواستی
از زیارت انجناب برگردی پس بایست نزد قبر او و برای وداع
وبگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ أَنْتَ بَابُ اللّٰهِ الْمُؤْتٰى مِنْهُ وَالْمَأْ
خُوذُ عَنْهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا وَدَعَوْتَ إِلٰى
مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا وَهَا أَنَا
ذَا مُوَدِّعُكَ أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَوَامِعَ أَمَلِي
إِلٰى مُنْتَهٰى أَجَلِي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ انگاه خدایتعالی را بسیار بخوان و برگرد انشاءالله تعالی
مؤلف گوید چون زائر بانجا مشرف شد و از زیارت فارغ شد

نسخه اصل چنین بود
أنا بابا عبد الله
باشد ظاهرا

دو تکلیف دیگر دارد اوّل نماز کردن در طاق کسری دو رکعت
یا زیاده چون انجا مصلّی حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم است چنانچه
خبر ان را در نفس الرحمن و کتاب مستدرک ذکر کردم دوّم زیارت
کردن جناب حذیفه که از بزرگان اصحاب رسولخدا صلّی الله علیه
واله و خاصّان امیر المؤمنین است و در میان صحابه مخصوص بود
بشناختن منافقین و دانستن نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه
کسی حاضر نمیشد خلیفه ثانی براو نماز نمیکرد و از جانب او سالها در
مدائن والی بود پس او را عزل کرد و جناب سلمان والی انجا شد
و چون وفات کرد دوباره حذیفه والی انجا شد و مستقرّ بود تا
نوبت خلافت بشاه ولایت علیه السّلم رسید پس از مدینه رقعه
مبارک باو و فرمان همایونی باهل مدائن صادر شد و از خلافت
خود و استقرار حذیفه در انجا بنحو یکه بود اطّلاع دادند ولکن حذیفه
بعد از حرکت انحضرت از مدینه بجانب بصره بجهت دفع شرّ اصحاب
جمل و قبل از نزول موکب همایون بکوفه وفات کرد و در همان مداین
مدفون شد و در صحن انجناب قبری دیگر هست معلوم نیست
کیست معروف است بقبر عبد الله انصاری و معروف باین اسم
دو نفر ند یکی عبد الله بن حرام پدر جابر جلیل انصاری و او از

شهدای

شهدای احد و با شهداء در انجا مدفون است و دیگری عبد الله
انصاری صوفی سنی صاحب مناجاة معروف و قبر او نیز در هرات
است و در رجب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین است که
منسوب است بحضرت امام حسن که انرا ساخته یا در انجا نماز
کرده از فیض دو رکعت نماز تحیه در ان محل شریف خود را محروم
نکند و در میان ضریح مقدس انجناب ظرف ابخوری سفالی است
که خدام ان استانه را اعتقاد انست که این ظرف انخود انجناب
است و در این طول سنین و مرور ایام و حوادثات بیحساب سالم
و از کرامت انجناب باقی و از زهد و قناعت ان معظم با ان ریاست
و ولایت که داشت بیاد کار مانده

مقام سیم در تکلیف زوار حرم مطهر عسکریتین علیهما السلام
مخفی نماند که از مطاوی ایات و اخبار خاصه و عامه اداب مخصوصه
برای دخول در روضات مشرفه و حرمهای منوره معلوم میشود
که علمای اعلام جمله از انهارا بترتیب ذکر نموده اند و ما انشاء
الله تع در فصل اینده بانها بنحو اختصار اشاره خواهیم کرد
و تمام قباب سامیه و اعتاب عالیه در همه ان اداب شریکند و زائر
در تمام مشاهد بایست بقدر میسور انهارا بجای اورد اگر شایق

است

۲۰۰ است که بفیض ان حرم شریف برسد جزیکی از ان اداب که برای بجا اوردن
در حرم مطهر عسکریین علیهما السلم مانعی پیدا شد که از امتثال ان امر الهی
زائر محذور است وان ایستادن نزد قبر مطهر است که حال ضریح منصوب
بجای او است چه خود را بان بچسباند یا نچسباند چنانچه شهید اول ره
در کتاب دروس تصریح کرده و فرموده توهم انکه دور ایستادن ادب
است زیرا که نص وارد شده بر تکیه نمودن بر قبر و بوسیدن ان و
اما ان مانع پس باین اشاره فرموده عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب
کرامات باهره شیخ خضر شلال نجفی که قبرش در مقابل کوچه سلام
نجف اشرف و مزار عموم مجاورین و محل نذور و تبرک ایشان است در
کتاب مزار که از اجزای شرح کبیر ایشان موسوم است بر شرح لمعه و این عین
عبارت ایشان است بعد از ذکر زیارت و وداع ان دو امام همام
علیهما السلم ثم لا ینبغی او یجب التاخر عن ضریح الهادی علیه السلم بمقدار
ذراع او ازید عند زیارته علیه السلم لما بلغنا ان قبره مقدم علی الشباک المنصوب
فی عصرنا و یرشد الیه انی قد تشرفت بزیارته مع جماعة من العلماء و
الصلحاء وفیهم من یحمل العلم من العلویین فاخبرنی بما یقضی بتشویشه واضطرابه
من انه وقف قریبا من الضریح المشرف مستدبرا للقبلة و اذا بصوت من
الضریح یامره بالتنحی عن موقفه و ما ذاک الا لان ذلک حاصل توجه شکوک

وما حمله ازان سادات ... مر ... در ... حکم (handwritten marginal note, partly illegible)

منبت

نیست در انکه ایج در وقت زیارت حضرت هادی علیه السلم متاخر
بودن از ضریح مبارك است بمقدار یك ذراع یا زیاده زیرا که بما
رسیده که قبر مطهر پیش از شباکیست که در عصر ما منصوب است
بران قبر شریف وان همان ضریح پولادی شاه سلطان حسین مرحوم
است که در عصر ایشان وتاکنون موجود است وتایید میکند این
مقاله را که من با جماعتی از علما وصلحاء بزیارت انحضرت مشرف شدیم
ودرمیان ایشان بود انکه حامل علم بود از سادات علویین یعنی ایة
الله بحر العلوم چنانچه قرائن عدیده بران دلالت کند وصریحا از فقیه
عصر وعلامهٔ دهر شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه شنیدم که
مراد انمرحوم همان معظم است پس خبر داد بچیزیکه ایشانرا
مشوش ومضطرب کرده بود باینکه نزد ضریح مقدس پشت بقبله
ایستاده بود که ناگاه اوازی از ضریح مبارك بیرون امد که از
انجاکه ایستاده بعقب رود وسببی برای دور شدن از انمکان
نیست مگر انکه انچه ذکر شد که قبر مطهر بیرونست از ضریح وهر
کدام از این دو وجه خود کافی است برای رعایت ادب در انحرم
شریف ونزدیك نشدن بضریح که سبب شود برای هتك عظیم
وایستادن روی قبر منور انحضرت واما تکلیف در انجا بعد از

رعایت آداب دخول در حرمهای شریفه پس چیزی است اول
زیارت آن دو امام علیهما السلام ببعضی زیارات خاصه بایشان
که اصح آنها زیارتیست که در فقیه و تهذیب و کامل الزیارة
وسایر مزارات موجود است وما آنرا از لفظ کامل نقل میکنیم
روایت کرده از بعض ائمه علیهم السلام که فرموده بعد از غسل کردن
برو بنزد قبر و در تهذیب فرموده بعد از غسل خود را پاکیزه کن
ودو جامه پاک بپوش پس بنزد قبر و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللّهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا نُورَیِ اللّهِ فی ظُلُماتِ
الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا مَنْ بَدا لِلّهِ فی شَأْنِکُما اَتَیْتُکُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُما بدا لله
مُعادِیاً لِاَعْدائِکُما مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکُما مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ کافِراً بِما
کَفَرْتُما بِهِ مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما مُبْطِلاً لِما اَبْطَلْتُما اَسْئَلُ اللّهَ رَبّی وَرَبَّکُما
اَنْ یَجْعَلَ حَظّی مِنْ زِیارَتِکُمَا الصَّلوةَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ یَرْزُقَنی
مُرافَقَتَکُما فِی الْجِنانِ مَعَ آبائِکُمَا الصّالِحینَ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُعْتِقَ رَقَبَتی
مِنَ النّارِ وَیَرْزُقَنی شَفاعَتَکُما وَمُصاحَبَتَکُما وَیُعَرِّفَ بَیْنی وَبَیْنَکُما
وَلا یَسْلُبَنی حُبَّکُما وَحُبَّ آبائِکُمَا الصّالِحینَ وَاَنْ لا یَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِیارَتِکُما وَیَحْشُرَنی مَعَکُما فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اَللّهُمَّ ارْزُقْنی حُبَّهُما
وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِمَا اَللّهُمَّ الْعَنْ ظالِمی آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اَللّهُمَّ

اَلْعَنِ الْاَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَبَلِّغْ بِهِمْ وَبِاَشْيَاعِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ اَسْفَلَ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وسعی میکنی در دعا کردن برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر بتوانی بنزدیك قبر ایشان بروی دو رکعت نماز در نزد قبر بکن و اگر نتوانستی داخل در مسجد شو و دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواستی بکن که مستجاب است و این مسجد در پهلوی خانهٔ ایشان است و امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در ان نماز میکردند

مؤلف گوید که شیخ محمد بن المشهدی و شهید اول ره این زیارت را در مزار خود نقل کرده‌اند با اختلاف جزئی و بعد از فی الجنة برحمته فرموده‌اند انگاه برو و بیفت بر هر یك از ان دو قبر و انرا ببوس و روی راست و چپ خود را بر قبر بگذار و بعد از ان سر خود را بردار و بگو اللّهم ارزقنی حبّهم وتوفّنی فی ملّتهم الخ بعد از ان چهار رکعت نماز بگذار نزدیك سر و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار الخ و مستور نماند که امام و بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای ان دری بود که گاهی باز میکردند و شیعیان داخل میشدند

ود رنزد قبر زیارت میکردند وکاهی بسته بود واز بیرون مقابل
شباکی که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت میکردند ودر بعد
همین خبر زیارت مذکور است که غسل میکنی وبنزد قبر ایشان میروی
اگر توانی رفت واگر نه اشاره میکنی بسلام مقابل شبکه که باز میشود
بسوی قبر وچنین زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند وپس از جهت
موالیان انخانه برداشته شد وبجای ان قبه وحرم ورواق وایوان
ساخته شد انمسجد داخل حرم شد والان معروف است که
ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما السلم متصل
است برواق همان مسجد مذکور بهر حال زوار از اینجهت اسوده
شدند وبرای ان دو بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام ومشترک
میان هر دو بزرگوار در کتب مزار مذکور است اگر راغب شدند
نسخ ان بسیار است ولکن اگر زائر را حالی وجالی واقبالی باشد
بسیار مناسبست که زیارت جامعه کبیره معروفه یا غیر معروفه
که بیاید انشاء الله تعالی در فصل اینده بخواند چه در صدور ان کلمات
بلیغه ادای تمام مراتب اظهار بندگی وتذلل واعتراف بعظمت
وجلالت ایشان از مصدر جلال حضرت هادی صلوات الله علیه
است ودر هر مکرر خواندن این دعای شریف را پیش از نماز زیارت

وبعد

و بغداد از ان وده بهر حال چنانچه ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی
خود روایت کرده از منصوری که گفت عرض کردم خدمت حضرت
امام علی نقی علیه السلم ای سید من مراد عائی تعلیم کن که بان تقرب
جویم بسوی خداوند عز و جل فرمود این دعائیست که من بسیار
میخوانم از او از خداوند خواستم که نا امید نکند کسیرا که این دعارا
در روضه من میخواند و ان دعا اینست یَا عُدَّتِی عِنْدَ العُدَدِ وَ یَا
رَجَائِی وَالمُعْتَمَدُ وَ یَا کَهْفِی وَ السَّنَدُ وَ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ وَ یَا قُلْ هُوَ
اللّٰهُ اَحَدٌ اَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِی خَلْقِكَ
مِثْلَهُمْ اَحَدًا صَلِّ عَلَی جَمَاعَتِهِمْ وَافْعَلْ بِی كَذَا وَ كَذَا و بجای این
حاجات خود را بخواهد و سید در مصباح الزائر فرموده این
دعارا بسیار بخوان سیم زیارت کردن مادر حضرت قائم علیه
السلم بانچه شیخ مفید و سید و شهید در مزار نقل کرده اند و محمد بن
المشهدی در مزار خود فرموده که این زیارترا شخصی از اهل بحرین
برای من خواند و شنیدم که انمعظمه را باین قسم زیارت میفرمود
و ان زیارت اینست می ایستی در پشت سر ضریح مقدس عسکریین
علیهما السلم و میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ
آلِهِ الصَّادِقِ الْاَمِینِ اَلسَّلَامُ عَلَی مَوْلَانَا عَلِیٍّ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ

۲ علکه دینا، اول خود وطا امل ما ارکلاب رحمن سلمانون

السلم

السّلم على الائمة الطاهرين الحجج الميامين السّلام على والدة ۲۰۶
الامام والمودعة اسرار الملك العلّام والحاملة لاشرف الانام
السّلم عليك ايتها الصدّيقة المرضية السّلام عليك يا شبيهة
ام موسى وابنة حواري عيسى السّلام عليك ايتها التقية النقيّة
السّلام عليك ايتها الرضيّة المرضيّة السّلام عليك ايتها المنعوتة
في الانجيل المخطوبة من روح الله الامين ومن رغب في وصلتها
محمّد سيّد المرسلين والمستودعة اسرار ربّ العالمين السّلم
عليك وعلى آبائك الحواريّين السّلام عليك وعلى بعلك و
ولدك السّلام عليك وعلى روحك وبدنك الطاهر اشهد
انّك احسنت الكفالة واديت الامانة واجتهدت في مرضات
الله وصبرت في ذات الله وحفظت سرّ الله وحملت وليّ
الله وبالغت في حفظ حجّة الله ورغبت في وصلة ابناء رسول
الله عارفة بحقّهم مؤمنة بصدقهم معترفة بمنزلتهم مبصرة
بامرهم مشفقة عليهم مؤثرة هواهم واشهد انّك مضيت
على بصيرة من امرك مقتدية بالصالحين راضية مرضيّة
تقيّة نقيّة زكيّة فرضي الله عنك وارضاك وجعل
الجنّة منزلك ومأواك فلقد اولاك من الخيرات ما اولاك

وَاَعطاكِ مِنَ الشَّرَفِ مابِهِ اَغناكِ فَهَنّاكِ اللهُ بِما مَنَحَكِ مِنَ
الكَرامَةِ وَاَمْراكِ پس بالا ميكنى سر خود را و ميكوئى اَللّهُمَّ
اِيّاكَ اعْتَمَدْتُ وَلِرِضاكَ طَلَبْتُ وَبِاَوْلِياءِكَ اِلَيكَ تَوَسَّلْتُ
وَعَلى غُفرانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَبِقَبْرِ اُمِّ وَلِيِّكَ
لُذْتُ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنى بِزِيارَتِها وَثَبِّتْنى
عَلى مَحَبَّتِها وَلا تَحْرِمْنى شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ وَلَدِها وَارْزُقْنى
مُرافَقَتَها وَاحْشُرْنى مَعَها وَمَعَ وَلَدِها كَما وَفَّقْتَنى لِزِيارَةِ وَلَدِها
وَزِيارَتِها اَللّهُمَّ اِنّى اَتَوَجَّهُ اِلَيكَ بِالْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ وَاَتَوَسَّلُ
اِلَيكَ بِالْحُجَجِ الْمَيامينِ مِنْ آلِ طه وَيس اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ وَاَنْ تَجْعَلَنى مِنَ الْمُطْمَئِنّينَ الْفائِزينَ الْفَرِحينَ
الْمُسْتَبْشِرينَ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلْنى مِمَّنْ
قَبِلْتَ سَعْيَهُ وَيَسَّرْتَ اَمْرَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَآمَنْتَ خَوْفَهُ اَللّهُمَّ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِيارَتى اِيّاها وَارْزُقْنِى الْعَوْدَ اِلَيْها اَبَداً ما اَبْقَيْتَنى وَاِذا
تَوَفَّيْتَنى فَاحْشُرْنى فى زُمْرَتِها وَاَدْخِلْنى فى شَفاعَةِ وَلَدِها وَشَفا
عَتِها وَاغْفِرْ لى وَلِوالِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَآتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً
وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ

یا سادانی وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ چهارم زیارت کردن حکیمه خاتون نرحلیمه که در السنهٔ عوام دائر شده واین معظمه جلیله نجیبه فاضله دختر امام محمد تقی وخواهر امام علی نقی وعمه امام حسن عسکری علیهم السلام است وچهار امام را درک نموده وخدمت کرده وحضرت امام علی نقی علیه السلم مکرمه نرجس خاتون را باو سپرد که معالم دین واحکام شرع را باو بیاموزد وباداب الهیه تربیت کند وبعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلم در ایام حیوة خود منصب سفارت داشت از جانب امام عصر علیه السلام وعرایض خلق را بانحضرت وتوقیعات شریفه که از ان ناحیه مقدسه صادر میشد بانها میرسانند مثل سایر نواب ومفتخر شد بقابله گری امام عصر صلوات الله علیه ورسید که بامور ولادت انجناب چنانچه عمه این معظمه حکیمه خاتون دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلم مشرف شده بود بمنصب قابله گری برادرش امام محمد تقی علیه السلام واین جلیله اول کسی است که بشرف دیدن حضرت صاحب الزمان علیه السلم مشرف بعد از والده مکرمه اش واول کسی است که انجناب را بوسید ودر اغوش گرفت وبنزد پدر بزرگوارش برد ودوباره بر نرجس خاتون بر گردانید

وبالجمله در میان سادات علویه و بنات هاشمیه از جهة فضایل
و مناقب و عبادت و تقوی و علو ممتاز و بحمل اسرار امامت سرافراز
بود و علما تصریح کرده اند باستحباب زیارت ان معظمه که ضریح
علیحده دارد و در پایین پا ملاصق بضریح عسکریین علیهما السلم
است و در کتب زیارتی مخصوص برای ایشان دیده نشده جز
در حاشیه نسخه از مصباح الزائر که ظاهرا جز و متن نبود لهذا
نقل نکردیم پس زائر زیارت کند انجلیله را بزیارتیکه برای اولاد
ائمه علیهم السلم در کتب مزار اصحاب مسطور است چنانچه شهید
اول در مزار انرا در اینجا نقل کرده و ما در خاتمه انرا ذکر خواهیم نمود
انشاء الله تعالی و معروفست که در نزد یك قبر ایشان قبور جمله
از سادات عظامست مثل حسین پسر امام علی نقی علیه
السلام وغیره

مقام چهارم از فصل سیم در اداب دخول در سرداب مطهر
و کیفیت زیارت ولی زمان صاحب العصر و بقیة الله فی الارضین
صلوات الله و سلامه علیه و قبل از شروع باید برد و امر تنبیه
نمود اول انکه این سرداب مطهر در السنه و در کتب مزار
جمله از متاخرین مشهور است بسرداب غیبت و انچه در کتب

۲۱۰ مختصره وابواب متعلقه بحالات شریفه آنحضرت از ولادت تا ظهور
موفور السرور تفحص کردم وحجی از برای ان نیافتم وسببی برای
نامیدن ان بسرداب غیبت ندیدم بلی کافه علماء اهل سنت بر
معاشر امامیه در کتب خود نسبت میدهند که ایشان معتقدند
که حضرت حجة بن الحسن العسکری علیهما السلم در کودکی داخل در
ان سرداب شد ومادرش نرجس خاتون ایستاده ونگاه می
کرد تا از نظرش غایب شد ومقام آنحضرت تاکنون در همانجا
است واحدی در این طول مدت انجنابرا ندیده ودر اینجا
باقیست تا از انجا بیرون آید وظهور نماید ودنیا را پر از عدل
وداد کرداند وما در چند سال قبل در رساله کشف الاستا
ر در جواب شبهات بعضی از علماء بغداد که در اصل ولادت
آنجناب کرده وانها را در ضمن قصیده بنظم در آورده برای
علماء عتبات عالیه فرستاده نوشتیم ومکشوف داشتیم که تمام
آنچه نسبت دادند بما در این مقام افتراست واصلا در کتب
ما اثری از هیچ یك از انها نیست هرکه خواست بانجا رجوع کند
واز حال مؤلفات انجماعت مطلع شود وتعجب نماید ودر باب
معجزات آنحضرت تصنیفی از معتضد عباسی بطرق مختلفه موجود

است وخلاصه یکی از انها انکه بعد از وفات حضرت امام حسن
عسکری علیهما السّلم سوارانی چند فرستاد بسامره که شب داخل
خانهٔ انحضرت شوند وهرکرا دیدند بکیرند انها رفتند شب داخل
شدند وکسی را ندیدند واز سرداب صدای تلاوت قرانی
شنیدند بانجا رفتند دریاچهٔ ابی دیدند در وسط ان حصیری
مفروش وکسی برروی ان مشغول نماز است یکی از انها تهوّر
کرد وخود را در اب انداخت غرق شد ونزدیک بهلاکت رسید
رفقا نجاتش دادند دیکری چنین پس هراسان شدند وبنا
بر توبه واستغاثه کذاشتند ابدًا در این حالات اعتنائی بانها
نشد مأیوسًا مراجعت کردند ودو شب معتضد را خبر کردند
معتضد از ایشان عهد کرفت که این سرّ را افشا نکنند وشاید
سبب این باشد یا چیز دیکر که دردست ما نیست دوّم انکه
این سرداب مطهّر داخل در خانهٔ ان بزرکواران بود وراه دخول
در ان سرداب از قدیم قبل از بناء جدید وساختن صحن وقبّه
وحرم از پشت سر نزدیک بقبر نرجس خاتون بود وشاید خال
در رواق باشد انجا پایین میرفتند والان در ان تاریکی
داشت چون از انجا میکذشتند بدر سرداب غیبت میرسیدند

که حال آینه کاری شده و پنجره از آن از طرف قبله بصحن عسکریین
باز میشود وان در از وسط این سرداب باز میشد که حال کاشی
دیوار بجای انرا بشکل محرابی ساختند وهمه اعمال این سرامام
از یکحرم میشد ولهذا شهید اول قدّه ذکر مزار بعد از زیارت
عسکریین علیهما السّلم زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن
زیارت نرجس خاتون وحکیمه خاتون را ودر یك صد سال و
چیزی قبل مؤیّد مسند واحمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرده
وصحن اند وامامرا بنحویکه الأن موجود است جدا نمود وبرای ان
روضه ورواق وقبه عالیه برپا نمود وبرای سرداب مطهّر صحن
علیحده وایوانی وراهی وپله جدا ودهلیزی وسردابی مستقلّ
برای زنان ساخت چنانچه حال دیده میشود وان راه اوّل وپلها
ودر سرداب بالمرّه مسدود شد ونشانی از انها نیست ومحلّ بره
بجای اوردن بعضی از اداب وارده نماند ولکن محلّ جمله از زیارا
که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده واما استیذان
وخواندن اذن دخول پس بحسب استقراء در همه زیارات و
تصریح علماء هر دریکه از انجام رسوم شده دخول در انحرم از
هر امامیکه باشد بایست رعایت کرد ودر انخانه الهی وخانه پیغمبر

پیغمبر صلّی الله علیه و آله بی اذن نباید داخل شد امّا اذن دخول خاصّ باین سرداب مطهّر پس همان زیارت معروفه بالسّلام علیك یا خلیفة الله است که در اخبار استیذان میشود و بایست انرا در سرداب پیش از پائین رفتن از پلّها خواند و چون طولانی است وما در هیچ مقامی اذن دخول خاصّ باین امام را ذکر نکردیم وبهمان اذن دخول عام که در مقدّمه گذشت قناعت نمودیم در اینجا نیز چنین کردیم پس از استیذان و دخول در سرداب مطهّر زیارت کند انحضرت را بانچه خود دستور العمل داده‌اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی ره در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدّسه بیرون امد بسوی محمّد حمیری بعد از جواب از مسائلیکه از انحضرت سؤال کرده بود بسم الله الرّحمن الرّحیم لا لامره تعقلون ولا من اولیائه تقبلون حکمة بالغة فما تغن النّذر السّلام علینا و علی عباد الله الصّالحین هر گاه خواستید توجّه کنید بوسیله ما بسوی خداوند تبارك و تعالی و بسوی ما پس بگوئید چنانچه خدای تعالی فرموده سَلامٌ عَلی آل یس اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا داعِیَ اللهِ وَرَبّانِیَّ آیاتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا بابَ اللهِ وَدَیّانَ دینِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَلیفَةَ اللهِ وَناصِرَ حَقِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللهِ وَدَلیلَ اِرادَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

يا تالي كتاب الله وترجمانه السلام عليك في آناء ليلك وأطراف
نهارك السلام عليك يا بقية الله في أرضه السلام عليك يا ميثاق
الله الذي أخذه ووكده السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه
السلام عليك أيها العلم المنصوب والعلم المصبوب والغوث و
الرحمة الواسعة وعدا غير مكذوب السلام عليك حين تقوم
السلام عليك حين تقعد السلام عليك حين تقرء وتبين السلام
عليك حين تصلي وتقنت السلام عليك حين تركع وتسجد السلام
عليك حين تهلل وتكبر السلام عليك حين تحمد وتستغفر السلام
عليك حين تصبح وتمسي السلام عليك في الليل إذا يغشى والنهار
إذا تجلى السلام عليك أيها الإمام المأمون السلام عليك أيها
المقدم المأمول السلام عليك بجوامع السلام أشهدك يا مولاي
أني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده
ورسوله لا حبيب إلا هو وأهله وأشهدك أن عليا أمير
المؤمنين حجته والحسن حجته والحسين حجته وعلي بن الحسين
حجته ومحمد بن علي حجته وجعفر بن محمد حجته وموسى بن جعفر
حجته وعلي بن موسى حجته ومحمد بن علي حجته وعلي بن محمد
حجته والحسن بن علي حجته وأشهد أنك حجة الله أنتم الأول

و الآخر و انّ رجعتكم لا حقّ لا ريب فيها يوم لا ينفع نفساً ايمانها
لم تكن امنت من قبل او كسبت فى ايمانها خيراً و انّ الموت حقّ و
انّ ناكراً و نكيراً حقّ و اشهد انّ النّشر حقّ و البعث حقّ و انّ
الصّراط حقّ و المرصاد حقّ و الميزان حقّ و الحشر حقّ و الحساب
حقّ و الجنّة و النّار حقّ و الوعد و الوعيد بهما حقّ يا مولاى
شقى من خالفكم و سعد من اطاعكم فاشهد على ما اشهدتك
عليه و انا ولىّ لك برىء من عدوّك فالحقّ ما رضيتموه و الباطل
ما اسخطتموه و المعروف ما امرتم به و المنكر ما نهيتم عنه
فنفسى مؤمنة بالله وحده لا شريك له و برسوله و بامير
المؤمنين و بكم يا مولاى اوّلكم و آخركم و نصرتى معدّة لكم
و مودّتى خالصة لكم امين امين دعائيكه خوانده ميشود
عقيب اين زيارت اللّهمّ انّى اسألك ان تصلّى على محمّد نبىّ
رحمتك و كلمة نورك و ان تملأ قلبى نور اليقين و صدرى
نور الايمان و فكرى نور الثّبات و عزمى نور العلم و قوّتى نور
العمل و لسانى نور الصّدق و دينى نور البصائر من عندك
و بصرى نور الضّياء و سمعى نور الحكمة و مودّتى نور الموالاة
لمحمّد و آله عليهم السّلام حتّى القاك و قد وفيت بعهدك و ميثاقك

فتغنيني برحمتك يا ولي يا حميد اللهم صل على حجتك في ارضك و ٢١٦ ولتشغني ح ل
وخليفتك في بلادك والداعي الى سبيلك والقائم بقسطك و
الثائر بامرك ولي المؤمنين وبوار الكافرين ومجلي الظلمة ومنير
الحق والناطق بالحكمة والصدق وكلمتك التامة في ارضك
المرتقب الخائف والولي الناصح سفينة النجاة وعلم الهدى ونور
ابصار الورى وخير من تقمص وارتدى ومجلي الغماء الذي يملأ العمى مص ح ل
الارض عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا انك على كل شيء قدير
اللهم صل على وليك وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت
حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر
به لدينك وانصر به اولياءك واولياءه وشيعته وانصاره واجعلنا
منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه
من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه
من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك و
اظهر به العدل وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه
واقصم قاصميه واقصم به جبابرة الكفر واقتل به الكفار والمنا
فقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض ومغاربها
برها وبحرها واملأ به الارض عدلا واظهر به دين نبيك محمد صلى

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ
وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا
يَحْذَرُونَ إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلفگويد در اينجا تنبيه بر چند امر لازم است اوّل انكه مركوز
در اذهان كافّه شيعيان و سيرهٔ مستمرّهٔ ايشان انستكه در
وقت زيارت انحضرت چه در سرداب مطهّر باشد يا در ساير
روضات ناضرات يا در غير اينها از بلاد دور و نزديك رو بقبله
كنند وظاهرا مستندى در دست ندارند براى اين عمل ولكن
از بعضى مواضع ميشود شاهدى براى ان سيره تحصيل نمود اوّلا
سيّد جليل علىّ بن طاوس ره در اوّل زيارات انحضرت بعد از
ذكر اذن دخول و امر بگفتن تكبير و تهليل و تسبيح و تحميد در
وقت نزول سرداب فرموده و چون مستقرّ شدى در اينجا پس
بايست رو بقبله و بگو سلام الله الخ و بعد از ان ساير زيارات را
نقل كرده بدون اين مقدّمات و از اين معلوم ميشود كه انچه ذكر
نموده اداب عموميّه است براى زيارت انحضرت در اينجا و ثانيا در مقام
وداع انحضرت فرموده چون خواستى از اينجا مراجعت كنى پس بر

کرداب بسرداب شریف وانچه خواستی نماز کن پس بایست رو بقبله
وبکو الخ وثالثًا دریکی از توسّلات بانجناب که باید دو رکعت نماز کرد
باسورهٔ انّا فتحنا واذا جاء نصر الله وبعد ازان زیارت کرد انحضرترا
بزیارتیکه اوّل ان اینست سلام الله الکامل الخ ودرهرجا میشود خواند
ایضًا مذکوراست پس برخیز درحالتیکه روی بقبله کرده باشی وبکو
سلام الله الخ دوّم انکه دراین زیارت شریفه ذکری از نماز زیارت
نشده ولکن در مزار کبیر بسند معتبر ودر مصباح الزّائر زیارت مذکوره
بنحو ابسط ودعاهای دیکر نقل کرده ودرانجا امر فرموده‌اند بنماز
زیارت قبل از زیارت وان دوازده رکعت است باسورهٔ قل هو الله
پس اکر این عمل را برای زیارتیکه ذکر کردیم بکند ظاهرًا بسیار بجا ومناسب
است واکر نکند بهمان دو رکعت نماز زیارت که برای هر امام علیه السّلام باید
کرد قناعت کند سیّما انکه بابنای بر اختصار از ذکر زیارتی دیکر که
دران عمل صفت است چاره نیست شیخ محمّد بن المشهدی وسیّد علی
بن طاوس بعد از ذکر اداب در سرداب نقل کرده‌اند که چون داخل در
سرداب شدی دو رکعت نماز در عرصهٔ سرداب بکن وبکو اَللّهُ
اَکْبَرُ اَللّهُ اَکْبَرُ لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ وَلِلّهِ الْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی
هَدانا لِهذا وَعَرَّفَنا اَوْلِیائَهُ وَاَعْدائَهُ وَوَفَّقَنا لِزِیارَةِ اَئِمَّتِنا وَلَمْ

يَجعلنا مِنَ المُعانِدِينَ النَّاصِبِينَ وَلا مِنَ الغُلاةِ المُفَوِّضِينَ وَلا مِنَ
المُرتابِينَ المُقَصِّرِينَ السَّلامُ عَلى وَلِيِّ اللهِ وَابنِ اَولِيائِهِ السَّلامُ عَلى
المُدَّخَرِ لِكَرامَةِ اللهِ وَبَوارِ اَعدائِهِ السَّلامُ عَلَى النُّورِ الَّذِي اَرادَ اولیاء
اَهلُ الكُفرِ اِطفائَهُ فَاَبَى اللهُ اِلّا اَن يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرهِهِم وَاَيَّدَهُ بِالحَياةِ
حَتّى يُظهِرَ عَلى يَدِهِ الحَقَّ بِرَغمِهِم اَشهَدُ اَنَّ اللهَ اصطَفاكَ صَغِيرًا وَ
اَكمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا وَاَنَّكَ حَيٌّ لا تَمُوتُ حَتّى تُبطِلَ الجِبتَ وَالطّا
غُوتَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيهِ وَعَلى خُدّامِهِ وَاَعوانِهِ عَلى غَيبَتِهِ وَنَائِيهِ
وَاستُرهُ سَترًا عَزِيزًا وَاجعَل لَهُ مَعقِلًا حَرِيزًا وَاشدُد اللّٰهُمَّ وَطاءَكَ
عَلى مُعانِدِيهِ وَاحرُس مَوالِيَهُ وَزائِرِيهِ اللّٰهُمَّ كَما جَعَلتَ قَلبِي بِذِكرِهِ
مَعمُورًا فَاجعَل سِلاحِي بِنُصرَتِهِ مَشهُورًا وَاِن حالَ بَينِي وَبَينَ لِقائِهِ
المَوتُ الَّذِي جَعَلتَهُ عَلى عِبادِكَ حَتمًا وَاَقدَرتَ بِهِ عَلى خَلِيقَتِكَ
رَغمًا فَابعَثنِي عِندَ خُرُوجِهِ ظاهِرًا مِن حُفرَتِي مُؤتَزِرًا كَفَنِي حَتّى
اُجاهِدَ بَينَ يَدَيهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي اَثنَيتَ عَلى اَهلِهِ فِي كِتابِكَ فَقُلتَ
كَاَنَّهُم بُنيانٌ مَرصُوصٌ اللّٰهُمَّ طالَ الاِنتِظارُ وَشَمِتَ بِنا الفُجّارُ وَ
صَعُبَ عَلَينا الاِنتِصارُ اللّٰهُمَّ اَرِنا وَجهَ وَلِيِّكَ المَيمُونِ فِي حَياتِنا
وَبَعدَ المَنُونِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَدِينُ لَكَ بِالرَّجعَةِ بَينَ يَدَي صاحِبِ هٰذِهِ
البُقعَةِ الغَوثُ الغَوثُ الغَوثُ يا صاحِبَ الزَّمانِ قَطَعتُ فِي وُصلَتِكَ الخذلان

الخُلّانِ وَهِجرَتُكَ لِزِيارَتِكَ الاَوطانَ وَاَخفَيتُ اَمرِي عَن اَهلِ
البُلدانِ لِتَكونَ شَفيعاً عِندَ رَبّي وَاِلى آبائِكَ وَمَواليَّ فِي حُسنِ
التَّوفيقِ لي وَاِسباغِ النِّعمَةِ عَلَيَّ وَسَوقِ الاِحسانِ اِلَيَّ اَللّهُمَّ صَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَصحابِ الحَقِّ وَقادَةِ الخَلقِ وَاستَجِب مِنّي ما
دَعَوتُكَ وَاَعطِني ما لَم اَنطِق بِهِ في دُعائي مِن صَلاحِ ديني وَدُنيايَ
اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ پس چون داخل
در صحن شود دو رکعت نماز گذارد و بگو اَللّهُمَّ عَبدُكَ الزّائِرُ
في فِنائِهِ وَلِيِّكَ المَزورِ الَّذي فَرَضتَ طاعَتَهُ عَلَى العَبيدِ وَالاَحرارِ
وَاَنقَذتَ بِهِ اَولِياءَكَ مِن عَذابِ النّارِ اَللّهُمَّ اجعَلها زِيارَةً مَقبولَةً
ذاتَ دُعاءٍ مُستَجابٍ مِن مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيرَ مُرتابٍ اَللّهُمَّ لا تَجعَلهُ
آخِرَ العَهدِ بِهِ وَلا بِزِيارَتِهِ وَلا تَقطَع اَثَري مِن مَشهَدِهِ وَزِيارَةِ اَبيهِ
وَجَدِّهِ اَللّهُمَّ اخلُف عَلَيَّ نَفَقَتي وَانفَعني بِما رَزَقتَني في دُنيايَ وَ
آخِرَتي لي وَلِاِخواني وَاَبَوَيَّ وَجَميعِ عِترَتي اَستَودِعُكَ اللهَ اَيُّهَا
الاِمامُ الَّذي يَفوزُ بِهِ المُؤمِنونَ وَيَهلِكُ عَلى يَدَيهِ الكافِرونَ
المُكَذِّبونَ يا مَولايَ يَابنَ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ جِئتُكَ زائِراً لَكَ وَلِاَبيكَ
وَجَدِّكَ مُتَيَقِّناً الفَوزَ بِكُم مُعتَقِداً اِمامَتَكُم اَللّهُمَّ اكتُب هذِهِ الشَّهادَةَ
وَالزِّيارَةَ لي عِندَكَ في عِلِّيّينَ وَبَلِّغني بَلاغَ الصّالِحينَ وَانفَعني

مؤلف گوید در میان صفهٔ مذکوره و سرداب مقدس شباکی
است با دری از چوب ساج که انرا بامر احمد ناصر بالله عباس در
سنه ششصد و دوازده ساختند چنانچه صورت ان با بعض
ایات شریفه در کتیبهٔ انجا مرقوم است و انچه از مشایخ دست
بدست رسیده انست که این صفه محل حوضی بود بجهة وضو کردن
ان بزرگواران در ان سرداب و پس از ان بزرگواران که مزار و محل
عبادت و دعا شد این صفهٔ شریفه معین شده بود بجهة گذاشتن
و انداختن عرایض و رقاع حاجات که شیعیان بحضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه مینوشتند و بانجا میگذاشتند و هر وقت
صلاح بود جواب عریضه از انجا یا از خارج بصاحبش میرسید
چنانچه بعضی از حکایات انرا سید جلیل علی بن طاوس ره در
اواخر کتاب فرج المهموم نقل کرده و بملاحظهٔ این سیره و عادت در
طرف راست در وسط شباک سوراخی بقدر انکه دست در
میان ان برود و رقعه را بیندازد گذاشتند که در طرف دیگر
نظیر ندارد و هر کس تامل کند میداند که این سوراخ ساخته برای
همین کار بود و ان محل در میان همه ان سرداب امتیازی پیدا کرده در

رابطهٔ شباک جیب

تبرد

تبرك وشرافت واحترام وبوسیدن واستشفاء بتربت ان تا انكه
صحن وراه سرداب مطهر ازان صحن مقدس جدا شد واز غیر
جنس برای ان خدمه پیدا شد و دیدند حرص ورغبت شیعیانرا
بان محل شریف وغلبه واستیلاء خود وایران عزباوزوار بی معین
لهذا انرا برای کسب غیر طیب خود سرمایه کردند وبرای جلب منافع
از ایشان انرا شبکه قرار دادند وباقسام حیل ازانها فائده بردند
بکم بدادن ریك ولذا انرا بان بیچاره كان وكرفتن چیزی مقدار
ازانجا كود شد ودر چهل وهفت سال قبل تقریباً كه اول مشرف
شدن حقیر بود بان استانه مباركه كودی انجا تا بدو پله رسیده
بود وباز زیاد شد تا انكه زمانیكه شیخ عالم جلیل علامه جلیل علامه
عصر شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه بجهة تذهیب گنبد مطهر
واصلاح صحن منور بانجا مشرف شدند پس از مشاهدهٔ ان خرابی
وزیاد شدن در هر روز وخوف صدمه رسیدن باساس عمارت
مقرر فرمودند انجا را پر كردند تا بمقدار دو پله بالا ماند وانرا
باجر وكچ محكم نمودند پس از وفات انمرحوم چون در سرمایه جماعت
اوباش بجهة ان بنائی خللی پیدا شد دوباره ان بنارا خراب كردند
وبدادن ریك وسنك انجا بجهال زوار وبردن عوام بی انجام كا
لانعام ادرا انجا باسم تبرك بازار كسب خود را رونقی دادند وكم كم

بمنزلهٔ چاهی شد واسم انرا چاه صاحب الزمان گذاشتند وجز مناسك
نقار شد که چون بانجا روند از چاه صاحب الزمان سؤال کنند وبانواع
بی ادبی وجسارت خود را در میان چاه افکنند ومقداری ریك
بردارند تمام این حرکات بی اصل وبی پا وخلاف ادب واحترام بلکه
در بعضی مواضع شبههٔ حرمت دارد ولکن درد جهل را دوائی جز
پرسش از عالم یا تنبیه ونهی عالم نیست وهردو از میان رفته وبالله
المستعان چهارم انکه محل شریف سرداب علاوه بردارائی شرافت
ازجهات عدیده وبودن ان خانهٔ سه امام علیهم السّلم وطول مدّت
اقامت انبزرگواران در انجا بان اعمال وعبادات وبروز ایات با
هرات وتوجّه خاصّ امام عصر ع بان محل چنانچه از شرف ملاقات
جمعی از نیك بختان خدمت انجناب در انجا معلوم میشود حسب
تجربهٔ بزرگان وسالکان طریق رشد وهدایت از تضرّع وانابه
ودعا واستغاثه در ان محلّ شریف بفیوضات خاصّه ومقامات
سامیه رسیدند حتّی از ایة الله بحر العلوم سیّد مهدی طباطبائی
طاب ثراه معروفست که فرمودند انچه داشتند وبایشان رسیده
بود ازبرکت ان مقام یا مسجد سهله بود پس زائر دانا که بحال خرابی
خود مطلع وبزحمت بسیار خود را بانجا رسانده فرصت غنیمت شمارد
وتاتواند باسوز دل وحضور قلب در انجا بگوید وبگرید وبخواهد

واز کردار

واز کردار زشت خود معذرت جوید وانچه دعا اند بخواند وگویند از
خواندن بعض دعاهای خاصه و اعمال وارده مسامحه نکنند و ما در
اینجا بچند امر از ان اشاره میکنیم اوّل فرستادن صلوات بران وجود
مبارک و تقدیم ان بر ذکر حاجات خود و برای ان اقسام عدیده است
و مختصر ان بنحویکه سیّد جلیل ابن طاوس در مصباح الزائر فرموده
این است اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَصَلِّ عَلیٰ وَلِیِّ
الْحَسَنِ وَوَصِیِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِی خَلْقِكَ وَ
الْمُنْتَظِرِ لِاِذْنِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ وَ
اَکْشِفْ عَنْ بَاْسِهِ حِجَابَ الْغَیْبَةِ وَاَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ وَ
قَدِّمْ اَمَامَهُ الرُّعْبَ وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَاَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ وَاَیِّدْهُ بِجُنْدٍ
مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُسَوِّمِینَ وَسَلِّطْهُ عَلیٰ اَعْدَاءِ دِینِكَ اَجْمَعِینَ وَاَلْهِمْهُ
اَنْ لَا یَدَعَ مِنْهُمْ رُکْنًا اِلَّا هَدَّهُ وَلَا هَامًا اِلَّا قَدَّهُ وَلَا کَیْدًا اِلَّا رَدَّهُ
وَلَا فَاسِقًا اِلَّا جَدَّهُ وَلَا فِرْعَوْنًا اِلَّا اَهْلَکَهُ وَلَا سِتْرًا اِلَّا هَتَکَهُ وَلَا
عَلَمًا اِلَّا نَکَسَهُ وَلَا سُلْطَانًا اِلَّا نَکَسَهُ وَلَا رُمْحًا اِلَّا قَصَفَهُ وَلَا مِطْرَدًا
اِلَّا خَرَقَهُ وَلَا جُنْدًا اِلَّا فَرَّقَهُ وَلَا مِنْبَرًا اِلَّا اَحْرَقَهُ وَلَا سَیْفًا اِلَّا کَسَرَهُ
وَلَا صَنَمًا اِلَّا رَضَّهُ وَلَا دَمًا اِلَّا اَرَاقَهُ وَلَا جَوْرًا اِلَّا اَبَادَهُ وَلَا حِصْنًا
اِلَّا هَدَمَهُ وَلَا بَابًا اِلَّا رَدَمَهُ وَلَا قَصْرًا اِلَّا اَخْرَبَهُ وَلَا مَسْکَنًا اِلَّا فَتَّشَهُ

سترا خ ل

شیطانا الّا کبسه خ ل

عسفا خ ل ولا

وَلا سهلاً اِلّا اَوطئه وَلا جبلاً اِلّا اَصعده وَلا كنزاً اِلّا اَخرجه بِرحمتك
يا اَرحم الرّاحمين دوّم خواندن اين دعاى شريف در اينجا مكرر اجتبا
علماء درضمن اعمال انجاذكر كرده اند ودر غير انمكان نيز وارد شده
خواندن ان واين دعا مروى از حضرت صاحب الامرع است ودر
نسخ ان في الجمله اختلاف است وشيخ مفيد ومحمد بن المشهدى وشهيد
رحمهم الله تعم از بعد از نماز زيارت حضرت در اينجا نقل كرده اند و
موافق نسخه ايشان اينست اَللّهُمَّ عَظُمَ اَلبلاءُ وَبَرِحَ الخفاءُ وَ
اَنكشفَ الغطاءُ وَضاقَتِ الاَرضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ وَاِلَيكَ يا ربِّ
الْمُشتكى وَعَلَيكَ المُعوّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الَّذين فَرَضتَ عَلَينا طاعَتَهُم فَعَرَّفتَنا بِذلِكَ مَنزِلَتَهُم فَرِّج
عنّا بِحَقِّهِم فَرَجاً عاجِلاً كَلَمحِ الْبَصَرِ اَوهُوَ اَقرَبُ مِن ذلِكَ يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ
يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ اُنصُرانى فَاِنَّكُما ناصِراىَ وَاكفِيانى فَاِنَّكُما كافِياىَ يا
مَولاىَ يا صاحِبَ الزَّمانِ اَلغَوثُ اَلغَوثُ اَلغَوثُ اَدرِكنى اَدرِكنى
اَدرِكنى سيّم بجا اوردن نماز انحضرت بجهة مطالب مهمه وحوايج
عظيمه وان دو ركعت است با سوره حمد وقل هو الله احد وچون در
حمد باية اياك نعبد واياك نستعين برسد از اصد مرتبه بكويد و
بهتر انكه تسبيح ركوع وسجود تسبيح كبرى باشد وانرا هفت نوبت

بگوید و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن دعای
اللهم عظم البلاء مذکور را بخواند آنگاه حاجت خود را بخواهد و این
نماز در هر وقت و در هر جا میتوان کرد و لکن در سحر شب جمعه و روز
جمعه مخصوصاً وارد شده و این نماز از اعمال نفیسه و کنوز خفیه است
که نبایست از فواید آن غفلت نمود چهارم خواندن دعاء معروف
بدعای ندبه که از شیخ جلیل محمد بن المشهدی و رضی الدین علی بن طاوس
و صاحب مزار قدیم نقل کرده اند از شیخ نبیل محمد بن علی بن ابی قره که او از کتاب
ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری این دعا را نقل نموده که
مستحب است در چهار عید خوانده و ما از مزار محمد بن المشهدی
نقل میکنیم بجهة نکتهٔ لطیفه که بعد خواهیم گفت بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
تَسْليماً اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى ما جَرى بِهِ قَضاؤُكَ في اَوْلِيائِكَ الَّذينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَدينِكَ اِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعيمِ الْمُقيمِ الَّذي
لا زَوالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ في زَخارِفِ هٰذِهِ
الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ
فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ
عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرايِعَ

اِلَيْكَ وَالْوَسيلَةَ اِلى رِضْوانِكَ فَبَعْضٌ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلى اَنْ اَخْرَجْتَهُ
مِنْها وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فى فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ امَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ
وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ خَليلاً وَسَئَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِى الْاخِرينَ فَاَجَبْتَهُ
وَجَعَلْتَ ذلِكَ عَلِيّاً وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْعِلْمِ تَكْليماً وَجَعَلْتَ
لَهُ مِنْ اَخيهِ رِدْءاً وَوَزيراً وَبَعْضٌ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَاتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ
وَاَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَريعَةً وَنَهَجْتَ مِنْهاجَهُ
وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِياءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلى مُدَّةٍ اِقامَةً
لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلى عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَيَغْلِبَ الْباطِلُ
عَلى اَهْلِهِ وَلا يَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ اِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً وَاَقَمْتَ
لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ اياتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزى اِلى اَنِ انْتَهَيْتَ
بِالْاَمْرِ اِلى حَبيبِكَ وَنَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَالِهِ فَكانَ كَما
انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ وَاَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ
وَاَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلى اَنْبِيائِكَ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ
وَاَوْطَاْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ وَعَرَجْتَ بِهِ اِلى
سَمائِكَ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما يَكُونُ اِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ
بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَالْمُسَوِّمينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ
وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذلِكَ

بعد ان بوّأته مبوّء صدق من اهله وجعلت له ولهم اوّل بيت وضع
للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه ايات بيّنات مقام
ابرهيم ومن دخله كان امنا وقلت انّما يريد الله ليذهب عنكم الرجس
اهل البيت ويطهّركم تطهيرا ثمّ جعلت اجر محمّد صلوات الله عليه
واله مودّتهم في كتابك فقلت قل لا اسالكم عليه اجرا الّا المودّة
في القربى وقلت ما سالتكم عليه من اجر فهو لكم وقلت ما اسالكم
عليه من اجر الّا من شاء ان يتّخذ الى ربّه سبيلا فكانوا هم السبيل
اليك والمسلك الى رضوانك فلمّا انقضت ايّامه اقام وليّه عليّ
بن ابي طالب صلوات الله عليهما والهما هاديا اذ كان هو المنذر
ولكلّ قوم هاد فقال والملاء امامه من كنت مولاه فعليّ مولاه
اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من
خذله وقال من كنت انا وليّه فعليّ اميره وقال انا وعليّ من شجرة
واحدة وسائر الناس من اشجار شتّى واحلّه من محلّ هرون من
موسى الّا انّه لا نبيّ بعدي وزوّجه ابنته سيّدة نساء العالمين
واحلّ له في مسجده ما حلّ له وسدّ الابواب الّا بابه ثمّ اودعه
علمه وحكمته فقال انا مدينة العلم وعليّ بابها فمن اراد الحكمة
فلياتها من بابها ثمّ قال انت اخي ووصيّي ووارثي لحمك من لحمي ودمك

فقال له انت منّي بمنزلة هرون من موسى

مِنْ دَمِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ
كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي وَأَنْتَ غَدًا عَلَى الْحَوْضِ مَعِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ
تَقْضِي دَيْنِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً
وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ (المؤمن ن ح)
بَعْدِي فَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورًا مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ
اللهِ الْمَتِينَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا يُسْبَقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ
فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ
قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَنَاهَشَ ذُؤْبَانَهُمْ وَ (ناوش ن ح)
أَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ
عَلَى عَدَاوَتِهِ وَأَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَ
الْمَارِقِينَ وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرِينَ يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ
لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ
وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وَلَدِهِ
إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ
وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ
كَانَتِ الْأَرْضُ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَالْعَاقِبَةُ (للمتقين)

لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحانَ اللهِ اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً وَلَنْ يُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْاَطائِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما
وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ وَاِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُدَرِّ
الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ وَيَضِجَّ[1] وَيَعِجَّ الْجازِعُونَ اَيْنَ الْحَسَنُ اَيْنَ
الْحُسَيْنُ اَيْنَ اَبْناءُ الْحُسَيْنِ صالِحٌ[2] وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ اَيْنَ السَّبِيلُ
بَعْدَ السَّبِيلِ اَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ اَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ اَيْنَ الْاَقْمارُ
الْمُنِيرَةُ اَيْنَ الْاَنْجُمُ الزّاهِرَةُ اَيْنَ اَعْلامُ الدِّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ اَيْنَ بَقِيَّةُ
اللهِ الَّتِي لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهادِيَةِ اَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ اَيْنَ
الْمُنْتَظَرُ لِاِقامَةِ الْاَمْتِ وَالْعِوَجِ اَيْنَ الْمُرْتَجَى لِاِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ
اَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِاِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ
اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْياءِ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ اَيْنَ مُحْيِي مَعالِمِ الدِّينِ وَاَهْلِهِ
اَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ اَيْنَ هادِمُ اَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ اَيْنَ مُبِيدُ
اَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ اَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ اَيْنَ طامِسُ
آثارِ الزَّيْغِ وَالْاَهْواءِ اَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالْاِفْتِراءِ اَيْنَ مُبِيدُ
اَهْلِ الْعِنادِ وَالْمَرَدَةِ اَيْنَ مُعِزُّ اَيْنَ مُعِزُّ الْاَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الْاَعْداءِ
اَيْنَ جامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوى اَيْنَ بابُ اللهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتى اَيْنَ
وَجْهُ اللهِ الَّذِي اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْاَوْلِياءُ اَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْاَرْضِ

وَالسَّماءِ

[1] نسخه: وَيَضِجُّونَ
[2] بَعْدَ صالِحٍ

والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى أين مؤلف شمل
الصلاح والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين
الطالب بدم المقتول بكربلا أين المنصور على من اعتدى وافترى
أين المضطر الذي يجاب إذا دعا أين صدر الخلائق ذو البر والتقى
أين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى وابن خديجة الغراء وفاطمة
الكبرى بأبي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة المقر
بين يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهديين يا ابن الخيرة المهذبين — المهتدين ح ل
يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن الأطائب المطهرين يا ابن الخضارمة
المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج
المضيئة يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة يا ابن السبل الوا
ضحة يا ابن الأعلام اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة
يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن
الآيات البينات وابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين الباهرات
يا ابن الحجج البالغات يا ابن طه والمحكمات يا ابن يس والذاريات يا ابن من
دنى فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى دنوا واقترابا من العلي — استقرت ح ل
الأعلى ليت شعري أين استقلت بك النوى بل أي أرض تقلك أو
ثرى أبرضوى أو غيرها من ذي طوى عزيز علي أن أرى الخلق وأنت

لا ارى ولا اسمع لك حسيساً ولا نجوى عزيز عليّ ان يحيط بك دونى
البلوى ولا ينالك منّي ضجيج ولا شكوى بنفسي انت من مغيّبٍ لم يخل منّا
بنفسي انت من نازحٍ ما نزح عنّا بنفسي انت امنية شائقٍ يتمنّى من
مؤمنٍ ومؤمنةٍ ذكرا فحنّا بنفسي انت من عقيدِ عزٍّ لا يسامى بنفسي انت
من اثيلِ مجدٍ لا يجارى بنفسي انت من بلادِ نعيمٍ لا تضاهى بنفسي انت
من نصيفِ شرفٍ لا يساوى الى متى احار فيك يا مولاى والى
متى واىّ خطابٍ اصف فيك واىّ نجوى عزيز عليّ ان اجاب دونك
واناغى عزيز عليّ ان ابكيك ويخذلك الورى عزيز عليّ ان يجرى
عليك دونهم ما جرى هل من معوّلٍ فاطيل معه العويل والبكا
هل من جزوعٍ فاساعد جزعه اذا خلا هل قذيت عينٌ فتسعدها
عيني على القذى هل اليك يا ابن احمد سبيلٌ فيلقى هل يتّصل
يومنا منك بعده فنحظى متى نرد مناهلك الرويّة فنروى متى
ننتفع من عذبِ مائك فقد طال الصدى متى نغاديك ونراوحك
فنقرّ عيناً متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحفّ بك
وانت تؤمّ الملأ وقد ملأت الارض عدلاً واذقت اعداءك هواناً
وعقاباً وابرت العتاة وجحدة الحقّ وقطعت دابر المتكبّرين واجتثثت
اصول الظالمين ونحن نقول الحمد لله ربّ العالمين اللهمّ انت كشّاف

لكرب والبلوى واليك استعدى فعندك العدوى وانت رب
الاخرة والدنيا فاغث ياغياث المستغيثين عبيدك المبتلى وارِه
سيّده ياشديد القوى وازل عنه الاسى والنجوى وبرد غلته
يامن على العرش استوى ومن اليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن
عبيدك التايقون الى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا
عصمة وملاذا واقمته لنا قواما ومعاذا وجعلته للمؤمنين منا
اماما فبلغه عنا تحية وسلاما وزدنا بذلك يارب اكراما و
اجعل مستقره مستقرا ومقاما واتمم نعمتك بتقديمك اياه
اماما حتى توردنا جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك
اللهم صل على محمد وال محمد وصل على محمد جده رسولك السيد
الاكبر وعلى ابيه السيد الاصغر وجدته الصديقة الكبرى
فاطمة بنت محمد وعلى من اصطفيت من اباءه البررة وعليه افضل
واكمل واتم وادوم واكبر واوفر ما صليت على احد من اصفيائك
وخيرتك من خلقك وصل عليه صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية
لمددها ولا نفاد لامدها اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل
وادل به اولياءك واذلل به اعداءك وصل اللهم بيننا وبينه
وصلة تؤدي الى مرافقة سلفه واجعلنا ممن ياخذ بحجزتهم و

والجوى مصباح الزائر
غليله

بميكذ

بِمَكْثِ فِي ظِلِّهِمْ وَاَعِنّا عَلىٰ تَأدِيَةِ حُقُوقِهِمْ اِلَيْهِ وَالْاِجْتِهادِ فِي طاعَتِهِ وَ
اجْتِنابِ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعاءَهُ
وَخَيْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ
مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً وَاجْعَلْ اَرْزاقَنا بِهِ
مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنا بِوَجْهِكَ
الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً تَسْتَكْمِلُ بِهَا
الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ
بَعْدَها يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ پس ميخوانى خدا را بهر چه ميخواهى انشاء
مؤلفگويد در اينجا تنبيه بر چند امر لازمست اوّل انكه زمان خواندن
اين دعا را در مزار محمّد بن المشهدى و مصباح الزّائر در اعياد اربعه
يعنى روز فطر و روز قربان و روز غدير و روز جمعه معيّن كردند
ولكن در مزار قديم كه او هم از همان كتاب محمّد بن ابى قره نقل كرده شب
جمعه را نيز بران افزوده دوّم انكه در مصباح الزّائر بعد از ذكر اين
دعا فرموده انگاه نماز زيارت بكن و وصف ان گذشت يعنى دو
ركعت بهر سوره كه باشد وظاهر ميشود كه دعاى مذكور بمنزله
زيارتست و در ان دو مزار ذكرى از نماز نشده والبتّه بجا اوردن

ان بجهة فرموده سیّد بهتر است سیّم انکه در مزار محمّد بن المشهدی
ومزار قدیم که تالیف هردو مدّتها قبل از تالیف مصباح الزّائر شده
عبارت دعا چنین است که نقل کردیم وعرجت برالی سمائك ودر
بعض نسخ مصباح الزّائر که حقیر دیدم نیز چنین بود ولکن در جملهٔ
از نسخ مصباح الزّائر این فقره چنین است وعرجت بروحه الی
سمائك ونسخهٔ مصباح مرحوم مجلسی ره نیز از این نسخ بوده ودر بحار وزاد
المعاد این دعا را تا اینجا بهمین متن نقل کرده وبجهة کثرت اشتغال
ونوشتن کتاب ادعیه واحادیث طولانی از دو نسخ اصل تالیف چنانچه
از مشاهده جملهٔ از انها معلوم میشود ملتفت باین اختلاف نشده اند
ولهذا در بحار فرموده بعد از نقل دعا از مصباح الزّائر که محمّد بن
المشهدی این دعا را از کتاب محمّد بن ابی قره نقل کرده بمثل انچه
سیّد نقل نموده وگمان دارم که سیّد ره این دعا را از محمّد بن المشهدی
اخذ نموده ودانستی نسخ مزار مشهدی ومزار قدیم بنحویستکه گفتیم
وماخذ هر سه مزار کتاب ابن ابی قره است پس معلوم میشود در
نسخهٔ مصباح تحریفی شده از بعضی ناسخین که مبتلا بوده ببعض
امراض قلبیّه وعقاید فاسده وعروج جسمانی انحضرترا که ضروره
مذهب بلکه دین بران قائم شده منکر وباور نمیموده واز اینجا که ملاد

ومرجع کافه علماء وعوام ذکرامثال این مقام مؤلفات مرحوم مجلسی ۲۳۶
است وبه ماخذ کتب ان مرحوم کاهی مراجعه نکنند لهذا این فقره
محترفه شایع وذایع ومنتشر شده ودر السنه وافواه دائر وسبب
شبهه شده دربعضی قلوب مریضه ونفوس ضعیفه واصل صحیح
ان اصلا دردست نیست وطرف احتمال نشده والحمد لله که اساس
شبهه از بیخ منهدم وخراب شد چنانچه براهل بصیرت پوشیده
نیست باانکه برفرض صحت ان نسخه نیز دلالت برصحت ان عقیده
فاسده که معراج انحضرت صلی الله علیه واله بروح بود نه بجسم نکند
توضیح این مطلب بنحو اجمال انکه این هیکل مخصوص که درصورت
انسانیست وبرای اشخاص ان نامهای مختلفه گذارند چون علی و
حسن وحسین وغیران چون نام یکی ازانها رابرند مراد انچه هیکل
داراست از اعضاء وجوارح داخله وخارجه وقوی ظاهره وباطنه
وروح ونفس وعقل که بااین کثرت اجزاء واعضا حسب ترکیب الهیه
جهت وحدانیتی دارد که ازاو تعبیر کنند دروقت امتیاز بان اسم
مخصوص وبرای هریك ازان اعضا وجوارح اسامی مخصوصه است
که دروقت حاجت ازان عضو بان اسم تعبیر کنند مثل سر وچشم وگوش
ودست وغیرها وان اعضا وجوارح مختلف باشند درحاجت ان

هیکل

هیکل بان بعضی چنان باشد که اگر مفقود شود هیکل از هم گسیخته شود
چون سر و گردن و روح و مثل ان و بعضی چنین نباشد مثل انگشت و
دست و زبان و غیرها و در لغت عرب متعارفست که گاهی نام یکی
ازان قسم اول را برند و مراد ایشان نه ان عضو مخصوص است بلکه تمام
ان هیکل بمناسبت انکه قوام ان بان عضو است مثل رقبه که بمعنی
گردن است پس گویند امروز رقبه خریدم یا رقبه ازاد کردم و مراد
تمام یك هیکل انسانیست که بنده است و در قران مجید در مقام
ذکر کفاره جرائم مکرر فرموده فتحریر رقبه پس ازاد کردن بنده نه
گردنی و این مطلب واضح و امثله ان بسیار است و چون اصل و
عمده قوام تمام اعضا و قوای این هیکل در حال حیات بروح است
لهذا در بسیاری از مواضع روح گویند و تمام ان هیکل مراد باشد
نه خصوص نفس ناطقه چنانچه گویند روحی لك الفداء و روحی
له الفداء و غرض از روی فدا و قربانی شدن است برای ان
دوست که زندگی او را بر زندگی خود مقدم میدارد و فدا و
قربانی در حالات تمام این هیکل است مثل خوردن و پوشیدن
و خوابیدن و الان در میان عرب متعارفست در مقام تاکید و
مبالغه یکی بدیگری میگوید جئتك بروحی و ترجمه در زبان فارسی

نیز موجود است که میکویند خودم آمدم پیش تو مثلا فلان چیز را
خواستم ندادی ومراد از خود روح است چنانچه میکوید فلانی
بیخود شد یعنی غش کرد وبیهوش شد وبالجمله این استعمال شایع
ومتعارف ودر کلمات فصحاء موجود ومسطور است پس ترجمه
ان عبارت بنا بر صحت ان نسخه ان باشد که خودش را باسمان
بردی وشاید در این تاکید اشاره باختصاص این تشریف باشد
بانحضرت چه در معراج روحانی بی جسد در خواب یا بیداری
همه پیغمبران شریك باشند در غالب اوقات اکرچه مختلف باشند
در درجات وبرای انحضرت امتیاز واختصاصی نباشد جز بمعراج
جسمانی که از ضروریات شمرده میشود ونظیر تعبیر کردن از شخص
انسانی دارای تمام اجزاء بروح بمناسبت مذکوره تعبیر کردن
از این هیکل جسمانیست بعد از مردن ومفارقت روح بعظام به
ملاحظهٔ انکه قوام این هیکل وامتیاز ان بعد از مردن باستخوانها
او است بان ترتیب وترکیبی که بان بهم پیوسته شده وچون از
یکدیکر بکسلد وبپاشد امتیاز بر داشته واز هیکل صورتی نماند
چنانچه شاعر عرب کفته رحم الله اعظما دفنوها بسجستان طلحة
الطلحات خدا وند رحمت کند استخوانها ئیرا که دفنش کردند در سجستان

در سبستان وان طلحه شخصی معروفست ومعلومست که مراد از
اعظم همان جسد طلحه است چنانچه خود تفسیر کرده ومیتوان گفت
مراد از عظام در آیه شریفه من یحیی العظام وهی رمیم نیز تمام
جسد میت باشد خصوص بعد از ملاحظه آنکه حیوة از خصایص
جسد است وانرا خدا بتعالی زنده کند وبرای استخوان در هر
حال حیوتی نباشد ولهذا داخل شده در ان اجزای بی روح میته
که حکم ان در شرع مطهر طهارتست واز این بابست آنچه گذشت
در خبر که تعبیر فرمودند از جسد حضرت آدم ع بعظام از روی بلاغت
وتفنن در عبارت چنانچه تعبیر فرمودند از جسد نوح ع ببدن و
از حضرت امیر المؤمنین ع بجسم

فصل چهارم در ذکر آداب زیارت ودخول در مشاهد شریفه
وزیارت جامعه ودعا ونماز ووداع که همه ان بقاع مطهره در ان
اعمال مشترکند ودر ان چند مقام است مقام اول در آداب وان
بسیار است وبعضی از انها اگرچه بظاهر مختص بحرم مطهر حسینی
علیه السلم است ولکن بعد از تامل معلوم میشود اختصاصی ندارد
مگر در چند فقره که سبب انرا ذکر فرمودند وما انها را اینجا اختصار
وحذف اخبار مگر در بعضی از انها که از ذکران چاره نیست ذکر

کنیم اوّل غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت دوّم ترک کلام
بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه سیّم غسل برای زیارت هر امام
هر چند برای امام دیگر غسل کرده و هنوز نشکسته چهارم خواندن
دعای مأثور در وقت غسل پنجم طهارت از حدث کبری مثل جنابت
و حیض و نفاس و از حدث صغری ششم پوشیدن جامهای پاک
و پاکیزه هفتم سفید بودن رنگ جامه هشتم نو بودن جامه چنانچه
در خبر رسیده و شیخ شهید ره در دروس تصریح نموده نهم در
وقت رفتن بروضه مقدسه کامها را کوتاه برداشتن و با آرامی
و وقار سیر نمودن دهم برهنه بودن پا در وقت رفتن بروضه
مقدسه چنانچه در آداب زیارت حضرت رضا ع رسیده و
ظاهرا اختصاصی نداشته باشد چنانچه بعضی از علمای معاصرین
مجاورین ارض قدس رضوی در مزار خود تصریح کرده و تأیید
میکند اینرا آنچه در کتاب دعائم الاسلام روایت نموده از امیر
المؤمنین ع که آنجناب پیاده راه میرفت در پنج موطن با پای برهنه
و نعلین در دست چپ مبارکش آویزان بود و میفرمود اینجاها
مواطنی است مخصوص خدا تعالی و من دوست دارم که در این
جاها پا برهنه باشم یازدهم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت

کربلای معلی دوازدهم در وقت رفتن بحرم مطهر زبان را بذکر
تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند تبارک و تعالی مشغول
کردن و بصلوات فرستادن بر پیغمبر و آل اطهارش معطر نمودن
سیزدهم بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول دنیا را
طلبیدن بکلمات مأثوره یا بسلام کردن بر پیغمبر و ائمه و سعی
در تحصیل رقت قلب و سوزش دل و خضوع و شکستگی خاطر نمودن
بتصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه
می بیند ایستادن او را و جواب میدهد سلام او را چنانچه همه
اینها شهادت میدهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبر در
محبت و لطف و مکرمتی که بشیعیان و زائران خود دارند و تامل
در خرابیهای حال خود و خلافها که بان بزرگواران کرده و فرموده
های بیجد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او بایشان
یا بخاصان و دوستانشان رسانده که برگشت آن بازردن ایشان
است و اکر براستی در خود نکرد قدمهایش از رفتن باز افتد و
قلبش هراسان و چشمش کریان شود و روح تمام اداب بلکه زیادت
در همین است که اکر این نعمت روزی شد بسیاری از اداب
قهرا و ندانسته بعمل اید و برای فهمیدن اذن دادن صاحب

چهاردهم وقت دخول کلام اول ...

ان مرقد شریف در دخول در ان محضر انور علامت باشد و شهید ۲۴۲
اول در دروس فرموده بعد از ذکر این ادب اگر در قلب خود خشوع
ورقتی دید داخل شود والا در صدد تحصیل نمائی براید که در
قلب خود رقتی یابد چه غرض اهم حضور قلب است بجهة تلقی رحمت
که از پروردکار فرود می اید یعنی قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست
برای نزول از رحمت خاصه در ان پس زیارتش جسدی شود بی روح
ولفظی شود بی معنی مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند چهاردهم
بوسیدن عتبه علیه و استانه مبارکه پانزدهم سجده کردن برای
خداوند بجهة شکر بر این نعمت سنیه و رسیدن باین تربت زکیه
شانزدهم مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مؤخر
داشتن ان در وقت بیرون امدن بعکس پای چپ هفدهم رفتن
نزدیک ضریح مقدس بنحویکه خود را تواند بان بچسباند مگر در
حرم عسکریین ع از طرف پیش سر وچنانچه گذشت شرح ان هیجدهم
سجده نکردن بر قبر مطهر اگر میسر شود نوزدهم بوسیدن قبر
مطهر بیستم گذاشتن ومالیدن طرف روی راست وچپ بران
بیست ویکم پشت بقبله ورو بقبر منور ایستادن چنانچه گذشت
مشروحا بیست ودوم ایستادن در وقت خواندن زیارت

اگر

اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها و این ادب
صریحاً و علیحده در کتب زیارات مذکور نیست ولکن در بودن
آن از آداب مؤکّده شبهه نیست امّا اوّلاً بجهة ذکر علماء آنرا در
ضمن آداب دیگر چنانچه میفرمایند بایستند نزدیک ضریح مقدّس
الخ و میفرمایند بایست پشت بقبله و رو بقبر مطهّر و غیر آن که
بر متتبّع مخفی نیست و امّا ثانیاً پس بجهة تصریح بآن در اغلب زیارات
معتبرهٔ مأثوره بعد از ذکر آداب دخول و رسیدن بضریح مقدّس
بمثل این عبارت ثم تقف و تقول یا آنکه و تقف و تقول و اگر کسی سیر کند — تقف و تقول ظ(ن)
در آن موارد مطمئنّ میشود که هرجا ذکر نشده آنرا بوضوح واگذاشتند
و معنی وقوف ایستادن است و بغیر این کلمه بنظر ندارم تعبیری
دیگر کرده باشند و امّا ثالثاً پس بجهة تصریح باین آداب در زیارات
ایشان از دور چنانچه در مصباح الزائر و غیر آن روایت است از امام جعفر
صادق ع که فرمود هرکه خواهد زیارت کند قبر مطهّر حضرت
رسول خدا ص و قبر امیرالمؤمنین ع و فاطمه و حسن و حسین و قبور ائمّه
علیهم السّلام را و در بلد خود است پس غسل کند و دو جامهٔ پاک
بپوشد و بصحرا رود و در روایتی ببام خانهٔ خود آنگاه چهار رکعت
نماز بجای آورد و بهر سوره از قرآن که خواست چون تشهّد و سلام را

ان حرم شریف در دخول دران محضر انور علامت باشد و شهید
اول در دروس فرموده بعد از ذکر این ادب اگر در قلب خود خشوع
ورقتی دید داخل شود والا در صدد تحصیل نماند برآید که در
قلب خود رقتی یابد چه غرض اهم حضور قلب است بجهة تلقی رحمت
که از پروردگار فرود می آید یعنی قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست
برای نزول انرحمت خاصه دران پس زیارتش جسدی شود بی روح
ولفظی شود بی معنی مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند چهاردهم
بوسیدن عتبه علیه واستانه مبارکه پانزدهم سجده کردن برای
خداوند بجهة شکر براین نعمت سنیه و رسیدن باین تربت زکیه
شانزدهم مقدم داشتن پای راست در وقت داخلشدن و مؤخر
داشتن ان در وقت بیرون امدن بعکس پای چپ هفدهم رفتن
بنزدیک ضریح مقدس بنحویکه خودرا تواند بان بچسباند مگر در
حرم عسکریین ع از طرف بیشتر وچنانچه گذشت شرح ان هجدهم
سجده نکردن بر قبر مطهر اگر میسر شود نوزدهم بوسیدن قبر
مطهر بیستم گذاشتن و مالیدن طرف روی راست وچپ بران
بیست و یکم پشت بقبله و رو بقبر منور ایستادن چنانچه گذشت
مشروحا بیست و دوم ایستادن در وقت خواندن زیارت

اگر عذری ندارد از ضعف ودرد کمر ودرد پا وغیرها واین ادب
صریحًا وعلیحده در کتب زیارات مذکور نیست ولکن در بودن
ان از اداب مؤکّده شبهه نیست امّا اوّلًا بجهة ذکر علماء انرا در
ضمن اداب دیگر چنانچه میفرمایند بایستند نزدیک ضریح مقدّس
الخ ومیفرمایند بایست پشت بقبله رو بقبر مطهّر وغیر ان که
بر متتبّع مخفی نیست وامّا ثانیًا پس بجهة تصریح بان در اغلب زیارات
معتبره مأثوره بعد از ذکر اداب دخول ورسیدن بضریح مقدّس
بمثل این عبارت ثمّ تقف وتقل یا انکه وقف وقل واگر کسی سیر کند تقف وتقول خ ل
در انموارد مطمئنّ میشود که هرجا ذکر نشده از ابو ضوحش واگذاشتند
ومعنی وقوف ایستادن است وبغیر اینکلمه بنظر ندارم تعبیری
دیگر کرده باشند وامّا ثالثًا پس بجهة تصریح باین اداب در زیارات
ایشان از دور چنانچه در مصباح الزائر وغیر ان روایت از امام جعفر
صادق ع که فرمود هرکه خواهد زیارت کند قبر مطهّر حضرت
رسولخدا ص وقبر امیر المؤمنین ع وفاطمه وحسن وحسین وقبور ائمّه
علیهم السّلم را ودر بلد خود است پس غسل کند ودو جامه پاك
بپوشد وبصحرا رود ودر روایتی ببام خانه خود انگاه چهار رکعت
نماز بجای اورد ودر هر سوره از قران که خواست چون تشهّد وسلام را

تمام

تمام کرد بایستد رو بقبله و بگوید السّلم علیك ایها النبیّ الخ و چنانچه
از دور باید بایستد در نزدیك رعایت ان از جهات عدیده اهمّ
خواهد بود و امّا رابعًا پس بجهة انکه از مطاوی اخبار معلوم میشود
که اذن دخول صاحب خانه برای انکه انا و اذن دخول میطلبد
کافی نیست از اذن جلوس بلکه هر کس اذن خواست و داخل خانه شد
دو باره اذن نشستن بخواهد اگر اذن داد بر نشستن یا ابتداء اورا
اذن داد بنشستن بنشیند و الّا نه نشیند و شاهد این دعوی در
مطاوی این صنف اخبار که در انها ذکر دخول اصحاب و اجانب و اقارب
بت بر ائمّه ع و اینکه بعد از دخول تا اذن نمیدادند نمی نشستند-
بسیار است و ما بذکر خلاصه مضمون یکخبر قناعت کنیم در کتاب
علل الشّرایع صدوق ره مرویستکه سالی در ایام موسم حج حضرت
صادق ع در منی تشریف داشتند و جمعی از اصحاب در خدمت
انجناب مشغول استفاده بودند که ابو حنیفه وارد شد و اذن دخول
خواست اذن دادند داخل شد اذن جلوس خواست اعراض
فرمودند و بدیگران مشغول صحبت شدند ایستادنش طول
کشید باز اذن خواست ندادند و بدیگران مشغول شدند چون
خسته شد بی اذن نشست و بحضرت عرض کرد اصحاب خود را در کوفه مغ

۲۴۵ منع کن از گفتن بعضی سخنها فرمود میان من و ایشان چه قدر مسافت
است گفت فرسخهای بسیار فرمود میان من و تو چه مقدار است
عرض کرد چند ذراع فرمود تو بفاصلهٔ چند ذراع عصیان من
کردی و بی اذن من نشستی چگونه آنها با این دوری مسافت
مرا اطاعت کنند الخ و این ادب تا حال مرسوم است برای آنانکه
داخل شوند بر ملوک و سلاطین و امراء عظام و هر پست رتبه
بالنسبه بآنکه رتبه اش از او بدرجاتی بالاتر است و مطابق ادب
شرعی است و رعایت آن از علمای عظام و پیشوایان دین در
این روضات مقدسات بایست بیشتر باشد چه کافهٔ عوام در
امثال این موارد نظر بکردار و رفتار ایشان دارند و آنچه در
در حرم مطهر خوانده میشود اذن دخول است نه جلوس در وقت
مواجهه و مکالمه و دانستی که در هیچ خبری و زیارتی این اذن
نرسیده آنچه دارد بعد از دخول آنست که برو تا نزد ضریح پس
بایست و بگو بلی بعد از فراغ از سلام و زیارت فرمودند برو
بالای سر یا پشت سر نماز کن و دعا کن یا بنشین و چنین بگو و خود
بخاطر دارم در ایام مجاورت کربلای معلی در ایام یکی از زیارات
مخصوصه فخر الشیعه و تاج الشریعه شیخ المشایخ شیخ مرتضی طاب

متن خبر خاطر نبود خلاصهٔ آنچه بود از محل شاهد نقل کردم منه

ثراه

ثراه باان کبر سنّ و شکستکی در میان پالکی هفت فرسخ راه از
کاروانسرای شور تا کربلا راطی نمود و بمجرّد ورود وارد حرم
ودر پیش رو تکیه بدیوار داده مشغول زیارت عاشوراء شدند
باتمام لعن وسلام ودر خلال الحال متصل زوّار ومجاور ومسئله می
پرسیدند وایشان جواب میدادند خدای داند زمان ایستادن
انشخص جلیل باضعف پیری وخستکی راه چه قدر طول کشیده
باشد وکمان ندارم در متعارف مرسوم کسی عذر نشستن خودرا
باندازهٔ اعذار ایشان برساند بیست وسیم در وقت رفتن بحرم
وانجا در هنکام زیارت سر بزیر انداختن وببالا وطرف راست وچپ
التفات ننمودن بیست وچهارم کفتن تکبیر پیش از شروع در
خواندن زیارت بانچه ماثور است در خصوص انزیارت از صد
مرتبه وچهل وسی وده وسه باختلاف زیارات واکر در این
زیارت که میخواهد بخواند ذکری از کفتن تکبیر نشده باشد
باز بکوید چه از استقراء در زیارات مطلقه ومخصوصه ائمه
ناظر بصیر مطمئنّ میشود که کفتن تکبیر اجمالاً از اداب حضور در
نزد امام است ومؤیّد این مقال انکه شیخ جلیل محمد بن الحسن
الصفار در کتاب بصائر الدرجات روایت کرده بسند معتبر از

حضرت امام محمد باقر ع که بر سعد بن طریف فرمود در ضمن ذکر
ثواب رفتن خدمت امام ع پس چون امام را دید تکبیر بگوید که خواهد
بود از برای او در روز قیامت سنک بزرکی که در میزان او
سنکین تر است از هفت اسمان و هفت زمین و انچه در انها
است و انچه در بین انها است و انچه در زیر انها است تا انکه می
فرماید و هر که تکبیری بگوید در پیش روی امام ع و بگوید لا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ خواهد نوشت خدایتعالی برای او
خوشنودی بزرک خود را و هر که نوشته شود برای او رضوان
اکبر خدای تعالی واجب شده که جمع شود میان او و میان ابرهیم
و محمد و پیغمبران ع در دار جلال و ظاهر این خبر اکر چه ذکر اداب
ملاقات کردن امام ع است در زمان حیوة و لکن در این قسم
مطالب فرقی میان حیوة و ممات و خانه و حرم نباشد بیست و پنجم
خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات انام ع که علمای اعلام
بعد از رنج و تعب بسیار انها را جمع نموده در کتب ثبت کردند و
بحمد الله چنان شایع است که دست هر کسی بان میرسد و ترک کند
خواندن زیارتهای مختصر با فقرات بی خردان را تا از فیوضات بی
نهایت خود را محروم ننموده باشد بیست و ششم بجا اوردن نماز

زیارة

زيارت وا قل ان دو رکعت است و بعد از ان چهار رکعت و بهتر
از ان شش رکعت و بالاتر از ان هشت رکعت است چنانچه در خبر صحیح
فرمودند بیست و هفتم خواندن سوره یس در رکعت اوّل و سوره
الرحمن در رکعت دوّم اگر برای ان زیارتیکه میخوانند کیفیت مخصوص
ذکر نفرموده باشند و انچه گفتیم ظاهر خبر طولانی ابو حمزهٔ ثمالی
است که در هر نماز زیارت بادیت چنین کند بیست و هشتم خواندن
دعا بعد از نماز زیارت بانچه در ان زیارتیکه خوانده وارد
شد یا دعای مخصوصی بانحو یا انچه خواندن ان در حرم هر امامی
مستحب است و انچه خواسته از حاجات برای خود و برای اخوان
مؤمنین بهر زبانی که داند از خداوند بخواهد بیست و نهم خواندن
مقداری از قران و هدیه کردن مقداری از ان بروح مقدس
صاحب ان مرقد شریف چنانچه شهید اوّل ره در دروس تصریح
فرموده سیم تقدیم نماز واجبی بر نماز زیارت اگر بعد از دخول
در حرم دید جماعت منعقد شده و نماز هم نکرده و اگر مشغول زیارت
بود که صدای قد قامت الصلوة را شنید زیارترا ترک کند و مشغول
نماز جماعت شود و هم چنین اگر داخل در حرم شد و وقت داخل شده
و نماز نکرده و انتظار جماعتی نیز ندارد باز نماز را مقدم بدارد پس

ازان مشغول زیارت شود چه ادای حق خداوند مقدمست برادای
حق امام و لذا بیجا فروع متعدده است که ذکران مناسب این مختصر
نیست سی و یکم زیارت کردن برای پدر و مادر و احیا و اقارب
و به نیابت ایشان سلام کردن و برای ایشان طلب مغفرت نمودن
و کیفیت زیارت و نیابت در اخر خاتمه خواهد امد انشاء الله تعالی
سی و دوم طواف نمودن دور ضریح مقدس و مراد از طواف مجرد
دور ضریح گشتن است نه ان طواف معروف که هفت بار با خصوصیات
بسیار دور کعبه معظمه باید گشت چه ان از عبادات مخصوصه ان
بقعهٔ شریفه معظمه است باستقلال یا در ضمن حج و عمره و مشروع
نیست در غیر ان محل هرچند بسیار معظم باشد و اما مجرد گشتن
۲ طواف دور ضریح که انرا در لغت نیز گویند پس رجحان ان و شمردنش از اداب
بجهة چند خبر است اول ثقة الاسلام کلینی ره روایت کرده از
محمد بن ابی العلا گفت بغداد انکه با یحیی بن اکثم قاضی بغداد مناظره
کردم و از او از علوم ال محمد ع پرسیدم شنیدم گفت روزی داخل
شدم و طواف میکردم دور قبر رسول خدا ص که دیدم امام جواد محمد
بن علی الرضا ع را که طواف میکند بان قبر مطهر پس با او مناظره کردم
الخ دوم شیخ جلیل علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود و شیخ طبرسی در

کتاب

صح سیم [illegible]

این سطر حاشیه است

کتاب احتجاج بسند معتبر روایت کرده اند از حضرت صادق ع حدیثی طولانی
در قصه فدک و در آخر آن مذکور است که پس فاطمه ع داخل مسجد
شد و دور قبر پدر بزرگوارش طواف کرد در حالتیکه میگریست و میفرمود
انا فقدناک فقد الارض وابلها الخ سیم در زیارت معتبره جامعه معروفه
بزیارت ائمة المؤمنین که آنرا شیخ مشهدی و ابن طاوس در مزار خود روایت
کرده اند بعد از ذکر جمله از مصائب و رزایای ایشان دارد پس قبر را
ببوس و بگو بابی وامی یا آل المصطفی انا لا نملک الا ان نطوف حول
مشاهدکم و نعزی فیها ارواحکم الخ پدر و مادرم فدای شما ای
اهل بیت پیغمبر ما را قدرت و توانائی بر چیزی نیست یعنی بر طلب
خون شما و هلاک کردن ظالمین و دشمنان شما همان توانیم که دور
قبر شما بگردیم و ارواح مقدسه شما را تسلی دهیم و تعزیه گوئیم چهارم
گذشت در زیارت مخصوصه حضرت سید الشهداء ع در اول رجب
و نیمه شعبان که فرموده اند پس از تمام شدن زیارت پس
دور ضریح بگرد و چهار جانب آنرا ببوس و اینمقدار کافیست انشاء الله
تعالی برای آنچه گفتیم و شیخ حر ره در کتاب مزار وسائل منع فرموده
از طواف بقبر و خبری در نهی از آن نقل کرده و ما در کتاب مستدرک
واضح نمودیم که مراد از طواف در خبر ایشان تخلی کردن بر قبر است

که یکی از معانی لغویه او است ولهذا فقهاء انرا در ابواب اداب تخلی ذکر نموده اند مخفی نماند که رعایت این ادب در حرم کاظمین وحرم عسکریین و مشهد حضرت رضا محذوری ندارد اما در حرمین شریفین نجف وکربلا پس مزاحمی دارد که رعایت ان اهم است اما در اول پس بملاحظه قبر سر مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین که گذشت در اخبار کثیره که محل ان پای سر است وموضع ان معلوم نیست بلکه محتمل است از حرم بیرون باشد ولکن چون پا گذاشتن بر ان بامعلومیت حرام واز افراد واضحه اهانت واستخفافست لهذا در صورت اشتباه مرجوح وبمقتضای احتیاط عبور از انجا شایسته نیست که مبادا بنادانی دران محذور بزرگ بیفتند ولهذا علماء راسخین واتقیاء راشدین از انطرف عبور نکنند بلکه بعضی از ایشان از صحن از طرف بالا سر نگذرند وبعضی اگر عبور کنند پا را برهنه نمایند و اما در دوم پس بجهة قبور شهداء رضوان الله علیهم وبعضی از خبر چهارم که مختص بکربلا بود توهم کرده اند که امر بر گشتن دور ضریح وبوسیدن ان از چهار جانب نشود مگر بعد مرور از قبور شهداء واین شخص جاهل گویا ندانسته که مراد از ضریح در لغت عرب ودر اخبار قبر است وگاهی در این شباک متعارف که بفارسی

ضریح میگویند استعمال نشده و در سابق برای قبر مطهر و قبر علی
بن الحسین ع شباکی نبود بلکه بقعهٔ کوچکی بود که در بعضی اخبار تعبیر
فرموده اند از ان بسقیفه و برای سایر شهداء سقیفه بود علاحده و چون
از زیارت حضرت فارغ میشدند از انسقیفه بیرون می‌امدند
انگاه داخل در سقیفه شهداء میشدند و در زیارت مخصوصه عرض گذشت
که فرموده اند بعد از فراغ از زیارت انحضرت ثم اخرج من الباب الذی
عند رجلی علی بن الحسین فتوجه هناك الی الشهداء و زرهم انگاه
بیرون بیا از ان دریکه در زیر پای علی بن الحسین علیه السلام است
پس رو بانجا و بشهدا کن و ایشانرا زیارت کن و چون قبر مطهر در
انوقت معلوم و حد او حد قبور انها نیز معلوم پس در گردیدن بدور
قبر حضرت ابدا محذوری نبود و چون ان بنا خراب شد و وضع تغیر
کرد و قبر علی بن الحسین ع جدا شد از قبر منور و قبور شهداء و ان ممر
بسته شد و شباکی باین عظمت برد و راین دو قبر احاطه کرد جائی برای
امتثال ان امر نماند و بگردیدن بدور این ضریح موجود اگرچه طواف
است بدور قبر مطهر و لکن محذوری ندارد الا انکه زدن بقبور شهدا را
دارد و خبر گذشته بملاحظه انچه گفتیم دفع انرا نکند سی و سیم با موزه
وکفش و امثال ان داخل در حرم مطهر نشدن سی و چهارم ترک نمودن سخنان

سخنان ناشایسته وکلمات لغو وبیهوده واشتغال بصحبتهای دنیوی
که همیشه در هرجا مذموم وقبیح ومانع رزق وجالب قساوت قلب
است خصوص در این بقاع مطهره وقباب سامیه که خدا تعالی خبر
میدهد از بزرگی مقامش وجلالت شانش در کلام مجید خود که فی
بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال
رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة
یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا
ویزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیر حساب وما در کتاب کلمه
طیبه توضیح نمودیم که خانهای مذکوره خاصه خانهای ایشان است
در حیات ومشاهد شریفه ایشانست بعد از وفات واگر مراد بیوت
انبیاء واوصیا باشد باید داخل باشند پس مراد آنی را که خدا تعالی
ایشانرا مدح نموده وعمل ایشانرا در آنها بیان نموده زائرین ومجاورین
باشند که در این مشاهد شریفه مشغول ذکر خداوند باشند بر تسبیح
وتقدیس وسایر عبادات مناسب بمقام که ذکر خداوند در آنها است
تمام انها را ونیز امر فرموده که اینها را بر پا داشتن وبلند مرتبه انگاشته
که یاد کنند ذکر آنها خدا تعالی را پس هر کس که در آنها مشغول شود بغیر
عبادت امتثال این فرمان الهی نکرده واز حوزه عصابه مهتدیه

رجال لاتلهیهم بیرون رفته و از فیض جزای وافر بحساب خود را محروم
نموده و اخر کارش بجائی رسد که داخل در ایات بعد از ان ایات شود
که شرح ان طولی دارد و در مذمت صحبت امود دنیویه و کلمات
بیهوده در خصوص مساجد اخبار بسیار رسیده و مشاهد شریفه
شریکست با ان در این احکام سوی بلند نکردن اواز خود در ان
مشاهد شریفه برای هر چه باشد چنانچه علامهٔ مجلسی ره و غیره تصریح
نموده اند و مستند قول خدا یتعالی است که فرموده یا ایها الذین امنوا
لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و لا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم
لبعض ان تحبط اعمالکم و انتم لا تشعرون ان الذین یغضون اصواتهم
عند رسول الله اولئك الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرة
واجر عظیم ای گروهیکه ایمان اورده اید بلند مکنید اواز خود را بالای
اواز پیغمبر ص و اواز خود را بلند مکنید برای انجناب بگفتار مانند
بلند کردن اواز بعضی از شما برای بعضی که مبادا هیچ و نابود شود
کردارهای شما بدرستیکه انانکه پست میکنند صداهای خود را
نزد رسول خدا ص ایشان کسانی اندکه ازموده است خدای تعم دل
ایشانرا برای پرهیزکاری از برای ایشان است امرزش گناهان و
مزدی بزرگ و ظاهر این چنان است که در محضر انور نبوی هنگام

سخن گفتن و سؤال کردن و جواب دادن چنان کند که آواز پست
تر باشد از آواز آنحضرت پس اگر برای جنابش بظاهر آوازی نباشد
مثل بعد از وفات پس این حکم برای آنکه در حضور قبر شریفش سخن
گویند نباشد زیرا که آوازی نیست تا آواز خود را از حد بلندی آن
آواز پست تر کنند ولکن شیخ کلینی ره در کافی بسند معتبر حدیثی
طولانی روایت کرده در وفات امام حسن ع و در آنجا مذکور است
که چون بر آنحضرت نماز کردند و داخل مسجد نمودند و نزد قبر رسول
خدا نگاهش داشتند و عایشه آمد و مانع شد از دفن کردن آنجنا
در آنجا گفت پسر خود را دور کنید از خانهٔ من که در او کسی دفن نمیشود
و پردهٔ عظمت و جلالت رسول خدا ص دریده نمیشود پس حضرت امام
حسین ع فرمود ای عایشه برادرم مرا امر نموده که او را نزد پدرش
رسول خدا ص برم که با او عهد خود را تازه کند و برادرم داناترین
مردم بود بحرمت خدا و رسول خدا ص و بمعنی کتاب خداوند از آن
داناتر بود که هتک حرمت رسول خدا کند زیرا که حقتعالی میفرماید
یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم و داخل
کردی تو در خانهٔ رسول خدا ص مرد از بی رخصت او و بتحقیق که خدا
فرموده یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی

تو و عمر برای پدر و دختر ابو بکر نزد قرش رسول‌خدا ص کلنکها زدید و حال
انکه خدای میفرماید انانکه صداها را اهسته و پست میکنند نزد
رسول‌خدا ص انها کسانی هستند که ازموده است خدا دل ایشانرا برای
پرهیزکاری و بجان خودم قسم که داخل کردی تو و عمر بر رسول‌خدا
صلی الله علیه و اله بنزدیکی ایشان ازارها و رعایت نکردید از
حق او و انچه خدا بان امر فرموده بود بر زبان پیغمبرش بدرستیکه
خدای حرام کرده است از مؤمنان در حال مردن ایشان انچه را
که حرام کرده در ... زندگی ایشان

مؤلف گوید مجلسی مرحوم در کتاب بحار و تحفه از این ایه و روایت
استظهار فرموده که بلند نمودن اواز در حرم مطهر نبوی و مشاهد
شریفه چه در زیارت و چه در غیر ان منهی و مذموم است و چه نیک
فرموده و این ادبیست خاص که در مرحله احترام و تعظیم رسول‌خدا
و ذریه طاهره اش کا بان امتیاز و اختصاص داده و پرده ناموس
برای تکریم و توقیر ایشان در میان شان گذاشته پس هرکه اواز را
بلند کند هرچند در عبادتی باشد که بلند نمودن افضل در ان
ممدوح باشد مانند اذان پرده ناموس الهی را دریده بلند نمودن
اواز در اذان مرغوب است اما در مکان مرتفع مثل مناره و بام

مساجد وامثال ان که این محذور و مزاحمت برایش نیست چنانچه
دراینجاست ونظیران انکه چشم پیغمبر یا امامی در خواب رفته جاهلی
برای نماز باواز بلند اذان کوید وخواب را ازچشم ایشان بیرون برد
وازاینجا معلوم میشود قباحت وشناعت انچه متعارف و مرسوم
شده درحرم مطهر علوی وبقعهٔ منورهٔ حسینی ع که دراوقات نماز
خصوص درصبح وشام جماعت بسیاری که کاه باشد عدد ایشان
زیاده باشد ازعدد کوش کنندکان بغایت بلندی اواز برخیزند
اذان کویند ودعا کنند وصداها درهم پیچد وفقرات اذان در
یکدیکر مخلوط شود عبادات محل را زوار ونمازکذاران ومتضرعین
وکریه کنندکان ازکار خود باز دارند وداخل در زمرهٔ صادقین
عن سبیل الله شوند وپاس حرمت نبوت وامامت را ازهم درند
وحکایت اذانراکه ازمستحبات اکیده است ازمیان برند چه سامعان
ندانند که کلام را حکایت کنند با این مفاسد وغیران کمان دارد ثوابی
برده وبفیض رسیده وحال انکه بایست ان ازمنکرات شرع
شمرده شود نه عبادات ودرموبقات داخل شود نه درقربات

سی وششم وداع کردن امام ع در وقت بیرون رفتن ان بارمان
حضرت بانچه ازایشان رسیده باداب یکه برای ان مقرر فرمودند

عبد... [illegible]

سی و هفتم بوسیدن زمین در روبروی امام ع شیخ صدوق در
کمال الدین روایت کرده که چون حضرت امام حسن عسکری ع وفات
کرد قافله از قم و اطراف ان با اموالیکه هر ساله رسم بود که برای
انجناب میبردند وارد شدند و چون بسر من رای رسیدند به
ایشان گفتند که انحضرت وفات کرده پس جعفر برادر انجناب ان
اموالرا از ایشان مطالبه کرد باو ندادند و بعد از نا امیدی چون
از بلد بیرون امدند بقصد مراجعت غلامی از پشت سر ایشانرا
صدا زد و نام یك یك از ایشانرا برد و گفت اجابت نمائید اقای
خود را یعنی شما را طلبیده پس نقلکرد برگشتن و دخول ایشانرا
بر امام عصر ع و بیان کردن انجناب وصاف و علامات ان اموالرا
تا اینکه راوی میگوید پس همه ما ها بروی زمین افتادیم برای شکر
خدا یتعالی که امام ما را بما شناسانید و زمین را در پیش روی
انحضرت بوسیدیم انگاه انچه خواستیم از جنابش پرسیدیم و جوابش
دادند و ظاهر خبر انستکه این عمل مرسوم بود و نهی نکردن ان
حضرت از ان عمل در ان محضر انور خالی از اغیار دلالت کند
بر جواز بلکه رجحان ان و دانستی که احترام مؤمن چه رسد بامام ع
در حال حیات و وفات فرقی نکند و نظیر اینخبر است انچه روایت

کرده شیخ صدوق ره نیز در کتاب عیون الاخبار از صفوان بن
یحیی که گفت ابو قره صاحب جاثلیق از من خواست که اورا نزد
حضرت رضا ع برسانم پس اذن خواستم فرمود بیاورش نزد من
پس چون داخل شد بر آنحضرت بوسید بساط آنجناب را و گفت در
دین ما یعنی دین عیسوی بر ما لازمست که چنین کنیم با اشراف زمان
خود و اگر در شرع ما جایز بلکه راجح نبود و نیز آنشخص در گفته خود
صادق نبود البته آنحضرت انکار میفرمود و این ادب از خصایص
این کتابست و مؤید این دو خبر است آنچه علامه مجلسی ره در بحار
از جمعی ثقات نقلکرده از قصه وزیر ناصبی حاکم بحرین که اناری
بحاکم داد که در پوست ان نقش بود لا اله الا الله محمد رسول الله
ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء الله و حاکم را وا داشت که شیعیان را
مخیر کنند میان سه چیز جواب از این برهان یا جزیه دادن بخواری یا
کشتن مردان و اسیر کردن زنان و نهب اموال پس شیعیان سه
روز مهلت خواستند و هر شب یکی از صلحاء میرفت بصحرا و
تضرع و انابه میکرد و متوسل میشد بامام عصر علیه السلام شب سیم
اصلح و اتقی و ازهد ایشان محمد بن عیسی با سر و پای برهنه بیرون
رفت و مشغول استغاثه شد تا آخر شب شرفیاب حضور مبارک

شد و تدلیس وزیر را بیان فرمود که قالبی از گل درست کرده به
شکل انار دو نصف وانکلمات را بران نقش نمود ودر خانه اش درخت
اناریست انار کوچکی را داخل دران قالب کرده چون بزرگ شد
انخط بران نقش بست وان قالب درمیان کیسه سفید نیست در
طاقچه فلانی در غرفه خانه باوزیر و حاکم بانجا رو وانرا بگیر بده بحاکم
وشاهد دیگر انکه چون انار را وزیر بشکافد دود وخاکستری از
ان بصورت وریش وخواهد رسید وچون محمد بن عیسی این کلام
معجزنشانرا ازانحضرت شنید شاد گردید ودر مقابل جنابش
زمین را بوسید وباسرور باهل خود برگردید تا اخر حکایت و
مجلسی فرموده این قصه نزد اهل بحرین معروفست وقبر محمد بن
عیسی نزد ایشان وانرا زیارت میکنند سی وهشتم بیرون امدن
ازحرم مطهر بقهقری و پشت نکردن بضریح مقدس باراحی و
اندک اندک تا انکه از نظر زائر غایب شود واین ادب علاوه برانکه
موافق [illegible] وتوقیر متعارف رعایا باملوکست درچند خبر معتبر
تصریح [illegible] بیرون رفتن از بلاد امامست پیش از
انتظار جمعه چنانچه [illegible] طوسی در تهذیب روایت کرده که هرکه
از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین بیرون رود پیش

ازانکه

انانکه انتظار روز جمعه را بکشد ندا کنند او را ملائکه که کجا میروی خدا تو را بر نکرده اند و علما از این خبر و احتمال داده اند یکی آنکه غرض کردن نماز روز جمعه باشد و این تهدید برای کسانی که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت کنند و انتظار نکشند که نماز جمعه را بکنند و بنابر این در این اعصار که در مشاهد مشرفه اقامه جمعه نمیشود از مسافرت پیش از ظهر روز جمعه از اینجهة نهی نباشد دوّم آنکه چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد که بفیوضات زیارت و ادعیهٔ شب و روز جمعه برسد پس در روز پنجشنبه از آن بلد بیرون نرود و احتمال اوّل اظهر است چه مطلق قصد مراجعت داشتن بحرم مطهر و عود بزیارت هر وقت که برگشت بمنزل خود مادام میکرد در آن مشهد شریف اقامه دارد چنانچه شهید و مجلسی و دیگران فرموده اند و از مستحبات شمرده اند و بعضی مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد امام ع دانستند و جمع هر دو ممکن و در کتاب حسین بن شریک مرویست که حضرت امام محمد باقر ع فرمود هر که از مکه بیرون بیاید و قصد نداشته باشد عود بآنجا را پس بتحقیق که اجلش و عذابش نزدیک شده و این فی الجمله تاییدی از دوّم میکند بجهة مشارکت کعبهٔ معظمه و مشاهد مشرفه در بسیاری

ازامثال این امور چهل ویکم بهتر کردن حال وکردار وکفتار
خودرا بعد ازفراغ اززیارت ازانچه دارا بود ازانها پیش اززیارت
چنانچه شهید ومجلسی وغیرایشان ذکرنمودند وفرمودند درحرم
مطهر توبه کند وعزم نماید برترك واین مطلب اکرچه ازاداب شمرده
شده ولکن بهترانکه ازعلامات ودلالات قبولی زیارات محسوب
دارند چنانچه درسایرعبادات مرغوبه مثل نماز وروزه وحج
چنین است چه اکرزائرزیارتش قبول نشود کناهانش امرزیده نه
شود وچون امرزیده وبی کناه شد البته اطوار وافعالش تغییر
کند لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة وشرح اینمقام طولانی
ورساله راکنجایش ان نیست ودراینجا بدوحدیث قناعت کنیم
در کتاب شریف جعفریات مرویست ازامیرالمؤمنین ع که رسول
خدا ص فرمود علامت قبول حج ترك نمودن بنده است کناهانی را
که بان مشغول بود ودرخبردیکرقریب بهمین مضمونرا فرمود وبعد
ازان فرمود واکربرکشت وبشدت مشغول شد بکارهائی که داشت
اززنا یاخیانت یامعصیت پس بتحقیق که حج اورا براو برکردانند
ودرکامل الزیارة مرویست ازمحمد بن مسلم که کفت عرض کردم خدمت
حضرت امام محمد باقر ع که چون مابزیارت حسین بن علی میرویم

ایا نه انستکه ما در حجیم فرمود بلی گفت گفتم پس بر ما لازم میشود انچه
بر حاجیان لازم میشود یعنی ترک نمودن انچه حاجیان بایست انرا
ترک کنند در حال احرام فرمود بر تو لازمست که نیکو مصاحبت
کنی با انکه رفیق تست و بر تو لازمست کم گفتن سخن مگر سخن خیر
و لازمست بر تو که یاد خداوند بسیار کنی و لازمست بر تو پاکیزه
کردن جامه و لازم است بر تو غسل پیش از انکه داخل حایر شوی
و لازمست بر تو خشوع و بسیار نماز کردن و صلوات بر محمّد و ال
محمّد بسیار فرستادن و باید خود را نگاه داری از کردن انچه سزا
وار تو نیست و باید که دیدهٔ خود را از حرام و شبهه بپوشانی و لازم
است ترا که احسان کنی بر فقراء برادران مؤمن خود اگر دیدی وا
مانده و با انها مواساة کنی و لازمست بر تو تقیّه که دوام دین باست
و پرهیز کاری از انچه ترا خدا یتعالی از ان نهی کرده و خصومت و بسیار
قسم خوردن و مجادله که در ان سوگند ها خورند پس چون چنین کردی
حجّه و عمره ات تمام میشود و مستحقّ شوی از جانب انکه طالب ثواب او شدی
بوسیلهٔ مالی که خرج کردی و غربتی که از اهل کشیدی و از ایشان دور
افتادی و شوق و رغبت بانچه بان راغب شدی یعنی زیارت ابی
عبدالله ع انکه برگردی با مغفرت و رحمت و خوشنودی خدا یتعالی

مؤلف گوید در فضایل و زیارت حضرت امیرالمؤمنین و امام رضا ع
نیز ذکر حج و عمره و افضلیت زیارت آن دو بزرگوار از آن دو عمل
شده و علاوه اغلب زوار مقصد اصلی ایشان از مسافرت بعراق
زیارت حضرت سید الشهداء ع است پس این خبر شامل زوار همه ائمه
عراق ع خواهد بود و بملاحظه خبر اول علامت قبولی زیارت بدست
خواهد رسید و متجاهرین بمعاصی خصوص متظاهرین از ایشان مثل
ریش تراشندگان که صورت بران ضریح مقدس مالند و باقی مانده
مو را تبرک کنند و هنوز از آن مشاهد شریفه بیرون نیامده صورت را
بدست دلاک دهند و آن موهای تبرک شده را در مزبله ریزند
و شرم نکنند فکری برای مال رفته و رنج کشیده خود کنند که از آن
زیارت جز خسارت در دنیا و آخرت محصولی ندارند چهل و دوم
انفاق کردن بقدر میسور و توانائی بر خادمان حقیقی آستانه مبارکه
یعنی آنانکه براستی مشغول خدمات لازمه اند از تنظیف و حراست
و محافظت زوار و غیر آن چنانچه شهید و مجلسی و دیگران تصریح
فرموده اند و آن دخلی باجرت زیارت نامه خوان ندارد و شرح این
مقام طولانی با این رساله مناسبت ندارد چهل و سیم انفاق و احسان
بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین از سادات و اهل علم و منقطعین

که بمرارت غربت وتنکدستی مبتلا و همواره علم تعظیم شعائر الله را
برپا نموده وبدر ایشان جهات عدیده است که ملاحظهٔ هریك از انها
کافیست در لزوم اعانت ورعایت وما انها را مشروحا در کتاب
کلمهٔ طیبه ذکر نمودیم بلکه غرض اصلی از تالیف انکتاب دستکیری
مجاورین است ودران فواید بسیار است که در هیچ کتابی یافت نه
شود امید بان رجوع نمایند وتکلیف خود را بالنسبة بایشان در
سفر زیارت بلکه در مراجعت نیز بدانند وبالله التوفیق

مقام دویم در زیارت جامعه وان بسیار است وما بذکر یك
جامعهٔ کبیره ودو جامعهٔ صغیره قناعت کنیم اما جامعهٔ کبیره
پس بدانکه شیخ جلیل نبیل شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین
روایت کرده از امام علی نقی ع بعد از ذکر صد تکبیر که ان بزرکوار انرا
چنین زیارت کنند السَّلامُ عَلَیکُم یا اَهلَ بَیتِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعَ
الرِّسالَةِ وَمُختَلَفَ المَلائِکَةِ وَمَهبِطَ الوَحیِ وَخُزّانَ العِلمِ وَمُنتَهَی الحِلمِ
وَمَعدِنَ الرَّحمَةِ وَمَأوَی السَّکینَةِ وَاُصُولَ الکَرَمِ وَقادَةَ الاُمَمِ
وَاَولِیاءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الاَبرارِ وَدَعائِمَ الجَبّارِ وَساسَةَ العِبادِ
وَاَرکانَ البِلادِ وَاَبوابَ الاِیمانِ وَاُمَناءَ الرَّحمنِ وَسُلالَةَ النَّبِیّینَ
وَصَفوَةَ المُرسَلینَ وَآلَ یس وَعِترَةَ رَسُولِ رَبِّ العالَمینَ وَرَحمَةُ

اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدٰى وَمَصَابِيحَ الدُّجٰى وَكُهُوفَ
الْوَرٰى وَبُدُورَ الدُّنْيَا وَاَعْلَامَ التُّقٰى وَذَوِي النُّهٰى وَاُولِي الْحِجٰى وَذُرِّيَّةَ
الْاَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلَ الْاَعْلٰى وَالدَّعْوَةَ الْحُسْنٰى وَوَرَثَةَ الْاَنْبِيَاءِ وَالْحُجَّةَ
عَلٰى مَنْ فِي الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
اَلسَّلَامُ عَلٰى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ وَمَشَاكِي نُورِ اللّٰهِ وَمَسَاكِنِ بَرَكَةِ اللّٰهِ وَمَعَادِنِ
حِكْمَةِ اللّٰهِ وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللّٰهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللّٰهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللّٰهِ وَوَرَثَةِ رَسُولِ
اللّٰهِ وَاَوْصِيَائِهِ وَذُرِّيَّتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
اَلسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ وَالْاَدِلَّاءِ عَلٰى مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَالْمُؤَدِّينَ عَنِ
اللّٰهِ وَالْقَائِمِينَ بِحَقِّ اللّٰهِ وَالنَّاطِقِينَ عَنِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي اَمْرِ
اللّٰهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللّٰهِ وَالصَّادِعِينَ بِاَمْرِ اللّٰهِ وَالثَّابِتِينَ فِي
مَحَبَّةِ اللّٰهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْرِ اللّٰهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ
لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ
الْحُمَاةِ وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللّٰهِ وَحِزْبِهِ وَخِيَرَتِهِ وَعَيْبَةِ
عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَعَيْنِهِ وَجَنْبِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ
لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ

اشهد

اشهد ان محمدا عبده المجتبى ورسوله المرتجى ونبيه المصطفى
وامينه المرتضى ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله ولو كره المشركون فصدع صلى الله عليه واله بامر ربه وبلغ
ما حمّله ونصح لامته وجاهد في سبيل ربه ودعا اليه بالحكمة
والموعظة الحسنة وصبر على ما اصابه في جنبه وعبده صادقا
حتى اتاه اليقين فصلى الله عليه واله واشهد ان الدين كما شرع و
الكتاب كما تلى والحلال كما احل والحرام كما حرم والفصل كما قضى
والحق كما قال والرشد كما امر وان الذين كذبوه وخالفوا عليه
وجحدوا حقه وانكروا فضله واتهموه وظلموا وصيه وحلوا
عقده ونكثوا بيعته واعتدوا عليه وغصبوا خلافته ونبذوا
امره فيه واسسوا الجور والعدوان على اهله وقتلوهم وتولوا غيرهم
ذائقوا العذاب في اسفل درك من نار جهنم لا يخفف عنهم من عذا
بها وهم فيه مبلسون ملعونون متعبون ناكسوا رؤسهم يعاينون الندا
مة والخزي الطويل مع الاذلين الاشرار قد كبوا على وجوههم في
النار وان الذين امنوا به وصدقوه ونصروه ووقروه وعزروه و
اتبعوا النور الذي انزل معه اولئك هم المفلحون في جنات النعيم
والفوز العظيم والثواب المقيم الكريم والغبطة والسرور والفوز

الكَبِيرِ فَجَزاهُ اللهُ عَنّا اَحْسَنَ الجَزاءِ وَخَيْرَ ما جَزى نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ وَ
رَسُولاً عَمَّنْ اُرْسِلَ اِلَيْهِ وَخَصَّهُ بِاَفْضَلِ قِسَمِ الفَضائِلِ وَبَلَغَهُ
اَعْلى مَحَلِّ شَرَفِ المُكْرَمِينَ مِنَ الدَّرَجاتِ العُلى فِي اَعْلى عِلِّيِّينَ فِي جَنّاتٍ
وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ وَاَعْطاهُ حَتّى يَرْضى
وَزادَهُ بَعْدَ الرِّضا وَجَعَلَهُ اَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مَجْلِساً وَاَدْناهُمْ اِلَيْهِ مَنْزِلاً
وَاَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جاهاً وَاَعْلاهُمْ لَدَيْهِ كَعْباً وَاَحْسَنَهُمْ اَتْباعاً وَاَوْفَرَ
الخَلْقِ نَصِيباً وَاَجْزَلَهُمْ حَظّاً فِي كُلِّ خَيْرٍ اللهُ قاسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَنَصِيباً وَاَحْسَنَ
اللهُمَّ مُجازاتِهِ عَنْ جَمِيعِ المُؤْمِنِينَ مِنَ الاَوَّلِينَ وَالاخِرِينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ
الاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ المَهْدِيُّونَ المَعْصُومُونَ المُكَرَّمُونَ المُقَرَّبُونَ
الصّادِقُونَ المُصْطَفَونَ المُطِيعُونَ لِلّٰهِ القَوّامُونَ بِاَمْرِهِ العامِلُونَ
بِاِرادَتِهِ الفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ وَاصْطَفاكُمْ لِنَفْسِهِ
وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ
بِهُداهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ
خُلَفاءَ فِي اَرْضِهِ وَجَعَلَكُمْ حُجَجاً عَلى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصاراً لِدِينِهِ وَحَفَظَةً
لِحِكْمَتِهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِسِرِّهِ وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكاناً
لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَداءَ عَلى خَلْقِهِ وَاَسْباباً اِلَيْهِ وَاَعْلاماً لِعِبادِهِ وَمَناراً
فِي بِلادِهِ وَسَبِيلاً اِلى جَنَّتِهِ وَاَدِلّاءَ عَلى صِراطِهِ عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ

بَرَّاكُم

وبرّاکم من العیوب وائتمنکم علی الغیوب وجنّبکم من الآفات ووقیکم
من السّیّئات وطهّرکم من الدّنس والزّیغ ونزّهکم من الزّلل والخطاء
واذهب عنکم الرّجس وطهّرکم تطهیرا وامنکم من الفتن واسترعاکم
الانام وعرّفکم الاسباب واورثکم الکتاب واعطاکم المقالید و
سخّر لکم ما خلق فعظّمتم جلاله واکبرتم شانه وهبتم عظمته ومجّدتم
کرمه وادمتم ذکره ووکّدتم میثاقه واحکمتم عقد طاعته و
نصحتم له فی السّرّ والعلانیه ودعوتم الی سبیله بالحکمة والموعظة
الحسنة وبذلتم انفسکم فی مرضاته وصبرتم علی ما اصابکم فی جنبه
وصدعتم بامره وتلوتم کتابه وحذّرتم باسه وذکّرتم بایّامه واو
فیتم بعهده واقمتم الصّلوة واتیتم الزّکوة وامرتم بالمعروف
ونهیتم عن المنکر وجادلتم بالّتی هی احسن وجاهدتم فی الله حقّ
جهاده حتّی اعلنتم دعوته وقمعتم عدوّه واظهرتم دینه وبیّنتم
فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم احکامه وسننتم سنّته وصرتم
فی ذلک منه الی الرّضا وسلّمتم له القضاء وصدّقتم من رسله من
مضی فالرّاغب عنکم مارق واللّازم لکم لاحق والمقصّر عنکم زاهق
والحقّ معکم وفیکم ومنکم والیکم وانتم اهله ومعدنه ومیراث
النّبوّة عندکم وایاب الخلق الیکم وحسابهم علیکم وفصل الخطاب

۲۷۰ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ مَعَكُمْ وَبُرْهَانُهُ

عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ نَازِلٌ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ

فَقَدْ عَادَى اللهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ

بِاللهِ أَنْتُمْ يَا مَوَالِيَّ نِعْمَ الْمَوَالِي لِعَبِيدِهِمْ أَنْتُمُ السَّبِيلُ الأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ

الأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ

وَالآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ

مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ وَمَنْ أَبَيكُمْ هَوَى إِلَى اللهِ تَدْعُونَ

وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَإِلَى

سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ وَإِلَيْهِ تُنِيبُونَ وَإِيَّاهُ تُعَظِّمُونَ

سَعِدَ وَاللهِ بِكُمْ مَنْ وَالاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَهِلَكُمْ وَضَلَّ

مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ

وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَيهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ

مَثْوَيهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَفِي

أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هٰذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ

لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَنْوَارَكُمْ وَأَشْبَاحَكُمْ وَسَنَاكُمْ وَظِلالَكُمْ وَأَرْوَاحَكُمْ

وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ جَلَّتْ وَعَظُمَتْ وَبُورِكَتْ وَقُدِّسَتْ وَطَابَتْ وَطَهُرَتْ

بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللهِ وَعِنْدَهُ فِي مَلَكُوتِهِ أَنْوَاراً تَأْمُرُونَ

وکذا

وَلَهُ تَخافُونَ وَاِيّاهُ تُسَبِّحُونَ وَبِعَرْشِهِ مُحْدِقُونَ وَبِهِ حافُّونَ حَتّى
مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ
تَوَلّى عَزَّ ذِكْرُهُ تَطْهيرَها وَرَضِيَ مِنْ خَلْقِهِ بِتَعْظيمِها فَرَفَعَها عَلى كُلِّ
بَيْتٍ قَدَّسَهُ وَاَعْلاها عَلى كُلِّ بَيْتٍ طَهَّرَهُ فِي السَّماءِ لا يُوازيها خَطَرٌ
وَلا يَسْمُو اِلى سَمائِهَا النَّظَرُ وَلا يَقَعُ عَلى كُنْهِهَا الْفِكَرُ وَلا يَطْمَحُ اِلى
اَرْضِهَا الْبَصَرُ وَلا يُغادِرُ سُكّانَهَا الْبَشَرُ يَتَمَنّى كُلُّ اَحَدٍ اَنَّهُ مِنْكُمْ وَلا
يَتَمَنَّوْنَ اَنَّكُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ اِلَيْكُمُ انْتَهَتِ الْمَكارِمُ وَالشَّرَفُ وَفيكُمُ اسْتَقَرَّتِ
الْاَنْوارُ وَالْعَظَمَةُ وَالْمَجْدُ وَالسُّودَدُ فَما فَوْقَكُمْ اَحَدٌ اِلَّا اللهُ وَلا اَقْرَبُ
اِلَيْهِ وَلا اَخَصُّ لَدَيْهِ وَلا اَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْكُمْ اَنْتُمْ سَكَنُ الْبِلادِ وَنُورُ
الْعِبادِ وَعَلَيْكُمُ الْاِعْتِمادُ يَوْمَ التَّنادِ كُلَّما غابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ اَوْ اَفَلَ
مِنْكُمْ عَلَمٌ اَطْلَعَ اللهُ عَلى خَلْقِهِ مِنْ عَقِبِ الْماضي خَلَفاً اِماماً وَنُوراً
هادِياً وَبُرْهاناً مُبيناً نَيِّراً داعِياً عَنْ داعٍ وَهادِياً بَعْدَ هادٍ وَ
خَزَنَةً وَحَفَظَةً لا يَغيضُ بِكُمْ غَوْرُهُ وَلا تَنْقَطِعُ عَنْكُمْ مَوادُّهُ وَلا يُسْلَبُ
مِنْكُمْ اِرْثُهُ سَبَباً مَوْصُولاً مِنَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنا
يُرْشِدُنا اِلَيْهِ وَيُقَرِّبُنا مِنْهُ وَيُزْلِفُنا لَدَيْهِ وَجَعَلَ صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ
وَذِكْرَنا لَكُمْ وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ وَعَرَّفَناهُ مِنْ فَضْلِكُمْ طَيِّباً
لِخَلْقِنا وَطَهارَةً لِاَنْفُسِنا وَتَزْكِيَةً لَنا وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا اِذْ كُنّا عِنْدَهُ

بكم مؤمنين مسومين وبفضلكم معروفين وبتصديقنا اياكم ٢٧٢
مشكورين وبطاعتنا لكم مشهورين فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين
وافضل شرف المشرفين واعلى منازل المقربين وارفع درجات
المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق
ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل
ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل
ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد
ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفه جلالة امركم وعظم خطركم عرفهم خ ل
وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقالكم وثبات مقامكم وشرف
محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب
منزلتكم منه بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي واسرتي يا
سادتي وائمتي اشهد الله واشهدكم اني بكم مؤمن وبما امنتم به مؤمن بكم خ ل
كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم عارف بضلالة من
خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم
لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم
مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم مقتد بكم
محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم

٢٢٣ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ اٰخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ
زَائِرٌ لَكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ مُتَقَرِّبٌ
إِلَيْهِ بِمَحَبَّتِكُمْ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَمَسْئَلَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي
وَمُتَوَسِّلٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي
مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَ
مُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَ
قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يُحْيِيَ اللّٰهُ
تَعَالٰى دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ
فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَالَيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا
تَوَالَيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ
وَالطَّاغُوتِ وَأَوْلِيَائِهِمْ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمْ وَالظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَا
حِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ دِينِكُمْ وَوِلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ
وَالشَّاكِّينَ فِيكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ
سِوَاكُمْ وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَثَبَّتَنِيَ اللّٰهُ أَبَدًا مَا
حَيِيتُ عَلٰى مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ
رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ وَالتَّابِعِينَ إِلٰى مَا
دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي

بهديكم

يهديكم ويحشرني في زمرتكم ويكرّني في رجعتكم ويملّكني في دولتكم
ويشرّفني في عافيتكم ويمكّنني في ولايتكم ويمكّنني في ايّامكم وتقرّ
عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامّي ونفسي واهلي ومالي واسرتي انتم ل ح
من اراد الله بدأ بكم ومن وحّده قبل عنكم ومن قصده توجّه
بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ولا من
الوصف قدركم لانّكم نور الانوار وخيرة الاخيار وهداة
الابرار وحجج الجبّار بكم فتح الله وبكم ختم الله وبكم ينزّل
الغيث والرحمة وبكم يمسك السماء ان تقع على الارض الّا
باذنه وبكم ينفّس الهمّ ويكشف الضرّ وعندكم ما نزلت به رسله
وهبطت به ملائكته والى جدّكم بعث الروح الامين واگر زيارت
امير المؤمنين ع باشد بجاى والى جدّكم بعث الروح الامين بگو
والى اخيك بعث الروح الامين پس بگو وبمفتاح منطقكم نطق
كلّ لسان وبكم يسبّح القدّوس السبّوح وبتسبيحكم جرت الالسن
بالتسبيح والله بمنّه اتيكم ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كلّ
شريف لشرفكم وبخع كلّ متكبّر لطاعتكم وخضع كلّ جبّار لفضلكم
وذلّ كلّ شيء لكم واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون بولا
يتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن

الرَّحْمٰنِ بِاَبِیْ اَنْتُمْ وَاُمِّیْ وَنَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ ذِکْرُکُمْ فِی الذَّاکِرِیْنَ
وَاَسْمَائُکُمْ فِی الْاَسْمَاءِ وَاَجْسَادُکُمْ فِی الْاَجْسَادِ وَاَرْوَاحُکُمْ فِی الْاَرْوَاحِ
وَاَنْفُسُکُمْ فِی النُّفُوْسِ وَاٰثَارُکُمْ فِی الْاٰثَارِ وَقُبُوْرُکُمْ فِی الْقُبُوْرِ فَمَا اَحْلٰی
اَسْمَائَکُمْ وَاَکْرَمَ اَنْفُسَکُمْ وَاَعْظَمَ شَاْنَکُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَکُمْ وَاَوْفٰی عَهْدَکُمْ
وَاَصْدَقَ وَعْدَکُمْ کَلَامُکُمْ نُوْرٌ وَاَمْرُکُمْ رُشْدٌ وَوَصِیَّتُکُمُ التَّقْوٰی
وَفِعْلُکُمُ الْخَیْرُ وَعَادَتُکُمُ الْاِحْسَانُ وَسَجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ وَشَاْنُکُمُ الْحَقُّ
وَکَلَامُکُمُ الصِّدْقُ وَطَبْعُکُمُ الرِّفْقُ وَقَوْلُکُمْ حُکْمٌ وَحَتْمٌ وَرَاْیُکُمْ عِلْمٌ
وَحِلْمٌ وَکَرَمٌ وَاَمْرُکُمْ عَزْمٌ وَجَزْمٌ اِنْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ اَوَّلَهٗ وَاٰخِرَهٗ وَاَصْلَهٗ
وَفَرْعَهٗ وَمَعْدِنَهٗ وَمَاْوٰیهُ وَاِلَیْکُمْ مُنْتَهَاهُ بِاَبِیْ اَنْتُمْ وَاُمِّیْ وَنَفْسِیْ وَاَهْلِیْ
وَمَالِیْ کَیْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِکُمْ وَاُحْصِیْ جَمِیْلَ بَلَائِکُمْ بِکُمْ اَخْرَ
جَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَاَطْلَقَ عَنَّا رَهَائِنَ الْغِلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْکُرُوْبِ
وَاَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَکَاتِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ بِاَبِیْ اَنْتُمْ وَاُمِّیْ وَ
نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ بِمُوَالَاتِکُمْ عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعَالِمَ دِیْنِنَا وَاَصْلَحَ مَا
کَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیَانَا وَبِمُوَالَاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ
ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوَالَاتِکُمْ تُقْبَلُ الْاَعْمَالُ وَلَکُمُ الطَّا
عَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَالْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالدَّرَجَاتُ الرَّفِیْعَةُ وَالْمَکَانُ الْمَحْمُوْدُ
وَالْمَقَامُ الْمَعْلُوْمُ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِیْمُ وَالشَّاْنُ الْکَبِیْرُ وَ

وَالشَّفاعَةَ المَقبُولَةَ رَبَّنا آمَنّا بِما اَنزَلتَ وَاتَّبَعنَا الرَّسُولَ فَاكتُبنا مَعَ
الشّاهِدينَ رَبَّنا لا تُزِغ قُلُوبَنا بَعدَ اِذ هَدَيتَنا وَهَب لَنا مِن لَدُنكَ
رَحمَةً اِنَّكَ اَنتَ الوَهّابُ سُبحانَ رَبِّنا اِن كانَ وَعدُ رَبِّنا لَمَفعُولاً
پس بنید از خود را بر ضریح و انرا ببوس و بگو یا وَلِیَّ اللهِ اِنَّ بَینی وَ
بَینَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً کَثیرَةً لا یَأتی عَلَیها اِلّا رِضاکُم فَبِحَقِّ
مَنِ ائتَمَنَکُم عَلی سِرِّهِ وَاستَرعاکُم اَمرَ خَلقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَکُم بِطاعَتِهِ
لَمّا استَوهَبتُم ذُنُوبی وَکُنتُم شُفَعائی اِلَی اللهِ تَعالی فَاِنّی لَکُم مُطیعٌ
مَن اَطاعَکُم فَقَد اَطاعَ اللهَ وَمَن عَصاکُم فَقَد عَصَی اللهَ وَمَن اَحَبَّکُم فَقَد
اَحَبَّ اللهَ وَمَن اَبغَضَکُم فَقَد اَبغَضَ اللهَ پس بلند کن دستهای خود را بسوی
اسمان و بگو اَللّهُمَّ اِنّی لَو وَجَدتُ وَسیلَةً اَقرَبَ اِلَیکَ مِن مُحَمَّدٍ وَاَهلِ
بَیتِهِ الاَخیارِ الاَئِمَّةِ الاَبرارِ عَلَیهِ وَعَلَیهِمُ السَّلامُ لَجَعَلتُهُم شُفَعائی
اِلَیکَ اَللّهُمَّ بِحَقِّهِمُ الَّذی اَوجَبتَ لَهُم عَلَیکَ اَسأَلُکَ اَن تُدخِلَنی فی
جُملَةِ العارِفینَ بِهِم وَبِحَقِّهِم وَفی زُمرَةِ المَرحُومینَ بِشَفاعَتِهِم اِنَّکَ اَنتَ
اَرحَمُ الرّاحِمینَ

مؤلف گوید این زیارت همان زیارت جامعهٔ کبیرهٔ معتبرهٔ معروفه
مرویه از همان امام همام امام علی نقی علیه السّلم است با زیادت

در مواضع

در سواضع وظاهر این جامعۀ معروفه مختصری باشد ازان واین اختصار
میشود از خود ان امام بزرگوار باشد باینکه ببعضی اصحاب طولانیرا
القا فرمودند وبدیگری ان مختصر را ومیشود اذنی مخصوص داده
باشند درخصوص اینمورد یا مطلق زیارات وادعیه مطوله وخبرهای
طولانی که خود علمای روات انهارا بنحویکه اختلالی پیدا نشود در
متن خبر مختصر کنند واین احتمال اقربست در نظر حقیر زیراکه نظایر
برای این دو جامعه در طول واختصار در بین اخبار مکرر دیده
شده مثل خبر شریف هفتاد حق که برادمیست وباید از عهدۀ بر
انها براید وانرا ابوحمزۀ ثمالی از حضرت امام زین العابدین ع روایت
کرده وکتاب ابوحمزه که در احوالش نوشته اند همین یکحدیث حقوق
است واین خبررا شیخ صدوق در کتاب خصال وکتاب فقیه روایت
کرده ونیز شیخ کلینی ره در کتاب رسائل الائمة ع وحسن بن
علی بن شعبة در کتاب تحف العقول روایت نمودند با زیادتی
بر خبر صدوق بقدر ثلث تقریبًا ومثل خبر زندیق که خدمت حضرت
امیر المؤمنین ع عرضکرد اگر در قران ایات متناقضه نمیداشت
اسلام می اوردم فرمودند که انها کدامست پس دسته دسته
از انها را عرض میکرد وجواب میشنید واین خبر طولانی را

شیخ صدوق قدّه در کتاب توحید روایت کرده ونیز انرا شیخ طبرسی
در کتاب احتجاج نقلکرده با زیادتی بسیار که شاید بقدر ثلث الخبر
شود ومثل اعمال کوفه معروفه وانچه ما بحمد الله تعالی پیدا کردیم
در رساله سلامة المرصاد نقل نمودیم ودر زیاده ونقصان
قریب بان دو خبراست ونظایران که بر اهل خبره مخفی نیست
بهرحال اگران صد تکبیر اوّل را بان ترتیب زیارت جامعه
معروفه بجوا ند بهتراست که سی از انرا در وقت دیدن ضریح
مقدّس وسی از انرا بعد از رفتن چند قدم بایستد وبگوید و
چهل دیگر وا چون بمقام زیارت رسید ودر اینجا نکته مختصریست
که ناچاریم از ذکران وان انست که شیخ جلیل محمّد بن المشهدی
در مزار خود زیارت جامعه معروفه را نقل کرده باسناد
متصل تا بشیخ صدوق وازاو بسند یکه انمرحوم دارد ودر
تمام فقرات مطابق است باروایت صدوق جز انکه بعد از فقره
السلام علی ءال معرفة الله این فقره ومشاکی نور الله را دارد
وبعد از ان مطابق است تا اخرو دانستی که این فقره در جامعه
طویله نیز هست پس معلوم میشود این فقرهٔ شریفه از قلم شیخ
صدوق ساقط شده وجزو جامعه معروفه است واگر خود

شیخ مختصر کرده باشد از قلم ناسخ فقیه افتاده بهرحال زائرین بعد
از مطالعه اینمقام ان فقره شریفه را البتّه داخل نموده در وقت
خواندن جامعهٔ معروفه انرا خواهند خواند و امّا دو جامعهٔ صغیره
پس اوّل ان زیارت امین الله است که بنصّ صریح امام عصر صلوات الله علیه
الله علیه افضل و اکمل زیاراتست چنانچه کذشت وجملهٔ از علما
مثل علاّمهٔ مجلسی و دیکران نیز تصریح کرده اند که این زیارت
بحسب سند و اعتبار و الفاظ متن صحیح ترین و کاملترین زیا
راتست و این زیارت مذکور است باسانید عدیده در زیارات
مطلقه حضرت امیر المؤمنین ع و در مخصوصهٔ روز غدیر و در
زیارات جامعه و در انها فی الجمله اختلافیست در زیادتی و
نقصان و اختلاف کلمات وما بذکر یك روایت قناعت کنیم
جعفر بن محمّد بن قولویه در کامل الزّیاره روایت کرده باسنادی
معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السّلم که انجناب زیارت
کرد قبر امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب را و ایستاد نزد قبر پس کریست
انکاه کفت اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمینَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ اَشْهَدُ
اَنَّكَ جاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ عَمِلْتَ بِکِتابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ

معلوم است که در باب ... از ان ... نقل فرموده ... کاظمین علیهما السلام ... مفصل از ان ... حکایت ... جنة المأوی

نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللهُ اِلى جِوارِهِ وَقَبَضَكَ
اِلَيْهِ بِاِخْتِيارِهِ لَكَ كَريمَ ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ فى قَتْلِهِمْ
اِيّاكَ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسى
مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضاۤئِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعاۤئِكَ
مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِياۤئِكَ مَحْبُوبَةً فى اَرْضِكَ وَسَماۤئِكَ صابِرَةً
عَلى نُزُولِ بَلاۤئِكَ شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعْماۤئِكَ ذاكِرَةً لِسَوابِغِ
آلاۤئِكَ مُشْتاقَةً اِلى فَرْحَةِ لِقاۤئِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِيَوْمِ جَزا
ئِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِياۤئِكَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْداۤئِكَ مَشْغُولَةً
عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَناۤئِكَ پس پهلوى روى مبارك خود را
بر قبر گذاشت وگفت اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ اِلَيْكَ والِهَةٌ وَ
سُبُلَ الرّاغِبينَ اِلَيْكَ شارِعَةٌ وَاَعْلامَ الْقاصِدينَ اِلَيْكَ واضِحَةٌ
وَاَفْئِدَةَ الْعارِفينَ مِنْكَ فازِعَةٌ وَاَصْواتَ الدّاعينَ اِلَيْكَ
صاعِدَةٌ وَاَبْوابَ الْاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ
مُسْتَجابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكى مِنْ
خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْاِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْاِ
عانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ وَ
زَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ وَاَعْمالَ الْعامِلينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ

وارزاق

۲۸ وَاَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ وَعَوائِدَ الْمَزيدِ اِلَيْهِمْ واصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوائِزَ السّائِلينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوائِدَ الْمَزيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائي وَاقْبَلْ ثَنائي وَاَعْطِني جَزائي وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ اَوْلِيائي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائي وَمُنْتَهى مُنايَ وَغايَةُ رَجائي في مُنْقَلَبي وَمَثْوايَ اَنْتَ اِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ اغْفِرْ لِاَوْلِيائِنا وَكُفَّ عَنّا اَعْدائَنا وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ اَذانا وَاَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا وَاَدْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلى اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

مؤلفگوید در جملهٔ از روایات این زیارت شریفه وافئدة العارفین منك مضبوط شده ودر بعضی از آنها وافئدة الرّافدین الیك ثبت شده وبنابر نسخهٔ اوّل فازعة بازای معجمه وعین مهمله از فزع بمعنی هول وترس است یعنی دلهای عارفین از تو ترسان وهراسان است چه هر کس معرفتش بیشتر است خوف وخشیتش زیادتر است وبنابر نسخهٔ دوّم فارغة باراء بی نقطه وغین بانقطه است از فراغ بمعنی تهی وخالی یعنی دلهای وارد شوندگان بر تو

تهی

تهی وپرداخته شده ازیاد غیر از هر غم واندوهی زیراکه میدانند
که تو بحال ایشان میرسی وایشانرا نبایست در فکر خویشتن بودن
با انکه از لذّت بورود بخدمت جنابت شاد واز هر اندوه وهمّ
تهی وازادند ومخفی نماند که اوّل این زیارت بملاحظهٔ سایر روایا
السّلام علیک یا امین الله است وان سلام اوّلرا که حضرت سجّاد
علیه السّلم در زیارت امیر المؤمنین ع افزود زائر در زیارت
باقی ائمّه علیهم السّلام نخواند اوّلا بجهة نبودن ان در خبریکه انرا
از جامعه محسوب داشته وثانیًا بجهة اختصاص این لقب شریف
بان وجود مقدّس وحرمت نامیدن احدی از امامان یا غیر ایشانرا
باین اسم که در حیات رسولخدا ص از جانب ربّ العزّة جبرئیل مامور
شد که انجنابرا باین لقب بخواند وبراو سلام کند واو اوّل کسی
است که برانحضرت باین لقب سلام کرد وحذیفه شنید ورسول
خدا ص مامور شد که اعلام کند سایرین را که انحضرت را سلام
کند باین لقب در شرح طولانی که اصل ان در ارشاد القلوب
دیلمی است ودران فواید بسیار است واَمّا جامعهٔ صغیرهٔ دوّم
پس بدانکه عالم جلیل شیخ شرف الدّین نجفی تلمیذ محقق ثانی رحمهما
الله در کتاب شریف تاویل الایات الباهرة در سورهٔ مبارکهٔ نحل

در ذیل ایهٔ شریفه واوحی ربّك الی النحل این زیارترا ازمزار بکردر
خزانه عامرهٔ غروی دیده بود نقل کرده اللّهمّ صلّ علی القبّة الها
شمیّة والمشکوة الباهرة النبویّة والدّوحة المبارکة الاحمدیّة
والشجرة المیمونة الرّضیّة الّتی تنبع بالنبوّة وتفرع بالرّسالة وتثمر (تنبع)
بالامامة وتغذی ینابیع الحکمة وتسقی من مصفّی العسل والماء
العذب الغدق الّذی فیه حیوة القلوب ونور الابصار الموحی (الجنة)
الیه باکل الثمرات واتّخاذ البیوتات من الجبال والشجر وممّا
یعرشون لسالك سبل ربّه الّتی من رام غیرها ضلّ ومن (سبل)
سلك سواها هلك یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للنّاس

مؤلفگوید عالم مذکور بعدازذکران ایهٔ شریفه چندخبر معتبر
نقلکرده در تاویل ان باینکه مراد از نحل ائمّه اطهار است و
جبال واشجار وعروش مذکور دران که بایست نحل درانها
منزل گیرد شیعیان ایشانند ازعرب وعجم وعسل انواع علوم
ایشان است که درانها شفا است ازامراض قلوب پس ازان
فرموده وتایید میکند ان اخبار را انچه دیدم تا اخرانچه گذشت
وواضح است که زیارات ان مزار یاخصوص این زیارت اگر ماثور

نبود از ائمهٔ ہم چنین عالمی ان اخبار معتبره را بان تایید نمیکرد بلکه
مضامین عالیه وکلمات بلیغهٔ ان خود گواهی است صادق و
شاهدیست ناطق برصدوران از ینابیع حکمت وبیوت طهارت
وشدّت حلاوت ان در لسان اهل بینش ومعرفت نیز خبر
دهد از بودن ان ازان عسل مصفّی وشهد منقّی که دران است
شفاء امراض صدور وانواع اسقام قلوب والله العالم

مقام سیّم در بعضی از ادعیه مرویّه که در همه مشاهد شریفه
بعد از زیارت بایست خواند وان بسیار است واحسن انها
بحسب اعتبار ومضامین این دعا است اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ
ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْ دُعَائِي عَنْكَ وَحَالَتْ
بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتَنْشُرَ
عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَتُنْزِلَ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ وَاِنْ كَانَتْ مَنَعَتْ اَنْ
تُرْفَعَ لِي اِلَيْكَ صَوْتًا اَوْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا اَوْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَةٍ
مُهْلِكَةٍ فَهَا اَنَا ذَا مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ مُتَوَسِّلٌ
اِلَيْكَ مُتَقَرِّبٌ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ وَاَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ وَاَوْلٰ
هُمْ بِكَ وَاَطْوَعِهِمْ لَكَ وَاَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَمَكَانًا عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ وَبِعِتْرَتِهِ
الطَّاهِرِينَ الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَى خَلْقِكَ

طاعتهم وامرت بمودّتهم وجعلتهم ولاة الامر من بعد رسولك صلى
الله عليه واله يا مذلّ كلّ جبّار عنيد ويا معزّ المؤمنين بلغ مجهودي
فهب لي نفسي الساعة رحمة منك تمنّ بها عليّ يا ارحم الراحمين
انگاه قبر مطهر را ببوس و دو طرف رخسار خود را بر ان بمال و بگو
اللهمّ انّ هذا مشهد لا يرجو من فاتته فيه رحمتك ان ينالها في
غيره ولا احد اشقى من امرئ قصده مؤمّلا فاب عنه خائبا اللهمّ
انّي اعوذ بك من شرّ الاياب وخيبة المنقلب والمناقشة عند الحساب
وحاشاك يا ربّ ان تقرن طاعة وليّك بطاعتك وموالاته
بموالاتك ومعصيته بمعصيتك ثمّ تؤيس زائره والمتحمّل من بعد
البلاد الى قبره وعزّتك يا ربّ لا ينعقد على ذلك ضميري اذ
كانت القلوب اليك بالجميل تشير انگاه بگو يا وليّ الله انّ بيني و
بين الله عزّ وجلّ ذنوبا لا ياتي عليها الّا رضاك فبحقّ من ائتمنك
على سرّه واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموا
لاتك بموالاته تولّ صلاح حالي مع الله عزّ وجلّ في عتق رقابهم
وترغب اليه في حسن ثوابهم وها انا اليوم بقبرك لائذ وبحسن
دفاعك عنّي عائذ فتلافني يا مولاي وادركني واسئل الله عزّ
وجلّ في امري فانّ لك عند الله مقاما كريما وجاها عظيما صلّى

الله علیك وسلم تسلیماً آنگاه قبر مطهر را ببوس و روی بقبله کن و دو دست را بلند کن و بگو اللهم إنك لما فرضت علیّ طاعته وأكرمتني بموالاته علمت أنّ ذلك لجلیل مرتبته عندك ونفیس حظه لدیك ولقرب منزلته منك فلذلك لذت بقبره لواذ من یعلم أنك لا تردّ له شفاعة وقدیم علمك فیه وحسن رضاك عنه ارض عنّي وعن والدیّ ولا تجعل للنار علیّ سلطاناً ولا سبیلاً برحمتك یا أرحم الراحمین

مؤلف گوید بهتر آنست که زائر چون خواهد در مشاهد مشرفه دعا کند بلکه هر دعا کننده در هر کجا باشد برای هر مطلبی که خواهد مقدّم دارد برای خود دعای برای سلامتی وجود مبارك امام عصر صاحب الزّمان صلوات الله علیه را و اینمطلب بسیار مهمّ و ما در باب دهم کتاب نجم ثاقب مشروحاً ذکر نمودیم با فوائد نافعه و ادعیه مخصوصه مختصر ترین آنها که فرموده‌اند در همه ایّام در هر حالت که باشی نشسته یا ایستاده در رکوع یا در سجود باید بخوانی بعد از حمد خداوند تبارك و تعالی و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله آنکه بگوئی اللهم کن لولیّك فلان بن فلان في هذه الساعة وفي کلّ ساعة ولیّاً وحافظاً وناصراً ودلیلاً وقائداً وعیناً حتی تسکنه أرضك طوعاً وتمتّعه فیها طویلاً

بجای فلان بن فلان بگوید الحجة بن الحسن المهدی

مقام

مقام چهارم در ذکر نمازیکه بجا اوردن ان در مشاهد مشرّفه
اجری عظیم دارد بدانکه علامهٔ مجلسی ره در بحار نقل کرد از
خط شیخ جلیل شیخ حسین بن عبد الصمد والد شیخ بهاء الملّة
والدین رحمهم الله که شیخ ابو الطیب حسین بن احمد فقیه راضی ره
ذکر نموده که هرکس زیارت کند جناب امام رضا علیه السّلام یا
یکی از ائمه ع را پس در نزد ان امام بجای اورد نماز جعفر را پس
بدرستیکه نوشته میشود برای او بهر رکعتی ثواب کسی که هزار
مرتبه حج کرده باشد وهزار نوبت عمره بجای اورده باشد
وهزار بنده در راه خداوند ازاد نموده باشد وهزار مرتبه در
راه خدا یتعالی جهاد کرده باشد با پیغمبر مرسلی و برای او است
بهر گامی که بر میدارد ثواب صد حج وصد عمره وازاد کردن صد
بنده در راه خدا یتعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و
ریخته شود از او صد سیّئه

مؤلف گوید نماز جعفر در میان شیعه امامیّه معروف و در
انجاح حوائج وکشف شده اند تاثیر عجیبی دارد و برای ان اداب
وادعیّه بسیاری است ولکن کفایت میکند برای درك ثواب
مذکور در این خبر شریف انکه چهار رکعت نماز بقصد نماز جعفر

بکند هر دو رکعت بیک سلام بهر سوره که خواسته و بهتر انکه در
اول حمد و سوره اذا زلزلت و در دوم حمد و سورهٔ والعادیات
و در سیم حمد و سورهٔ اذا جاء نصر الله و در چهارم حمد و سورهٔ قل
هو الله احد را بخواند و سیصد مرتبه در این چهار رکعت بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و این عدد را بر
ان چهار رکعت تقسیم کند پس در هر رکعتی هفتاد پنج مرتبه میشود
و این عدد را در هر رکعت باین ضم بخواند بعد از قرائت پانزده
مرتبه و در رکوع و بعد از ان در حال ایستادن و در سجود و بعد
از سر برداشتن و در سجدهٔ دوم و بعد از ان در حال نشستن در
این شش محل در هر کدام ده مرتبه و بهتر انکه این دعا را در سجدهٔ اخر
نماز بخواند سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْ
مَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وبجاى

مقام پنجم در ذکر وداع ائمه علیهم السّلام مخفی نماند که در غالب
زیارات مطلقه و مخصوصهٔ مأثوره وداعی رسیده که ظاهرا
مخصوص بان زیارت باشد ولکن برای زیارت جامعه کبیره
معروفه وداعیست که داراست مضامین غالب زیارات
وداعها را بازیادتی و ظاهر علما این است که این وداع مخصوص
بجامعه نیست که اگر زائر زیارت جامعه را نخواند نتواند بقصد
ورود انرا بخواند بلکه بان هر امامی را وداع کند چه جامعه را
خوانده یا نخوانده باشد و شاهد براین دعوی چند چیز است
اوّل انکه شیخ محمّد بن المشهدی در مزار کبیر زیارات جامعه را
نقل کرده با سندان و بعد ازان زیارت ائمه بقیع و مشهد مقدّس
و بلد کاظمین و بعضی زیارات جامعه دیگر را نقل کرده انگاه
فرموده باب الوداع لسائر الائمة ع تقول و وداع معهود را ذکر
کرده دوّم انکه سیّد علی بن طاوس در فصل هیجدهم که دران
زیارات جامعه را جمع نموده جامعه کبیره را نقل نکرده اصلا
نه در انجا و نه در غیر انجا و اوّل زیارت جامعه معروفه با ئمة
المؤمنین را نقل کرده و پس ازان فرموده و چون خواستی وداع

کنی و بر کردی پس بکو السّلام علیکم تا اخر وداع مذکور سیّم انکه
شهید اوّل در فصل اوّل خاتمهٔ مزار خود زیارت جامعهٔ صغیرهٔ
معروفه را نقل کرده و غیر ان جامعه دیکر نقل ننموده و پس از
ان فرموده پس هر کاه خواهی که باز کردی وداع کن ایشانرا و
بکو در وداع تا اخر انچه بیاید و از این کلمات معلوم میشود که این
زیارترا عمل مستقل دانستند و جزو جامعه نفهمیدند بهر حال
ما متابعت ایشان کنیم و برای وداع زیارات همین وداع قناعت
کنیم اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الرِّسالَةِ سَلامَ مُوَدِّعٍ
لا سَئِمٍ وَ لا قالٍ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ اِنَّهُ حَمِیدٌ
مَجِیدٌ سَلامَ وَلِیٍّ غَیْرِ راغِبٍ عَنْکُمْ وَ لا مُنْحَرِفٍ عَنْکُمْ وَ لا مُسْتَبْدِلٍ
بِکُمْ وَ لا مُؤْثِرٍ عَلَیْکُمْ وَ لا زاهِدٍ فی قُرْبِکُمْ لا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِیارَةِ قُبُورِکُمْ وَ اِتْیانِ مَشاهِدِکُمْ وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ حَشَرَنِیَ
اللهُ فی زُمْرَتِکُمْ وَ اَوْرَدَنی حَوْضَکُمْ وَ اَرْضاکُمْ عَنّی وَ مَکَّنَنی فی
دَوْلَتِکُمْ وَ اَحْیانی فی رَجْعَتِکُمْ وَ مَلَّکَنی فی اَیّامِکُمْ وَ شَکَرَ سَعْیی
لَکُمْ وَ غَفَرَ ذُنُوبی بِشَفاعَتِکُمْ وَ اَقالَ عَثْرَتی بِحُبِّکُمْ وَ اَعْلیٰ کَعْبی بِمُوالاتِکُمْ وَ شَرَّفَنی بِطاعَتِکُمْ وَ اَعَزَّنی بِهُداکُمْ وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یَنْقَلِبُ
مُفْلِحاً مُنْجِحاً سالِماً غانِماً مُعافاً غَنِیّاً فائِزاً بِرِضْوانِ اللهِ وَ فَضْلِهِ

كِفايَتِهِ بِأَفضَلِ ما يَنقَلِبُ بِهِ اَحَدٌ مِن زُوّارِكُم وَمَوالِيكُم وَمُحِبّيكُم وَشيعَتِكُم وَرَزَقَنِى اللهُ العَودَ ثُمَّ العَودَ ما اَبقانى رَبّى بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَايمانٍ وَتَقوىً وَاِخباتٍ وَرِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اَللّهُمَّ لاتَجعَلهُ اخِرَ العَهدِ مِن زِيارَتِهِم وَذِكرِهِم وَالصَّلوةِ عَلَيهِم وَاَوجِب لِىَ المَغفِرَةَ وَالرَّحمَةَ وَالخَيرَ وَالبَرَكَةَ وَالنُّورَ وَالايمانَ وَحُسنَ الاِجابَةِ كَما اَوجَبتَ لِاَولِيائِكَ العارِفينَ بِحَقِّهِمُ المُوجِبينَ طاعَتَهُم وَالرّاغِبينَ فى زِيارَتِهِمُ المُتَقَرِّبينَ اِلَيكَ وَاِلَيهِم بِاَبى اَنتُم وَاُمّى وَنَفسى وَمالى وَاَهلى اِجعَلُونى مِن هَمِّكُم وَصَيِّرُونى فى حِزبِكُم وَاَدخِلُونى فى شَفاعَتِكُم وَاذكُرُونى عِندَ رَبِّكُم اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاَبلِغ اَرواحَهُم وَاَجسادَهُم عَنّى تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَيكُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

مؤلّف كويد سوز قلب زائر در وقت وداع وتلخى كامش در مقام فرقت ومهاجرت ازان روضهٔ مقدّسه باندازهٔ شوق وانبساط وفرح ونشاط است در اوّل ورود ودرجات ان مختلف است بحسب درجات معرفت ومحبّت كه بان ذوات مقدّسه وارواح طيّبه دارد اكر صادق است دران دعوى وپست ترين مرتبه ان انست كه براستى وجود مقدّس امامٍ

نزد او محبوب تر باشد از اهل و مال و اولاد و آنچه با نها دل بسته و
علاقه دارد پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که میخواهد از
عزیزترین خلق و محبوبترین ایشان در نزد او مفارقت کند و از او جدا
شود پس ناچار دلش بریان و اشکش ریزان و پایش لرزان خواهد بود
پس خدا را شکر کند براین نعمت عظیمه و الا در دعوی کاذب
و رجایش خائب

خاتمه در ذکر زیارت انبیاء و امام زادگان و بعضی مطالب متفرقه
نافعه و در ان سه مقام است مقام اول در زیارت انبیاء عظام
که تکریم و تعظیم و توقیر ایشان عقلا و شرعا لازم لا نفرق بین احد
من رسله و زیارت ایشان راجح و پسندیده و علما نیز تصریح نموده
اند باستحباب زیارت ایشان و عدد ایشان اگرچه زیاده از صد
هزار است ولکن قبور معلومه ایشان بسیار کم مثل جناب آدم و نوح
که در مرقد منور حضرت امیر المؤمنین ع مدفونند و جملهٔ از انبیاء
بنی اسرائیل که در بیت المقدس که قبورشان در نزد اهل انجا معلو
و جملهٔ از انها مشتبه مثل قبر جناب هود و صالح که در اخبار محل ان
مختلف و آنچه در قبرستان وادی السلام نسبت میدهد بایشان
سند درستی ندارد و مثل قبر جناب یونس که در شریعه کوفه قبه ایست منسوب

منسوب بایشان وابن طاوس وغیره در ضمن اداب انجا زیارتی برای
ایشان ذکر کرده اند ونیز در شرقی دجله در مقابل شهر موصل در بالای
تپه صحن بسیار با نزاهتی ومسجدی وقبر وضریح وقبهٔ باصفااست
منسوب بانجناب ومظنون همین است چه انحضرت مبعوث براهل
نینوی بود که در قدیم شهر عظیمی بود چند فرسخی از موصل دور
است واثار ان موجود است ودر بیت المقدس نیز قبه وقبریست
منسوب بایشان ودر شهر موصل قبر جرجیس نبی است وان نیز
مظنون است چه انحضرت براهل ان بلد مبعوث بود ودر بیرون
شهر قبر شیث هبة الله است ودر شوشتر قبر دانیال نبی است و
در خارج حله قبریست منسوب بایوب نبی وبنظر بسیار موهونست
ومرقد حضرت خلیل الرحمن در قدس خلیل که نزدیك بیت المقدس
است معروف ومشهور ومزاریست برای عامهٔ مسلمین انحدود
ولکن در جملهٔ از اخبار معلوم میشود که قبر انحضرت در عراق در
نزدیك نجف اشرف است وقبر جناب اسمعیل که در مسجد الحرام
است وقبر یوشع که در خارج کاظمین در قبلی مسجد براثا است و
قبر جناب زکریا در حلب وقبر جناب یحیی در بیروت وغیر اینها که
بعضی شواهد برصدق دارند وبعضی مشتبه ومشکوك است بهر

حال

حال در اخبار زیارت مخصوصی برای آن بزرگواران بنظر نرسیده جز اینکه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و بعد از او رضی الدین علی بن طاوس در مصباح الزائر در آداب دخول کوفه نقل کرده‌اند که چون داخل کوفه شدی پس بگو بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اللّهُمَّ اَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبارَکاً وَ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ آنگاه دو رکعت نماز بکن بجهت تحیهٔ منزل آنگاه برو و بگو سُبْحانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَکْبَرُ تا بتوانی و داخل شو در مشهد یونس نبی ع و زیارت کن آنجناب را باین زیارت می گوئی السَّلامُ عَلی اَوْلِیاءِ اللهِ وَ اَصْفِیائِهِ السَّلامُ عَلی اُمَناءِ اللهِ وَ اَحِبّائِهِ السَّلامُ عَلی اَنْصارِ اللهِ وَ خُلَفائِهِ السَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ السَّلامُ عَلی مَعادِنِ حِکْمَةِ اللهِ السَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکْرِ اللهِ السَّلامُ عَلی عِبادِ اللهِ الْمُکْرَمِینَ الَّذِینَ لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِهِ یَعْمَلُونَ السَّلامُ عَلی مَظاهِرِ اَمْرِ اللهِ وَ نَهْیِهِ السَّلامُ عَلَی الْاَدِلّاءِ عَلَی اللهِ السَّلامُ عَلَی الْمُسْتَقِرِّینَ فی مَرْضاتِ اللهِ السَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصِینَ فی طاعَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَی الَّذِینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللهَ وَ مَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللهَ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ وَ مَنْ تَخَلّی عَنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّی مِنَ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ اَنّی حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَ

سَلمٌ لِمَن سالَمَکُم مُؤمِنٌ بِما آمَنتُم بِهِ کافِرٌ بِما کَفَرتُم بِهِ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقتُم مُبطِلٌ لِما اَبطَلتُم مُؤمِنٌ بِسِرِّکُم وَعَلانِیَتِکُم مُفَوِّضٌ فی ذلِکَ کُلِّهِ اِلَیکُم لَعَنَ اللهُ عَدُوَّکُم مِنَ الجِنِّ وَالاِنسِ انگاه تربت را ببوس و دو رکعت نماز کن برای زیارت وانچه خواهی برای خود دعا کنی وبرای هر کس که خواهی ومستحب است که بخواند دعائیرا که حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین ع انرا میخواندند نزد ان مشهد وانرا دعاء استقاله مینامند وان این است اللّهمّ یا مَن بِرَحمَتِهِ یَستَغیثُ المُذنِبُونَ وَیا مَن اِلی ذِکرِ اِحسانِهِ یَفزَعُ المُضطَرُّونَ وَیا اُنسَ کُلِّ مُستَوحِشٍ غَریبٍ وَیا فَرَجَ کُلِّ مَحزُونٍ کَئیبٍ وَیا عَونَ کُلِّ مَخذُولٍ فَریدٍ وَیا عَضُدَ کُلِّ مُحتاجٍ طَریدٍ اَنتَ الَّذی وَسِعتَ کُلَّ شَیءٍ رَحمَةً وَعِلماً وَجَعَلتَ لِکُلِّ مَخلُوقٍ فی نِعَمِکَ سَهماً وَاَنتَ الَّذی عَفوُهُ اَعلی مِن عِقابِهِ وَاَنتَ الَّذی تَسعی رَحمَتُهُ اَمامَ غَضَبِهِ وَاَنتَ الَّذی عَطاؤُهُ اَکثَرُ مِن مَنعِهِ وَاَنتَ الَّذی لا یَرغَبُ فی جَزاءِ مَن اَعطاهُ وَاَنتَ الَّذی لا یُفرِطُ فی عِقابِ مَن عَصاهُ وَاَنا عَبدُکَ الَّذی اَمَرتَهُ بِالدُّعاءِ فَقالَ لَبَّیکَ وَسَعدَیکَ ها اَنا ذا بَینَ یَدَیکَ وَاَنَا الَّذی اَوقَرَتِ الخَطایا ظَهرَهُ وَاَنَا الَّذی اَفنَتِ الذُّنُوبُ عُمرَهُ اَنَا الَّذی بِجَهلِهِ عَصاکَ وَلَم یَکُن اَهلاً لِذاکَ هَل اَنتَ راحِمٌ مَن دَعاکَ

برای غسل مسجد دو رکعت نماز کن

فَاَبْلَغَ فِی الدُّعَاءِ اَمْ اَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَکَی اِلَیْکَ فَاَسْرَعَ فِی الْبُکَاءِ اَمْ اَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً اَمْ اَنْتَ مُغْنٍ مَنْ شَکَی اِلَیْکَ فَقْرَهُ تَوَکُّلاً اِلٰهِی لَا تُخَیِّبْ مَنْ لَا یَجِدُ مُطْلَباً غَیْرَکَ وَلَا تَخْذُلْ مَنْ لَا یَسْتَغْنِی عَنْکَ بِاَحَدٍ دُونَکَ اِلٰهِی صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّی وَقَدْ اَقْبَلْتُ عَلَیْکَ وَلَا تَحْرِمْنِی وَقَدْ رَغِبْتُ اِلَیْکَ وَلَا تُجَبِّهْنِی بِالرَّدِّ وَقَدِ انْتَصَبْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ اَنْتَ وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَةِ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّی فَقَدْ تَرٰی یَا اِلٰهِی فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِکَ وَوَجِیبَ قَلْبِی مِنْ خَشْیَتِکَ وَانْتِقَاضَ جَوَارِحِی مِنْ هَیْبَتِکَ

مؤلفکوید بدان اوّلاً که این زیارت همان زیارت جامعهٔ معروفهٔ صغیره که در زیارت حضرت کاظم صلوات الله علیه مخصوصاً وارد شده وفرمودند خواندن ان در سایر مشاهد مشرّفه کافیست ولهذا انرا در باب زیارات جامعه نیز ذکر میکنند وفی الجمله اختلافی در زیادتی ونقصان دارند که میشود از روی اختلاف نسخ باشد چنانچه در بسیاری از ادعیّه وزیارات دیده شده زیاده از این اختلاف وما در حاشیه بان اشاره کردیم که اگر کسی خواست انرا در مشاهد شریفه بخواند واحتیاط را رعایت کند چنان بخواند اگرچه بنظر حقیر خواندن همین مجزیست وثانیاً که این جامعهٔ معروفه را

جماعتی از بزرگان در زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام
نقل کردند با اذن درخواندن ان در جاهای دیگر ولکن عبارت
روایت دراینمقام مختلف است ثقة الاسلام درکافی وصدوق
درعیون چنین نقل کردند که فرمودند ویجزی فی المواضع کلّها
ان تقول السّلم علی اولیاء الله الخ وهذا یجزی فی الزیارات کلّها وابن
قولویه درکامل الزّیاره نقل کرده ویجزی فی المواطن کلّها ودر اخر
وهذا یجزی فی الزّیارات ودربعضی نسخ وفی المشاهد کلّها الخ
وظاهراً اختلافی درمعنی نباشد ومراد از مواطن ومواضع ومشاهد
مطلق مزارهای شریفهٔ مقدّسه است که بایست در انجاها زیارت
کرد وتضرّع نمود ودر اوّل نظر چنانست که مراد از انها مراقد شریفهٔ
ائمّه ع باشد ولکن ظاهرا شامل باشد مراقد انبیاء وسایر اوصیارا
که در اوصاف مذکوره دران زیارت سهیم وشریکند با ان ذوات
مقدّسه هرچند در درجات مختلف باشند خصوص بملاحظه فقرهٔ
اخیره که درهمه زیارات این زیارت کافی است یعنی درمقابر شریفه
که بایست مخصوصًا زیارت کرد بان قناعت میتوان کرد ومعلومست
که قبور انبیا واوصیا داخلست دران وکذشت درچند خبر که حاصلش
انکه چون زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین ع را زیارت خواهی کرد جناب

ادم ونوح علیهما السّلام را ودراین کلام تحریص وترغیب شدید نسبت
درزیارت کردن ان دوبزرگوار زیراکه از فضیلت زیارت انحضرت
شمردند بودن ان وسیله رسیدن باین فیض عظیم ونتیجهٔ این کلمات
انستکه این زیارت جامعه رادرمراقد شریفهٔ انبیاء بخوانند بلکه در
حرم مطهّر علوی بجهة زیارت جناب ادم ونوح علیهما السّلام واحتمال
قوی میرود که شیخ محمّد بن المشهدی وسیّد بن طاوس که این زیارترا
درمشهد جناب یونس نقل نمودند از روی همین کلّیه باشد که بیان شد
وچون احتمال میرود که بجههٔ خصوص زیارت انبیا خبری دیده باشند
بهتر انکه زائر همین نسخه مذکوره را بخواند وثالثًا مستور نماند که نقل
زیارت جناب یونس در انمکان معلوم چندان صراحتی ندارد که باید
قبر شریفش دراینجا باشد زیراکه از انمکان تعبیر فرمودند بمشهد
ومشهد اگرچه ظهوری دارد درمرقد ومحلّ دفن ولکن مطلق مکانی
که امتیاز مخصوصی داشته باشد بشخص شریف مزور را ازان تعبیر
میکنند بمشهد یعنی محلّ حضور او چنانچه در دعای اذن دخول مسجد
کوفه مذکور است السّلم علی مولانا امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب ورحمة
الله وبرکاته وعلی مجالسه ومشاهده ومقام حکمته واثار ابائه ادم
ونوح وابرهیم الخ ومراد از مشاهد دراینجا امکنه مخصوصه ایست که

امتیاز

امتیاز خاصی داشته باشد بر انحضرت مثل محراب انجا که محل مناجات
وعبادت وشهادت انحضرت بود وجای منبر که محل بیرون امدن
درّهای غلطان بی بهای خطب وحکمت ومواعظ ونصیحت بود
از صدف مطهّر دهان مبارکش وبیت الطّشت که موضع ظهور معجزه
غریبه الهیّه بود از ان بناء عظیم ودکّة القضاء که مجلس فصل خصومت
وبسط معدلت بود از ان علی حکیم وهکذا وبنابراین احتمال قوی میرود
که انمحل بیرون انداختن ماهی باشد جناب یونس را از دهان خود و
بروزان همه ایات عجیبه الهیّه در حفظ وحراست وتقویت اش تا
انکاه که بقوم خود در نینوی مراجعت نمود والبتّه چنین مکان در
نهایت شرافت خواهد بود وبجهة امتیازش بانجناب زیارتش مناسب
مثل زیارت حضرت سیّد الشّهداء در مسجد حنّانه چنانچه کذشت
ورابعًا مسجد یکه در اخر زیارت ذکر کردند که در ان دعای
استقاله حضرت امام زین العابدین را بایست خواند مسجد شریفی
است وبرای ان اعمال مخصوصه است وربطی بزیارت جناب
یونس ندارد وظاهرا اصل مرقد در زوایای مسجد بود اکرچه
حال جدا شده وصاحب مزار قدیم روایت مبسوطی در اعمال و
ادعیّه مسجد کوفه نقل کرده ودر انجا بعد از ورود کوفه وذکر

غسل در اینجا و دعای ان مذکور است که پس پاکترین جامهای خود را
بپوش و دو رکعت نماز کن در مسجدی که نزد شریعه است که ان موضع
شریفی است و چون از نماز فارغ شدی بگو اللهم تا اخر دعا انگاه دو
رکعت نماز تحیت مسجد را بکن و پس از ان بگو اللهم تا اخر دعا انگاه
متوجه شو بسوی کوفه یعنی مسجد و ما این دو دعای شریف را در
رساله سلامة المرصاد نقل کردیم و در اینجا اصلا ذکری از
جناب یونس و مقبره و زیارت نیست و این خود نیز مؤید است
انچه را ذکر نمودیم که قبر انجناب در نینوی نزدیك موصل است
نه در اینجا و نه در بیت المقدس پس معلوم شد که از اداب زائرین
در نجف اشرف امدن باین مسجد شریف است و کردن چهار
رکعت نماز و خواندن سه دعای شریف دارای مضامین عالیه
که از خصایص انجا است

مقام دویم در ذکر زیارت امام زادکان عظام و شاهزادکان
والامقام که قبورشان محل فیوضات و برکات و موضع نزول
رحمت و عنایات الهیه است و علمای اعلام تصریح نموده اند باستحباب
زیارات قبور ایشان که بحمد الله تعالی در غالب بلاد مؤمنین موجود
بلکه در قری و بریه و اطراف کوهها و درّها و پیوسته ملاذ درماندکان

وملجاء

وملجاء واماندگان وپناه مظلومین وتسلی دلهای پژمردگان بو
وخواهند بود تایوم قیام وازبسیاری از ایشان کرامات وخوارق
عادات مشاهده شده ولکن مخفی نماند که امام زاده که انسان به
اطمینان خاطر محض درك فیوضات وکشف کربات بار سفر ببندد
وشد رحال کند بسمت قبر شریفش باید اول دو مطلب را درست
کرده انگاه قصد مقصد کند اول جلالت قدر وعظمت شان صاحب
انمرقد علاوه بر شرافت نسب وعلاقه نبوت بحسب انچه از کتب احادیث
وانساب معلوم میشود دوم معلوم بودن قبر ان سید جلیل و
صحت نسبت ان قبر باو وجمیع این دو بسیار کم است چه بسیاری از
قبوری که نسبت مید هند بان بزرگواران نه حال صاحبانش معلوم
ونه مدفون بودن درانجا وجمله دفن درانجا معلوم وحال صاحبش
مجهول وپاره جلالت قدر ان امام زاده معلوم ولکن مرقد شریفش
مشتبه مثل سید جلیل علی پسر حضرت امام جعفر صادق ع وتربیت
کرده برادر بزرگوارش که از بزرگان راویان وصاحب تصنیف که
تاکنون دردست است بحمدالله وچهار یا پنج امام را درك نموده
وخدمت کرد ولکن قبر شریفش مشتبه وسه موضع است که باو نسبت
مید هند اول دربیرون قلعه سمنان درمیان باغچه بانضارت باقبه عالیه

رفیعه وعمارت مختصر بانز اهتی دوّم در بلدهٔ طیّبهٔ قم در قبهٔ عالیهٔ صحن
وسیع واثار قدیمه که سبب اطمینان تمام اهل ان بلد است در
بودن قبر شریفش در انجا سیّم دیکفرسخی مدینهٔ طیّبه در قریهٔ عریض
که ملك انجناب ومحلّ سکنای خودش وذریّه اش بود ولهذا اورا
علیّ عریضی واولادش نیز بهمین لقب درکتب انساب وغیرها
معروفند ودر انجا نیز برقبرشریفش قبهٔ است عالیه وما در
خاتمه مستدرك در شرح مشیخهٔ صدوق در مقام ذکر احوال
ان بزرگوار واضح وروشن نمودیم که صحیح همین است وانجناب
اصلا بعجم نرفته هرکه خواهد بانجا رجوع کند وچند نفر از ذریّهٔ
او وذریّهٔ جعفر پسر امام علیّ نقی ع نیز معروف ونام ایشان علی
پسر جعفر محتمل است ان دو قبر منسوب بانها باشد باقی ماند قلیلی
که هر دو جهة ان مکشوف است مثل قبر اسمعیل پسر امام جعفر
صادق ع که در بقیع نزدیك ائمّهٔ بقیع علیهم السّلم معلومست و
جمله از اولاد حضرت امام موسی کاظم ع مثل سیّد جلیل عظیم ا
لقدر والشّان احمد معروف بشاه چراغ که در داخل شهر شیراز
مدفون ودر ظاهر نیز از جهة او قبهٔ وصحن وضریح وخدمه
موقوفاتست وتعظیم واحترام تمام دارد وبرادر دیگرش قاسم که

در هشت فرسخی حلّه مدفونست وقبر شریفش زیارتگاه عامّهٔ
خلق است وپیوسته علما واخیار بزیارت او روند وحدیثی در
السنه معروفست قریب باینمضمون که حضرت امام رضا ع فرمود
هرکس قادر نیست بر زیارت من پس زیارت کند قاسم برادرم را
واینخبر درجائی دیده نشده وتاکنون کسی از اصل ان نشانی نه
داده ولکن بزرگی جلالت وعلوّ رتبت جناب قاسم اجلّ از انست
که برای ترغیب بزیارتش متمسّك شود انسان باین خبر بی اصل و
نشان چه انکه در اصول کافی خبریست که دلالت میکند بر عظمت
شان وبزرگی مقام او تا انجاکه عقل تصوّر نمیکند ثقة الاسلام
در باب اشاره ونصّ بر حضرت علیّ بن موسی الرّضا ع خبری طولانی نقل
کرده از یزید بن سلیط از حضرت صادق ع در راه مکّه ودر انجا
مذکور است که انحضرت باو فرمود خبر دهم ترا ای ابا عمارة بیرون
امدم از منزل پس وصیّ قرار دادم پسرم فلانرا یعنی جناب امام
رضا ع را وشریك کردم با او پسران خود را در ظاهر ووصیّت کردم
باو در باطن پس اراده کردم تنها او را واگر امر راجع بسوی من بود
هر اینه قرار می دادم امامت را در قاسم پسرم بجهة محبّت من او را
ومهربانی من بر او ولکن این امر راجع بسوی خداوند عزّ وجلّ است

قرار میدهد انزا هر کجا که میخواهد الخ وعلامه مجلسی در رجال او گفته که از
جملهٔ امام زادهای مشهور امام زاده قاسم فرزند امام موسی ع است
که در حوالی نجف اشرف مدفونست وقبرش معروفست وسیّد بن
طاوس ترغیب بزیارت او نموده است انتهی ومثل بزرگ دیگرش
امام زاده حمزه که با امام زاده احمد ومحمّد از یکمادرند وقبر شریفش
درری نزدیك قبر حضرت عبدالعظیم است ومادامیکه عبدالعظیم
درری زنده بود پیوسته بزیارت او می امد که چنانچه خواهد امد
در حکایت حال او واین سیّد جلیل القدر الان درری صاحب قبّه و
بارگاه وصحن وضریح وخدمه است وهر که بزیارت عبدالعظیم میاید قصد انجا را
نیز میکند ودرك فیض زیارت او را مینماید وبسیار صاحب تعظیم واحترام است
وبدانکه در جزیره که در جنوب حله وبین دجله وفرات است قبریست که مشهور بقبر
حمزه پسر حضرت کاظم ع است ومردم او را زیارت میکنند وبرای او کرامات بسیار
نقل میکنند ولکن این شهرت بی اصل است بلکه حمزه فرزند حضرت موسی ع
همانست که ذکر شد درری مدفونست واین حمزه ابن قاسم بن علی بن حمزة
بن حسن بن عبدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلم ابو یعلی ثقة
جلیل القدر است که شیخ نجاشی ودیگران در رجال او را ذکر نموده اند
چنانچه تصریح باین فرموده امام عصر صلوات الله علیه در حکایت تشرف سید

العلماء وستاد الفقهاء وحید عصر جناب سیّد مهدی قزوینی طاب ثراه
ساکن در حلّه سیفیّه بخدمت انحضرت صلوات الله علیه و مجمل انحکایت
چنین است که وقتی سیّد مرحوم بجزیرهٔ تشریف بردند و میهمان شدند
بر اهل قریه که در انجزیره است پس اهل انجا مستدعی شدند از جناب
ایشان که زیارت کنند حمزه را سیّد امتناع نمودند و فرمودند نزد من
بصحّت رسیده که حمزه پسر موسی ع در ری مدفونست با عبد العظیم
و صاحب این مزار را نمیشناسم و لهذا زیارت نکنم پس از انجا حرکت نمودند
و شب را در مزیدیّه نزد بعضی از سادات بیتوته فرمودند وقت سحر
نافله شب را بجا اورده و منتظر طلوع فجر بودند که ناگاه داخل شد
براو جناب صاحب الامر صلوات الله علیه بهیئت سیّدی که معروف
بوده در نزد مرحوم سیّد از اهل القریه پس بعد از سلام و نشستن فرمودند
یا مولانا دیروز میهمان اهل قریه حمزه شدی و او را زیارت نکردی گفت
اری فرمود چرا عرض کرد زیرا که زیارت نمیکنم کسی را که نمیشناسم و
حمزه پسر حضرت موسی ع مدفونست در ری پس انجناب فرمودند
رُبَّ مَشهُورٍ لا اَصلَ لَهُ بسا چیزها که شهرت کرده و اصلی ندارد و این
قبر حمزه پسر حضرت موسی کاظم ع نیست هرچند چنین مشهور شده بلکه
او قبر ابو یعلی حمزة بن قاسم علوی عباسی است یکی از علماء اجازه و

اهل حدیث واورا اهل رجال ذکر کرده اند در کتب خود واورا ثنا کرده
اند بعلم وورع وبعد از ان سیّد برخواست وبرفت تا اخر حکایت که در
نجم ثاقب است ومثل ابی حمزه امیر علی بن حمزة بن موسے الکاظمؑ
که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است چنانچه در عمدة الطالب
وغیره ذکر شده

ومثل سیّدهٔ جلیله معظّمه فاطمه دختر امام موسے مدفونه بقم که
در نهایت جلالت وعلوّ مقامست ودر سنه دویست ویك که پس
از یکسال بود که جناب امام رضاؑ از مدینه بامر مامون بمرو تشریف
برده بودند انمخدّره بشوق ملاقات برادر نیز از مدینه بیرون
بطلب انحضرت وتشریف اوردند تا بساوه همینکه انجا رسید مریضه
شد پرسید که تا قم چند است بگفتند ده فرسخ است پس خادم خودرا
فرمود که مرا بقم ببر همینکه خبر رسید باشعریین از ال سعد پس اتفاق
کرده باستقبال انحضرت بفتند واستدعا کردند که انمخدّره در قم
نزول فرماید پس موسی بن خزرج بن سعد که بزرك انها بود از همه
سبقت کرده ومهار ناقه را گرفت وکشید تا وارد ساخت انمکرّمه را
بقم در خانه خود پس انمعظّمه نزول اجلال را در خانه او نمودند وتامدّت
شانزده یا هفده روز مکث فرمود پس از دنیا رحلت کرده وباباء

طاهرین

طاهرین خود پیوست رضوان الله علیها پس او را دفن کردند در
بابلان بتفصیلی که در تاریخ قم ذکر شد و مزارش در بابلان که
اسم همان مکان است معلوم و معروف و دارای قبهٔ عالیه و ضریح
و صحن متعدد و خدام بسیار و موقوفات و تعظیم و احترام تمام
دارد و قبر شریفش ملاذ و معاذ عامهٔ خلق است و در هر سال
جماعات بسیار از بلاد بعیده شد رحال کنند و تعب سفر کشند
بجهة درك فیوضات از زیارت ان معظمه و از برای او زیارتی است
مرویه از حضرت امام رضا ع که بسعد اشعری تعلیم فرمودند و علامه
مجلسی ره انرا در کتاب تحفه ذکر فرموده و در فضیلت زیارتش
روایت بسیار وارد شده از انجمله شیخ فاضل خبیر ماهر حسن
بن محمد قمی که معاصر شیخ صدوق است در تاریخ قم که بجهة کافی الکفاة
صاحب بن عباد نوشته بسند خود روایت کرده که جناب صادق ع
فرمودند بدرستیکه از برای حقتعالی حرمی است و ان مکه است و
برای رسولخدا حرمی است و ان مدینه است و برای امیرالمؤمنین ع
حرمی است و ان کوفه است و از برای ما اهل بیت ع حرمی است
و ان قم است و بعد از این دفن شود در انجا زنی از اولاد من که
نامیده می شود بفاطمه هر که او را زیارت کند بهشت از برای او واجب
شود راوی گفت وقتیکه حضرت این را فرمود هنوز حامله نشده

بود

بود مادر حضرت موسیٰ بان امام بزرگوار و بروایت دیگر منقولست
که زیارت فاطمه معادل با بهشت است و بدانکه جماعت بسیاری از
بنات فاطمیّه و سادات علویّه در قم در قبّهٔ سمیّ فاطمه مدفونند مثل
جملهٔ از دختران حضرت جواد چنانچه ذکر خواهد شد و بسیاری از
دختران موسیٰ مبرقع مثل امّ محمّد و خواهرش میمونه و خواهر دیگرش
بریهتیه و خواهر محمّد بن موسی و غیر ایشان مثل امّ اسحق جاریهٔ محمّد بن
موسے و امّ حبیب جاریهٔ محمّد بن احمد الرّضا چنانچه فاضل متقدّم در
تاریخ خود فرموده پس از آن فرموده که از جملهٔ قبوریکه در قم است قبر
ابی جعفر موسے بن محمّد بن علیّ الرّضا علیهما السّلم است و او اوّل کسی است
از سادات رضویّه که وارد قم شد و پیوسته برقع بر روی گذاشته بود پس
بزرگان عرب ویرا از قم بیرون کردند پس از آن پشیمان بخدمتش شتافتند
و از او اعتذار خواسته مکرّما بقم واردش ساختند و گرامی داشتند
و او را از اموال خود برای او خانه و مزرعه ها خریدند و حال موسے در قم
نیکو شد تا آنکه از مال خود قریه ها و مزارعی خرید پس از آن وارد شد بر
او خواهرانش زینب و امّ محمّد و میمونه دختران حضرت جواد علیه السّلام
پس بریهتیه دختر موسے و تمام اینها مدفون شدند نزد فاطمه سلام الله
علیها و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الآخر سنهٔ دویست و
نود و شش از دار دنیا رفت و مدفون شد در موضعیکه الحال معروفست

سنه
این زینب همانست که بر قبر
فاطمه قبه بنا کرد پس از آنکه سقفی
بر قبرش بنا کرده بودند از حصیر و
بوریا منه

قبر متق

۳۰۹ قبرش پس ازان ذکر نموده قبور جمع کثیری از سادات رضویه و بسیاری
از اولاد محمد بن جعفر الصادق علیه السلام و جملهٔ از اولاد علی بن جعفر
و قبور جمعی از سادات حسنیه که محل ذکر انها اینجا نیست بلی لازمست
که جزئی اشارتی شود بحال موسی علامهٔ مجلسی ره در تحفه فرموده
که در قم قبور بسیار هست که منسوبست باولاد ائمهٔ طاهرین علیهم
السلم و بعضی از انها انتسابش بانها معلوم نیست و بعضی احوال ایشان
معلوم نیست مثل موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی علیه السلم که از
بعضی احادیث مذمت او ظاهر میشود و ظاهر مراد جنابش از بعضی
احادیث حدیثی است که شیخ مفید طاب ثراه در کتاب ارشاد در باب
نصوص و معجزات ابی الحسن هادی علیه السلام از حسین بن
حسن از یعقوب بن یاسر نقل میکند که فی الجمله دلالت دارد برانکه
موسی در زمان عنفوان و غرور جوانی شرب نبید میکرد و لکن
انخبر ضعیف است بجهات چند اولا جهالت در راوی انخبر بلکه
یعقوب که راوی متن خبر است ظاهرا از بستگان متوکل است و خبر
اگرچه شیخ مفید طاب ثراه ذکر فرموده که مقدم بر علما و شیخ محدثین
و متکلمین و فقها است بلکه غیر انجناب از دیگران اما در باب فضایل
و مناقب و معجزات و امثال ان در نقل اخبار مسامحه و مساهله

میداشتند

داشتند بلکه اکر راوی از اعدا و مخالفین باشد در ذکران بیشتر اعتنا
وثانیاً انکه کوینده کلماتی که در عیب موسی است مثل موسی قصاف داشتند
غراف یاکل ویشرب الخ همه از فساق واتباع متوکل بود ندکه بشهادت
تمام ایشان در شرع مطهر ثابت نشود نه جرحی ونه تعدیلی وثالثاً معارض
بودن ان با خبریکه شیخ کلینی ره در کافی ذکر نموده که متضمن است
کواه کرفتن حضرت جواد علیه السلم موسی را بر نسخهٔ وصیت ودران
تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرکوار مستقلاً متولی بود بر جمله
از موقوفات انحضرت بی مشارکت احدی حتی برادر بزرکوارش خود
متصرف باشد در انها وتولیت اوقاف از جانب امام ع از شواهد عدالت
وامانت ودیانت است چنانچه مخفی نیست وغیر اینها که تفصیل ان در
بدر مشعشع است پس ظاهر شد که بمجرد اینخبر نتوان در موسی قدح
کرد ومتعرض او شد بانکه موسی نعوذ بالله شارب الخمر بود وامثال ان
که در لسان بعض بیخبران وبیخردان از عوام دائر شده که کاشف است
از بی باکی وقلت مبالات وچه نیک فرموده علامه مجلسی قده در
مزار بحار الانوار که وارد شد بعضی اخبار در ذم موسی لکن قدحی
نمیرساند بایشان مجرد بعض خبرهای نادره باوجود انکه رسیده در
خبری نهی از قدح درانها ومتعرض شدن بانها بجهة این نوع چیزها انتهی

وبدانکه این موسی همان است که از کثرت فضایل ومناقب وتقوی وسکون نفس وحسن رفتار والی قم اورا تشبیه بائمهٔ کرده قابل امامت می دانست اورا وانا اتقان واحکام محدثین قم برهمه ظاهر ومعلوم است که اگر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحال یا دروغ کوی روایت میکرد اورا طرد میکردند هرچند بزرک وصاحب شان ومنزلت بود ودانستی احترام واکرام ایشان ان ستید را واو در طبقهٔ خود مثل احمد بن محمد بن عیسی الاشعری واحمد بن اسحق ومحمد بن یحیی وامثال ایشان بوده که جمع کرده بودند میان ریاست دنیا واخرت وعلما در کتب حدیث انا وروایت میکنند چون ثقة الاسلام در کافی وشیخ الطائفه در تهذیب در باب میراث خنثی وحسن بن علی بن شعبه در تحف العقول وغیر ایشان رحمهم ومثل معظمهٔ مجیبه حضرت حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی ع که چهار امام را درک نموده با نها خدمت کرده ودرمیان سادات علویه وبنات هاشمیه از جهت فضایل ومناقب وعبادت وعلم ممتاز وبحمل اسرار امامت وبمنصب سفارت ورساندن عرائض خلق بامام عصر علیه السلم ورساندن توقیعات شریفه سرافراز بود وقبر شریفش در قبهٔ سامیهٔ عسکریین ع است وبرخی از جلالت شان او در سابق کذشت ولکن علما بجهت ان مکرمه زیارتی ذکر نفرمودند

ذکر فضائل حکیمه خاتون

پس باید زیارت نمود اورا بزیارتی که برای مطلق اولاد ائمه بعد از این ذکر میشود. ومثل امام زاده لازم التّعظیم جناب عبد العظیم که نسب شریفش بچهار واسطه منتهی میشود بامام حسن مجتبی ع و قبر شریفش در ری معلوم ومشهوراست وبعلوّ مقام وجلالت شان معروف و از اکابر محدّثین واعاظم علما وزهّاد وعبّاد وصاحب ورع وتقوی و قائل بتوحید وعدل بوده واز اصحاب حضرت جواد ع وحضرت هادی ع است ونهایت توسّل وانقطاع بخدمت ایشان داشته واحادیث بسیار از ایشان روایت کرده واواست صاحب کتاب خطب امیر المؤمنین ع و فقیر یافتم نسخه از نهایهٔ شیخ طوسی ره بخط بعض علماء که تاریخ کتابت او روز سه شنبه پانزدهم ربیع الاوّل از سنه پانصد وهفده هجری بود در آخر جزو اوّل آن نوشته بود بسیاری از فضایل و علوّ مقام ورتبهٔ علم وزهد ونسب جناب عبد العظیم را از انجمله در وصف علم او نوشته بود که روایت کرد ابو تراب رویانی گفت شنیدم از ابو حمّاد رازی که میگفت وارد شدم بر حضرت امام علی نقی ع در سرّ من رای پس سؤال کردم از انحضرت جملهٔ از مسائل حلال وحرام پس جواب داد مسائل مرا تا انکه زمانیکه خواستم بیرون ایم بوداع انحضرت رفتم همینکه وداع کردم انحضرت افزود ندای حمّاد وقتیکه مشکل شد چیزی از امورد ینت در

(حاشیه:) در احوال حضرت عبد العظیم حسنی

(حاشیه:) ابو — یعنی از شیخ ابو الحسن ابراهیم بن الحسین بن بابویه است منه

ناحیه خود پس سؤال کن انها را از عبد العظیم بن عبد الله حسنی سلام مرا باو برسان الخ و محقق داماد در رواشح گفته که احادیث بسیار در فضیلت و زیارت عبد العظیم روایت شده و وارد شده هر که زیارت کند قبر او را بهشت براو واجب شود و شیخ شهید ثانی ره در حواشی خلاصه همین روایت را از بعض نسابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه بسند معتبر روایت کرده اند که مردی از اهل ری بخدمت حضرت امام علی نقی ع رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد که بزیارت امام حسین ع رفته بودم فرمود که اگر زیارت میکردی قبر عبد العظیم را که نزد شما است هر اینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع کرده باشد و شیخ نجاشی در رجال بسند معتبر از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت کرده که جناب عبد العظیم از خلیفه گریخت و بشهر ری امد در خانه مردی از شیعیان در سکة الموالی و در انجا عبادت خدا میکرد و پیوسته روزها روزه میداشت و شبها بنماز میایستاد و پنهان بیرون می امد و زیارت میکرد قبری را که در مقابل قبر او است و راه کمی در بین است و میگفت این قبر مردی از فرزندان حضرت امام موسی ع است و پیوسته در انجا میبود و یك و دو از شیعه خبردار میشدند از احوال او تا انکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله

دو خواب

در خواب دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان مرا از سکّهٔ الموالی برخواهند داشت و مدفون خواهند کرد نزد درخت سیب در باغ عبد الجبّار بن عبد الوهّاب و اشاره فرمود بهمان مکان که در آنجا مدفونست پس آن شخص رفت که آن درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ گفت از برای چه میخری این درخت و جای آنرا آن شخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت که من نیز چنین خواب دیده ام و موضع این درخترا با جمیع باغ وقف کرده ام بر آن سیّد و سایر شیعیان که در آنجا مرده هاء خود را دفن کنند پس عبد العظیم بیمار شد و برحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه کردند که غسل دهند در جیبش رقعهٔ یافتند که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابو القاسم عبد العظیم بن عبد الله بن علیّ بن حسن بن زید بن حسن بن علیّ بن ابی طالب علیه السلام مؤلّف گوید در زاویهٔ که طرف شمالی صحن جناب عبد العظیم است مزار دیگری است صاحب بقعه و قبّهٔ رفیعه و پیوسته محلّ زیارت مردمست و معروفست بامام زاده طاهر و از برای او زیارتی تالیف کرده اند که بعض فقراتش مشعر است بانکه این امام زاده در سابق معلوم نبوده و تازه ظاهر شده و امّا الفاظیکه امام زادگان بان زیارت کرده میشوند پس چنان است که سیّد اجل علیّ بن طاوس رضی الله عنه در

مصباح

مصباح الزائر ذکر نموده فرموده وقتیکه قصد کردی زیارت کنی یکی از
اولاد ائمه را مثل قاسم فرزند حضرت کاظم ع یا عباس فرزند امیر المؤمنین
یا علی بن الحسین ع که مقتول بطف است وهرکدام که جاری مجرای ایشان
هستند در حکم پس بایست بنزد قبر ایشان وبگو السّلام علیک ایّها السّیّد
الزّکیّ الطّاهر الولیّ والدّاعی الحفیّ اشهد انّک قلت حقّاً ونطقت حقّاً
وصدقاً ودعوت الی مولای ومولاک علانیةً وسرّاً فاز مصعدک
ونجی مصدّقک وخاب وخسر مکذّبک والمتخلّف عنک اشهد لی بهذه
الشّهادة عندک لاکون من الفائزین بمعرفتک وطاعتک وتصدیقک
واتّباعک والسّلام علیک یا سیّدی وابن سیّدی انت باب الله المؤتی
منه والمأخوذ عنه اتیتک زائراً وحاجاتی لک مستودعاً وها انا ذا
استودعک دینی وامانتی وخواتیم عملی وجوامع املی الی منتهی اجلی و
السّلام علیک ورحمة الله وبرکاته

مؤلف گوید که قاسم بن کاظم ع که سیّد بن طاوس ذکر نموده همان سیّد
جلیل القدر که مذکور شد واین عبارت سیّد نیز دلالت تامّ دارد بر
بزرگی شان انجناب ونیز سیّد رض فرموده زیارت دیگر است که زیارت
کرده میشوند اولاد ائمه ع بان وانچنان است که میگوئی السّلام علی جدّک
المصطفی السّلام علی ابیک المرتضی الرّضا السّلام علی السّیّدین الحسن

وَالْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ اُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ اُمِّ
الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ وَبُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاخِرَةِ
شُفَعَائِي فِي الْاٰخِرَةِ وَاَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ اِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ اَئِمَّةِ
الْخَلْقِ وَوُلَاةِ الْحَقِّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَمُصْطَفَاهُ وَاَنَّ عَلِيّاً
وَلِيُّهُ وَمُجْتَبَاهُ وَاَنَّ الْاِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذٰلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ
وَنَحْنُ لِذٰلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ مقام سیم در بعضی
مطالب متفرقه نافعه و دران هشت مطلب است اوّل در توسّل به
رسولخدا و ائمه طاهرین ع در ایام هفته شیخ طوسی طاب ثراه در
مصباح از ائمه روایت کرده که مستحب است آدمی در روز جمعه هشت
رکعت نماز بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید و چهار رکعت را
هدیه حضرت رسولخدا ص بکرداند و چهار رکعت را هدیه حضرت
فاطمه سلام الله علیها و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت
امیر المؤمنین ع کرداند و همچنین هر روز چهار رکعت کند و هدیه امامی
کرداند بترتیب تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام
جعفر صادق ع کرداند و باز روز جمعه هشت رکعت کند و چهار
رکعت را هدیه حضرت رسول ص و چهار رکعت را هدیه حضرت فاطمه

کرداند و روز شنبه چهار رکعت هدیه امام موسی ع کرداند و همچنین
هر روز چهار رکعت بکذارد و بامامی هدیه کرد اند بترتیب تا روز پنجشنبه
چهار رکعت را هدیه امام عصر عج نماید و ما بین هر دو رکعت از این نمازها
این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حَيِّنَا
رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلٰى وَلِيِّكَ فُلَانٍ فَصَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا وَاَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَفِيهِ پس هر دعا که میخواهد بکند و بجای فلان
اسم ان معصوم را میکوید که نماز را برای هدیه او بجا می اورد
مؤلف کوید که نسبت ایام بر چ معصومین ع بحسب اعمال و اوراد دیکر
باید بانها متوسل شد بایشان بجهة رسیدن بمنافع داخلیه و خارجیه
دنیویه و اخرویه و دفع کردن بلاهای اسمانی و زمینی و شرور شیاطین
انسی و جنی مختلف رسیده اما در توسل بحضرت رسول و ائمه ص بوسیله
نماز و بردن هدیه نماز در نزد ایشان پس چنان است که ذکر شد و اما
بوسیله ~~نماز و بردن هدیه نماز در نزد ایشان~~ زیارات و توسل بسلام
و ثناگوئی و مدحت پس بدانکه سید بن طاوس ره در کتاب جمال
الاسبوع ذکر نموده شنبه منسوب است برسول خدا ص و یکشنبه بامیر
المؤمنین ع و دوشنبه بامام حسن و امام حسین علیهما السلام و سه شنبه

بامام سجاد وامام محمد باقر وامام جعفر صادق ع وچهارشنبه بحضرت
کاظم وامام رضا وامام محمد تقی وامام علی نقی ع وپنجشنبه بامام حسن
عسکری ع وروز جمعه منسوب است بامام عصر ع وباسم او است وان روز
یستکه ظاهر خواهد شد درانروز وبرای هر روز زیارتی ذکر نموده
ودر هریك از انها اشاره شده باین مطلب که امروز روز شما است و
من در اینروز مهمان شمایم وپناه بشما اورده ام مرا ضیافت کنید وپناه
دهید واین ترتیب مطابق است باد وروایت که هر دو از حضرت هادی ع
رسیده یکی را صدوق از صقر بن ابی دلف ودیگری را قطب راوندی
از سلمان بن اورمه نقل نمودند وذکر انخبر وزیارت منافات باختصار
دارد طالبین از موضع اش اخذ نمایند ومخفی نماند که چنانچه از برای
ایام هفته وساعات روز تقسیمی است بائمه ع از برای ایام ماه نیز تقسیمی
است منسوب بایشان که در هر روز باید خوانده شود تسبیحی که مختص
است بان حجة که ان روز منسوب باو است وسید فضل الله راوندی در
کتاب دعوات ان تسبیحها را ذکر نموده دوم رقعه استغاثه است بحضرت
صاحب الامر عجل الله فرجه وشیخ کفعمی در جنة الواقیه ومحقق سبزواری
در مفاتیح النجاة ودیگران ذکر کرده اند که استغاثه ایست بحضرت مهدی ع
مینویسی انچه را که ذکر میکنیم ومیاندازی اورا بر قبری از قبور ائمه ع یا انکه رقعه را

۳۱۹ ميبندی و مهر ميكنی و در ميان گل پاكيزه ميگذاری و ميان‌دازی او را در
نهر يا چاه يا در غديری كه آن رقعه ميرسد بحضرت صاحب الامر و آنجناب
خود متكفل ميشود بر آوردن حاجت ترا و آنچه در رقعه می نويسی اين است
بسم الله الرحمن الرحيم كتبت يا مولای صلوات الله عليك مستغيثا
و شكوت ما نزل بی مستجيرا بالله عز و جل ثم بك من امر قد دهمنی و اشغل
قلبی و اطال فكری و سلبنی بعض لبی و غير خطير نعمة الله عندی اسلمنی
عند تخيل وروده الخليل و تبرء منی عند ترائی اقباله الی الحميم و عجزت
عن دفاعه حيلتی و خاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجأت فيه اليك و توكلت
فی المسئلة لله جل ثنائه عليه و عليك فی دفاعه عنی علما بمكانك من الله
رب العالمين ولی التدبير و مالك الامور واثقا بك فی الشفاعة اليه جل
ثنائه فی امری متيقنا الاجابته تبارك و تعالی اياك باعطاء سؤلی و انت يا
مولای جدير بتحقيق ظنی و تصديق املی فيك فی امر كذا و كذا فيما لا طاقة
لی بحمله و لا صبر لی عليه و ان كنت مستحقا له و لاضعافه بقبيح افعالی و تفريطی
فی الواجبات التی لله عز و جل فاغثنی يا مولای صلوات الله عليك عند
اللهف و قدم المسئلة لله عز و جل فی امری قبل حلول التلف و شماتة الا
عداء فيك بسطت النعمة علی و اسئل الله جل جلاله لی نصرا عزيزا و فتحا
قريبا فيه بلوغ الامال و خير المبادی و خواتيم الاعمال و الامن من المخاوف

عيسه
بجای كذا و كذا حاجت خود را
بنويسد ١٢

كلها

کلّها فی کلّ حال انّه جلّ ثنائه لما یشاء فعّال وهو حسبی ونعم الوکیل فی المبدأ
والمآل پس میروی نزد نهر یا غدیر آبی وقصد میکنی یکی از نوّاب صاحب
الأمر را که عثمان بن عمری باشد یا پسرا و محمّد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی
بن محمّد سمری رض را که این جماعت وکلاء ونایبان آنحضرت بودند در
غیبت صغری پس ندا میکنی یکی از ایشانرا که یا فلان بن فلان سلام علیك
اشهد انّ وفاتك فی سبیل الله وانّك حیّ عند الله مرزوق وقد خاطبتك
فی حیوتك الّتی لك عند الله عزّ وجلّ وهذه رقعتی وحاجتی الی مولینا ع
فسلّمها الیه فانت الثّقة الأمین ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم
که وفات تو در راه خدا واقع بود و تو زندهٔ در نزد خدای عزّ وجلّ که تو را
روزی میدهد وبا تو مخاطبه میکنم در این زندگانی که داری در نزد خداوند
عزّ وجلّ واین رقعهٔ حاجت من است بسوی مولای ما پس برسان وتسلیم
کن اورا بآنجناب که تو ثقه وامینی پس بینداز آن رقعه را در نهر یا در چاه
یا در غدیر تا برآورده شود حاجت تو انشاء الله تع ونیز شیخ کفعمی در کتاب
بلد الأمین روایت کرده از حضرت صادق ع که هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا
باشد یا از امری خائف وترسان باشی بنویس در کاغذی بعد از بسم الله
الرّحمن الرّحیم اللّهمّ انّی اتوجّه الیك باحبّ الأسماء الیك واعظمها لدیك
واتقرّب واتوسّل الیك بمن اوجبت حقّه علیك بمحمّد وعلیّ وفاطمة والحسن

[illegible]

والحسین

والحسين ونام ميبرى يكيك از ائمة ع را پس مينويسى اكفنى كذا وكذا ليعنى
حاجت خود راذكر ميكنى پس مى پيچى رقعه را وميگذارى وواو دربندقة
از گل وميانداذى اورا در آب جارى يا چاهى كه خداوند تعم فرج كرامت
مى فرمايد

مؤلف گويد كه نسخه رقعهٔ استغاثه بسوى حضرت حجة ع بانحاء كثيره روايت
شده وبسيارى از انرا علامهٔ مجلسى ره در كتاب مزار بحار وكتاب دعاء
بحار كه محلّ انها است ذكر فرموده ولكن نسخهٔ بنظر رسيده كه نه در ان
دو كتاب ونه در كتب ادعية متداوله ذكر شده لهذا نقل ان را در اينجا
لازم ديدم فاضل متبحّر محمّد بن محمّد الطّبيب از علماء دولت صفويّه در
كتاب انيس العابدين كه علامهٔ مجلسى ذكر بحار وفاضل خبير ميرزا عبد
الله اصفهانى در صحيفهٔ ثالثه از ان نقل ميكنند نقل كرده از كتاب
سعادات باين عبارت دعا توسّل از براى هر مهمّى وحاجتى بسم الله
الرّحمن الرّحيم توسّلت اليك يا ابا القاسم محمّد بن الحسن بن على بن محمّد بن
على بن موسى بن جعفر بن محمّد بن على بن ابى طالب النّباء العظيم والصّراط
المستقيم وعصمة اللّاجين بامّك سيّدة نساء العالمين وبآبائك الطّاهرين
وبامّهاتك الطّاهرات بيس والقرآن الحكيم والجبروت العظيم وحقيقة
الايمان ونور النّور وكتاب مسطور ان تكون سفيرى الى الله تعم فى الحاجة

لفلان او اهلاک فلان بن فلان و این رقعه را در کل پاکی بگذار و در آب
جاری یا چاهی بینداز و در آنحال بگو یا سعید بن عثمان و یا عثمان بن سعید
اوصلا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله علیه نسخه چنین بوده و لکن
بملاحظه روایات و طریقه بعضی از رقاع که آنا بجمله از رقعه ایست که اول
ذکر شد باید چنین باشد یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان الخ والله
العالم سیتم در ذکر عملی برای برآمدن حوائج ثقة الاسلام در کافی بسند
معتبر روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت
صادق ع و عرض کردم فدایت شوم بدرستیکه من از پیش خود دعائی
اختراع کردم آنحضرت فرمود واگذار مرا از آنچه خود اختراع کرده هرگاه
ترا حاجتی رو دهد پس پناه برسول خدا صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز
کن و هدیه کن آنرا بسوی حضرت رسول ص عرض کردم بچه نحو کنم این نماز را
فرمود غسل میکنی و دو رکعت نماز میگذاری و افتتاح میکنی این دو
رکعت را مثل افتتاح فریضه و تشهد بخوان بنحویکه در نماز واجب خود
میخوانی پس چون فارغ شدی از تشهد و سلام گفتی میگوئی اللهم انت السلام
و منک السلام و الیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغ روح
محمد منی السلام و ارواح الائمة الصادقین سلامی و اردد علی منهم
السلام والسلام علیهم و رحمة الله و برکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة

منی الی رسول الله صلّی الله علیه و آله فاثبنی علیهما ما املت و رجوت فیك
و فی رسولك یا ولیّ المؤمنین پس بسجده میروی و میکوئی چهل مرتبه
یا حیّ یا قیوّم یا حیّ لا یموت یا حیّ لا اله الّا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا
ارحم الرّاحمین پس جانب چپ روی را است بر زمین میکذاری و میکوئی
این دعا را نیز چهل مرتبه پس جانب چپ روی را بر زمین میکذاری و
باز چهل مرتبه میخوانی پس سر از سجده بر میداری و دستها را بلند میکنی
و چهل مرتبه میخوانی پس دستها را بکردن خود میکذاری و انکشت شهادت
دست راست را بجانب راست و چپ حرکت میدهی و چهل مرتبه میکوئی
پس میکیری ریش خود را بدست چپ و کریه میکنی و اکر کریه نیاید
تباکی میکنی و میکوئی یا محمّد یا رسول الله اشکو الی الله و الیك حاجتی
و اشکو الی اهل بیتك الرّاشدین حاجتی و بکم اتوجّه الی الله فی حاجتی
پس بسجده میروی و میکوئی یا الله یا الله تا وقتیکه نفس منقطع شود صلّ
علی محمّد و آل محمّد و افعل بی کذا و کذا و بجای و افعل کذا حاجت خود را
طلب میکنی پس حضرت صادق ع فرمود که من ضامنم بر خدای عزّ و جلّ
که از جای خود حرکت نمیکنی مکر انکه حاجت تو بر اورده شده چهارم
نمازیست که شیخ کفعمی در بلد الامین ذکر نموده و شیخ جلیل ابو الحسن
سلیمان بن الحسن صهرشتی که از مشاهیر تلامذهٔ شیخ طوسی است در کتاب

قبس المصباح این را روایت کرده از مفضل بن عمر که حضرت صادق ع
فرمود هرگاه ترا حاجتی باشد بسوی خداوند و سینه ات ازان تنگ شده
باشد پس دو رکعت نماز بکن وچون سلام بگوئی سه مرتبه تکبیر بگو وتسبیح
کن تسبیح فاطمه را پس بسجده برو و بگو صد مرتبه یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی
پس جانب راست روی را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس
جانب چپ روی را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز بسجده رو
وصد وده مرتبه بگو وحاجت خود را یاد کن بدرستیکه خداوند بر می
آورد انزاانشاءالله تعالی پنجم در ذکر چند دعای شریفی که ماثور است ازجناب
ابی عبدالله الحسین ع ومتضمن است مضامین عالیه را سزاوار است
که انسان از فیض خواندن ان خود را محروم نکند اول شیخ مفید ره در
ارشاد روایتکرده از حضرت علی بن الحسین ع که فرمود چون صبح روز
عاشوراء شد وسواران رو بانجناب آوردند حضرت امام حسین ع دو دست
را بلند کرد و فرمود اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کَرْبٍ وَاَنْتَ رَجائی فی کُلِّ
شِدَّةٍ وَاَنْتَ لی فی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بی ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ کَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ فیهِ الْفُؤادُ
وَتَقِلُّ عَنْهُ الْحیلَةُ وَیَخْذُلُ فیهِ الصَّدیقُ وَیَشْمَتُ فیهِ الْعَدُوُّ اَنْزَلْتُهُ بِكَ
وَشَكَوْتُهُ اِلَیْكَ رَغْبَةً مِنّی اِلَیْكَ ~~رَغْبَةً مِنّی اِلَیْكَ~~ عَمَّنْ سِواكَ فَفَرَّجْتَهُ
وَكَشَفْتَهُ فَاَنْتَ وَلِیُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهی كُلِّ رَغْبَةٍ

دوم عالم جلیل سید فضل الله راوندی در کتاب دعوات روایت کرده
از امام زین العابدین ع که فرمود پدرم مرا دربر گرفت وبسینه خود چسبانید
در آن روز که کشته شد والدماء تغلی وخون در بدن مبارکش جوش میخورد
وفرمود ای پسر من حفظ کن از من دعائی را که تعلیم فرمود انرا بمن فاطمه
وتعلیم فرمود باو رسولخدا صلی الله علیه واله وتعلیم نمود با نجناب جبرئیل
از برای حاجت ومهم واندوه وبلاهای سخت که نازل میشود وامر عظیم
دشوار وفرمود بگو بحق یس والقرآن الحکیم وبحق طه والقرآن العظیم
یا من یقدر علی حوائج السائلین یا من یعلم ما فی الضمیر یا منفس عن المکروبین
یا مفرج عن المغمومین یا راحم الشیخ الکبیر یا رازق الطفل الصغیر صل
علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا وبجای وافعل بی کذا حاجات خود را
بخواهد سیم شیخ طوسی ره در کتاب مصباح متهجد در ضمن اعمال روز
سیم ماه شعبان فرموده که بخوان دعاء حسین را وان اخر دعائیست
که خواند از ادر ان روز که لشکر بران جناب احاطه کرده بودند اللهم متعالی
المکان عظیم الجبروت تا اخر دعا که ذکر تمام ان با اختصار منافات دارد
وما در صحائف النور انرا ذکر نمودیم ششم در بیان اداب زیارت بدانکه
است بدانکه ثواب زیارت هر یك از رسول خدا وائمه هدی واهدیه
روح مقدس هر یك از ایشان میتوان کرد وهم چنین بروح هر یك از

زیارت بنیابة

مؤمنین و زیارت بنیابت ایشان میتوان کرد چنانچه شیخ طوسی در تهذیب ۳۲۰
بسند معتبر روایت کرده از داود صرمی که گفت بخدمت حضرت امام
علی نقی ع عرض کردم که من زیارت کردم پدرت را و ثوابش را از برای
شما قرار دادم حضرت فرمود که از برای تو است از جانب حق تع اجر و ثواب
عظیم و از جانب ما حمد و ثنا و شیخ محمد بن المشهدی در مزار خود گفته
که روایت کردند اصحاب ما جمیعا که حضرت صادق ع طلبید یکی از شیعیان
و دراهمی نزد او آورد و فرمود این دراهم را بگیر و حج کن از جانب پسرم
اسمعیل تا بوده باشد از برای تو نه قسمت از ثواب و از برای اسمعیل یک
قسمت و نیز در مزار گفته که امام علی نقی علیه السلم فرستاد شخصی را بمشهد ابی
عبد الله الحسین ع که از جانب او زیارت کند و فرمودند بدرستیکه مکا
نهائی چند است که حق تع دوست میدارد که در آنها خوانده شود و اجابت
فرماید و بدرستیکه حایر امام حسین ع از جملهٔ آنمکانها است و شیخ شهید
در دروس فرموده و مستحب است برای کسیکه بزیارتی مشرف میشود
زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان پس بگوید
السلم علیک یا مولای من فلان بن فلان اتیتک زائرا عنه فاشفع له عند
ربک و دعا کند از برای او الخ و شیخ کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب
بسند معتبر نقل کرده اند از ابرهیم حضرمی که گفت وقتیکه از مکهٔ معظمه مراجعت

کردم

کردم در مدینه شرفیاب شدم بخدمت حضرت موسی بن جعفر ع که در مسجد
رسول خدا صلعم و آنحضرت در ما بین قبر و منبر نشسته بود پس عرض کردم بآن
جناب که یا ابن رسول الله وقتیکه من از ولایت بیرون آمدم بسمت مکه
بسا گفت بمن کسی که طواف از جانب من هفت شوط و دو رکعت نماز گذار
پس شد که من غفلت کردم از او و بجا نیاوردم الحال که مراجعت ببلد کنم
ندانم چه گویم او را از آنجناب فرمود وقتیکه بروی مکه و نسك و اعمال
خود را بجا آوردی پس یك اسبوع یعنی هفت شوط طواف کن و دو
رکعت نماز گذار و بگو اللهم ان هذا الطواف وهاتین الرکعتین عن ابی
وامی وعن زوجتی وعن ولدی وعن حامتی وعن جمیع اهل بلدی حرهم
وعبدهم وابیضهم واسودهم پس نمیگوئی بمردم از اهل بلد خود که من از
جانب تو طواف کردم و دو رکعت نماز گذاردم مگر آنکه در گفته خود صادق
و راست گو بوده و همچنین وقتیکه بزیارت قبر مطهر رسول خدا صلعم بیائی و
از اعمال زیارت خود فارغ شوی پس دو رکعت نماز گذار و بایست نزد سر
رسول خدا صلعم پس بگو السلم علیك یا نبی الله من ابی وامی و زوجتی و ولدی
و حامتی وعن جمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم واسودهم پس بهر
کس از اهل بلد خود بگوئی که من رسول خدا را از جانب تو زیارت کردم صادق
خواهی بود و شیخ محمد بن المشهدی ذکر مزار گفته روایت شده که از بعض ائمه

ضمایر

صادقین ع سؤال کردند از مردی که دو رکعت نماز میکند یا یك روز روزه
میدارد یا حج یا عمره بجا میاورد یا زیارت میکند رسولخدا یا یکی از ائمه
طاهرین ع را و هر کدام را که بجا اورد ثواب ورا از برای والدین خود یا
برادر مؤمن خود قرار میدهد یا اورا ثوابی هست فرمودند بدرستیکه
ثواب این عمل میرسد بکسیکه از برای او قرار داده شده بی انکه از ثواب و
اجر او چیزی کم شود و شیخ طوسی در تهذیب فرموده است کسیکه بنیابت
برادر مومن خود بزیارت رود باجرت چون فارغ شود از غسل زیارت
یا از عمل زیارت چنانچه در بعض نسخ است بگوید اللهم ما اصابنی من تعب
او نصب او شعث او لغوب فاجر فلان بن فلان و بجای فلان بن فلان اسم
انشخص و پدر او را ذکر کند تبتك زائرا عنه فاشفع له عند ربك پس

و بجای فلان بن فلان اسم آنشخص و پدر او را ذکر کند ۱۲

هر دعا که خواهد از برای او بکند هفتم در اداب ملاقات زائرین است
شیخ شهید ره در دروس فرموده مستحب مؤکد است زیارت اخوان
فی الله پس همینکه بزیارت او ورود نازل شود بر حکم او و خدمت نفرماید
بر او و بتکلف وا ندارد اورا و مستحب است از برای او که استقبال
کند برادرش را که از زیارت امده و مصافحه و معانقه کند و ببوسند
هر یك پیشانی یکدیگر را و اگر دست زائر را بوسه دهد جائز است
و بخصوص دست علما و ذریه رسولخدا ص بجهت فرمودهٔ حضرت صادق ع

بوسه داده نشود دست احدی مکر دست کسیکه اراده شده باشد
باو رسول خدا ص و روایت شده بوسیدن حاجی را وقتیکه از حج امده تا
انکه فرموده روایت کرده است شیخ کلینی از ابی حمزه از حضرت صادق ع
هر که زیارت کند برادرش را برای حقتعالی موکل کرداند براو حقتعالی
هفتاد هزار ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و پاکیزه و کوارا باد برای
تو بهشت الخ و علامه مجلسی ره در بحار کفته که روایت شده در بعض
مولفات اصحاب ما از معلی ابن خنیس که حضرت صادق ع فرمود که هر گاه
شخصی از برادران مؤمن شما برکردد از زیارت ما یا زیارت قبرهای
ما پس او را استقبال کنید و براو سلام کنید و او را تهنیت و مبارکباد
بکوئید بان کرامتیکه خداوند باو عطا فرموده که اکر چنین کنید شما را
ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرو میکیرد شما را رحمت الهی چنانچه
او را فرو کرفته است بدرستیکه هر که زیارت کند ما را یا قبرهای
ما را البته رحمت الهی او را فرو کیرد و کناهانش امرزیده شود هشتم
در فضیلت و کیفیت زیارت اموات مؤمنین است شیخ عالم کامل
جعفر بن قولویه در کامل بسند معتبر از عمرو بن عثمان رازی روایت
کرده که کفت شنیدم از ابو الحسن اول حضرت موسی ع که میفرمود هر کس
قادر نباشد بزیارت ما پس زیارت کند صلحا از موالیان ما را نانوشته

شود برای او ثواب زیارت ما و کسیکه قادر نباشد بر صله و نیکی بما پس
صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او نوشته شود ثواب
صله و نیکی بما و نیز ابن قولویه بسند صحیح روایت کرده از محمد بن احمد بن
یحیی الاشعری که گفت من در فید که اسم منزلی است در طریق مکه با علی
بن بلال روانه شدیم سر قبر محمد بن اسمعیل بن بزیع پس علی بن بلال برای
من گفت که صاحب این قبر روایت کرد از برای من از حضرت صادق ع که
فرمود هر که بیاید بنزد قبر برادر مومن خود و دست بر قبر گذارد و هفت
مرتبه بخواند سورهٔ انا انزلناه را ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت
و در روایت دیگر مثل همین را نقل کرده مگر آنکه دارد و رو بقبله کند
و نیز در کامل الزیارة بسند معتبر منقولست که عبد الرحمن بن ابی عبد الله
بحضرت صادق ع عرض کرد که چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین
پس حضرت بدست خود اشاره بزمین فرمود و دست بر زمین گذاشت در
حالیکه آنحضرت مقابل قبله بود و نیز بسند صحیح منقولست که عبد الله بن
سنان بحضرت صادق ع عرض کرد که چگونه باید سلام کرد بر اهل قبور
فرمود میگوئی السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین انتم لنا فرط
ونحن ان شاء الله بکم لاحقون و از حضرت امام حسین ع روایت شده
که هر که داخل قبرستان شود و بگوید اللهم رب الارواح الفانیة والاجساد البالیة

البالية والعظام النخرة التى خرجت من الدنيا وهى بك مؤمنة ادخل عليهم روحاً منك وسلاماً منى بنويسد حقتعالى از براى او حسنات بعدد خلق از زمان آدم تا قيام قيامت واز حضرت امير المومنين ؏ منقولست كه هر كه داخل قبرستان شود وبكويد بسم الله الرحمن الرحيم اَلسَّلامُ عَلى اَهْلِ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مِنْ اَهْلِ لا اِلهَ اِلّا اللهُ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اللهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مِنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ يا لا اِلهَ اِلّا اللهُ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اللهُ اِغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاحْشُرْنا فى زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِىٌّ وَلِىُّ اللهِ حقتعالى وسبحانه ثواب پنجاه سال عبادت براى او بنويسد و كناه پنجاه ساله او را واز پدرش ومادرش محو كرداند ودر روايت ديكر وارد شده است كه بهتر سخنى كه در قبرستان بكوئى چون از آن بكذرى اين است كه بايستى وبكوئى اللهم ولهم ما تولوا واحشرهم مع من احبوا وسيد اجل على بن طاوس رضه در مصباح الزائر كفته در وقتيكه قصد كنى زيارت مؤمنين را سزاوار است كه روز پنجشنبه باشد و اكرنه هر وقت كه خواستى وكيفيت زيارت ايشان چنين است كه رو بقبله كنى وبكذارى دست خود را بر قبر وبكوئى اللهم ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة يستغنى بها عن رحمة من سواك والحقه بمن كان يتولاه پس ميخوانى سورهٔ انا

من اهل لا اله الا الله

انزلناه را هفت مرتبه وروایت شده در صفت زیارتشان وثواب
او حدیثی دیگر از فضیل که گفت هر که بخواند سورهٔ انا انزلناه را هفت
مرتبه نزد قبر مؤمنی حقتعالی ملکی بسوی قبر او بفرستد که عبادت کند
خداوند را نزد قبر او و بنویسد حقتعالی از برای میت ثواب عمل این ملک را
پس چون از قبرش مبعوث شود هیچ هولی از احوال قیامت نگذرد مگر
انکه حقتعالی بگرداند هول را از او و بسبب ان ملک تا خدا داخل بهشت
کرده اند او را و با هفت مرتبه انا انزلناه سورهٔ حمد و دو سورهٔ قل اعوذ
و سورهٔ قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک سه مرتبه بخواند و نیز
روایت شده در وصف زیارت انها روایت دیگری از محمد مسلم که گفت
بخدمت جناب صادق ع عرض کردم که مردگان را زیارت بکنیم فرمود بلی
گفتم ایا انها میدانند که ما بزیارت انها رفته ایم فرمودند بلی قسم بخدا میدانند
و شاد میشوند و با شما انس میگیرند عرض کردم که چه بگوئیم وقتیکه بزیارت
ایشان رویم فرمود بگو اللهم جاف الارض عن جنوبهم و لقهم منک رضوانا
واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس وحشتهم انک علی کل شیء
قدیر پس سید فرموده و در وقتیکه بوده باشی بین قبرها بخوان یازده مرتبه
قل هو الله احد را و هدیه کن اجر انرا برای ایشان بتحقیقیکه روایت شده
که حقتعالی بعدد مردگان ثواب میدهد هکذا انتهی و عالم جلیل سید فضل الله راوندی

در دعوات

در دعوات ذکر کرده که جناب ابی ذر رضی الله فرمود که رسول خدا صلعم
بمن فرمود ای ابوذر وصیت میکنم ترا پس حفظ کن انرا شاید خداوند
برساند بتو نفعی بسبب ان مجاور شو با قبور تا متذکر شوی بانها اخرترا
و زیارتکن قبور را در اوقات روزها و زیارت نکن انها را بشب
مؤلف گوید مشهور اینست که برروی قبرها راه رفتن بی ضرورت مکروه
است و در من لا یحضره الفقیه حدیث معتبری از موسی بن جعفر ع
منقولست که چون بقبرستان روی برروی قبرها راه رو که هر که مؤمن
است راحت میابد و هر که منافق است متالم میشود و اکثر علماء این
حدیث را حمل بضرورت کرده اند و بدانکه زیارت قبور مسلمین ثواب
بسیار و اجر بیشمار دارد و فوائد عظیمه در ان است باعث عبرت و اگاهی
و زهد بدنیا و رغبت باخرت میشود و در وقت اندوه بسیار و شادی
بسیار باید بقبرستان رود که در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا
حلاوت دنیا از دلش برود و شدت شهد کالای دنیوی در کامش
تلخ شود و تفکر کند در فنای دنیا و تقلب احوال ان و بخاطر بیاورد که او
نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گردید و دستش از عمل کوتاه خواهد
شد و پشیمانی و ندامت از برای او سودی نبخشد و باید که در قبرستان
نخندد و حرفهای لغو و بیهوده و سخنان ناشایسته و بی فایده را ترک

کند

کند که هرچیزانوش بیشتراست در قساوت قلب وسختی دل تاانکه از
زیارت قبور ومجاورت موتی منتفع شود وباید امتیاز دهد در تعظیم و
تکریم وکثرت زیارت مراقد اصحاب نبی وائمه راکه خوبی ایشان معلوم
وعلو مقام شان معروف چون جناب سلمان وابی ذر ومقداد وعمار
وحذیفه وجابر ومیثم تمار ورشید هجری وکمیل وقنبر وزراره ومحمد
مسلم وبرید وابی بصیر وفضیل بن یسار وامثال ایشان از افاضل اصحاب
ائمه که حالشان معلومست ازکتب رجالیه وعدد شان زیاده بران است
که در اینجا درج شود بادانستن موضع قبرستان وهمچنین مشاهیر از محدثین
واکابر علماء حافظین اثار ائمه طاهرین مثل شیخ کلینی وشیخ صدوق
وشیخ طوسی وشیخ مفید وعلم الهدی وسید رضی وسید بن طاوس
ومحقق وایة الله علامه حلی وعلامه مجلسی وغیر ایشان از قدما ومتا
خرین رضوان الله علیهم که ذکر شان بااختصار منافات دارد ومرقد-
بسیاری از علما ومحدثین در قم هست که باید درک زیارت انها را نمود
مثل علی بن بابویه ومحمد بن قولویه وزکریا ابن ادم وزکریا ابن ادریس
وادم بن اسحق وقطب راوندی ومحقق قمی وغیر ایشان قدس الله
ارواحهم که بزیارت انها اثار عظیمه وفواید جلیله ومثوبات جزیله مترتب
است بلکه سزاوار است ازبرای خصوص اهل علم که زیارتشان علما وصلحا

نفوس کامله را زیادتر باشد از سایرین وتوقفشان در انجا بیشتر چه انکه از
برای تلطیف ذهن وواضح شدن مشکلات علوم ودرک فیوضات
وتجلی اشراقات مدخلیت تام دارد وباین جهة است وقتیکه خاتم الحکما
الیونانیین ارسطوطالیس در مدینهٔ اسطاغیرا که بلدی بود خود تجدید
وکرده بود از دنیا رفت اهل اسطاغیرا جمع کردند استخوانهای اورا پس از
انکه پوسیده شده بود وظرفی از مس کذاردند واورا دفن کردند در
موضعیکه معروفست باسم اوارسطوطالیس وانمکانرا مجمع خود قرار
داده ودر انجا جمع میشدند از برای مشاورت درکارهای بزرک و
امورات جلیله وهر وقت که برایشان مشکل میشد مطلبی از فنون علم و
حکمت قصد انجا مینمود ودر سر قبر او می نشستند ومشغول بمناظره
ومباحثه میشدند درمابین خود تا انکه واضح میشد برایشان انچه مشکل
شده بود وچنان اعتقاد داشتند که امدن بموضعیکه استخوانهای
ارسطودران دفن شده برعقل وذکاء ایشان میافزاید واذهان
ایشانرا تلطیف وپاکیزه میکند ونیز انرا تعظیمی برای ارسطو میدانستند
در بعد مرک او وباعث تاسف برفراق وحزن واندوه بران فجیعه ومصیبت
وفقدان ینابیع حکمت او میدانستند هذا اخرما اراد قدس سره ایراده
فی هذه الرسالة الشریفة وقد وقع الفراغ منه فی شهر رجب سنه ۱۳۰۲ والحمد

لله رب العالمين والصلوة والسلم على محمد واله الطاهرين واللعنة الدائمة ص۳۳ء
على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين مخفى نماناد كه اين كتاب مستطاب تحية
الزائر وبلغة المجاور آخرين كتاب است از تصنيفات فائقه و تاليفات
رائقه حضرت مستطاب شيخنا الاعظم وعمادنا الاقوم صفوة المتقد
مين والمتاخرين وزبدة الفقهاء والمجتهدين وخاتم المحققين والمحدثين
سحاب الفضل الهاطل وبحر العلم الذى ليس له ساحل مستخرج كنوز
الاخبار ومحيى ما اندرس من الاثار انموذج السلف وقدوة الخلف
مفزع الشيعة وحجة الشريعة وجه العصابة وشيخ الطائفة عين الافاضل
والاكابر وفخر الاوائل والاواخر علامة دهره وواحد عصره شيخنا
ومولينا الحاج ميرزا حسين النورى الطبرسى انار الله تعالى برهانه وافاض
عليه من صفوة فيضه القدسى كه اواخر ايام سعادت ختام را بتاليف اين
مجموعه مباركه مصروف وباكمال ضعف وكسالت ناخوشى تا قوتى در بدن
وجانى در تن داشتند خود را از قيام باين خدمت آسوده نداشتند
افسوس كه هنوز اين خدمت شايان بپايان نرسيده طالع سعد اسلا
ميان دگرگون وآفتاب هدايتشان از اوج ارتفاع در افق غروب
سرنگون وروز سفيد شان نيلگون گرديد هنوز خاتمه كتاب را ختم
ننموده خطاب مستطاب يا ايتها النفس المطمئنة ارجعى الى ربك را اجابت

لبيك

لبیک کفتند وچون جماعتی از فضلای اعلام شکر الله مساعیهم در اغلب ایام
جمع این کتاب ملازم خدمت ودر نقل زیارات وادعیه از مدارك انها باین
صفحات معین حضرتش بودند واز فهرست بقیهٔ خاتمه باخبر واز مکنون ضمیر
منیرش در مندرجات ان نیك مستحضر ومدارك وماخذ انها هم که اغلب
مصنّفات خودان بزرکوار است از برکات انفاس قدسیّه اش موجود
وحاضر بوده لهذا موجب امتثال امر لازم الاتباعی از مقام دوّم خاتمه
از حال جناب قاسم بن موسی الکاظم علیه السّلم تا باخر که خودان بزرکوار
بقلم مبارك رقم نفرموده بود ترقیم واین درّ یتیم را تتمیم نمودند اکر انشاء
الله تعـ تمام ان صوابست از برکات انفاس قدسیّه انجناب است واکر
در بین خطائی واقع شده از غفلت وقصور دیکران است اینك نظر به
قصور از احاطه بتتمّهٔ از فضایل ان یکانهٔ نشان کامل وکنجینهٔ علوم ومعارف
الهیّه وبحر فضایل وفواضل بهتر انکه بذکر تاریخ ولادت باسعادت و
مدت عمر وعدد مصنفات فرخنده اش ختم کلام کنیم امّا ولادت انجناب
بموجب انچه در خاتمه کتاب مستدرك الوسائل در ترجمه حال خود ضبط
فرموده اند در هجدهم شوّال مطابق سنهٔ ۱۲۵۴ در قریه یالو از قرای نور
که از اعمال طبرستان است واقع ومصیبت عظیمه رحلتش در شب چهارشنبه
بیست وهفتم شهر جمادی الاخرهٔ سنهٔ ۱۳۲۰ تقریبا یکساعت از شب کذشته اتفاق

افتاد وان خزینهٔ علوم آل محمد ص وگنج جواهر گران بهای تفسیر و آثار در مشهد غروی در جوار حضرت امیر المؤمنین ع در ایوان سیم از ایوانهای شرقی باب القبله مدفون کردید مدت عمر کرامیش بنابراین شصت وپنجسال وهشت ماه ونه روز است هر یک از مصنفات مبارکه اش منطبع در اقطار منتشر است تفصیل انها بدین ترتیب است کتاب نفس الرحمن در فضایل سیدنا سلمان واین اول کتابست از تالیفات ایشان بعد از شجرهٔ مونقهٔ عجیبه که در سلسلهٔ اجازات علما است ومسماة است بمواقع النجوم ومرسلة الدرر المنظوم کتاب دار السلام در متعلقات رؤیا ومنام در دو جلد کتاب فصل الخطاب در مسئلهٔ تحریف کتاب کتاب معالم العبر فی استدراک البحار السابع عشر رسالهٔ جنة الماوی در ذکر انانکه تشرف جستند بملاقات امام عصر صلوات الله علیه در غیبت کبری ودر سیزدهم بحار از انها ذکر نشده رسالهٔ فیض قدسی در حالات علامهٔ مجلسی ره صحیفهٔ ثانیهٔ علویه صحیفهٔ رابعهٔ سجادیه کلمهٔ طیبه نجم الثاقب در احوال امام غایب صلوات الله علیه وآله رسالهٔ میزان السماء در تعیین میلاد خاتم الانبیا واین رساله با دو کتاب پیش فارسی است ظلمات الهاویه در مطاعن معاویه شاخه طوبی رساله در رد بعض شبهاتی که بر کتاب فصل الخطاب شده کتاب مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل در چند جلد که تقریبا بقدر مجموع وسائل میشود

کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار عجّل الله فرجه و این کتاب

جواب قصیده ایست که بعضی از علماء اهل سنّت بغداد نبوی علماء

امامیه فرستاده بود که متضمّن بود بعضی شبهات در اصل ولادت امام

عصر سلامة المرصاد رساله ایست فارسی که مشتمل است بر زیارت

عاشوراء غیر معروفه و اعمال مقامات مسجد کوفه غیر آنچه شایع و دائر

است در بین مردم و موجود در مزارهای معروفه است رساله مختصره

مشتمله بر زیارت جامعه کبیره غیر معروفه و غیرها رساله مختصره فارسی

در تعیین موالید ائمّه مستدرک مزار بحار تمام نشده حواشی بر رساله

ابو علی ره تمام نشده ترجمه جلد دوّم دار السّلام و آن نیز ناتمام مانده

کتاب لؤلؤ و مرجان در شرط پلّه اوّل و دوّم روضه خوانان و کتاب

تحیّة الزّائر و بلغة المجاور که همین کتاب شریف و آخر مصنّفات آنجناب

است و چون تصنیف و تألیف این دو کتاب بعد از ختم مستدرک است

لهذا در آن کتاب مستطاب ذکری از آنها نفرموده اند جزاه الله عن

الاسلام و اهله خیرًا و رفع له فی الدّین ذکرا و قد اتّفق الفراغ من ذلک

یوم الثّالث عشر من رجب المرجّب من سنة ۱۳۲۰ فی المشهد

المقدّس الغروی علی مشرّفها افضل الصّلوة و السّلام و الحمد لله اوّلا

و اخرًا و صلّی الله علی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین



چون اینکتاب مستطاب که موسوم بهدیة الزائرین و از مؤلفات
جناب مستطاب حاجی میرزا حسین نوری اعلی الله مقامه است
خودش زیارت مفجعه را معتبر ندانسته و نسبت انرا بمجعولیت
داده اند لهذا العبد المذنب الاحقر الحاج علی سمسار ابن
حاجی صادق مرحوم خواستم اشخاصیکه میخواهند در اوان
محزونی و رقت قلب زیارت مفجعه را بخوانند بعوض ان
این زیارترا که در تحفة الزائر مجلسی مرحوم زیارت چهارم
عاشورا قرار داده بخوانند که از حضرت امام عصر عجل الله
فرجه سلام الله علیه رسیده است که فرمایش امام علیه السلام
تاثیر مخصوصی دارد و بانی هم التماس مینماید که در اوقات
خواندن و گریستن حقیررا از دعای خیر فراموش
نفرمایند

زیارت چهارم شیخ مفید رض فرموده است که زیارتی دیگر
است در روز عاشورا که بروایت دیگر از شیخ محمد بن المشهدی
رحمه الله ذکر کرده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا
که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه
بسوی بعضی از نایبان انحضرت بیرون امده است می ایستی

نزد

نزد قبر آنحضرت و میگوئی السَّلامُ عَلیٰ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ مِنْ خَلِیقَتِهِ
السَّلامُ عَلیٰ شَیْثٍ وَلِیِّ اللهِ وَخِیَرَتِهِ السَّلامُ عَلیٰ اِدْرِیسَ القَآئِمِ لِلّٰهِ
بِحُجَّتِهِ السَّلامُ عَلیٰ نُوحٍ المُجابِ فی دَعْوَتِهِ السَّلامُ عَلیٰ هُودٍ المَمْدُودِ
مِنَ اللهِ بِمَعُونَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ صالِحٍ الَّذی تَوَّجَهُ اللهُ بِكَرامَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ
اِبْرٰهِیمَ الَّذی حَباهُ اللهُ بِخُلَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ اِسْمٰعِیلَ الَّذی فَداهُ اللهُ بِذِبْحٍ
عَظِیمٍ مِنْ جَنَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ اِسْحٰقَ الَّذی جَعَلَ اللهُ النُّبُوَّةَ فی ذُرِّیَّتِهِ السَّلمُ
عَلیٰ یَعْقُوبَ الَّذی رَدَّ اللهُ عَلَیْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ السَّلامُ عَلیٰ یُوسُفَ الَّذی
نَجّاهُ اللهُ مِنَ الجُبِّ بِعَظَمَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ مُوسیٰ الَّذی فَلَقَ اللهُ البَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ
السَّلمُ عَلیٰ هٰرُونَ الَّذی خَصَّهُ اللهُ بِنُبُوَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ شُعَیْبٍ الَّذی نَصَرَهُ
اللهُ عَلیٰ اُمَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ داوُدَ الَّذی تابَ اللهُ عَلَیْهِ مِنْ خَطِیئَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ
سُلَیْمانَ الَّذی ذَلَّتْ لَهُ الجِنُّ بِعِزَّتِهِ السَّلامُ عَلیٰ اَیُّوبَ الَّذی شَفاهُ
اللهُ مِنْ عِلَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ یُونُسَ الَّذی اَنْجَزَ اللهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ السَّلامُ عَلیٰ
عُزَیْرٍ الَّذی اَحْیاهُ اللهُ بَعْدَ مَیْتَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ زَكَرِیّآءَ الصّابِرِ فی مِحْنَتِهِ
السَّلمُ عَلیٰ یَحْییٰ الَّذی اَزْلَفَهُ اللهُ بِشَهادَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ عِیسیٰ رُوحِ اللهِ وَ
كَلِمَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللهِ وَصِفْوَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ اَمِیرِ المُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ
اَبِیطالِبٍ المَخْصُوصِ بِاُخُوَّتِهِ السَّلمُ عَلیٰ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ ابْنَتِهِ السَّلمُ عَلیٰ
اَبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ وَصِیِّ اَبِیهِ وَخَلِیفَتِهِ السَّلامُ عَلَی الحُسَیْنِ سَمَحَتْ نَفْسُهُ

بمهجته السلام على من أطاع الله في سره وعلانيته السلام على من جعل
الله الشفاء في تربته السلام على من الاجابة تحت قبته السلام على من
الأئمة من ذريته السلام على ابن خاتم الانبياء السلام على ابن سيد
الاوصياء السلام على ابن فاطمة الزهراء السلام على ابن خديجة الكبرى
السلام على ابن سدرة المنتهى السلام على ابن جنة المأوى السلام على ابن زمزم
والصفا السلام على المرمل بالدماء السلام على المهتوك الخباء السلام
على خامس اصحاب الكساء السلام على غريب الغرباء السلام على شهيد الشهداء
السلام على قتيل الادعياء السلام على ساكن كربلاء السلام على من بكته ملائكة
السماء السلام على من ذريته الازكياء السلام على يعسوب الدين السلام على
منازل البراهين السلام على الأئمة السادات السلام على الجيوب المضرجات
السلام على الشفاه الذابلات السلام على النفوس المصطلمات السلام على الارواح
المختلسات السلام على الاجساد العاريات السلام على الجسوم الشاحبات السلام
على الدماء السائلات السلام على الاعضاء المقطعات السلام على الرؤس
المشالات السلام على النسوة البارزات السلام على حجة رب العالمين السلام
عليك وعلى آبائك الطاهرين السلام عليك وعلى ابنائك المستشهدين
السلام عليك وعلى ذريتك الناصرين السلام عليك وعلى الملائكة
المضاجعين السلام على القتيل المظلوم السلام على اخيه المسموم السلام على

علی

عَلِی الکَبِیرِ السّلم عَلَی الرَّضیعِ الصَّغیرِ السّلم عَلَی الاَبْدانِ السَّلیبَةِ السّلم عَلَی
العِتْرَةِ القَریبَةِ السَّلامُ عَلَی المُجَدَّلینَ فِی الفَلَواتِ السّلم عَلَی النّازِحینَ عَنِ
الاَوْطانِ السّلم عَلَی المَدْفُونینَ بِلا اَکْفانٍ السَّلامُ عَلَی الرُّؤُسِ المُفَرَّقَةِ
عَنِ الاَبْدانِ السَّلامُ عَلَی المُحْتَسِبِ الصّابِرِ السَّلامُ عَلَی المَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ
السَّلامُ عَلی ساکِنِ التُّرْبَةِ الزّاکِیَةِ السّلم عَلی صاحِبِ القُبَّةِ السّامِیَةِ
السّلم عَلی مَنْ طَهَّرَهُ الجَلیلُ السَّلامُ عَلی مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئیلُ السّلم عَلی مَنْ
ناغاهُ فِی المَهْدِ میکائیلُ السَّلامُ عَلی مَنْ نُکِثَتْ ذِمَّتُهُ السَّلامُ عَلی مَنْ
هُتِکَتْ حُرْمَتُهُ السّلم عَلی مَنْ اُریقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ السّلم عَلَی المُغَسَّلِ بِدَمِ
الجِراحِ السّلم عَلَی المُجَرَّعِ بِکاساتِ الرِّماحِ السّلم عَلَی المُضامِ المُسْتَباحِ السّلم
عَلَی المَنْحُورِ فِی الوَری السَّلامُ عَلی مَنْ دَفَنَهُ اَهْلُ القُری السّلم عَلَی المَقْطُوعِ
الوَتینِ السَّلامُ عَلَی المُحامی بِلا مُعینٍ السّلم عَلَی الشَّیْبِ الخَضیبِ السّلم عَلَی
الخَدِّ التَّریبِ السّلم عَلَی البَدَنِ السَّلیبِ السّلم عَلَی الثَّغْرِ المَقْرُوعِ بِالقَضیبِ
السّلم عَلَی الرَّأْسِ المَرْفُوعِ السّلم عَلَی الاَجْسامِ العارِیَةِ فِی الفَلَواتِ تَنْهَشُها
الذِّئابُ العادِیاتُ وَتَخْتَلِفُ اِلَیْهَا السِّباعُ الضّارِیاتُ السَّلامُ عَلَیْکَ
یا مَوْلایَ وَعَلَی المَلائِکَةِ المَرْفُوفینَ حَوْلَ قُبَّتِکَ الحافّینَ بِتُرْبَتِکَ الطّائِفینَ
بِعَرْصَتِکَ الوارِدینَ لِزِیارَتِکَ السَّلامُ عَلَیْکَ فَاِنّی قَصَدْتُ اِلَیْکَ
وَرَجَوْتُ الفَوْزَ لَدَیْکَ السَّلامُ عَلَیْکَ سَلامَ العارِفِ بِحُرْمَتِکَ المُخْلِصِ

في ولايتك المتقرب الى الله بمحبتك البريء من اعدائك سلام من قلبه
بمصابك مقروح ودمعه عند ذكرك مسفوح سلام المفجوع المحزون
الواله المستكين سلام من لو كان معك بالطفوف لوقاك بنفسه حدّ
السيوف وبذل حشاشته دونك للحتوف وجاهد بين يديك ونصرك
على من بغى عليك وفداك بروحه وجسده وماله وولده وروحه
لروحك فداء واهله لاهلك وقاء فلئن اخرتني الدهور وعاقني
عن نصرك المقدور ولم اكن لمن حاربك محاربا ولمن نصب لك العداوة
مناصبا فلاندبنك صباحا ومساء ولابكين لك بدل الدموع دما
حسرة عليك وتأسفا على ما دهاك وتلهفا حتى اموت بلوعة المصاب
وغصة الاكتئاب اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر والعدوان واطعت الله وما عصيته
وتمسكت به وبحبله فارضيته وخشيته وراعيته واستجبته
وسننت السنن واطفات الفتن ودعوت الى الرشاد واوضحت
سبل السداد وجاهدت في الله حق الجهاد وكنت لله طائعا ولجدك
محمد صلى الله عليه واله تابعا ولقول ابيك سامعا والى وصية
اخيك مسارعا ولعماد الدين رافعا وللطغيان قامعا وللطغات
مقارعا وللامة ناصحا وفي غمرات الموت سابحا وللفساق مكافحا

وبحجج

وبحجج الله قائماً وللإسلام وللمسلمين راحماً وللحق ناصراً وعند البلاء صابراً وللدين كالئاً وعن حوزته مرامياً تحوط الهدى وتنصره وتبسط العدل وتنشره وتنصر الدين وتظهره وتكف العابث وتزجره وتاخذ للدني من الشريف وتساوي في الحكم بين القوي والضعيف كنت ربيع الأيتام وعصمة الأنام وعز الإسلام ومعدن الأحكام وحليف الأنعام سالكاً طرائق جدك وأبيك مشبهاً في الوصية لأخيك وفي الذمم رضي الشيم ظاهر الكرم متهجداً في الظلم قويم الطرائق كريم الخلائق عظيم السوابق شريف النسب منيف الحسب رفيع الرتب كثير المناقب محمود الضرائب جزيل المواهب حليم رشيد منيب جواد عليم شديد إمام شهيد أواه منيب حبيب مهيب كنت للرسول صلى الله عليه وآله ولداً وللقرآن سنداً وللأمة عضداً وفي الطاعة مجتهداً حافظاً للعهد والميثاق ناكباً عن سبل الفساق باذلاً للمجهود طويل الركوع والسجود زاهداً في الدنيا زهد الراحل عنها ناظراً إليها بعين المستوحشين منها آمالك عنها مكفوفة وهمتك عن زينتها مصروفة وألحاظك عن بهجتها مطروفة ورغبتك في الآخرة معروفة حتى إذا الجور مد باعه وأسفر الظلم قناعه ودعى الغي أتباعه وأنت في حرم جدك قاطن وللظالمين مباين جليس البيت

والمحراب

والمحراب معتزلاً عن اللذات والشهوات تنكر المنكر بقلبك ولسانك على
حسب طاقتك وامكانك ثم اقتضاك العلم للانكار ولزمك ان تجاهد
الفجار فسرت في اولادك واهاليك وشيعتك ومواليك وصدعت
بالحق والبينة ودعوت الى الله بالحكمة والموعظة الحسنة وامرت
باقامة الحدود والطاعة للمعبود ونهيت عن الخبائث والطغيان و
واجهوك بالظلم والعدوان فجاهدتهم بعد الايعاذ اليهم وتاكيد الحجة
عليهم فنكثوا ذمامك وبيعتك واسخطوا ربك وجدك وبدؤك با
لحرب فثبت للطعن والضرب وطحنت جنود الفجار واقتحمت قسطل ا
لغبار مجالدا بذي الفقار كانك علي المختار فلما راوك ثابت الجاش غير
خائف ولا خاش نصبوا لك غوائل مكرهم وقاتلوك بكيدهم وشرهم وامر
اللعين جنوده فمنعوك الماء ووروده وناجزوك القتال وعاجلوك
النزال ورشقوك بالسهام والنبال وبسطوا اليك اكف الاصطلام و
لم يرعوا لك ذماما ولا راغبوا فيك اثاما في قتلهم اولياءك ونهبهم
رحالك وانت مقدم في الهبوات ومحتمل للاذيات قد عجبت من صبرك
ملائكة السموات فاحدقوا بك من كل الجهات واثخنوك بالجراح و
حالوا بينك وبين الرواح ولم يبق لك ناصر وانت محتسب صابر تذب
عن نسوتك واولادك حتى نكسوك عن جوادك فهويت الى الارض جريحا

تطؤك

تَطؤُكَ الخُيولُ بِحَوافِرِها وَتَعلوكَ الطُّغاةُ بِبَواتِرِها قَدْ رَشَحَ لِلمَوتِ جَبينُكَ
وَاختَلَفَتْ بِالاِنْقِباضِ وَالاِنْبِساطِ شِمالُكَ وَيَمينُكَ تُديرُ طَرْفاً خَفِيّاً
اِلى رَحلِكَ وَبَيتِكَ وَقَدْ شُغِلتَ بِنَفسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَاَهاليكَ وَاَسرَعَ
فَرَسُكَ شارِداً اِلى خِيامِكَ قاصِداً مُحَمحِماً باكِياً فَلَمّا رَاَيْنَ النِّساءُ جَوادَكَ
مَخزِيّاً وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيهِ مَلوِيّاً بَرَزْنَ مِنَ الخُدورِ ناشِراتِ الشُّعورِ عَلى
الخُدودِ لاطِماتِ الوُجوهِ سافِراتٍ بِالعَويلِ داعِياتٍ وَبَعدَ العِزِّ مُذَلَّلاتٍ
وَاِلى مَصرَعِكَ مُبادِراتٍ وَالشِّمرُ جالِسٌ عَلى صَدرِكَ وَمُولِغٌ سَيفَهُ عَلى
نَحرِكَ قابِضٌ عَلى شَيبَتِكَ بِيَدِهِ ذابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ قَدْ سَكَنَتْ حَواسُّكَ
وَخَفِيَتْ اَنفاسُكَ وَرُفِعَ عَلَى القَنا رَاْسُكَ وَسُبِيَ اَهلُكَ كَالعَبيدِ وَ
صُفِّدوا فِي الحَديدِ فَوقَ اَقتابِ المَطِيّاتِ تَلفَحُ وُجوهَهُمْ حَرُّ الهاجِراتِ
يُساقونَ فِي البَراري وَالفَلَواتِ اَيديهِمْ مَغلولَةٌ اِلَى الاَعناقِ يُطافُ بِهِمْ
فِي الاَسواقِ فَالوَيلُ لِلعُصاةِ الفُسّاقِ لَقَدْ قَتَلوا بِقَتلِكَ الاِسلامَ وَعَطَّلوا
الصَّلوةَ وَالصِّيامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالاَحكامَ وَهَدَموا قَواعِدَ الاِيمانِ
وَحَرَّفوا اياتِ القُرانِ وَهَمْلَجوا فِي البَغيِ وَالعُدوانِ لَقَدْ اَصبَحَ رَسولُ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَالِهِ مِنْ اَجلِكَ مَوتوراً وَعادَ كِتابُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهجوراً وَ
غودِرَ الحَقُّ اِذْ قُهِرْتَ مَقهوراً وَفُقِدَ بِفَقدِكَ التَّكبيرُ وَالتَّهليلُ وَالتَّحريمُ
وَالتَّحليلُ وَالتَّنزيلُ وَالتَّاويلُ وَظَهَرَ بَعدَكَ التَّغييرُ وَالتَّبديلُ وَالاِلحادُ

وَالتَّعْطِيلِ وَالأَهْوَآءِ وَالأَضَالِيلِ وَالْفِتَنِ وَالأَبَاطِيلِ فَقَامَ نَاعِيكَ
عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ
قَائِلاً يَا رَسُولَ اللهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ وَسُبِيَتْ
بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَذَوِيكَ فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى
قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلٰئِكَةُ وَالأَنْبِيَاءُ وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْرَآءُ
وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُقِيمَتْ
لَكَ الْمَآتِمُ فِي أَعْلا عِلِّيِّينَ وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ وَبَكَتِ السَّمَآءُ وَ
سُكَّانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُزَّانُهَا وَالْهِضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيتَانُهَا
وَمَكَّةُ وَبُنْيَانُهَا وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ وَالْحَرَمُ
وَالْحِلُّ وَالإِحْرَامُ اللّٰهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ
إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ
الأَنْزَعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ
الْمُسْتَشْهَدِينَ وَبِأَوْلادِهِ الْمَقْتُولِينَ وَبِعِتْرَتِهِ الْمَظْلُومِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةِ الأَوَّابِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ

الصَّادِقِينَ

الصادقين وموسى بن جعفر مظهر البراهين وعلي بن موسى ناصر الدين
ومحمد بن علي قدوة المهتدين وعلي بن محمد ازهد الزاهدين والحسن بن
علي وارث المستخلفين والحجة على الخلق اجمعين ان تصلي على محمد وآل
محمد الصادقين الابرين آل طه ويس وان تجعلني في القيمة من الامنين
المطمئنين الفائزين الفرحين المستبشرين اللهم اكتبني في المسلمين والحقني
بالصالحين واجعل لي لسان صدق في الاخرين وانصرني على الباغين
واكفني كيد الحاسدين واصرف عني مكر الماكرين واقبض عني ايدي
الظالمين واجمع بيني وبين السادة الميامين في اعلى عليين مع الذين
انعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم اني اقسم عليك بنبيك المعصوم وبحكمك المحتوم
ونهيك المكتوم وبهذا القبر الملموم الموسد في كنفه الامام المعصوم
المقتول المظلوم ان تكشف ما بي من الغموم وتصرف عني شر القدر
المحتوم وتجيرني من النار ذات السموم اللهم جللني بنعمتك ورضني بقسمك
وتغمدني بجودك وكرمك وباعدني من مكرك ونقمك اللهم اعصمني
من الزلل وسددني في القول والعمل وافسح لي في مدة الاجل واعفني
من الاوجاع والعلل وبلغني بموالي وبفضلك افضل الامل اللهم صل
على محمد وآل محمد واقبل توبتي وارحم عبرتي واقلني عثرتي ونفس كربتي

واغ

وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ
وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمًّا اِلَّا كَشَفْتَهُ
وَلَا رِزْقًا اِلَّا بَسَطْتَهُ وَلَا جَاهًا اِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا فَسَادًا اِلَّا اَصْلَحْتَهُ وَلَا
اَمَلًا اِلَّا بَلَّغْتَهُ وَلَا دُعَاءً اِلَّا اَجَبْتَهُ وَلَا مُضِيقًا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمْلًا
اِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا اَمْرًا اِلَّا اَتْمَمْتَهُ وَلَا مَالًا اِلَّا كَثَّرْتَهُ وَلَا خُلْقًا اِلَّا حَسَّنْتَهُ
وَلَا اِنْفَاقًا اِلَّا اَخْلَفْتَهُ وَلَا حَالًا اِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا حَسُودًا اِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا
عَدُوًّا اِلَّا اَرْدَيْتَهُ وَلَا شَرًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيدًا
اِلَّا اَدْنَيْتَهُ وَلَا شَعْثًا اِلَّا لَمَمْتَهُ وَلَا سُؤَالًا اِلَّا اَعْطَيْتَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
خَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَثَوَابَ الْآجِلَةِ اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ
عَنْ جَمِيعِ الْاَنَامِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَا
فِيًا وَعَمَلًا زَاكِيًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَاَجْرًا جَزِيلًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ
عَلَيَّ وَزِدْ فِي اِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ اِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي
عِنْدَكَ مَرْفُوعًا وَاَثَرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعًا وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَخْيَارِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ وَاكْفِنِي شَرَّ
الْاَشْرَارِ وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْاَوْزَارِ وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ وَاَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ
وَاغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ اِخْوَانِي فِيكَ وَاَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس رو بقبله کن و دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول سوره

ابنیا

انبیاء و در رکعت دوم سورۂ حشر بخوان و در قنوت نماز ابن دعا بخوان لا اله

الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله رب السموات

السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن خلافا لاعدائه و تکذیبا

لمن عدل به و اقرارا لربوبیته و خضوعا لعزته الاول بغیر اول و الاخر الی

غیر اخر الظاهر علی کل شیء بقدرته الباطن دون کل شیء بعلمه و لطفه لا

تقف العقول علی کنه عظمته و لا تدرک الاوهام حقیقة ماهیته و لا

تتصور الانفس معانی کیفیته مطلعا علی الضمائر عارفا بالسرائر یعلم خائنة

الاعین و ما تخفی الصدور اللهم انی اشهدک علی تصدیقی رسولک صلی

الله علیه و اله و ایمانی به و علمی بمنزلته و انی اشهد انه النبی الذی نطقت

الحکمة بفضله و بشرت الانبیاء به و دعت الی الاقرار بما جاء به و حثت علی

تصدیقه بقوله تعالی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التورىة و الانجیل

یامرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و

یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم فصل علی محمد رسولک الی

الثقلین و سید الانبیاء المصطفین و علی اخیه و ابن عمه الذین لم یشرکا

بک طرفة عین ابدا و علی فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین و علی سیدی

شباب اهل الجنة الحسن و الحسین صلوة خالدة الدوام عدد قطر الرهام

و زنة الجبال و الاکام ما اورق السلم و اختلف الضیاء و الظلام و علی

آلِهِ الطّاهِرينَ الأَئِمَّةِ المُهتَدينَ الزّائِدينَ عَنِ الدّينِ عَليٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعفَرٍ وَموسى
وَعَليٍّ وَمُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ وَالحُجَّةِ القَوّامِ بِالقِسطِ وَسُلالَةِ السِّبطِ اللّهُمَّ إِنّي
أَسأَلُكَ بِحَقِّ هذَا الإِمامِ فَرَجاً قَريباً وَصَبراً جَميلاً وَنَصراً عَزيزاً وَغِنىً
عَنِ الخَلقِ وَثَباتاً فِي الهُدى وَالتَّوفيقَ لِما تُحِبُّ وَتَرضى وَرِزقاً واسِعاً
حَلالاً طَيِّباً مَريئاً دارّاً سائِغاً فاضِلاً مُفضِلاً صَبّاً صَبّاً مِن غَيرِ كَدٍّ وَلا
نَكَدٍ وَلا مِنَّةٍ مِن أَحَدٍ وَعافِيَةً مِن كُلِّ بَلاءٍ وَسُقمٍ وَمَرَضٍ وَالشُّكرَ عَلَى العافِيَةِ
وَالنَّعماءِ وَإِذا جاءَ المَوتُ فَاقبِضنا عَلى أَحسَنِ ما يَكونُ لَكَ طاعَةً عَلى ما أَمَرتَنا
مُحافِظينَ حَتّى تُؤَدِّيَنا إِلى جَنّاتِ النَّعيمِ بِرَحمَتِكَ يا أَرحَمَ الرّاحِمينَ اللّهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوحِشني مِنَ الدُّنيا وَآنِسني بِالآخِرَةِ وَإِنَّهُ لا يوحِشُ
مِنَ الدُّنيا إِلّا خَوفُكَ وَلا يُؤنِسُ بِالآخِرَةِ إِلّا رَجاؤُكَ اللّهُمَّ لَكَ الحُجَّةُ لا
عَلَيكَ وَإِلَيكَ المُشتَكى لا مِنكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنّي عَلى نَفسِيَ
الظّالِمَةِ العاصِيَةِ وَشَهوَتِيَ الغالِبَةِ وَاختِم لي بِالعافِيَةِ اللّهُمَّ إِنَّ
استِغفاري إِيّاكَ وَأَنا مُصِرٌّ عَلى ما نَهَيتَ قِلَّةُ حَياءٍ وَتَركِيَ الاستِغفارَ
مَعَ عِلمي بِسَعَةِ حِلمِكَ تَضييعٌ لِحَقِّ الرَّجاءِ اللّهُمَّ إِنَّ ذُنوبي تُؤيِسُني أَن
أَرجوكَ وَإِنَّ عِلمي بِسَعَةِ رَحمَتِكَ يَمنَعُني أَن أَخشاكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَصَدِّق رَجائي لَكَ وَكَذِّب خَوفي مِنكَ وَكُن لي عِندَ أَحسَنِ ظَنّي بِكَ
يا أَكرَمَ الأَكرَمينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدني بِالعِصمَةِ وَأَنطِق

ارني

لِسانی بالحِکمَةِ واجعلنی مِمَّن یندم علی ما ضیّعه فی امسِهِ ولا یغبن حظّه
فی یومِهِ ولا یهمّ لرزقِ غدِهِ اللهمّ انّ الغنیّ من استغنی بک وافتقر الیک
والفقیر من استغنی بخلقک عنک فصلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واغننی
عن خلقک بک واجعلنی ممّن لا یبسط کفّاً الّا الیک اللهمّ انّ الشّقیّ
من قنط وامامه التوبة وورائه الرحمة وان کنت ضعیفاً لعمل
فانّی فی رحمتک قویّ الامل فهب لی ضعف عملی لقوّة املی اللهمّ ان کنت
تعلم انّ ما فی عبادک من هو اقسی قلباً منّی واعظم منّی ذنباً فانّی اعلم
انّه لا مولی اعظم منک طولاً واوسع رحمةً وعفواً فیا من هو اوحد فی
رحمتِهِ اغفر لمن لیس باوحد فی خطیئتِهِ اللهمّ انّک امرتنا فعصینا
ونهیت فما انتهینا وذکّرت فتناسینا وبصّرت فتعامینا وحذّرت
فتعدّینا وما کان ذلک جزاء احسانک الینا وانت اعلم بما اعلنّا و
اخفینا واخبر بما نأتی وما اتینا فصلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ ولا تؤاخذنا
بما اخطأنا ونسینا وهب لنا حقوقک لدینا واتمّ احسانک الینا واسبل
رحمتک علینا اللهمّ انّا نتوسّل الیک بهذا الصدّیق الامام ونسئلک
بالحقّ الّذی جعلته له ولجدّه رسولک ولابویه علیّ وفاطمة اهل بیت
الرّحمة ادرار الرّزق الّذی به قوام حیاتنا وصلاح احوال عیالنا
فانت الکریم الّذی تعطی من سعةٍ وتمنع من قدرةٍ ونحن نسئلک من

الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلَاحاً لِلدُّنْيَا وَبَلَاغاً لِلْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدِينَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ پس رکوع وسجود میکنی
وتشهد میخوانی وسلام میکوئی پس چون تسبیح فاطمه علیها السّلام
بخوانی چهل مرتبه بکو سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
أَكْبَرُ واز خدا سؤال کن که ترا از کناهان نکاه دارد واز عذاب
خود نجات بخشد وتوفیق عمل نیک کرامت فرماید واعمال ترا
قبول نماید وبایست نزد سر قبر ودو رکعت نماز بکن بنحویکه کذشت
پس خود را بضریح بچسبان وببوس وبکو زَادَ اللّٰهُ فِي شَرَفِكُمْ وَ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ ودعا کنی برای خود وپدر
ومادر خود وهر که خواهی مؤلف کوید که این زیارت را با تغییرها
وزیادتیها در مزارات ایراد کرده اند وبسیّد مرتضی نسبة
داده اند واز زیارات مطلقه شمرده اند ودور نیست که بنابر
این در سایر ایام نیز توان خواند این زیارت را

کاتب التماس دعا دارد

والسّلام

بانی این زیارت میگوید دلم خواست که این کتاب شریف را تیمّناً و تبرّکاً
بصلوات ختم نمائیم برای آن آینده و فقره حدیث معتبر را در اینکتاب
ثبت کردیم در کتاب جمال الأسبوع که از تصانیف سیّد ابن طاوس
علیه الرحمه است مذکور است که رسول خدا صلعم فرمود که هر که در شب جمعه دو
رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند
و بعد از نماز بگوید اللّهمّ صلّ علی النّبیّ العربیّ وآله خفقتی گناهان گذشته
و آیندهٔ او را بیامرزد و چنان باشد که گویا دوازده هزار مرتبه قرآن را ختم کرده است و نعمت
او را از گرسنگی و تشنگی روز قیامت نگاه دارد و تمام اندوه و حزن او را برطرف سازد
و او را از ابلیس و لشکریانش نگاه داری کند و هیچ گناهی برای او ننویسد و سکرات مرگ را
بر او آسان گرداند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و خدا عذاب
قبر را از او بردارد و هر چه از خدا سؤال کند باو عطا فرماید و نماز و روزه او را قبول فرماید
و دعای او را مستجاب سازد و ملک موت روح او را قبض نکند تا آنکه رضوان ریحان بهشت
نزد او آورد در بحار هر کس این صلوات را روز جمعه بعد از نماز عصر بخواند
اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِیاءِ المَرْضِیّینَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَبارِكْ
عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکاتِكَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَعَلی أَرْواحِهِمْ وَأَجْسادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ
حاصل شود برای او مثل ثواب ثقلین در آن روز و در حدیث دیگر میفرماید نوشته میشود برای او صد
هزار حسنه و محو میشود از او صد هزار سیئه و برآورده میشود برای او صد هزار حاجت و بلند میشود برای او صد هزار درجه تمت







